



شروع پیدایش جهان هستی

تا تمدن امروز

(نویسنده : حمید آذرمنش)

جلد ۲

## نام کتاب: پیدایش جهان هستی تا تمدن امروز (جلد دوم)

### نویسنده کتاب: حمید آذرمنش

نوع فایل کتاب: پی دی اف

منبع انتشار: <https://citar.ir> و سایت <https://inapply.com> و سایت <https://maintime.ir>

تاریخ انتشار کتاب: 1402/05/03

این کتاب به صورت رایگان در سایت توسط آقای حمید آذرمنش انتشار یافت

در باره حمید آذر: <http://hamidazar.ir>

تماس با نویسنده کتاب:

ایمیل: [applytc@gmail.com](mailto:applytc@gmail.com)

تماس: 09384124146 و 09333885448 در ساعات اداری

شبهه ایپتا : 09904574032

## آفرینش انسان

خداوند متعال فرمود:

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾

ما انسان را از آب نطفه مختلط (بی حس و شعور) خلق کردیم و او را می‌آزماییم و بدین سبب دارای قوای چشم و گوش (و مشاعر و عقل و هوش) گردانیدیم. (2)

[انسان : 2] .

و خداوند متعال فرمود: خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٤﴾ {خدا انسان را از آب نطفه‌ای (بی قدر و ضعیف) بیافرید، آن گاه او (اصل خلقت خود را فراموش کرده و با خالق) آشکارا به خصومت می‌خیزد (4)} [نحل: 4] .

خداوند تبارک و تعالی انسان را به بهترین شکل آفرید و خلقت انسان یکی از بزرگترین شواهد خالق اوست. و در انسان از شگفتی‌هایی که دلالت بر عظمت و قدرت خداوند دارد این است که در ایستادن بر پاره‌ای از آن روزگار می‌گذرد و عقل‌ها از آن چیزی که هست عاجز می‌شود و زبان‌ها از توصیف آن عاجز می‌ماند :

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾

پس انسان مغرور باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟ ( 5 )

از آب نطفه جهنده‌ای خلقت گردیده. ( 6 ) که از میان صلب (پدر) و سینه (مادر)

بیرون آید. ( 7 )

(خدایی که او را از این نا چیز بی جان آفرید و جان بخشید) او البته بر زنده کردنش

دوباره (پس از مرگ) قادر است. ( 8 ) { [الطارق: 5-8].

خداوند سبحان ما را امر فرموده است که در خلقت انسان بیندیشیم و بیندیشیم،

بیندیشیم و بیندیشیم، بیندیشیم و بیندیشیم، چنانکه سبحان الله فرمود: {وَفِي

أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٢١﴾ و هم در نفوس خود شما مردم، آیا نمی‌نگرید؟ ( 21 )

{(21) [ذاریات: 21] .

و اگر انسان به خود فکر می کرد آنچه را که از شگفتی های خلقت خود می داند از

کفر خود امر می کرد، و چرک چون آب به آن بیفزاید گل می شود چنانکه خداوند

متعال فرمود: {وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾

{ و همانا ما آدمی را از گل خالص آفریدیم. (12) } [مؤمنون: 12] . و خشت اگر تغییر

کند و در اثر مجاورت با آب سیاه شود ، گلی می‌شود و له می‌شود . هنگامی که

گل سخت شد و سخت شد، تبدیل به گل می شود که آخرین مرحله خلقت

انسان است، چنانکه سبحان الله فرمود: {خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾}

انسان را خدا از خشک گلی مانند گل کوزه گران (بدین حسن و زیبایی) آفرید  
(14) { [رحمن: 14] .

در مورد نسل انسان، خداوند او را از نطفه ای که آب است آفرید، پس منزه است  
می فرماید: الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ﴿٧﴾ ثُمَّ جَعَلَ  
نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ﴿٨﴾ آن خدایی که هر چیز را به نیکوترین وجه خلقت  
کرد و آدمی را نخست از خاک (پست بدین حسن و کمال) بیافرید. (٧)  
آن گاه خلقت نژاد نوع او را از چکیده‌ای از آب بی‌قدر (و نطفه‌ی بی‌حس) مقرر  
گردانید. (٨) [سجده: 7 و 8]

خداوند متعال مراحل خلقت انسان را از آغاز خلقت تا پایان آنچه بر او خواهد آمد،  
بیان کرده است. { الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ  
مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿١٣﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ  
عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ  
خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ } و همانا ما آدمی را از گل خالص  
آفریدیم. (12) آن‌گاه او را نطفه گردانیده و در جای استوار (صلب و رحم) قرار دادیم.  
(13) آن‌گاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان  
ساختیم و سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم (و پیکری کامل کردیم) پس از  
آن (به دمیدن روح پاک مجرد) خلقتی دیگرش انشا نمودیم آفرین بر (قدرت کامل)  
خدای که بهترین آفرینندگان است. (14) [مؤمنون: 12-14] .

ملائکة: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾ } ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل‌سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش‌افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشت‌خو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود انجام دهند. (6) { [التحریم: 6] .

و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «فرشته در چهل یا چهل و پنج شب پس از نشستن در نطفه بر نطفه وارد می شود و می گوید: پروردگارا! شیطون یا خوشحال؟ پس می نویسد؟ می گوید: پروردگارا! نر یا ماده؟ پس می نویسد و کار و تأثیرش و عمرش و رزقش نوشته می شود، سپس ورق ها تا می شود، نه جمع می کنند و نه کم می کنند.» به روایت مسلم.

و این انسانی را که خداوند او را به بهترین شکل آفرید، و او را بهترین جهانیان قرار داد، خداوند او را آفرید تا جاودانه بماند و هیچ چیز دیگری هلاک نمی شود، مگر آن که خداوند او را استثنا کرده است.

و هر یک از بنی آدم از حالتی به حالت دیگر حرکت می کند و از خانه ای به خانه دیگر می رود، چنانکه سبحان الله می فرماید: لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿١٩﴾ { شما حوال گوناگون و حوادث رنگارنگ (از نخستین خلقت تا مرگ و برزخ و ورود به بهشت و دوزخ) خواهید یافت. ( 19) { [الانشقاق: 19] .

اولین لایه آن نطفه است، سپس لخته، سپس یک توده گوشت، سپس جنین، سپس نوزاد، سپس شیردهی، سپس از شیر گرفته شده، سپس کودک، سپس یک مرد جوان، سپس یک پیرمرد، سپس پیری. به همه حالات بشری. اختلافات مختلف بر سر او.. تا زمانی که بمیرد، سپس زنده شود.. سپس در دست خدا قرار گیرد.. سپس او را مورد بازخواست قرار دهند.. سپس به بهشت یا جهنم برود. به کار او.. اینها شانزده سطح هستند.

در این شرایط، بسیاری از ظروف نصب می شوند:

از حالتی به حالت دیگر می رود، مانند سلامتی و بیماری.. سلامتی و گرفتاری.. ثروت و فقر.. خوشبختی و بدبختی.. و غیره تا جایی که در سرای تصمیم در بهشت یا جهنم مستقر شود.

+++++ تا اینجا ویرایش شد

منزه است کسی که او را آفرید.. این فرمان اوست.. و این توانایی اوست.

و خداوند انسان را در جگر آفرید، چنان که سبحان می فرماید: {لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ} ، که ما انسان را به حقیقت در رنج و مشقت آفریدیم (و به بلا و محنتش آزمودیم). { [البلد: 4] .

فرزند آدم گرفتار بدبختی های دنیا و سختی های آخرت می شود، پس او را جز در سختی ملاقات نخواهی کرد، زیرا انسان با حضور در رحم در سختی آفریده می

شود، سپس در هنگام تولد، در معرض خطر بزرگی قرار می گیرد. وقتی به مقام تکلیف رسید، به رنج زندگی، امر و نهی، امتحان و آزمایش رسید.

سپس ابتلا به مرگ، و آنچه بعد از آن در تنگه است، سپس به وحشت قیامت، سپس عذاب در آتش، و استراحتی برای آن جز در بهشت نیست.

پس باید با ایمان و عمل نیک، کاری کند که او را از این سختی ها رها کند و در بهشت شادی و لذت ابدی به او بدهد.

خداوند انسان را به بهترین شکل آفرید و در آن 9 در(دروازه) قرار داد:

دو در برای شنیدن که دو گوش است. دو در برای بینایی که چشم است. دو در برای دفع بول و مدفوع و دری برای گفتار و نفس و غذا و نوشیدنی که دهان است و دو در برای تنفس که بینی است.

ظهور انسان مانند رویش گیاهی است که از عناصر اولیه آن شکل می گیرد و از عناصر اولیه آن تغذیه می شود، پس گیاهی است از رویش آن چنان که سبحان الله

می فرماید: { وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾ و خدا شما را مانند نباتات مختلف از زمین برویانید ( 17 ) آن گاه بار دیگر (پس از مرگ) به زمین باز گرداند و دیگر بار هم شما را (از خاک به روز حساب) برانگیزد. { [نوح: 17، 18] .



انسان و گیاه هر دو گیاهی از گیاهان زمین هستند و هر دو نوشیدنی و غذای خود را از این مادر شیر می دهند.

همانطور که گیاهان شیرین و تلخ، مفید و مضر، گل و میوه، خار و زهر وجود دارد، در مورد مسلمان و کافر، مطیع و نافرمان، انسان با ایمان و نیکوکار، انسان بدکار نیز همین گونه است. فساد در هر مدت و در برابر هر عمل، و در برابر هر کرسی، چه در بهشت و چه در جهنم، و هر کس به سوی پروردگارش باز می گردد بازخواست خود و آفرینش انسان با این شکل شگفت‌انگیز، با این ویژگی‌های منحصر به فرد و با این شغل‌های دلپذیر فراوان، نشانه‌هایی است که ذهن‌ها را متحیر می‌کند و دل‌ها را متحیر می‌کند، اما به دلیل تکرار طولانی، نزدیک بودن به ما و آشنایی با آنها ساختار ارگانیک یکی از اندام‌های انسان موضوعی است که سر را در شگفتی و حیرت و عبرت می‌چرخاند. در ساختار روانشناختی خود، از ساختار ارگانیک خود پیچیده تر و پیچیده تر است:

{وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ} (۱۶) و ما انسان را خلق کرده‌ایم و از وساوس و اندیشه‌های نفس او کاملاً آگاهیم که ما از رگ گردن او به او نزدیک‌تریم (16) { [قاف: 16] .

این انسان بزرگترین شگفتی در این زمین است، چنانکه سبحان الله می‌فرماید: { و در خود شما نمی‌بینید؟ اما از ارزش خود و اسرار نهفته در وجودش غافل می‌شود، آن گاه که قلبش از ایمان غافل شود و از نعمت یقین محروم شود. آیات

پروردگار تبارک و تعالی در خلقت و خلقتش بصیرت و ذکر است که به وسیله آن از کوری دل به بصیرت می رسد و به وسیله آنها غافلان را یادآوری می کند، پس خلقت خود را بزرگ می دارد. نقطه مقابل علم، یا کوری دل و از بین رفتن آن از طریق بصیرت است، یا غفلت و از بین رفتن آن با ذکر.

و بزرگترین و بهترین چیزی که برای آن اتفاق می کنید، تدبیر در آیات خدا و شگفتی های خلقت او و حرکت از آنها به سوی دلبستگی قلبی به خدا و تسبیح و تقوای اوست. او از هر چیزی منزّه است. از مخلوقاتش، با اتحاد او، ایمان به او، اطاعت از او و پرستش او.

این مرد در شکل گیری جسمانی خود در اسرار این بدن شگفتی است.. و شگفتی در شکل گیری روحی خود در اسرار این روح.

هر جا که انسان از تفکر در شگفتی های خود باز می ماند، با اسرار حیرت انگیز و گیج کننده، ایجاد و توزیع اندام های خود، شکل ها و عملکردهای آن ها، و در هر یک از اعضای بدنش، اما در هر قسمت از بدنش، با سوراخ هایی مواجه می شود که گیج کننده است. ذهن ها، اگر ذهن ها وجود داشت.

شگفت انگیزتر از این اسرار روح او، انرژی های معلوم و ناشناخته اش، درک اشیاء و نحوه درک، حفظ و به خاطر سپردن آنهاست.

این اطلاعات، تصاویر و کلمات در کجا ذخیره می شوند؟ چگونه چاپ شده اند، چگونه احضار و آورده می شوند؟

و چه کسی هزاران بیت و حدیث و کلام و داستان و شعر و... را سروده و در مغز ترکیب کرده است؟ و چه کسی آن را در نظر دارد که پول در خزانه نگهداری می شود..؟

سپس اسرار آن در تولید و تولید مثل، سلولی واحد که تمام ویژگی های نسل بشر را در خود دارد.

تک تک این افراد دنیایی به تنهایی و شخصیتی خاص است که هرگز در طول اعصار تکرار نخواهد شد و در میان همه پسران همنوعش او را نه در ظاهر و ویژگی ها و نه در ذهن و ذهنش برابری نمی کند. ادراکات و نه در روحیه و احساسات او. هر فردی یک مدل خاص است، و یک نسخه منحصر به فرد است که تکرار نمی شود.

چقدر عالی و لذت بخش است آن لحظاتی که آدمی با نگاه پرستنده، جهانگردی که در نمایشگاهی از خلاقیت بهترین آفریدگاران سرگردان است، در چهره آفرینش، ویژگی ها و حرکاتش می اندیشد.

مگر آفریدگار چقدر بزرگ است و خلقت او چقدر بزرگ است.

و چه خطرناک است جهل.. و چه بدتر غفلت.. و چه چیزی از جهل خود منحرف می شود.

چه زمانی انسان به خودش فکر می کند؟

و کی دل از خواب بیدار می شود؟

و چه زمانی بنده به سوی پروردگارش باز می گردد؟

علت خسران دنیا و آخرت، فکر کردن به آنچه نابود کننده و تلاش نابجاست، نشستن بر سفره های شیطان و روی گردانی از سفره های خدای مهربان است. برنده واقعاً از این است که همه کرسی ها را برای دین، اندیشه و زبان، شنوایی و بصر، قلب و عقل، روح و بدن و بقیه اعضا محفوظ نگه دارد :

به نطفه ای که خداوند آفریده نگاه کنید، در هر انزال منی انسان، بیش از صد هزار انسان زنده در آن وجود دارد.

منزه است آن کس که این موجودات را در قطره ای از آب ذلیل و ضعیف و کثیف گرد آورد که اگر ساعتی از آن می گذشت فاسد و بدبو می شد.

و بیندیش که چگونه پروردگار دانا و توانا او را از میان صلیب و دنده بیرون آورد، تسلیم قدرت خود، مطیع اراده او، با تنگی راهها و واگرایی راههایش، تا زمانی که راند. آن را به محل استراحت خود در رحم.

و بیندیش که چگونه خداوند متعال نر و ماده را گرد آورد و بین آنها محبت افکند و چگونه از زنجیر شهوات و محبت آنان را به ملاقات که دلیل پیدایش و تشکیل فرزند است هدایت کرد؟

و چگونه خداوند متعال ملاقات آب مرد و آب زن و ساقه آنها را از اعماق رگها و جوارح مقرر فرموده و آنها را در یک جا جمع کرده است که خداوند برای آنها تصمیم محکمی گرفت که در آن فرزند تربیت شود. ؟

سپس آن منی سفید و روشن را به زالویی قرمز و سیاه تبدیل کرد، سپس آن را به شکل توده ای از گوشت درآورد، برخلاف زالو در وجود و شکلش.

سپس خداوند متعال آنها را استخوان‌هایی برهنه ساخت که هیچ پوششی بر آنها نداشت و از نظر شکل و اندازه از جنین متمایز بود.

پس بنگر که چگونه خداوند تبارک و تعالی آن اجزاء متشابه را به اعصاب و استخوان و رگ و تاندون و اعضا و جوارح و خشک و نرم تقسیم کرده است؟

سپس بیندیش که چگونه خداوند متعال آنها را با محکم ترین و محکم ترین پیوند به یکدیگر پیوند داد؟ و چگونه آن را از گوشتی پوشانید که بر آن سوار شد و آن را ظرف و پوشش و حافظ قرار داد و استخوانها را حامل آن قرار داد و گوشت در آن می ایستد و در آن محفوظ است.

سپس به آفرینش خالق و خالق و خالق و خالق بنگر که چگونه آن را شکل داد و صورتهایش را کامل کرد و شنوایی و بینایی و دهان و بینی و مجرای دیگر را برایش گشود؟

سپس بیندیش که چگونه دستها و پاها را مانند ستون دراز کرد و باز کرد و سرهایشان را با انگشتان تقسیم کرد و سپس با نوک انگشتان آنها را تقسیم کرد و انتهای آنها را ناخن قرار داد؟

سپس بنگر که چگونه خداوند متعال از آن نطفه اندامهای داخلی قلب، معده، کبد، طحال، ریه، رحم، روده، مثانه و کیسه صفرا را آفریده است؟

هر کدام برای خود سرنوشتی دارد، کاری برای خود، سودی برای خود دارد و شکلی برای خود دارد.

پاک و منزّه است آفریدگار دانا: {الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲) وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (۳) آن خدایی که (عالم را) خلق کرد و (همه را) به حد کمال خود رسانید. ( 2 )

آن خدایی که (هر چیز را) قدر و اندازه‌ای داد و (به راه کمالش) هدایت نمود. ( 3 )  
{ [العلا: 2، 3] .

پس به حکمت دانا حکیم بنگر که استخوانها را پایه‌ای برای بدن و ستون آن قرار داده است و چگونه پروردگارش آنها را به اندازه‌ها و شکل‌های مختلف مقرر داشته است: برخی

کوچک و بزرگ. بلند و کوتاه.. و منحنی و گرد.. و توپر و توخالی.. و برخی از آنها را روی برخی دیگر سوار کرده و به یکدیگر متصل کرده است؟

در نظر بگیرید که چگونه شکل آنها با توجه به مزایای آنها متفاوت است، مانند دندان های آسیاب، زمانی که آنها را به عنوان یک ماشین تراش می ساختند، آنها را پهن می کردند و زمانی که دندان ها دستگاه برش بودند، آنها را نوک تیز و نوک تیز می ساختند.

و چون انسان برای درنگ کردن نیاز به حرکت دارد، استخوانهای خود را استخوانی واحد قرار نداد، بلکه چند استخوانی قرار داد و بین آنها مفاصل ایجاد کرد تا حرکت و اندازه و شکل هر يك از آنها آسان شود. مطابق با حرکت مورد نیاز او بود.

سبحان الله اسیران آن مفاصل و جوارح را سفت کرد و با تاندون ها و رباط هایی که از استخوان بیرون می زد به یکدیگر گره زد و برخی از استخوان ها را به صورت نر و ماده در برخی دیگر فرو کرد.

منزه است کسی که این را آفرید، این قدرت اوست، این حکمت اوست، و این ساخته اوست.

و بیندیش که چگونه خدای تعالی سر و تعداد استخوانهای آن را که بیش از پنجاه و پنج استخوان است به شکلها و مقادیر و فواید گوناگون آفرید و چگونه آن را بر بدن نصب کرد و آن را ساخت. به بلندی یک سوار بر کوهش؟.

و چون سر از بدن بالاتر است حواس پنج گانه و همه ابزار ادراک اعم از شنوایی و بینایی و بویایی و چشایی و لامسه را در آن قرار داد.

خدای تعالی حس بینایی را در رأس خود قرار داد تا مانند پيشاهنگ و نگهبان و آشکار کننده بدن از آنچه در اطراف است باشد.

چشم از هفت لایه تشکیل شده است و هر لایه عملکرد خاصی دارد.

سپس منزه است در آن هفت لایه، خلقت شگفت انگیزی قرار داد که چشم انسان به اندازه عدسی است که با آن آنچه را که میان مشرق و مغرب و بین زمین و زمین است می بیند. آسمان.

و سبحان الله چشم را مانند قلب انسان قرار داد که او ملکیت اوست و آن لایه ها و پلک ها و مژه ها بندگان و حجاب ها و نگهبانان او هستند.

تبارک و تعالی خداوند بهترین آفریدگاران.

و به آفرینش عجیب خدا بنگر که چگونه چشمها و شکل و اندازه آنها را اصلاح کرد و پلکها را به عنوان پوشش و حجاب و حفاظ و زینت زینت بخشید. آنها را از گرما و سرما می گیرند و از چشم آسیب و آلودگی و غبار می گیرند.

سپس برای زیبایی و زینت و سایر فواید مژه ها را در لبه پلک ها فرو کرد.

سپس منزه است آن نور زلال و خیره کننده را که بین آسمان و زمین نفوذ می کند به چشم ها سپرد.



پاک و منزه است آن که این راز شگفت انگیز را به این مقدار ناچیز به امانت سپرد تا تصویر آسمان ها و زمین با وجود عظمتشان بر آن نقش شود و چشم توانایی حفظ روزانه نیم میلیون تصویر رنگی را داشته باشد.

منزه است او شنوایی را بر او گشود و گوش را به عنوان بهترین آفریدگار آفرید، پس آن را مانند صدف توخالی ساخت تا صدا را جمع کند و به سوی گوشت هدایت کند و خزیدن حشرات را در آن احساس کند. پس به سرعت آن را بیرون آورد و از شر آن خلاص شد.

و در آن حفره‌ها و کج‌هایی ایجاد کرد که هوا و صدای ورودی را نگه می‌دارد و تیزی آن را می‌شکند و سپس آن را به سمت گوشت هدایت می‌کند.

حکیم دانا آب گوش را به شدت تلخ کرد، پس حیوان آن را به گوش باطن نمی‌رساند، ولی اگر به آن رسید، ترفند می‌کنم تا آن را از آن پس بگیرم.

آب دهان را شیرین و شیرین ساخت تا مزه اشیاء را به وسیله آن دریافت که اگر در این حد نبود، آن را به طبیعت خود باز می‌گرداند.

سبحان الله آب چشم را شور کرد تا آن را حفظ کند، چنانکه چربی است که در معرض فساد است، پس شوری آب آن برای حفظ و نگهداری آن بود.

منزه است کسی که این آب را آفرید.

و سبحان الله نی بینی را در صورت برافراشت و شکل و حالت آن را کامل کرد و سوراخ های بینی را در آن باز کرد و با مانعی جدا کرد و بویایی را در آن نهاد که به وسیله آن حس را درک می کند. انواع بوی خوب و بد، مفید و مضر.

منزه است که آن را صاف کرد تا بو نگیرد، دهانی که مواد زائد مغز به آن نازل می شود و در آن جمع می شود و سپس از آن خارج می شود و بالا را از پایین ریزتر قرار داد، زیرا ته آن ضایعات را جمع می کند و پهن بود تا به راحتی بیرون بیایند و چون پری خود را از هوا می گیرد و در مسیر خود کم کم بالا می رود تا آرام به قلب برسد.

آنگاه از روی حکمت و رحمت، دو سوراخ بینی را با حائلی در میان آنها جدا کرد، زیرا آن مجرای نفس و شیب مدفوع سر است، پس یکی از آنها برای نفس غالب است و دیگری برای نفس. زیرا مدفوع یا فضولات در آنها جاری می شود و شکافته می شود، بنابراین بینی به کلی خراب نمی شود، بلکه یک ورودی برای نفس در آن باقی می ماند و شاید یکی از آنها مجروح شود و دومی باقی بماند و کار خود را انجام دهد.

حکمت کثرت آنها را مانند گوش و چشم اقتضا کرد: {ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾} آن گاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختم و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم (و

پیکری کامل کردیم) پس از آن (به دمیدن روح پاک مجرد) خلقتی دیگرش انشا نمودیم آفرین بر (قدرت کامل) خدای که بهترین آفرینندگان است. { [مؤمنان: 14].

سبحان اوست که دهان بنده را در بهترین و مناسب ترین مکان برای او گشود و فواید و آلات ذوق و بریدن و ساییدن و گفتار را در آن به امانت گذاشت که شگفتی های آن ذهن ها را خیره می کند.

پس آن را به زبان سپرد که از نشانه های اوست که او را هدایت می کند، و آن را مفسر پادشاهی جوارح، که قلب است، روشنگر و ناقل از آن قرار داد، همان گونه که گوش را رسولی قرار داد که هدایت کننده است. به آن علوم و اخبار است و چشم فرستاده ای است که چیزهای آشکار و آشکار را به سوی او می رساند و زبان فرستاده او و فرستاده اوست که آنچه را که بخواهد برای او هدایت می کند. و بنگر به حکمت آن عزیز دانا که زبان را مانند گوش و بینی محفوظ و محفوظ و پنهان و نامعلوم قرار داد، زیرا وقتی این اعضاء از بیرون به آن منتهی شوند برجسته می گردند و قابل رویت.

و چون زبان از دل به بیرون منتهی می شود، آن را پنهان کرد زیرا نشان دادن آن فایده ای ندارد.

همچنین از آنجایی که زبان بعد از قلب شریف ترین اندام است و مقام آن مفسر و وزیر آن است، دو غرفه برای پوشاندن و حفظ آن بر روی آن زدند که یکی از آن ها

دندان و دیگری غرفه است. لب، و او در آن غرفه مانند قلب در سینه ساخته شده است.

همچنین یکی از لطیف ترین و نرم ترین و مرطوب ترین اندام هاست و جز از طریق رطوبت اطراف آن عمل نمی کند.

سپس منزه است دهان را آراسته و با دندانها آراسته و آنها را سفید و خط دار کرد که بر زیبایی آن افزوده و بدن و غذای بنده را با آنها قرار داد.

برخی از آنها را دستگاہ برش، برخی را دستگاہ شکستن و برخی را دستگاہ سنگ زنی ساخت.

و او سبحان، اصل آن را معین کرد، سرهایش را تعیین کرد، رنگش را سفید کرد و ردیف هایش را چنان چید که گویا مروارید کامل، سفید، پاک و زیباست.

دور دندانها را با دو جداره که لبها هستند احاطه کرد، پس شکل و رنگ آنها را اصلاح کرد و دهان را پوشانده و بر طبق آن قرار داد و تکمیلی برای خروج حروف و پایان آن قرار داد، همچنان که بیرونی حلق را آغاز و زبان را میان آن قرار داد و به همین دلیل بیشترین کار در آن برای او بود زیرا او واسطه است.

پاک و منزه است لبها را گوشتی پاک و بدون استخوان قرار داد تا انسان بتواند از آنها نوشیدنی بمکد و باز و بسته کردن آنها برای او آسان باشد.

سبحان الله فك پایین را برای حرکت اختصاص داد، زیرا حرکت سبکتر آسانتر و بهتر است، زیرا سر شامل اعضاء شریف است، لذا در حرکت خطر نکرد.

سبحان اوست که گلوها را به اشکال مختلف در تنگی و وسعت، نرمی و درشتی، سختی و رطوبت، درازی و کوتاهی آفرید، پس صداها در بیشترین اختلاف با هم تفاوت داشتند.

خداوند تبارک و تعالی سر را به دلیل نیازش به مو آراست و برای او جامه قرار داد و با موهایی که در آن به اشکال و اندازه های مختلف جوانه می زد، صورت را آراست. پس او را به ابروها آراست و از آنچه از پوست سر به چشم می چرخد محافظی قرار داد و پلک های چشم را به مژه ها آراست و صورت را به ریش آراست و آن را کامل و متین ساخت. ، و برای مرد محترم است.

و لبها را با آنچه در بالای سبیل روییده و زیر گردنهای است، تزئین کنید.

منزه است دستها را آفرید که ابزار و سلاح بنده و سرمایه معاش اوست.

پس طول آنها به اندازه ای است که از بدنش به هر چه بخواهد می رسند و به پهنای کف دست می رسند تا بگیرد و دراز کند و پنج انگشت را در آن تقسیم کرد و هر انگشت را به سه نوک انگشت و شست تقسیم کرد. توسط دو.

و چهار انگشت را در یک طرف، و شست را در طرف دیگر، به طوری که شست بر همه بچرخد، زیرا در میان رعایا در مقام شبان و در میان جماعت، امام است.

پس دست در چیدمان حکیم دانا به بهترین حالت آمد و برای گرفتن و گسترده و انجام اعمال گوناگون مناسب بود.

اگر می خواهی، آن را چکش، یا کفگیر، یا گیرنده، یا دهنده، یا کشنده، یا هل دهنده، یا برای بستن، یا برای شل کردن، یا برای نوشتن، یا برای بلند کردن، یا برای کشیدن، یا برای ذبح، یا برای جاروب کردن، یا برای مسح کردن، یا برای شانه کردن، یا برای خوردن، یا غیر از فوایدی که فقط خلق کننده آنها حساب می کند، پس خوشا به حال کسی که این منافع و دیگران را به ودیعه گذاشته است.

او سبحان الله میخ هایی بر سرشان نصب کرد تا آنها را آراسته و حمایت کند و از آنها محافظت کند و چیزهای ظریفی را که بدن انگشتان به آنها نمی رسد با آنها تصرف کند.

منزه است که استخوانهای پایین بدن را ضخیم و محکم کرد، زیرا پایه آن است و استخوانهای بالایی از نظر ضخامت و سختی از آنها پستتر است، زیرا قابل حمل است.

سپس بیندیش که چگونه خداوند گردن را مرکب برای سر قرار داد و آن را از هفت مهره گرد و توخالی تشکیل داد و سپس مقداری از آنها را به یکدیگر مالید تا اینکه یک مهره بود، سپس گردن را بر پشت نصب کرد. و سینه

سپس پشت را از بالا تا انتهای استخوان خاجی بیست و چهار مهره سوار کرد و یکی بر دیگری سوار شد که مجموعه دنده های اوست که آن را نگه می دارد تا شل یا جدا شود.

سپس حکیم متخصص آن استخوان ها را به یکدیگر متصل کرد، پس استخوان های سر را به استخوان های گردن، استخوان های گردن را به استخوان های پشت، استخوان های پشت را به استخوان های سینه وصل کرد، ، استخوان های شانه ها به استخوان های بازوها، بازوها به ساعد، ساعد به دست ها و کف دست ها به انگشتان دست.

و استخوانهای پشت را با خاجی وصل کرد و استخوانهای خاجی را با رانها و رانها را با ساق پا و ساق پاها را با انگشتان وصل کرد پس رحمت الله علیه. بهترین سازندگان

پس در حکمت حلیم دانا بیندیش که چگونه استخوانهای پهن مانند استخوانهای پشت و سر را با پوششی از گوشت که مناسب آنهاست و استخوانهای ظریف را با پوششی مناسب پوشانده است. مانند انگشتان دست و وسط و همچنین استخوان های بازوها و بالای بازوها.

انسان از سیصد و شصت استخوان تشکیل شده است، پس اگر یک استخوان کم یا زیاد شود، ساختمان و دستگاه بدن مختل می شود و حرکت انسان مختل می شود.

سپس سبحان آن اعضاء و اجزاء را با بندها بست و اسیرانشان را با آنها محکم کرد تا آنها را نگه دارد تا این که تعداد آنها به پانصد و بیست و نه نوار رسید و طول و کوتاهی آنها متفاوت است. درشتی و دقت، با توجه به تفاوت در مکان های آنها. پس بیست و چهار رباط آن را وسیله ای قرار داد تا چشم را به حرکت درآورد و باز کند و به آن بپیوندد و ببیند و اگر یک رباط از آن مفقود می شد چشم به هم می خورد.

بنابراین، هر یک از اعضا دارای پیوندهایی است و برای او مانند آلاتی است که به وسیله آنها حرکت می کند و عمل می کند.

و این همه کار پروردگار حکیم و قدردانی از خداوند متعال در قطره ای از آب خوار کننده است، پس وای بر تکذیب کنندگان و دور از تکذیب کنندگان و مبارک باد خداوند بهترین سازندگان.

از عجایب آفرینش او این است که سه خزانه در سر و جلو و وسط و پشتش ساخت و در آن خزانه های اسرار خود آنچه را که در آن به یادگار گذاشت و اندیشید وقف کرد. ، استدلال و حفظ کردن.

از شگفتی های خلقت انسان، باطن هایی است که دیده نمی شود، مانند قلب، جگر، طحال، روده، ریه، معده، مثانه، کیسه صفرا و بقیه اعضای شگفت انگیز معده.



در مورد قلب، این پادشاه است که از تمام مکانیسم های بدن که برای آن استفاده می شود استفاده می کند.

سرچشمه عقل و معرفت، بردباری و شجاعت، جوانمردی و سخاوت، صبر و محبت، قناعت و خشم و همه صفات کمال است.

و جمیع اندامهای ظاهری و باطنی و نیروی آنها جز لشکرهای دل نیستند:  
چشم پیشتاز و پیشرو آن است که چیزهای مشهود را بر او آشکار می کند.  
و گوش، فرستاده اوست که بر همه چیز شنیده می شود.  
و زبان توسط خبر دهنده ترجمه می شود.

و خداوند سبحان ریه ها را مانند بادبزی قرار داد که همیشه بر آن باد می زند، زیرا کارآمدترین اندام، و داغ ترین اندام است.

این مخلوق خداوند در یک قطره آب ذلیل است. خداوند چند قطره در جهان آفرید و چند موجود زنده در این قطره آفرید؟

این در دنیای انسان است.. چقدر شگفتی در خلقت حیوانات.. پرندهگان و خزندگان.. حشرات.. و موجودات دیگر..؟

پاك و منزه است خالق دانا که آفرینش این نطفه را بر عهده گرفت و از آن انسانی عادی شنوای و بینا قرار داد: {این الله پروردگار شماست خالق هر چیز، معبودی جز

این نیست. او \_

پس بزرگترین قدرت خداوند چیست و بزرگترین کار او در این نطفه چیست، چگونه آن را انسان ساخت و بشریت را از آن بر روی زمین پراکنده کرد؟

پس این عظمت او کیست و این لطف او و این خلقت اوست، چگونه انسان او را نپرستد و اطاعت نکند، در حالی که اوست که او را آفرید و او را مد کرد و شنوایی و بینایی او را آفرید؟

آیا این شخص از روزی نمی ترسد که اخم کند و اخم کند: {يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۵۲)} در آن روز ستمکاران را (پشیمانی و عذرخواهی سود ندهد و بر آنها خشم و لعن و منزلگاه بد (جهنم) مهیاست. {  
[غافر: 52].

اگر انسان به غذای خود، در ورودی، محل سکونت و خروجی خود نگاه کند، در آن عبرت و شگفتی می بیند:

چگونه خداوند برای او دستگاهی ساخته که با آن غذا می خورد، سپس دری که از آن وارد می شود. سپس ماشینی که آن را خرد می کند، سپس آسیابی که آن را آسیاب می کند، سپس با آبی که آن را خمیر می کند سرچشمه می گیرد، سپس برای او نهر و راهی به سوی آن قرار می دهد، سمت روح، این فرود می آید و این بالا می رود.

چون به شکم که گاوصندوق اوست رسید، دو در دارد، یک در بالا که غذا از آن وارد می شود و در پائینی که خاکش از آن خارج می شود.

درب بالایی نسبت به در پائینی عریضتر است و در پائینی همیشه قابل اجراست. وقتی هضم تمام شد آن در برای دفع فضولات باز می شود.

و خداوند شکم را از درون و بیرون با حرارتی شعله ور احاطه کرد، شاید بیش از حرارت آتش، که به وسیله آن غذا در آن پخته می شود، همچنان که غذا در دیگ با آتش پخته می شود.

اگر معده آن را آب کند و بپزد خلوص آن بالا می رود و کدورتش به سمت پایین می نشیند و از معده رگه هایی متصل به بقیه بدن است که سهم هر عضو و قامتش بر اساس آن در آن فرستاده می شود. آمادگی و پذیرش آن او مهربان ترین، سبک ترین و شریف ترین غذایی را که برای ارواح متولد می شود می فرستد. آنچه را که از نظر ملایمت و اعتدال مناسب است به مغز ساطع می کند. به استخوان ها، موها و ناخن ها می ریزد که آنها را تغذیه و حفظ می کند. و از بقیه برای بقیه اعضا هرکدام به تناسب خود می فرستیم.

و چون غذا در معده به خون و تلخی سیاه و تلخی زرد و بلغمی تبدیل می شود، حکمت خدای تعالی بر این امر لازم است که برای هر یک از این مخلوط ها

زهکشی در آن ریخته و در آن جمع کنند. به دستگاههای شریف جز کاملترین آن فرستاده نمی شود.

پس سبحان الله کیسه صفرا را مصب تلخی زرد قرار داد... و طحال را جایگاه تلخی سیاه قرار داد... و جگر شریف ترین چیز را در آن جذب می کند که خون است. در قالب منزه است پادشاه، حق، صاحب قدرت، پادشاهی، غرور و عظمت. و اگر این کار را در یک قطره آب خوارکننده انجام داد، چگونه در ملکوت آسمانها و زمین انجام داد؟

و کرسی و تخت بزرگ او چگونه؟

و بهشتی که او آفرید چقدر بزرگ است؟ .. و آتشی که قیمت آن را می دهد؟

چگونه اعلیحضرت و جناب عالی آن را تجلیل کردید ؟

یکی از شگفتی های خلقت انسان این است که خداوند از حواس پنج گانه که ابزار ادراک است در او آفرید و آنها را در حکمت خود مرتب کرد:

اولین آنها حس لامسه است و آن اولین حسی که برای حیوانات ایجاد می شود و کمترین درجه آن حس کردن چیزی است که به آن می چسبد. از دور می توانید عطر را استشمام کنید.

اما تو نمی دانی که بو از کدام سمت آمده است، پس خداوند بینایی را برای تو آفرید تا آنچه را که از تو دور است، درک کنی و جهت آن را بفهمی و با چشم خود

آن را هدف بگیری، جز این که اگر چنین کرد. جز این برای شما نیافرید، ناقص خواهید بود، زیرا به آنچه پشت دیوار و پرده است نمی‌فهمید، زیرا ممکن است دشمنی بین شما و او بیاید. حجاب آشکار شد، تا نتوانی فرار کنی. پس خداوند سبحان شنوایی را آفرید تا صداهای پشت حجره‌ها در آن هنگام که حرکات جاری است درک شود.

و این کافی نیست اگر برای شما حس چشایی ایجاد نمی‌کرد که از طریق آن یاد می‌گیرید که چه چیزی برای شما مناسب است و چه چیزهایی به شما آسیب می‌رساند و از طریق آن مزه‌ها و شرایط آنها مانند شیرین و ترش، تلخ و شور را یاد می‌گیرید. گرم و سرد.

سپس خداوند تبارک و تعالی تو را به صفت دیگری که از همه ارجمندتر است، مفتخر ساخت و آن عقلی است که به وسیله آن معرفت خدا، شناخت اسماء و صفات او، عظمت و قدرت او، نعمتها و نعمتهای او را درک می‌کنی. خیرخواهی، و اینها بالاترین فواید ذهن هستند.

و پایین‌ترین آنها چیزی است که در مورد غذاها و فواید آنها و آنچه به شما سود و زیان می‌رساند.

پس به حکمت خداوند در ایجاد توانایی و اراده در انسان بنگر، اگر بینایی را برای تو آفرید تا با آن غذا را ببینی و در طبیعت برای تو اشتیاق به آن و شهوتی که شما را ترغیب می کند که آن را هدف بگیرید، دید بیکار خواهد بود.

چه بسیار بیمارانی که غذا را می بینند که سودمندترین چیز برایشان است و به دلیل سقوط شهوت قادر به خوردن آن نیستند، پس خداوند رحمان شهوت غذا را برای شما آفرید و آن را بر شما قدرت داد.

پس این شهوت اگر در خوردن مقدار غذا فروکش نمی کرد، اسراف می کرد و خود را هلاک می کرد، پس خدای دانا در هنگام سیری، بغض ایجاد کرد تا با آن دست از غذا نخوری.

و همچنین برای شما شهوت آمیزش ایجاد می کند تا حکمت بقای نسل را داشته باشید.

و خداوند متعال هر حیوانی را آفرید و به آن روزی داد و رزق و اجل دو همدم است، پس تا اجل باقی است رزق در راه است.

و هنگامی که خداوند به حکمت خود راهی بر بنده رزق می بندد به رحمت خود راه سودمندتری برای او می گشاید.

پس به جنین در شکم مادرش بنگرید که غذای او که خون است از یک طرف به او می رسد که همان بند ناف است.

هنگامی که از شکم مادر بیرون آمد و آن راه قطع شد، خداوند دو راه به روی او گشود، یعنی سینه ها، و برای او روزی بهتر و لذیذتر از اولین شیر پاک و گوارا مناسب او قرار داد. وضعیت.

هنگامی که دوران شیردهی به پایان رسید و دو راه با از شیر گرفتن قطع شد، پروردگار بزرگوار چهار راه را برای او باز کرد که برای او مناسبتر بود و آن دو غذا و دو نوشیدنی است.

پس آن دو غذا گیاهی و حیوانی است و آن دو نوشیدنی آب است و آنچه مربوط به آن است از شیر و عسل و امثال آن فواید و پناهگاه.

اگر کسی بمیرد، این چهار نفر از او قطع می‌شود، ولی خداوند سبحان هشت راه را در صورت خوشحالی به روی او می‌گشاید که درهای هشت گانه بهشت است، هیچ آسایشی به عنوان پاداش بر آنها پوشیده نیست. آنچه می‌کردند { فَلَا تَعْلَمُ

نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾ پس هیچ کس

نمی‌داند که به پاداش نیکوکاریشان چه نعمت و لذت‌های بی‌نهایت که

روشنی‌بخش (دل و) دیده است در عالم غیب برایشان ذخیره شده است. {

[السجده: 17].

چه سعادت‌ی بالاتر از این.. و چه سخاوت پروردگارش بر او بالاتر از این؟

پروردگار جل جلاله از این دنیا برای بنده مؤمنش دریغ نمی‌کند، جز اینکه آنچه را که برای او بهتر و سودمندتر است به او می‌دهد و آن برای کافر نیست.

او سبحان او را از ثروت پایین باز می‌دارد و به آن راضی نمی‌شود تا ثروت بالاتر را به او بدهد.

ولی بنده به سبب جهل به پروردگارش و جهل به سخاوت و جهل به خرد و مهربانی و جهل به مصلحت خویش، تنافی بین آنچه را که از آن منع شده و آنچه را ذخیره کرده است، نمی‌داند. برای او

و اگر بنده بیندیشد و بیندیشد، می‌داند که فضل خدا بر او در آنچه او را از دنیا و خوشی‌هایش باز داشته است، بیشتر از فضل اوست در آنچه از آن به او داده است.

خداوند متعال در انسان دو نیرو قرار داد: شهوت و غضب.

و این دو قوه در مقام صفات ذاتی او هستند که از آنها جدا نمی‌شود و به واسطه آنها بلاها و بلاها رخ می‌دهد و بنده به وسیله آنها به خانه‌های صالحان می‌رسد یا زیر پای فاسقان در میانه فرود می‌آید. پایین پایین

پس هر کس بخواهد به سوی آنچه خداوند در سرای سعادت برای او آماده کرده است هدایت می‌شود.



و هر کس شهوتش را صرف هوی و هوس و هوس های عاجل کند و خشمش محدود به اقبال او باشد حتی اگر حرام و حدود و شریعت الهی زیر پا گذاشته شود و مورد توجه و احترام و قدردانی و نفوذ قرار گیرد. کلمه .. پس او در انتهای حرامزاده است.

خداوند این دو نوع را در یک خانه جمع نمی کند.

اول: او با شهوت و غضب خود به درجات عالی صعود کرد، پس در بهشت است.

و دوم: آنها را به قعر دو حرام فرود آورد، پس در آتش است.

منزه است کسی که این انسان را از خاک آفرید و نسل او را از آب ناپسند آفرید و آفرینش خود را از این آب به فرشتگانی سپرد که فرمان او را در آن اجرا می کنند.

این نطفه به محض اینکه در رحم ته نشین شد به دستور خداوند مورد عنایت

فرشتگان قرار می گیرد سپس به سلول تقسیم می شود و خداوند به آنها الهام

می کند چه می کنند و چه می خواهند؟

هر یک از این سلول ها به فرمان خدا موکل شده اند که یکی از ستون های این

معماری عظیم، یعنی معماری بدن شگفت انگیز انسان را بسازند:

گروهی به فرمان خدا عازم ساختن اسکلت می شوند و برخی دیگر دستگاه

گوارش را می سازند. سیستم، و دیگران سیستم عصبی را می سازند، و دیگران

سیستم خون را می‌سازند، و دیگران سیستم تولید مثل را می‌سازند و دیگری سیستم تنفسی را می‌سازند.. تا آخرین ستون‌های دیگر در معماری انسان. این معماری با دقت ساخته شده است و در ترکیب بندی شگفت انگیز است و دارای عملکردهای متنوعی است و هر سلول دستور دارد نوع خاصی از کار را در گوشه ساختمان اختصاص داده شده انجام دهد.

پادشاه به او فرمان می‌دهد، پس او به فرمان خدا به راه می‌افتد، راهش را می‌داند، می‌داند به کجا می‌رود و چه چیزی از او می‌خواهد، و حتی یک نفر از آنها غافل نمی‌شود..؟

سلول‌هایی که برای ایجاد چشم تعیین شده است می‌دانند که در کجا قرار دارد و می‌دانند که چشم باید در صورت باشد و جایز نیست که در شکم و پشت و پا باشد هر چند در هر جایی رشد کند.

پس هر که را دیدی به او گفت که این دستگاه فقط در این مکان نیاز به چشم دارد. اوست اعلی و بلند مرتبه که او را آفرید و به راهش در هزارتویی که راهنمایی جز خدا در آن نیست، هدایت کرد.

و همان گونه که خداوند ذخایری را در زمین قرار داد و با تلاش بر روی آن، این رسوبات ظاهر می‌شود و به نفع مردم است، مانند آب، آهن و سایر مواد معدنی.

همین طور خداوند امانت هایی را در وجود انسان قرار داده است، پس اگر با روش شناسی صحیح برای آن تلاش کنیم، این سپرده ها ظاهر می شود و خدمت دین می شود.

همه اعضای انسان برای عبادت، خدمت به دین و انجام دین آفریده شده است. چشم آمادگی دیدن را دارد.. گوش آمادگی شنیدن را دارد.. قلب آمادگی باور کردن را دارد.. و ذهن آمادگی تفکر را دارد. زبان آمادگی حرف زدن را دارد.. دست آمادگی ضربه زدن به دشمنان را دارد.. مرد آمادگی راه رفتن، ضربه زدن و دویدن و... را با بقیه اعضا دارد.

پس کجاست کسی که به فرمان خدا از آن بهره مند شد؟

و خداوند زبان را آفرید و در آن آمادگی گفتار قرار داد که صدا از هوای ساده لوحی که از سینه بیرون می آید تا به حلق و زبان و لب و دندان می رسد که از آن نطق و صدا می رسد.

انشاء و نثر او.. خطبه و خطبه.. نرم و درشت.. خنده و گریه.. تشویق و ارباب.. پرسش و پاسخ.. انذار و بشارت و ندا و دعا.. حمد و نکوهش.. تسبیح و استغفار. و غیر آن که نمی توان به انواع الفاظ اکتفا کرد. به زبان انشاءالله.

منزه است خدای متعال که این همه را از هوای ساده لوحانه ای که از سینه بیرون می آید آورد و نمی داند مقصودش چیست و پایانش کجاست و کجا آرام می گیرد،

زیرا دریای است هوایی که خداوند آن را به دریایی از کلمات و جملاتی تبدیل می کند که دارای معانی هستند.

من از تفاوت زبان ها، زبان ها و صداها شگفت زده شده ام.

گروهی از کشورهای مختلف جمع می شوند و هر کدام به زبان خود صحبت می کنند و هر کدام نمی دانند دیگری چه می گوید، اگرچه هوا یکی است، زبان یکی است، گلو یکی است، دندان های آسیاب یکی است. یکی و لبها یکی است، در آن نشانه ای است.

پس زبان مانند زمین است که با یک آب سیراب می شود و از درختان و گلها و غلات و میوه ها گیاهانی با شکل و رنگ و مزه و اندازه های مختلف بیرون می آیند هر چند خاک یکی باشد و آب. یکی هست. { وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَعَيْرٌ صِنْوَانٌ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَّضَلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾ } و در زمین قطعاتی مجاور و متصل است (که آثار هر قطعه مابین قطعه دیگر است) زمینی برای تاکستان و باغ انگور قابل است، و یک جا برای زراعت غلات، و زمینی برای نخلستان آن هم نخل های گوناگون که همه با یک آب مشروب می شوند ولی ما بعضی را در نوع میوه بر بعضی برتری می دهیم، و این امور عاقلان را ادله واضحی (بر حکمت صانع) است. { [الرعد: 4]

و عجب دیگر در خلقت این انسان:

این فرآیند تبدیل غذای بدن به خون و تغذیه هر سلول با مواد مورد نیاز آن از مواد این خون است.

این یک فرآیند بسیار شگفت انگیز است و به قدرت و برنامه خداوند در هر ثانیه در بدن اتفاق می افتد، همانطور که فرآیند احتراق اتفاق می افتد، همانطور که فرآیند تنفس انجام می شود.

در هر لحظه فرآیندهای مستمر تخریب و ساخت و ساز در بدن انسان رخ می دهد که تا زمانی که روح از بدن خارج نشود متوقف نمی شود.

انسان در برابر این مخلوقات بزرگ و این فرآیندهای شگفت انگیز چاره ای ندارد جز اینکه بگذارد ذره ذره او در ستایش خالق این هستی و انسان بخواند.

و خداوند سبحان انسان را آفرید و ابزار علم و دانش را در اختیار او قرار داد و رسولانی را به سوی او فرستاد و کتابهایی را بر او نازل کرد. چه نعمتی

بالتر از این نعمت هاست ؟ اولین و بزرگترین شکر ایمان به خدای یگانه و عبادت و

اطاعت از او و دعوت به سوی او و نیکی به خلق اوست. جز اینکه چقدر لطف

خداوند نسبت به انسان در خلقتش.. و سیمای اخلاقی نیکو.. و سیمای عاطفی

نیکوی اوست.. زیرا انسان از نظر ترکیب جسمانی کاملترین موجود روی زمین

است، همچنان که والاترین است. از نظر شکل گیری عاطفی.. و آمادگی روحی او.

سپس خلافت در زمین به او سپرده شد و در این پادشاهی وسیع، تا روز قیامت، خلیفه ای مستقر شد.

خداوند متعال انسان را از نطفه آفرید و مراحل را طی کرد:

مرحله اول: در رحم مادر و مدت آن نه ماه است و حکمت حضور او در این مدت دو چیز است: تکمیل اعضاء داخلی و خارجی. .

مرحله دوم: در بطن دنیا و مدت آن از روز ولادت تا مرگ و حکمت حضور او در دنیا دو چیز است: کمال ایمان و عمل صالح.

مرحله سوم: در قبر و مدت آن از مرگ تا قیام قیامت و حکمت حضور او در قبر در انتظار ظهور قیامت و در این مدت یا در عذاب است یا در سعادت. بر حسب کارش دفن شده یا نه.

مرحله چهارم: در سرای تصمیم در بهشت یا جهنم و مدت آن از ورود به بهشت یا جهنم تا ابدیت است و حکمت رسیدن به این سرا، رسیدن به کمال سعادت است، لذت دیدن پروردگارش اگر مؤمن باشد. و ابدیت در بهشت. اما کافر به کمال می رسد و جزا پاداش کار او در دنیا است و تا ابد در جهنم می ماند. و خداوند حکیم و داناست.

و انسان با ضعف و نادانی خود عجول است و با عجله خود مجادله کننده ترین کارها و با استدلال های خود خصمانه و بخیل و مضطرب است.

و بالاتر از آن ستمگر و جاهل بود و از آن مغرور و مغرور و از آن ناسپاس بود: { وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ و مشرکان برای خدا چیزی را (مانند فرشته) که بنده و مخلوق اوست جزء (وجود و فرزند واقعی او) قرار دادند (زهی جهل و کفر و سفاهت) که انسان بسیار ناسپاس و کفرش آشکار است } [زخرف: 15] .

اگر بدهد شکر نمی کند.. و اگر گرفتار شود صبر نمی کند.. و اگر بدی کند استغفار نمی کند: «ای بندگان من! همه شما گمشده اید مگر کسی که من او را هدایت کرده ام، پس از من هدایت بجوئید تا شما را هدایت کنم.» از مسلم روایت شده است.

انسان به وحی نیاز دارد، به دین نیاز دارد و به سرمشق نیکو نیاز دارد و به همین دلیل است که خداوند بهترین مردم را که پیامبران هستند، فرستاد تا از آنها الگو بگیرد.

هر کس از آنها پیروی کند و از هدایت آنها پیروی کند در دنیا و آخرت رستگار و رستگار می شود.

و هر کس با آنها مخالفت کند و به هوس او راه برود گمراه می شود و در دنیا و آخرت زیان می کند.

منزه است آن دانا و حکیم و شنوا و بینا که انسان را آفرید و پرورش داد و در حالی که جنین در شکم مادرش بود بزرگ کرد و در مکانی کوچک قرار داد. ، نه دستی به او می رسد و نه بینایی به او می رسد.

منزه است آن کس که از مادر خون گرفت، همانطور که گیاه از آب تغذیه می کند، از آن تغذیه می کند، سپس به تدریج رشد می کند تا به یک انسان عادی تبدیل شود.

منزه است کسی که آن خون را پس از تولد به شیر پاک تبدیل کرد. حتی زمانی که شخصیتت به کمال رسید، بدنت برای لمس هوا نیرومند می شود، دیدت برای دیدار با نور آماده می شود، و استخوان هایت برای لمس دست ها سخت می شود، طلاق مادرت به فرمان خدای توانا و حکیم برآشفته می شود. سفارشات برای خروج شما آمده است

پس از ظلمت به سوی نور بیرون آمدی.. و از سرای امن به عالم بلا.. در حالی که رحم با بار تو شادی کرد.. از سنگینی تو نزد پروردگارت متورم شد.

منزه است کسی که در را به روی تو گشود تا وارد شدی.. سپس تو را در آغوش گرفت و در آن نگه داشت تا آن که کامل کنی.. سپس در را به روی تو گشود و آن را گشاد کرد تا در یک چشمک زدن از آن بیرون آمدی. چشم .. پریشانی او تو را خفه نکرد .. و سختی راهش تو را عقب نماند .



منزه است آن کس که شیری را که در شکم مادرت می خوردی در دو مخزن آویخته بر سینه او تخلیه کرد.

خوشا به حال سخاوتمند مهربان که آن را آفرید و پاک کرد و آن را خوش طعم و رنگش را خوب و پختنش را کامل کرد و نه گرم و نه سرد تلخ و نه تلخ و نه شور و نه مزه ناخوشایند دارد بو، بلکه بهترین آن چیزی است که هست.

و آن را به تناسب حال تو در بالاترین مکان قرار داد، پس اگر شیر می خواهی، به اذن پروردگارش سینه خود را به سوی تو بگردان و برای سهولت دسترسی به تو، خداوند نوک سینه ای در بالای شیر قرار داد. سینه ای که به اندازه ی کوچکی دهان تو باشد تا تنگ نشود و از چنگ زدن به آن خسته نگردد: { تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ } (۶) اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟ { [الجاثیه: 6] .

سپس سبحان الله در سر نوک پستان سوراخ کوچکی ایجاد کرد که مناسب حال تو باشد، آن را بزرگ نکرد تا در شیر خفه شوی و آن را تنگ نکرد تا به زور بمکیدی. منزه است کسی که دل مادر را با نوزادش همدردی کرد و لطافت شگفت انگیز و رحمت خیره کننده را در آن قرار داد.

حتی اگر بدنت قوی شود، روده هایت منبسط شود، استخوان هایت خشن شود، و به غذایی نیاز داری که استخوان هایت را قوی و گوشتت را قوی کند، من در دهانت دستگاہ برش و ساییدن دندان ها و دندان های آسیاب را رشد خواهم داد.

منزه است آن کس که او را در هنگام شیر دادن به خاطر رحمت برای مادرت نگه داشت، سپس روزهایی را به تو عطا کرد که از روی رحمت و نیکی به تو غذا خوردی.

هر چه استحکام و نیاز دندان ها برای خوردن غذا بیشتر باشد، در آن دندان ها بیشتر می شود تا به دندان های آسیاب ختم شود تا گوشت بچوند و نان برش دهند، سپس اگر قدرت را زیاد کردی، تا تمام شدن آنها افزایش پیدا می کند. بالا در دندان های آسیاب که آخرین دندان های آسیاب هستند.

و از رحمت او منزه است انسان این است که او را از شکم مادرش بیرون آورد بی آنکه چیزی بداند، زیرا او با وجود ضعف، عقل و فهم و دانش را تحمل نمی کند. ذهن و دانش کم کم در او افزایش می یابد تا اینکه به چیزها عادت می کند و آنها را تمرین می دهد و با در اختیار داشتن خوب آنها و مدیریت خوب آنها را دریافت می کند.

سبحان او مرد را با آراستن چهره به ریش و وقار و حیثیت و زیبایی و زینت و جدا ساختن او از سنن پسر و تفاوت او با زنانه از او جدا ساخت.

و ماده همچنان باقی ماند، زیرا برای او آفریده شد تا از نر با او لذت ببرد، پس چهره و طراوت خود باقی ماند تا مرد را به هوس برانگیزد و لذت لذت را کامل کند.

پس آب یکیه.. ظرفش یکیه..واکسن یکیه..و خروجیش فرق میکنه.

فسبحان الذي أعطى الذكر الذكورية، والأنثى الأنثوية: { لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إُنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا  
وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾ تنها خدا راست ملک آسمانها و  
زمین، هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر که خواهد فرزندان اناث (دختر) و به هر که  
خواهد فرزندان ذکور (پسر) عطا می‌کند. (49) یا در یک رحم فرزندان پسر و دختر  
قرار می‌دهد، و هر که را خواهد عقیم (نازا) می‌گرداند، که او (به صلاح خلق) دانا و  
(به هر چه خواهد) تواناست { [الشوری: 49، 50] .

منزه است شکم انباری ساخت که در آن غذا می نشیند، پس مانند آشپز آن را  
می پزد و به بهره مندان می رساند، پس انسان از بیرون غذا می پزد تا گمان کند  
کامل شده است. و آشپز او در باطن از بلوغ او رنج می برد و آنچه را که تو به آن  
هدایت نمی شوی و قادر به انجام آن نیستی می پزد.

آتش هایی بر آن افروخت که سنگریزه ها را آب می کند و آنچه را که آتش آب نمی  
کند آب می کند و در لطیف ترین جای پوست، تو را نمی سوزاند و شعله ور نمی  
کند و از آتش داغتر است.

منزه است و در بدن تو خروجی ها و درها قرار داد تا آنچه را که به تو سود می رساند وارد کند و آنچه را که به تو زیان می رساند بیرون آورد.. آیا عاقلی هست..؟ یادمه..؟ آیا من سپاسگزارم؟

پاک و منزه است آفریدگار دانا که حواس را برای شما آفرید و آنها را در سر مانند چراغهای بالای چراغ قرار داد تا بتوانید مطالبی را بخوانید.

سبحان او حواس را بر خلاف پنج چیز معقول، پنج گردانید تا از معقولات چیزی که با حس به دست نمی آید، باقی نماند:

پس بینایی را در مقابل چیزهای آشکار قرار داد.. و شنوایی را در مقابل آن قرار داد. اصوات و بو را بر خلاف بوها قرار داد و مزه را بر خلاف بوها قرار داد و لمس را در مقابل چیزهایی قرار داد که مزه می کنند.

این حواس توسط موجودات دیگر برای تکمیل مزایای خود کمک می شود:

پس حس بینایی به کمک روشنایی و نور می آمد... و حس شنوایی به کمک هوایی که صداها را منتقل می کند... و حس بویایی به کمک نسیم ملایم... و حس چشایی کمک می کرد. به کمک بزاق حل کننده در دهان... و حس لامسه به کمک نیروی خاصی که خداوند در آن برای درک چیزهای محسوس در آن قرار داده بود، کمک می کرد و از بیرون به چیزی نیاز نداشت.

منزه است کسی که کلمات را از هوای ساده دل انسان بیرون آورد و از حروف و کلمات و جملات انواع گفتار را بیرون آورد:

از امر و نهی.. و ترتیب و نثر.. و خنده دار و گریان.. و سرگرم کننده. و غمگین.. و آنچه ترس ایجاد می کند.. و آنچه امنیت می آفریند.. و از آن چیزی است که صدا را بیمار می کند.. برخی مریض را شفا می دهد.. برخی از آن نعمت ها را از بین می برد.. برخی از آن بلا را برطرف می کند. بعضی بلاها را دفع می کند، بعضی برکت می آورد، بعضی دلها را آشتی می دهد، و بعضی دلها را از هم جدا می کند، و بعضی را گمراه می کند، و بعضی را هدایت می کند، و بعضی را هدایت می کند. بالا.. و برخی از آن کم است.. و برخی از آن خوب است.. و برخی از آن زشت است.

منزه است کسی که همه اینها را از هوای ساده لوح بیرون رانده از سینه :

منزه است کسی که از یک هوا چیزی را بیرون آورد که فقط خدا می تواند از حروف و کلمات و صداها و آهنگ ها بسنجد و با یک آب آنچه را که فقط خدا از گیاهان و درختان و گل ها و میوه ها می سنجد.

یک هوا از حلق می گذرد و زمین با یک آب سیراب می شود و زاد و ولد از این است و این متفاوت است، جز خداوندی که در زمین و آسمان بر هیچ چیز ناتوان نیست، هیچ کس انواع آنها را نمی شمارد .

و چه بزرگ است لطف خداوند در حفظ و فراموشی که مخصوص نوع بشر است و از نظر قضاوت از آنچه در آنهاست و بنده در آنها چه مصالحی دارد.

زیرا اگر قدرت حفظی که خداوند برای انسان قرار داده نبود، در همه امور خود دچار نقص می شد و نمی دانست چه چیزی دارد و چه بدهی دارد، نه چه چیزی گرفت و نه آنچه داد و نه آنچه شنید و دید و آنچه گفت و آنچه به او گفته شد و نیکوکاران را ذکر نکن نه کسی که به او زیان می رساند و نه کسی که به او سود می رساند پس به او نزدیک می شود و نه کسی که به او زیان می رساند. از او فاصله می گیرد و علم نمی داند هر چند مرتباً آن را مطالعه کند، و به راهی که بار اول رفته است هدایت نمی شود، هر چند بارها و بارها رفته باشد، و از تجربه بهره ای نمی برد و نمی کند. بدانید چه کسی روی آن کار کرده است

آن که از نعمت فراموشی بیشتر برخوردار است، زیرا اگر فراموشی نبود هرگز آسوده نمی شد، حسرتی از او نمی گذشت، از مصیبت تسلیت نمی یافت، اندوهی از او دور نمی شد. هیچ قهرمانی بغض نداشت، با یاد بلاها از هیچ چیز دنیا لذت نمی برد و به یاد بلاها و مصیبت ها نمی خوابید.

چه بزرگ است نعمت خداوند بر بنده در حفظ و فراموشی با مخالفتشان: { وَمَا يَكُفُّ مِنْ نِعْمَةِ فَمِنْ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجَاوَرُونَ } (۵۲) و شما بندگان با آن که هر نعمت که دارید همه از خداست و چون بلایی به شما رسد به درگاه او پناه جسته و به او (در رفع بلا) استغاثه می کنید. { [نحل: 53] .

و خداوند بر هر چیزی تواناست هر چه بخواهد انجام می دهد و هیچ چیز در زمین و آسمان او را ناامید نمی کند و هر چه بخواهد با قدرت خود انجام می دهد و او جاودان است و آدم را بی پدر و مادر آفرید. و همسرش را از پدری بی مادر آفرید.. و عیسی را از مادری بی پدر آفرید. ما از پدر و مادر آفریده شدیم.

پس آدم از خاک آفریده شد و همسرش از یکی از دنده های او و عیسی از نفس جبرئیل در سینه مریم و انسان ها از ترکیب آب زن و مرد آفریده شدند.

منزه است خدایی که از این آب انسان سالمی آفرید که می ایستد و می نشیند، می خورد و می نوشد، شادی می کند و عصبانی می شود، نماز می خواند و عبادت می کند، عادل است و ظلم می کند، سخن می گوید و سکوت می کند، رحم می کند و ظلم می کند.

پاک و منزه است کسی که در میان فرزندان خود نر و ماده و سیاه و سفید و قد بلند و کوتاه و مؤمن و کافر و عاقل و مجنون و عرب و عجم را قرار داد.

منزه است آن کس که آن را برای ایمان و کفر آماده کرد.. عبادات و نافرمانی ها.. خیر و شر.. احسان و بدرفتاری.. هدایت و گمراهی.

منزه است کسی که زمین را از فرزندانش پر کرد.

این یکی به دنیا می آید و این می میرد.. تا روزی خود را بخورند.. و اجل خود را تمام کنند.. و خداوند برکات خود را بر آنها ارزانی دارد.. و پیامبران را به سوی آنها می

فرستد.. و آنها آنچه را که خداوند آسان کرده است انجام می دهند. برای آنها.. و می آیند و می روند تا زمانی که خدا زمین و کسانی را که در آن هستند به ارث می برد.

چه بزرگ است آفرینش این ارواح و چه شگفت است آیات و عبرت و گواه و حکمت در آنها و چه شواهدی بر قدرت خالق و خالق خود دارند: { وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ } (۲۰) وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ } (۲۱) و (بدانید که) در روی زمین برای اهل یقین ادله‌ای (از قدرت الهی) پدیدار است. ( 20 ) و هم در نفوس خود شما مردم، آیا نمی‌نگرید؟ { [الذاریات: 20، 21] .

و این شخص از شش چیز تشکیل شده است، یعنی:

جسم جسمانی او.. روح شهوانی او.. روح خشمگین او.. روح شیطانی او.. روح مالکیت او.. و جوهر ذهنی او.

کسی که شنوایی و بینایی دارد خداست، زیرا او تنها خالق آن است و اوست که به او توانایی می دهد که وظایفش را انجام دهد یا از آن محروم کند، شفا دهد یا بیمار کند، بشنود و آنچه را که دوست دارد به او نشان دهد. از چیزی که متنفر است

و در ساختار چشم و اعصاب آن و نحوه درک آن از بصری ها.

و در ساختار گوش و اجزای آن و نحوه درک ارتعاشات.



در همه اینها شگفتی‌هایی وجود دارد که ذهن‌ها را متحیر می‌کند و سرها را برمی‌انگیزد.

بسیاری از مردم غافل از بدعت‌های الهی در عالم هستی و در خود می‌گذرند، چنان‌که گویی نمی‌بینند و نمی‌فهمند: { فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ } (۹۲) پس ما امروز (تو را غرق دریای هلاک کرده و) بدنت را برای عبرت آیندگان به ساحل نجات می‌رسانیم با آن‌که بسیاری از مردم از آیات قدرت ما غافل هستند. { [یونس: 92].

کسی که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، تنها خداست.

مگر اینکه پروردگار آفریدگار چقدر بزرگ است و منزّه است قدرت او و آنچه بر آن چیره شده است.

یک توقف در مقابل دانه و هسته، گیاه و درخت خرما از آنها بیرون می‌آید.

یا جلوی تخم و تخم مرغ و انسان از آنها بیرون می‌آید.

همین کافی است تا زندگی انسان را غرق در تفکر و لرزش کند، به خاطر احترام به عظمت خداوند و کمال قدرت او و علم وسیع او و کار زیبای او.

سبحان دانای توانا.

سنبله در دانه کجا بود؟ .. و عود در کجا قرار داشت؟

آن ریشه ها، ساقه ها، برگ ها و میوه ها کجا بودند؟

و در کجای هسته خمیر، پوست، ساقه و تاج قرار داشت؟

و مزه، طعم، رنگ و بو کجاست؟

و خرما و خرما و بصر کجا بود؟

و جوجه کجای تخم بود؟

و آن استخوان ها، گوشت ها، کرک ها و پرها کجا بودند؟

و آن انسان عجیب در تخم کجا بود؟

گوشت و استخوان و رگ و اعصاب و شنوایی و بینایی و سر و اندام و افکار و کردار

و گفتار و حرکاتش کجا بود؟

{ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ } (۱۱)

این همه آفریده‌ی خداست، حال شما (مشرکان) بگویید آنان که به جز خدا (معبود

شما) هستند در جهان چه آفریده‌اند؟ (هیچ نیافریده‌اند) بلکه ستمکاران (مشرک

که آن‌ها را شریک خدا گرفتند) دانسته در گمراهی آشکار هستند { (لقمان: ۱۱) .

و اگر غذایی که با پختن می‌میرد و آتش در بدن زنده به خون زنده تبدیل می‌شود

... و این خون با احتراق تبدیل به ضایعات مرده می‌شود ... معجزه است که انسان

از آن بیشتر شگفت زده می شود ... علم بیشتر در مورد زیاد می شود... و در هر لحظه از شب و آخر روز مخلوق است.

این موجودات زنده فقط از خدای زنده ای هستند که به هر موجود زنده ای حیات می بخشد: { هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ } (۶۵) او خدای زنده ابد است، جز او هیچ خدایی نیست، پس تنها او را بخوانید و به اخلاص در دین بنده او باشید، که ستایش و سپاس مخصوص خدای یکتا آفریدگار عالمیان است. { [غافر: 65] .

## آفرینش روح

خداوند متعال فرمود: {وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا} (۸۵) و تو را از حقیقت روح می‌پرسند، جواب ده که روح از (عالم) امر خداست (و بی‌واسطه جسمانیات به امر الهی به بدن‌ها تعلق می‌گیرد) و (شما پی به حقیقت آن نمی‌برید زیرا) آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است. { [الاسراء: 85] .

و خدای سبحان فرمود: {و چون پروردگارت به فرشتگان گفت من آفریدگار انسانها از پیوند مادر گنجه‌کارم پس چون نزد او بیایم شکسته می شوم . خداوند تبارک و تعالی همان است که روح را همان گونه که بدن را مساوی قرار داد. پس به او خبر دادند که بدن را تغییر داد و گفت: { يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ } (۶) الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷) فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸) ای انسان، چه باعث شد که به خدای کریم بزرگوار خود مغرور گشتی (و نافرمانی او کردی). ( 6 ) آن خدایی که تو را به وجود آورد و به صورتی تمام و کامل بیاراست و به اعتدال (اندام و تناسب قوا) برگزید. ( 7 ) و حال آنکه به هر صورتی که خواستی (جز این صورت زیبا هم) خلق توانستی کرد. ( 8 ) { [الانفطار: ۸ ]

و خبر داد که روح را با این جمله تغییر داد: { وَتَنفَسِ وَمَا سَوَّاهَا } (۷) فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸) و قسم به نفس ناطقه انسان و آن که او را نیکو به حد کمال بیافرید. ( 7 ) و به او شر و خیر او را الهام کرد. { [الشمس: 7، 8] .

خداوند متعال روح را آفرید و آن را تغییر داد و به فسق و تقوا برانگیخت.

و انسان مجموع روح و بدن است، چنانکه منزه است فرمود: { إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ  
 إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ  
 ﴿٧٢﴾ یاد کن) هنگامی که خدایت به فرشتگان گفت که من بشری از گل خواهم  
 آفرید. (٧١) پس آن گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم  
 بر او به سجده در افتید. ( 71 و 72 ص ) .

با جمع روح با بدن، روح فاسق یا متقی می شود وگرنه روح بدون بدن فسق ندارد.  
 آن که پاکیزه شد، موفق شد خود را مطیع خدا کند و از کسانی که او را هلاک  
 کردند و او را نافرمانی کردند، مأیوس شد.

و بنده تنها پس از آن که خداوند با توفیق و نصرت خود آن را پاکیزه کرده است پاک  
 می شود و پس از آن که خداوند آن را زیر پا گذاشت با ترکش و ترک بین خود و خود  
 هنگامی که از پروردگارش روی برگرداند آن را زیر پا می گذارد.

و خداوند متعال انسان را برای پذیرش کمال آماده کرده است، با آنچه خداوند  
 ظرفیت و آمادگی به او داده است که در او نهفته است، آتش در ماشه است.  
 پس پروردگارش به او الهام کرد و به او قدرت بخشید و او را شناخت و هدایت کرد و  
 رسولانش را بر او فرستاد و کتابهایش را بر او نازل کرد تا قدرتی را که او را به کمال  
 خود برای عمل واداشته است استخراج کند. نفس به دلیل حکمت بلا مشمول  
 فسق و تقوا است.

سپس خداوند سبحان، کشاورز را برای کسی که آن را پاکیزه کرده، رشد داده و به اطاعت خدا پرورش داده، اختصاص داده است.

سپس بر کسانی که آن را پایمال کردند، بدبختی را حکم کرد، پس آن را کتمان کرد، تحقیر کرد، کوچکش کرد و با فحشا سرکوب کرد، به طوری که آن بدبخت.

اطاعت و انصاف روح را بزرگ می کند و آن را تعالی می بخشد و آن قدر بالا می برد که شریف ترین و بزرگ ترین و پاک ترین و والاترین چیز باشد.

نافرمانی روح را ذلیل می کند، کوچک می کند و حقیر می کند.

کوچک ترین نفس به چه شکل نافرمانی خداست و چه بزرگ و با عزت و والا مانند اطاعت خداست.

بدن نسبت به روح مانند قالب است و از بدن خود تصویری می گیرد که آن را از دیگران متمایز می کند و بدن از خوبی ها و بدی های روح خوبی ها و بدی ها را به دست می آورد و روح از خوبی ها و بدی ها می گیرد. خوبی ها و بدی های بدن

از این روست که در تناقض بدن به او گفته می شود: «ای روح طیبه، آن را به

مغفرت و خشنودی از جانب خداوند تربیت می کند.» آن را احمد و ابوداود

و ارواح لشکر سربازان و انواع مختلف وارد کردند. چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «اختلاف کرد.» توافق شد

و تمییز روح از نفس با صفاتش بزرگتر از تشخیص بدن از بدن با صفاتش است.

مؤمن و کافر ممکن است شباهت زیادی داشته باشند و بین روحشان بیشترین اختلاف است و کمتر بدن زشتی را می بینی جز اینکه آن را به همان صورت مرکب می بینی و کم است که در بدن بیماری بینی. بدن، جز این که در روح صاحبش مرضی است که با آن مطابقت دارد.

و بگو که شکلی زیبا و تصویری زیبا می بینی، جز اینکه روح مربوط به آن را به همان زیبایی که هست مناسب می یابی.

و اگر ارواح بالا که ملائکه هستند بدون اجسام حامل آنها و نیز جن از یکدیگر متمایز شوند، ابتدا ارواح انسانی متمایز می شوند.

و ارواح مردگان همدیگر را ملاقات و عیادت می کنند و ارواح زنده و مرده در خواب با یکدیگر ملاقات می کنند و با یکدیگر صحبت می کنند، چنانکه ارواح زنده ها ملاقات می کنند و همان گونه که ارواح زندگان با یکدیگر ملاقات می کنند. مردگان ملاقات کردند، چنانکه سبحان الله فرمود: { اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ } (۴۲) خداست آن که وقت مرگ ارواح خلق را می گیرد و آن کس را که هنوز مرگش فرا نرسیده نیز در حال خواب روحش را قبض می کند، سپس آن را که حکم به مرگش کرده جانش را نگاه می دارد و آن را که نکرده (به بدنش) می فرستد تا وقت معین (مرگ). در این کار نیز ادله ای (از قدرت الهی) برای متفکران پدیدار است [زمر: 42] .

روح جسمی است که به خودی خود ایستاده است، ذاتش با ذات بدن منافات دارد و موجودی حاکم است و ارواح زنده و مرده در تنگه جمع می شوند، پس ملاقات می کنند و صحبت می کنند، پس خداوند ارواح را می فرستد. از زندگان تا روزی و مهلتشان را کامل کند و جان مردگان را می گیرد.

و مرگ ارواح جدا شدن آنها از بدن و خروج آنها از آنهاست، اگر مراد از مرگ آنها به این اندازه باشد، طعم مرگ را خواهند چشید.

ارواح بعد از خلقت و رها کردن بدنشان در سعادت یا عذاب می مانند تا زمانی که خداوند در قیامت آنها را به بدنشان بازگرداند.

و رحلت انبیا این است که از ما غایب شدند در جایی که ما متوجه آنها نیستیم، پس آنها در قبرهایشان زنده هستند، مانند فرشتگان، زنده و حاضرند و ما آنها را نمی بینیم.

و اگر قرار بر زنده بودن آنها باشد و شهدا نیز زنده باشند، زندگی آنها با زندگی آنها در دنیا فرق می کند و حیات بخش به تنهایی از نحوه آن زندگی آگاه است.

اگر دمیدن صاعقه در تصاویر دمیده شود، انبیا مبهوت می شوند، آنگاه به نظر می رسد که خلسه است.

اگر در صور دمیده شود، هر که بمیرد زنده است و هر که بیهوش باشد بیدار شود و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مرا بر موسی انتخاب نکن. زیرا که



مردم لال می‌شوند و من اولین کسی هستم که بیدار می‌شوم، پس چه کسی پیش از من شوکه شد و بهبود یافت، یا از جمله کسانی بود که خداوند استثنا کرده بود.»

و خداوند روح را به دخول و خروج و دستگیر و برآورده و بازگشت و صعود به آسمان سبحان و سبحان وصف کرده است: { يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّاتِي ﴿٣٠﴾ آن هنگام به اهل ایمان خطاب لطف رسد که) ای نفس (قدسی) مطمئن و دل آرام. ( 27 )  
به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود به (نعمتهای ابدی) او و او راضی از توست. ( 28 ) باز آی و در صف بندگان خاص من در آی. ( 29 )

و در بهشت من داخل شو. (30) { (فجر 27 الی 30)

و روح به میت در قبر برگردانده می شود در زمان درخواست دو فرشته در قبر. پروردگار شما کیست دین شما چیست و پیامبر شما کیست؟  
و روح به بدن چسبیده است، اگر چه فرسوده شود، اما در آن ته نشین نشود.

راز این امر این است که روح با بدن پنج شرط دارد:

یکی از آنها: دلبستگی به جنین در شکم مادر.

دوم: چسبیدن آن به بدن پس از بیرون آمدن به زمین.

سوم: تعلق آن به بدن در حالت خواب، پس از یک جهت به آن تعلق دارد و از جهت دیگر خروج.

چهارم: وابستگی او به او در تنگنا، اگر چه از او جدا شد و از او جدا شد، به طور کامل از او جدا نشد، تا اصلاً به او روی نیاورد، پس وقتی از او پرسیدند، به سوی او برمی گشت. قبر و هنگام درود مسلمان بر او، و این استجابت، حیات بدن را قبل از قیامت اقتضا نمی کند.

پنجم: دل بستگی او به او در قیامت که کاملترین نوع دل بستگی است و نسبتی به انواع قبلی دل بستگی به او ندارد.

و پیغمبر - صلی الله علیه و آله - پیامبران را در آسمان دید و موسی - صلوات الله علیه - را دید که در قبرش نماز می خواند و او را در آسمان ششم دید. ابراهیم - رضی الله عنه - را در آسمان هفتم دید که پشتش را به خانه مسکونی تکیه داده و قبور و اجسادشان در خاک است و منافاتی با آن نداشته باشید.

زیرا روح در آسمان بود و با بدن در قبر تماس دارد و بر آن نظارت می کند و به آن متصل می شود، به طوری که در قبرش نماز می خواند و آرامش می دهد و در بالاترین همنشین است و هست. هیچ تناقضی بین این دو موضوع وجود ندارد. موضوع ارواح، موضوع اجسام نیست، زیرا صعود و نزول و حرکت آنها سبکتر و سریعتر از حرکت بدن است.

سعادت و عذاب در قبر بر جسم و روح است. و عذاب قبر همان عذاب است، پس هر که سزاوار عذاب بمیرد، نصیب او در قبر است یا نه، پس اگر وحشی خورد یا بسوزد تا خاکستر شود. از عذاب یا سعادت که به قبر می رسد به روح و جسم خود می رسید.

اگر گفته شد و گفته شد و فقط به خاطر جهل به خدا و دین و شریعت او ... عذاب و سعادت قبر ... وسعت و تنگی آن ... و گودالی از آتش بودن... یا باغی در میان باغ های بهشت، قبر را کشف کرده ایم و آن را ندیده ایم؟

آیا فرشتگانی را که کفار را شکنجه می کنند ندیده ایم؟

و قبر را همان گونه که آن را کنسیم و دفن کردیم، یافتیم، نه زیاد شد و نه کم؟ چگونه می توان قبر میت را با کسانی که او را عذاب می دهند، آسایش می دهند یا از او می پرسند، قرار داد؟

و ما مصلوب را روی درختی می بینیم که حرکت نمی کند، نمی پرسد یا جواب نمی دهد؟

به همین ترتیب، شیرها چه کسانی را خوردند، چه کسانی سوختند، و چه کسی اعضای آن پراکنده شد؟

و چگونه می پرسد که اجزای چه کسی در بادها و دریاها و غبارها پراکنده است؟

به اینان و امثال آنها گفته می شود: کتاب خدا نازلی از حکیم دانا است و رسولان آنچه را که ذهن ها تصور می کردند نیاوردند و مسلم است که محال است.

بلکه آنچه که رسولان آمده اند بر دو قسم است:

یکی: آنچه عقل و فطرت گواهی می دهد.

دوم: آنچه را که عقل به خودی خود درک نمی کند، مانند امور غیبی که درباره تنگ و قیامت گفتند، مانند طریق و ترازو، بهشت و جهنم و غیره.

اخبار پیام رسان ها اصلا در اذهان غیرممکن نیست.

و هر خبری که گمان می رود عقل آن را تأویل می کند، از دو چیز خالی نیست: اول:

یا خبر بر آنان دروغ است، یا فاسد عقل، حق را باطل، و باطل را حق. چنانکه حق

تعالی فرمود: { وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي

إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾ و آنان که اهل دانش و معرفت گردیدند (یعنی مؤمنان و

نیکان اهل کتاب) یقین دارند که قرآنی که بر تو نازل شده است از جانب پروردگار تو

به حق نازل گردیده است و رهنمای خلق به راه خدای بی همتای ستوده صفات

است { (سبا: 6) . .

دوم: منظور رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - را بدون غلو و کوتاهی بفهمد، تا

سخنان او حامل چیزی نباشد که طاقتش را نداشت و از مرادش از هدایت کوتاهی

نکند. و شفاف سازی به دلیل غفلت از آن، هر بدعت و ضلالت و نافرمانی با نیت خوب یا بد اتفاق می‌افتد و آن هم فقط به دلیل سوء تفاهم از خدا و رسولش است.

و خداوند سبحان این عالم بزرگ را آفرید و انسانها را آفرید و دین حق را برای بندگانش تشریح کرد.

چرخه را سه قرار داد:

سرای دنیا، سرای تنگ و سرای آخرت.

منزه است برای هر خانه ای تدارکاتی مختص آن و متناسب با شرایط آن قرار داد و این شخص را از جسم و روح نصب کرد.

احکام دنیا را بر اجسام و ارواح را بر اساس آنها قرار داد و به همین دلیل احکام شرعی را بر اساس آنچه از حرکات زبان و اعضاء ظاهر می شود مرتب کرد، حتی اگر ارواح پناهنده باشند. برعکس آن

و بر ارواح آذوقه و اجسام بر طبق آنها قرار داد، پس اجسام در دنیا ظاهر و ارواح پنهان و اجساد برای آنها مانند قبر است.

و ارواح آنجا در قبرها نمایان است و اجساد در قبورشان نهفته است، احکام برزخ بر ارواح جاری می شود، پس بر بدن آنها یا سعادت یا عذاب جاری می شود، همچنان که احکام دنیا بر اهل بیت جاری است. اجسام، و بر ارواح اطلاق می شود، خواه عذاب باشد یا سعادت.

و این در دنیا از طریق خواب اتفاق می‌افتد، زیرا آنچه برای انسان در خواب عذاب یا سعادت پیش می‌آید، در اصل بر روح او جاری می‌شود و بدن به دنبال او می‌آید و ممکن است قوی‌تر شود تا بر بدن تأثیر بگذارد، پس می‌بیند در خوابش که ضربه خورده است، برمی‌خیزد و اثر ضرب بر بدنش.

و آن به این دلیل است که حکم به آنچه بر روح گذشت، از بیرون بدن کمک می‌گرفت و اگر وارد می‌شد، بیدار می‌شد و احساس می‌کرد.

پس اگر روزی بود که اجساد جمع می‌شدند و مردم از قبر برمی‌خاستند، قضا و سعادت و عذاب بدن‌ها و جان‌ها با هم در هر یک از آنها آشکار و آشکار می‌شد. و خداوند متعال امر آخرت و آنچه را که به آن متصل است مانند برزخ غیب قرار داد و آن را از درک صاحبان این سرا باز داشت و آن از کمال حکمت و رحمت اوست. ممکن است مؤمنان با غیب از دیگران متمایز شوند.

فرشتگان بر مردی که می‌میرد نازل می‌شوند، نزدیک او می‌نشینند و او با چشمان خود آنها را می‌نگرد و ممکن است به مرد در حال مرگ سلام کنند و او با اشاره یا کلام به آنها پاسخ دهد.

همچنین آتش قبر از آتش دنیا و سرسبزی در آن از زراعت دنیا نیست، بلکه از آتش آخرت و سرسبزی آن است، پس ساکنان این خانه آن را احساس نکنید، زیرا از آن پوشیده شده‌اند.

و اگر خداوند ما را آگاه می کرد، حکمت و جوب از بین می رفت و مردم دفن نمی شدند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر شما دفن نمی شدید، نماز می خواندم. به خدا که تو را از عذاب قبر بشنود.» به روایت مسلم ، انشاء الله به او نشان داد، چنان که برای برخی از مردم پیش آمد. و خداوند متعال در این خانه شگفت انگیزتر از آن آفریده است.

پس جبرئیل - صلی الله علیه و آله - به صورت مردی بر پیامبر - صلی الله علیه و آله نازل می شد و با او سخنی می گفت که می شنید و هر که بعد بود. به پیامبر - صلی الله علیه و آله - نه او را دید و نه شنید.

جن ها در میان ما با صدای بلند صحبت می کنند، اما ما آنها را نمی شنویم و نمی بینیم و ممکن است سخنانشان را بشنویم اما نبینیم، مانند زمانی که آنها وارد برخی افراد شدند و صحبت کردند.

خداوند نسبت به بندگانش مهربان است، حوادث و مخلوقات را می آفریند، چشم مردم را از روی حکمت و رحمت خود بر آنها منحرف می کند، زیرا طاقت دیدن و شنیدن آنها را ندارند.

و بنده در بینایی و شنوایی و استقامت ضعیف تر از این است که بر عذاب قبر استوار بایستد.

و اگر بنده بتواند قبر را وسیع کند و آن را از مردم بیوشاند، به طوری که جز آنچه بخواهد از آن ندانند، چگونه پروردگار جهانیان نتواند آن را برای هر که بخواهد وسیع و تنگ کند. برای هر که بخواهد، و آنچه را که بخواهد پنهان می‌دارد، و برای هر که بخواهد آشکار می‌سازد؟

راز همه اینها این است که آتش و سرسبزی و تنگی و وسعت قبر در این دنیا رایج نیست پس ما نمی‌توانیم آن را درک کنیم.

و خداوند سبحان تنها فرزندان آدم را در این خانه گواه قرار داد که در آن و از آن بود و اما امر آخرت آن را پوشانده است تا ایمان به او و تصدیق دلیل باشد. برای نجات و سعادت آنها

کسی که بر همه چیز قدرت دارد، از بازگرداندن روح به مصلوب، غرق شده و سوخته منع نمی‌شود، در حالی که ما آن را احساس نمی‌کنیم.

همچنین کسی که اجزاء او پراکنده است، مانع از آن نمی‌شود که کسی که از چیزی ناتوان نیست، با آن اجزاء با وجود دوری و نزدیکی آن، ارتباط برقرار کند، زیرا خداوند سبحان در آن قرار داده است. جمادات احساسی دارند، پس تسبیح

پروردگارشان را می‌گویند، و از ترس او سنگها می‌ریزند: { تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٤﴾ هفت آسمان و زمین و هر که در آنهاست همه به

ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آن‌که ذکرش تسبیح و



ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است { [الاسراء: 44] .

عذاب و سعادت قبر نامی است برای عذاب و سعادت تنگی که بین دنیا و آخرت است و این عذاب که اهل آن بر دنیا و آخرت شرف دارند. عذاب و سعادت قبر را نام برد و این که چمنزار یا گودال است با توجه به اکثر خلقت و گرنه غرق شدگان و سوختگان و مصلوب شدگان و آنان که شیر و پرنده‌گان خورده اند از عذاب و سعادت قبر همان قبر است.

و اگر مرده را در بادها بر درختان آویزان می‌کردند، بدنش به قدرت خدای توانا و دانا که در زمین و زمین از هیچ کاری عاجز است، نصیب او از عذاب و سعادت قبر می‌شد. آسمان

و خداوند تبارک و تعالی برای پسر آدم دشمنان قرار داد و دو قیامت: { وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ﴿٣١﴾ و آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست (و حکم اعمال خلق با اوست) تا بدکاران را به کیفر رساند و نیکوکاران را پاداش نیکوتر عطا کند. { [النجم: 31] .

قیامت اول: خروج روح از بدن و سرنوشت آن به خانه ثواب اول در قبر که قیامت اول است. و قیامت دوم: روزی که خداوند ارواح را به بدنشان برمی‌گرداند و از قبرشان به جایشان در بهشت یا جهنم می‌فرستد که قیامت دوم است.

اولی تنگی میان دنیا و آخرت است که در آن مطیعان برکت دارند و نافرمانان از هنگام مرگ تا روزی که برانگیخته می شوند عذاب می شوند، چنانکه سبحانه الله می فرماید: { لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿۱۰۰﴾ } تا شاید به تدارک گذشته عملی صالح به جای آرم. (به او خطاب شود که) هرگز نخواهد شد، این کلمه‌ای است که (از حسرت) همی بگویند (و ثمری نمی‌بخشد) و در برابر آنها عالم برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند. { [مؤمنون: 100] .

دوم محل کمال سعادت و کمال عذاب، در بهشت یا جهنم است.

پس خداوند آنان را جایگاه ثواب نیک و بد قرار داد، اما مرگ ثواب تنها در روز قیامت در بیت القول است، چنانکه سبحانه الله می فرماید: { كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿۱۸۵﴾ } هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققاً روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید، پس هر کس را از آتش جهنم دور دارند و به بهشت ابدی درآرند چنین کس سعادت ابد یافت، که زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست. (۱۸۵) { [آل عمران: 185] .

منزه است او درباره کافران: { النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿۴۶﴾ } (اینک که در عالم برزخند) آنها صبح و شام بر

آتش دوزخ عرضه می‌شوند، و چون روز قیامت بر پا شود (خطاب آید که) فرعونیان را به سخت‌ترین عذاب (جهنم) وارد کنید. { [غافر: 46] .

حکمت و عدل خداوند و اسماء حسنا و کمال او سعادت جسم و جان اولیاء او و شکنجه بدن و جان دشمنان او را می‌طلبید و چون این خانه خانه تکلیف و امتحان بود نه خانه. از پاداش، این به وضوح در آن ظاهر نشد.

و اما استقامت، اولین منزلگاه جزا و نخستین منزل آخرت است، پس آنچه سزاوار آن سرا است در آن ظاهر شد و حکمت نشان دادن آن را ایجاب می‌کند.

پس اگر روز قیامت بزرگ باشد، خداوند اهل طاعت و اهل معصیت را به آنچه سعادت جان و بدن و عذاب آنان را سزاوار است گرامی می‌دارد.

عذاب تنگه و سعادت آن اولین عذاب اخروی و سعادت آن است و او از آن مشتق شده است و در آنجا به اهل تنگه ادامه داد به عنوان پیامبر - صلی الله علیه و آله - . در مؤمن اگر بمیرد و قبری گفت: دری به بهشت دارد، فرمود: پس مقداری از روح و عطر آن به او می‌رسد و قبرش تا چشمش بر او باز می‌شود.

و گفت در کافر اگر مرد و قبرش: «پس از آسمان ندا می‌دهد که دروغ گفت و از آتش برای او شکسته می‌شوند و دری به روی آتش برای او می‌گشایند و از آزادی و بهشتش از آن بیرون می‌آید.»

روز قیامتی بود که هر انسانی وارد آن شد دار جایگاه ابدی او در بهشت یا جهنم است.

منزه است کسی که دارای خلقت و فرمان است و حکمت او کاملترین حکم در سه مرحله است.

در مورد دلایل شکنجه اهل قبور:

آنها را به خاطر جهل به خدا ... غفلت از اوامر او ... و نافرمانی آنها شکنجه می دهند ... خداوند روحی را که او را می شناسد ، دوست می دارد عذاب نمی کند. او را، و از او اطاعت کردند... و هرگز جسمی در او نبود.

عذاب دنیا.. عذاب قبر.. و عذاب آخرت.. اثر خشم و غضب خدا بر نافرمانان.

هر کس در این دنیا خدا را به خشم آورد و خشمگین کند و بدون توبه بمیرد، به قدر غضب و غضب خداوند بر او عذاب برزخ خواهد بود، پس مستقل و ستوده، مؤمن و منکر، مطیع و نافرمان، بدبخت است. و خوشحال

و سؤال دو فرشته از مرده در قبرش برای همه مردم مسلمان و کافر و منافق عمومیت دارد پس خدایی که به قول ثابت ایمان آورد و خداوند ظالمان را گمراه می کند چنانکه حق تعالی فرمود: **{يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ} (۲۷)** خدا اهل ایمان را با عقیده‌ی ثابت در حیات دنیا و در آخرت پایدار می‌دارد و خداوند ستمکاران را به حال

گمراهی وا می‌گذارد و خدا هر چه بخواهد (به اختیار مطلق) می‌کند. {ابراهیم: [27].

در این قوم و ملل قبل از آن نیز رایج است.

و سؤال دو فرشته شامل فرزندی که تبعیض ندارند نمی‌شود، زیرا از آنچه که نمی‌توانست بداند و بداند سؤال نمی‌شود و این برخلاف امتحان آنها در آخرت است، بلکه ممکن است عذاب قبر به معنای باشد. دردی که کودک را درگیر می‌کند و از آن رنج می‌برد و از این رو بر نمازگزار مقرر شده است که از خداوند بخواهد که او را از آن عذاب حفظ کند.

و عذاب قبر بر دو قسم است: دائمی و منقطع.

دائمی: عذاب کفار و منافقان است.

و منقطع: عذاب بعضی از فاسقان است که از جنایاتشان کاسته شد، پس به جرمش مجازات می‌شود، سپس برای او تخفیف می‌یابد، همچنان که مدتی در آتش عذاب می‌شود، سپس عذاب می‌شود. از او حذف شد.

و آرامگاه ارواح بین مرگ و قیامت در بهشت است:

ارواح سعادت‌مندان در سمت راست آدم در بهشت اول... و ارواح بدبخت در سمت چپ او.

ارواح هنوز آنجا هستند تا زمانی که تعداد همه ارواح کامل شود، سپس خداوند آنها را دوباره به بدنها برمی گرداند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در داستان اسراء و معراج فرمود: « هنگامی که پایین ترین بهشت را به روی ما گشود، اینک مردی نشسته بود که در سمت راست او شیرها و در سمت چپ او شیرها بودند. اگر به سمت راست خود نگاه می کرد می خندید و چون به سمت چپ می نگریست گریه می کرد، سپس می گفت: به پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزند صالح خوش آمدید. به جبرئیل گفتم: این کیست؟ گفت: این آدم است و این شیرهای سمت راست و چپ او نام پسرانش است، پس اهل سمت راست از جمله آنها هستند. بهشت و شیرهای سمت چپ او اهل جهنم هستند، پس چون به سمت راستش نگاه کند می خندد و چون به سمت چپش می نگرد، گریه می کند. « توافق شده است، و روح انسانها در ثبات خود متفاوت است در تنگه بزرگترین نابرابری.

ارواح انبیا در برترین بهشت ها هستند و در خانه هایشان ناهموار.

از آن جمله ارواح در سینه پرندگان سبزه ای است که در بهشت هر کجا که بخواهند پرسه می زنند و به چراغ های آویخته بر عرش پناه می برند و ارواح برخی از شهدا هستند.

و برخی از آنها از جانیشان، نفس پرنده ای است که در درختان بهشت آویزان است.

برخی از آنها در بهشت زندانی هستند.

برخی از آنها در قبر او حبس شده اند.

برخی از آنها در زمین زندانی هستند، زیرا روحشان پایین و پایین تر است.

از جمله ارواحی که در تنور زناکار و زناکار هستند.

از جمله روح هایی که در رودخانه خون شنا می کنند.

محل سکونت ارواح متفاوت است... ارواح در بالاترین مکان ها... و ارواح در پایین

ترین ها... هر کدام بنا به کار خود.

و ارواح با وجود اینکه در آسمان هستند به صحن قبر و از آن به بدن وصل می شوند

و سریع ترین متحرک و متحرک هستند بالا و پایین برخی فرستاده می شوند و

برخی در حبس می شوند.

و روح در بدن انسان در سرای بیگانگی است و غیر آن وطنی دارد پس جز در وطن

خود سکونت نمی کند و امر شد که در این وطن انبوه زندگی کند و آرزوی وطن

دارد. در بالاترین مکان، اشتیاق پرندگان به لانه.

بزرگترین عذاب روح، غوطه ور شدن و وارد شدن به اعماق بدن، مشغول شدن به

حریمش، عدم توجه به چیزی است که برای چه آفریده شده و برای چه چیزی

آماده شده است و خانه و مکان و منزلگاه کرامتش است. .

ولی مستی هوس او را از دیدن این درد و عذاب پنهان می‌دارد، پس اگر از مستی سالم باشد، از آنچه از کرامت الهی غافل شده است پشیمان می‌شود.

پس مؤمن در این سرا از سرای بهشت و سعادت به سرای مشقت و مشقت اسیر شد، سپس بندگی در آن به او رسید، پس چگونه می‌توان او را به خاطر شوق به جایگاهی که از آن اسیر شد، ملامت کرد. و از آنچه دوست داشت جدا شد و با دشمنش جمع شد؟

روحش همیشه دلبسته آن کشور است و جسمش در این دنیا است.

از این روست که مؤمن در این خانه غریب بوده است، از هر کجا که آمده، در خانه غریبی است تا پایان می‌یابد و به وطن و خانه خود باز می‌گردد.

و روح را به وجود آن در بدن قائل هستیم و نمی‌دانیم چگونه است و روح در امر خاصی در بدن تخصص ندارد، بلکه در تمام بدن جاری است و حیات مشروط به آن است. روح، پس تا زمانی که در آن است، حیات در آن است، و اگر روح آن را ترک کند، حیات نیز از آن خارج می‌شود.

ارواح اموات بر دو قسم است:

ارواح معذب و ارواح مبارک.

ارواح معذب به دیدار و همگرایی به آنچه در آن هستند مشغولند.



و ارواح مبارکه مبعوث شده ملاقات و زیارت می کنند و آنچه را که در دنیا از ایشان بود و از اهل دنیا خواهد بود به یاد آورید.

و ارواح با اجسام آفریده می شوند و فرشته ای که موکل دمیدن روح در بدن است، وقتی چهار ماه از نطفه می گذرد، روح را در آن می دمد و این اولین ظهور روح در آن است.

پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود -: « یکی از شما چهل روز در شکم مادرش متولد می شود و در آن مدت لخته است. ، سپس خداوند فرشته ای را می فرستد و چهار کلمه به او امر می شود و به او می گویند: کار و روزی و عمر و بدبختی او را بنویس. یا خوشحال چه ناراحت، سپس روح در آن دمیده می شود.» توافق شد،

و مؤمنان پس از مرگ درهای بهشت را به روی جان خود می گشایند و درهای بهشت را به روی بدن های خود می گشایند.. اما کافران، درهای بهشت برای روح آنها باز نشده است. {کسانی که به آیات ما دروغ گفتند و از آنها متکبرند ، درهای آسمان را به رویشان باز نکن و تا وقت قیامت وارد بهشت نشوند .

و اهل ایمان و نیکوکاری چون درهای بهشت بر اعمالشان گشوده شد تا به خدا سبحان رسیدند، بر جان خود گشودند تا به او رسیدند و در برابر او ایستادند پس رحمت کرد. و دستور داد که نامشان را به علین بنویسند، چنانکه سبحان

می فرماید: « مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ

الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ ﴿١٠﴾ هر

که طالب عزت است (بداند که همانا در ملک وجود) تمام عزت خاص خدا (و خداپرستان) است. کلمه‌ی نیکو (ی توحید و روح پاک آسمانی) به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد. و بر آنان که به مکر و تزویر اعمال بد کنند عذاب سخت خواهد بود و فکر و مکرشان به کلی نابود خواهد شد..» [فاطر: 10].

و اهل کفر چون درهای بهشت بر اعمالشان باز نشد، بلکه بر آنها بسته شد، هنگام فراق بر جانشان گشوده نشد، بلکه بر آنها بسته شد.

فرق نفس و روح، اختلاف در صفات است نه در ذات، و به دلیل خروج و ورود زیاد آن به بدن، روح نامیده می شود، زیرا هرگاه بنده ای بخوابد، از او بیرون می آید و وقتی او بیدار می شود، به او برمی گردد تماس با بدن در قبر.

نفس یکی است و سه حالت دارد:

گاهی متمایل به بدی می شود، چنان که سبحان می فرماید: { وَمَا أُرِيكَ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾ } و من (خودستایی نکرده و) نفس خویش را از عیب و تقصیر مبرا نمی دانم، زیرا نفس امّاره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت وا می دارد جز آن که خدای من رحم کند، که خدای من بسیار آمرزنده و مهربان است. { [یوسف: 53].

و گاه سرزنش است، چنانکه سبحان فرمود: { وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾ } و قسم به نفس پر حسرت و ملامت (یعنی نفس انسان که در قیامت خود را بر

تقصیر و گناه بسیار ملامت کند و حسرت خورد). [جواب قسم محذوف است، یعنی به اینها سوگند می‌خورم که آدمیان را در روز قیامت برخوادم انگیخت]{[القیامه: 2] و اکثر مردم تحت سلطه رهبری هستند.. و سرزنش کمتر از آن است.. و اما اطمینان یافتگان کمترین ارواح انسانی و بزرگ ترین آنها نزد خداوند است. و خداوند تبارک و تعالی حکمت خود را لازم دانست که باید ارواح را بیازماید و آنها را آزار دهد و با بررسی نیکی از بدی ها و مناسب وفاداری و کرامت او و غیر آن ها و پاکسازی مردم روح هایی که برای او مناسب هستند، و آنها را در اوایل امتحان نجات دهید.

از آنجا که نفس در اصل جاهل و ظالم است.. و با جهل و ظلم شرارت آنچه را که خروجش نیاز به ریختن و تطهیر دارد به دست آورده است.. اگر در این خانه بیرون رفت.. و گرنه در کوره جهنم.. اگر بنده مؤدب و پاک است، سپس اجازه ورود به بهشت را دارد.

و ارواح انسان بالا و پایین است.. فرستاده و زندانی است.. و بعد از پارادوکس، سلامتی و بیماری دارند.. لذت و سعادت.. و درد بسیار بزرگتر از آنچه در زمان اتصال به بدن داشتند.

برای برخی از آنها زندان و درد، عذاب و مجازات، بیماری و دل شکستگی است.. لذت و آسایش، سعادت و آرامش و شادی و لذت برای برخی دیگر.

حال او در این بدن چقدر شبیه به حال بدن در رحم مادر است و وضعیت او پس از جدایی با وضعیت آن پس از خروج از رحم به این منزلگاه.

و هر نفسی چهار نقش دارد، هر خانه ای بزرگتر از قبل از خود:

اول: در رحم مادر، جایی که حبس، پریشانی، و سه تاریکی.

دوم: سرای دنیا که انسان در آنجا بزرگ می شود و نیک و بد و موجب خوشبختی و بدبختی می شود.

سوم: خانه برزخ که از این خانه وسیعتر و بزرگتر است.

چهارم: سرای تصمیم که بهشت یا جهنم است و بعد از آن جایگاهی نیست.

و خداوند متعال آن را در این نقش لایه به لایه منتقل می کند تا به خانه ای برسد که نه دیگری برای آن مناسب است و نه دیگری برای آن مناسب است.

در هر یک از این خانه ها حکم و مسئله ای غیر از خانه دیگر دارد.

وقد ذکر الله عزَّ وجلَّ أحكام الأرواح عند الموت بقوله سبحانه: { فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ  
الْخُلُقُومَ ﴿٨٣﴾ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿٨٥﴾  
فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ  
الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾  
فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الصَّالِينَ ﴿٩٢﴾ فَنَزُلُ  
مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ

الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾ پس چرا هنگامی که جان کسی به گلو رسد. ( 83 ) و شما وقت مرگ (بر بالین آن مرده حاضرید و او را) می‌نگرید. ( 84 ) و ما به او از شما نزدیک‌تریم لیکن شما بصیرت ندارید. ( 85 ) پس چرا اگر حیات به دست شما و طبیعت است و شما را آفریننده‌ای نیست. ( 86 ) روح را دوباره به بدن مرده باز نمی‌گردانید اگر راست می‌گویید؟ ( 87 ) پس (بدانید آن که بمیرد) اگر از مقربان درگاه خداست. ( 88 ) آنجا در آسایش و نعمت و بهشت ابدی است. ( 89 ) و اگر از اصحاب یمین است. ( 90 ) پس (وی را بشارت دهید که) تو را (از هر رنج و درد و الم) ایمنی و سلامت است. ( 91 ) و اما اگر از منکران و گمراهان است. ( 92 ) نصیبش حمیم جهنم است. ( 93 ) و جایگاهش آتش دوزخ است. ( 94 ) این (وعد و وعید) البته یقین و حق و حقیقت است. ( 95 ) پس به نام بزرگ خدای خود تسبیح گوی. { [الواقعه: ۹۶-۸۳] .

مردم در قیامت صغری هستند که مرگ است و در قیامت بزرگ بعد از قیامت سه قسمت است: قسم

اول: نزد او روح و ریحان و بهشت سعادت است.

قسمت دوم: او در میان اهل حق، میانه رو است، خداوند او را با اسلام و ایمن از عذاب حکم کند، پس در بهشت است.

بخش سوم: ستمگر با منکر و گمراهی خود، پس به او وعده نزول از مکان نزدیک و نماز در جهنم را داد.

در مورد آنچه که خداوند اولیای روح خود را با آن حمایت می کند، روحی غیر از این روح است، چنانکه سبحان الله می فرماید: { لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغْلِبُونَ } (۲۲) هرگز مردمی را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده‌اند چنین نخواهی یافت که دوستی با دشمنان خدا و رسول او کنند هر چند آن دشمنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان آنها باشند. این مردم پایدارند که خدا بر دل‌هایشان (نور) ایمان نگاشته و به روح (قدسی) خود آنها را مؤید و منصور گردانیده و آنها را به بهشتی داخل کند که نهرها زیر درختانش جاری است و جاودان در آنجا متنعمند، خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنودند، اینان به حقیقت حزب خدا هستند، الا (ای اهل ایمان) بدانید که حزب خدا رستگاران عالمند. ( مجادله: 22 ).

همچنین روحی که خداوند به هر کس از بندگانش بخواهد عطا می کند با روحی که در بدن است متفاوت است، چنانکه سبحان الله می فرماید: { رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ } (۱۵) که او دارای شئون و مراتب رفیع و صاحب عرش (عظیم) است، روح (همان فرشته جان

بخش) را از امر خود بر هر که از بندگانش بخواهد می‌فرستد تا خلق را از روز ملاقات (ثواب و عقاب) بترساند.} [غافر: 15].

وحی به دلها مانند روح به بدن است، همان گونه که بدن بدون روح زنده نمی ماند و زندگی نمی کند، قلب بدون روح وحی نیز نه معتبر است و نه سعادت‌مند. و قوه های موجود در بدن را ارواح می گویند پس می گویند روح بینا و روح شنوایی و روح فراگیر این ارواح انرژی هایی هستند که در اجسام سپرده شده که با مرگ اجسام می میرند و آنها می میرند. غیر از روح هستند که با مرگ اجسام نمی میرد.

و نفس از همه اینها خاص نامیده می شود که قدرت شناخت خدا و روی آوردن به او و دوست داشتن او و برآمده از آرزوی طلبی او و اراده اوست.

این روحیه است که خداوند با آن اهل اطاعت و ولایت خود را حمایت می کند و به همین دلیل می گویند فلانی روح دارد و فلانی روح ندارد.

علم روح دارد، احسان روح دارد، اخلاص روح دارد و ....

و مردم در این ارواح با هم اختلاف دارند، برخی بر آن غلبه می کنند و روحانی می شوند و برخی آن را از دست می دهند یا بیشتر خود را از دست می دهند و به حیوانات زمینی یا شیطان تبدیل می شوند.

## خداوند دنیا و آخرت را آفرید

خداوند متعال می فرماید: « وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٤﴾ » این زندگانی چند روزه‌ی دنیا (اگر نه در پرستش حق و سعادت آخرت صرف شود) افسوس و بازیچه‌ای بیش نیست، و زندگانی اگر مردم بدانند به حقیقت دار آخرت است (که حیاتش جاوید و نعمتش بی‌رنج و زوال است) {العنکبوت: 64} .

خداوند متعال فرمود: { اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾ } بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه‌ای است طفلانه و لهو و عیاشی و زیب و آرایش و تفاخر و خودستایی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان. در مثل مانند بارانی است که گیاهی در پی آن از زمین بروید که برزگران (یا کفار دنیاپرست) را به شگفت آورد و سپس بنگری که زرد و خشک شود و بپوسد. و در عالم آخرت (دنیا طلبان را) عذاب سخت جهنم و (مؤمنان را) آمرزش و خشنودی حق نصیب است. و باری، بدانید که زندگانی دنیا جز متاع فریب و غرور چیزی نیست. { [الحديد : 20] } .



خداوند تبارک و تعالی اول و آخر و آشکار و نهان است، آسمانها و زمین را آفرید و دنیا و آخرت را آفرید و حکیم دانا است که می آفریند. هر چه بخواهد انجام می دهد و هر چه بخواهد حکم می کند.

منزه است او آنچه را که می خواست آشکار کرد و آنچه را که خواست پنهان داشت و او توانا و حکیم است.

پس آنچه را که از مخلوقات می خواست نشان داد.. و خود را پنهان کرد، اعلیحضرت.

او اجساد را نشان داد و ارواح را پنهان کرد.

و ارزش چیزها را نشان دهید.. و ارزش تجارت را پنهان کنید.

و دنیا را نشان داد و آخرت را پنهان کرد.

منزه است، دنیا را آفرید و آن را سرای ایمان و عمل قرار داد، آخرت را آفرید و آن را منزلگاه پاداش و کیفر قرار داد.

رغبت به آخرت جز با اعراض از دنیا کامل نمی شود و ترک دنیا جز پس از دو نظر صحیح صحیح نیست:

اول: نظر به دنیا و زوال و نابودی سریع آن، کاستی ها و پستی های آن، درد مجادله بر آن، اشتیاق به آن، و آنچه در آن پریشانی و پریشانی است، و آخرین آن زوال و انقطاع. و دلشکستی که به دنبالش می آید

سالک دنیا از غم و اندوه پیش از وقوع آن و نگرانی برای رسیدن به آن و غم و اندوه پس از گذشتن آن دست بر نمی دارد.

دوم: نگاه به آخرت، نزدیک شدن، آمدن و ناگزیر، تداوم و بقای آن، و شرافت آنچه در آن از لذات و سعادت و خیر و لذت است.

پس اگر این دو نظر برای او برآورده شود.. و به این و این بیندیشد.. و با بینش و بصیرت خود در آن دو جهان سرگردان باشد.. آنچه را که عقل اقتضا می کند ترجیح می دهد.. و از آنچه عقل اقتضا می کند زهد در آن را رها می کند. .

و خداوند متعال سرای دنیا را آفرید و آن را مسکن بندگان و محل کار و عمل به اوامر خدا قرار داد و بندگان را در آن از غذا و نوشیدنی و پوشاک و وسیله نقلیه و همه چیز روزی داد. سایر نعمت ها و پناهگاه ها، چنان که سبحان می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾» او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد، و پس از آن به خلقت آسمانها نظر گماشت و هفت آسمان را بر فراز یکدیگر برافراشت و او به همه چیز داناست. « (بقره: 29) .

سبحان اوست که همه موجودات و احوال این دنیا را مورد توجه و تأمل قرار داد و با تدبر و ذکر نیکو و علم به عظمت و قدرت و وسعت علمش استنباط کرد، چنانکه

منزه است. ، گفت: {اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا 12} ، خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمان‌ها از (هفت طبقه) زمین خلق فرمود؛ امر نافذ او در بین هفت آسمان و زمین نازل می‌شود تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا و به احاطه علمی بر همه امور عالم آگاه است { [طلاق: 12] .

و بقای بندگان در این خانه برای مدت معینی که فقط خداوند آن را می‌داند و چون مدت اقامت تمام شد، پروردگارش آنان را از خانه بیرون کرد، سپس آن را ویران کرد زیرا ساکن از آن خانه به دیگری نقل مکان کرد.

خورشید شکست..آسمان شکست..سیارات پراکنده شد..زمین صاف شد..کوه‌ها جابه‌جا شدند..باجگیرها شکستند..و دریاها منفجر شدند..و آنچه در گورها بود پراکنده شد. چنانکه سبحان می‌فرماید: { إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾ هنگامی که آسمان شکافته شود. ( 1 ) و هنگامی که ستارگان آسمان فرو ریزند. ( 2 ) و هنگامی که آب دریاها روان گردد (تا به هم پیوسته همه یک دریا شود). ( 3 ) و هنگامی که قبرها زیر و رو شود (و خلائق از آنها بر انگیخته شوند). ( 4 ) آن هنگام است که هر شخصی به هر چه مقدم و مؤخر انجام داده همه را بداند (شاید مراد از مقدم عملی است که پیش از رفتن از دنیا برای آخرت به جای آورده، و مؤخر آن اعمالی که پس از مرگ به او می‌رسد مانند باقیات صالحات و

اعمال خیري که وصیت کرده و وقف و صدقات جاری و فرزند صالح یا کتاب علمی و سنّت حسنه (5) { [الانفطار: 1-5] .

و در تغییر اوضاع و احوال و تجلی آن هولناکی ها، بیانی از قدرت جلیل القدر بعد از بیان جلال، و نفی الحاد با از بین بردن بت‌هایشان، و نشان دادن اینکه جهان خدایی دارد که جهان را هر طور که بخواهد کنترل می کند و هیچ چیز در زمین و آسمان او را از دست نمی دهد.

چقدر خداوند در تخریب این خانه حکمت دارد.. و نشان از کمال قدرت و قوت اوست.. و عظمت جلال و اقتدار او.

منزه است کسی که همه مخلوقات را مسخر خود کرد و تسلیم اراده او شد که همه عالم در دست اوست.: { ذَلِكُمْ بِأَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَغَرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ این عذاب شما کیفر آن است که به آیات خدا تمسخر کردید و مغرور زندگانی دنیا شدید. پس کافران امروز از آتش دوزخ رهایی ندارند و هیچ عذر و توبه ایشان نپذیرند. ( 35 ) باری ستایش و سپاس مخصوص خداست که به یکتایی آفریننده آسمانها و زمین و همه جهانهای بی نهایت است { [الجاثية: 36، 37] .

و خداوند متعال مردم را برای عبادت او آفرید و تا او را نشناسند عبادت او ممکن نیست. بر هر انسانی که خداوند به او عقلی داده است که حقایق را درک کند، واجب است که بداند:

پروردگارش، روحش، دنیا و آخرتش.

پس چون بنده پروردگارش را بشناسد، محبت و تسبیح خدا و اطاعت از او و توکل بر او از آن سرچشمه می گیرد.

و اگر خود را بشناسد: از آن حیا و ترس از خدا و تواضع در برابر او و عدم وجود او و توکل بر او ناشی می شود.

و اگر دنیا و سرعت زوال آن را بداند؛ از آن شدت میل او به او ناشی شد.

و چون آخرت و کمال سعادت بهشت را بشناسد، به آن میل شدید می کند و به سوی اعمالی که به آن رسیده است می شتابد.

و اگر سختی عذاب آتش را بداند: از آن سختی فرار از آن به واسطه پرهیز از شرک و گناه ناشی می شود.

پدر و مادر دو قدمند: قدمی برای عبادت و قدمی برای ندا دادن، چراغ آنها علم است، و محرکه آنها ایمان است، پس هر که آنها را با هم گام بردارد امانت را به جا می آورد و به بهشت می رسد.

و دنیا دو مجلس دارد: شورایی در طلب آخرت و شورایی در طلب حلال.

و سومی مضر است و اثر ندارد پس از آن بپرهیزید.

دنیا و آخرت ضرر دارد، اگر به یکی از آنها گرایش داشته باشی، به دیگری ضرر خواهی رساند و بین آنها از نظر زیبایی و کمال و ماندگاری دورتر از مشرق و مغرب است.

و آخرت از اولی بهتر است، چنانکه سبحانه می فرماید: { بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾ } (اما شما مردم از جهل و غفلت از پی این سعادت نروید) بلکه زندگانی دنیا را بگزینید و عزیز دارید (16) در صورتی که منزل آخرت بسی بهتر و پاینده تر (از دنیای چند روزه) است. { [الاعلی. : 16، 17]

لذت دنیا مانند سایه زودگذر است و از مبارزه با آن دست برنمی دارد.

اگر بر آن راه بروی تو را می برد و اگر برد تو را می کشد و اگر به سوی تو آمد تو را اشغال می کند و اگر از تو روی برگرداند تو را اندوهگین می کند و اگر باشد از آنها بسیار زیاد است، شما را غرق خواهد کرد، چنانکه سبحانه الله می فرماید :

در خواری خدا همین بس که جز در آن نافرمانی نکند و آنچه را که دارد جز با ترک آن به دست نیاورد و هر چه در آن باشد ناوگانی است چنانکه حق تعالی فرمود: { فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ } پس چیزی که نصیب شما گردیده متاع (فانی) زندگی دنیاست و

آنچه نزد خداست بسیار بهتر و باقی‌تر است اما آن مخصوص است به آنان که به خدا ایمان آورده‌اند و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. { [شوری: 36] .

دنیا منزلگاه غربت است و بنده در آن بر بال سفر یا بهشت است یا جهنم، پس چنان در آن باشد که گویی غریب است یا در راه.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: مال من چیست و در دنیا چیست، من در دنیا سواری هستم که زیر درختی پناه گرفت و رفت و آن را رها کرد. ترمذی و ابن ماجه

هر چه بیشتر به آن سفر کنید بهتر و بهتر می شود.

و اگر عمر انسان طولانی شود و کردارش بد باشد، طول سفر بر درد و عذابش می افزاید و او را به قعر می رساند، پس مسافر یا صعودی است یا نزولی.. یا برنده. یا یک بازنده

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد که کدام مردم نیکوکارند، فرمود:

«کسی که عمرش طولانی و عملش نیکو باشد.» گفت: کدام یک از مردم بد

است؟ : «کسی که عمرش طولانی و عملش بد باشد.» به روایت ترمذی

وجود انسان، واقعیت زندگی و هزینه های آن، و مراد از آن چیست؟

دنیا نیمی از زندگی است که پایین‌تر و کوتاه‌تر است و آخرت نیمی از زندگی است که بلندتر و بلندتر است.

و خداوند متعال پیامبران را مبعوث کرد تا به مردم پیاموند که چگونه عمر خود را در آنچه به آنها سود می بخشد و شادی دنیا و آخرتشان می کند و پروردگارشان را که آنها را آفریده و روزی می دهد خشنود سازند.

این امر با شناخت خداوند به اسماء و صفات او و شناخت دین و شریعت او که راهی است به سوی او انجام می شود و دانستن اینکه مردم پس از آمدن به سوی او در آخرت چه خواهند داشت. از سعادت پایدار برای آنان. کسانی که او را اطاعت می کنند و عذاب سخت برای نافرمانان او در دنیا و آخرت

{ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٠﴾ (ای پیغمبر) از تو از حکم شراب و قمار می پرسند، بگو: در این دو کار گناه

بزرگی است و سودهایی برای مردم، ولی زیان گناه آن دو بیش از منفعت آنهاست. و نیز سؤال کنند تو را که چه در راه خدا انفاق کنند؟ جواب ده: آنچه زائد (بر ضروری زندگانی) است. خداوند بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان کند، باشد که تفکر نموده و عقل خود به کار بندید، (٢١٩) در کار دنیا و آخرت (تا از دنیا برای آخرت توشه بردارید). و سؤال کنند تو را که با یتیمان چگونه رفتار کنند؟ بگو: به اصلاح (حال و مصلحت مال) آنها کوشید بهتر است (تا آنها را بی سرپرست



گذارید) و اگر با آنها آمیزش کنید رواست که برادر دینی شما هستند، و خدا آگاه است از آن کس که (در کار آنان) نادرستی کند و آن که اصلاح و درستی نماید. و اگر خدا می‌خواست کار را بر شما سخت می‌کرد چه آنکه خدا توانا و دانا است. (۲۲۰) { [بقره: 219، 220] .

برای به دست آوردن سعادت باید به دنیا و آخرت فکر کرد و آنچه را که می ماند بر فانی ترجیح داد و این لازم است: { وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى ﴿٤﴾ } و البته عالم آخرت برای تو بسی بهتر از نشأه دنیا است. { [الضحی: 4] .

دنیا و آخرت از آن خداست، پس هر کس چیزی از آن را بخواهد باید از صاحبش بخواهد، زیرا ثواب دنیا و آخرت برای اوست و آنچه را که دارد جز با اطاعت از او به دست نمی آورد. امور دنیا و دین جز با استعانت از او فهمیده نمی شود و همیشه نیاز به اوست: { مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿١٣٤﴾ } هر که ثواب و نعمت دنیا را طالب است (از خدا بخواهد که) ثواب دنیا و آخرت نزد خداست، و خدا شنوا و بیناست { [نساء: 134] .

و هر کس دنیا را بخواهد و برای آن کار کند و کوشش کند و آغاز و پایان را فراموش کند، خداوند هر چه بخواهد از خرابی‌ها و بهره‌مندی‌هایش از آنچه برایش مقرر کرده است برایش می‌شتابد، ولی لذتی بی‌فایده و ماندگار نیست. هر چه بخواهیم برای هر کس بخواهیم است، سپس جهنم را برای او قرار می دهیم که در آنجا مذموم و رد شده دعا کند

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴿١٨﴾ هر کس متاع عاجل و زودگذر دنیا را طالب است متاع دنیا را به او می‌دهیم (لیکن باز) به هر که خواهیم و هر چه مشیت ازلی ما باشد، سپس (در عالم آخرت به کیفر کردارش) دوزخ را نصیب او کنیم که با نکوهش و مردودی به جهنم درآید. { [اسراء: 18] .

و هر که به خدا ایمان آورد و آخرت را بخواهد و برای آن کوشش کند چنان که در کتاب پروردگارش آمده و در سنت رسولش - صلی الله علیه و آله - آمده است، او را خواهد داشت. ثواب نزد پروردگارش همان گونه که خداوند سبحان فرمود: «و هر کس آخرت را بخواهد و در آن کوشش کند، همان گونه که برای آن تلاش می‌کند در حالی که مؤمن است، تلاش آنان قدردانی می‌شود (19)» { [اسراء: 19]

. و هر یک از اینها.. و اینها، خداوند به او عطایا و الطاف عنایت می‌کند، زیرا این عطایا و احسان اوست که خداوند به مؤمنان و کافران و اهل طاعت و معصیت عطا می‌کند، [الاسراء: 20] .

و حب دنیا سر هر گناهی است. قطع آن یا با گوشه‌گیری از عبد است و این را فقر می‌گویند و یا با گوشه‌گیری عبد از آن و این را زهد می‌گویند. دنیا فی نفسه حرام نیست، چون مکان و زمان کار و عبادت و دعوت و جهاد است.

فقر برای خود لازم نیست، بلکه از آن جهت است که مانعی برای خدای تعالی ندارد و به او مشغول نیست و جدایی محبوب شدید است.

پس هر که دنیا را دوست بدارد از ملاقات خدای متعال کراهت دارد و هر که خدای تعالی را دوست دارد به آنچه دوست دارد عمل می کند و آنچه را که کراهت دارد ترک می کند و ملاقات با خدای متعال را دوست دارد.

خداوند رحم مادر را آفرید تا انسان را بیافریند و اعضا و جوارح او را کامل کند.

او جهان را به کمال ایمان و عمل نیک آفرید.

آخرت را آفرید تا به عدل و عدل الهی دست یابد و خواسته ها را برآورده سازد و بشریت را به افق های عالی سعادت و ابدیت برساند.

و خداوند تبارک و تعالی مخلوقات را آفرید و مهلت ها را نوشت و روزی ها را تقسیم کرد، او حکیم و آگاه است، دنیا را به دشمنانش می دهد تا در آن غوطه ور شوند، پس آنها را مسخره و تحقیر می کند. {نه پول آنها را دوست داشته باشید و نه فرزندان آنها را، بلکه خداوند می خواهد آنها را در دنیا عذاب دهد و آنها زیانده هستند .

پس چون آن را به خشنودی پروردگارشان عرضه کردند و به خاطر آن خدا را نافرمانی کردند، خداوند آنها را در دنیا با آن عذاب کرد و باعث خستگی قلب و بدنشان شد و از این دنیا در آتش جهنم به بدبختی دائمی رفتند.

دنیایی که بنده را از اطاعت خدا منحرف می کند دشمن اوست.. مثل مردار است پس چگونه سر سفره هایش بنشینیم؟ .. مثل حمام است، پس چگونه دوست داریم در آن بمانیم؟.

و آخرت از جواهرات گرانبها تر است، پس چگونه به سوی آن شتاب نکنیم؟ و دنیا نزد خدا بال پشه وزنی نمی کند و اگر چیزی از ذلت و خواری آن نبود جز اینکه خداوند تبارک و تعالی در آن نافرمان شده است، برای کراهت ما از آن کافی است.

و اهل کار در این دنیا بر دو قسم اند:

بعضی از آنها کسانی هستند که برای دنیا زحمت کشیدند و سپس ترک کردند و آن را ترک کردند.

و کسانی که برای دنیا کوشش می کنند دو دسته اند:

از آن جمله کسی که به آن دست می یابد، سپس تجاوز می کند و ستمگر می نماید، و متکبر و متکبر است، پس روزی او برای آتش می شود.

برخی از آنان آن را از دست دادند و غم و اندوه و قرض و حقوق بندگان را به دوش کشیدند.

و کسانی که برای دستیابی به آخرت کوشش کنند بر دو دسته اند:

از جمله آنان که فقط به عبادت و عمل صالح مشغول شدند، پس اگر بمیرند اعمالشان جز از سه نفر قطع می شود، به عنوان پیامبر - صلوات الله علیه و آله . و درود خدا بر او فرمود: «هنگامی که انسان بمیرد، اعمالش از او منقضی می شود، مگر سه مورد: جز صدقه های مستمر، دانشی که از آن سود می برد، یا فرزند صالحی که برای آن دعا می کند.» روایت مسلم

و برخی از آنان به عبادت و دعوت و تعلیم احکام دین به ملت پرداختند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «کسی که دعوت به هدایت کند، ثوابش مانند مزد پیروان آن است، و این از مزد آنان کم نمی شود، و هر کس که دعوت به فریب دهد، که این مصیبت است، چیزی.» مسلم

آن را بیرون آورد، چند مسلمان و نمازگزار، وعاظ و مجاهد، علما و معلمان، روزه داران و زکات، زائران و عمره گزاران در این روزنامه هستند؟

زندگی دنیا بازی و حواس پرتی است، آنگاه که هدفی بزرگتر و ماندگارتر در پس آن نباشد، وقتی انسان برای خود زندگی کند و از تقرب خداوند به آن بریده باشد.

آن تقرب الهی که آن را مزرعه آخرت قرار می دهد، و به واسطه ارث باقی مانده آخرت، سبحان او، یکی از بهترین خلافت ها را در آن قرار می دهد: { إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ } (۳۶) البته زندگانی دنیا به جز بازیچه و هوسرانی نیست و اگر ایمان آرید و پرهیزکار شوید

پاداش اعمال شما را خواهد داد و از اموال شما چیزی (مزد هدایت) نمی‌خواهد. [محمد: 36].

پس ایمان و تقوا و کار با تقوای الهی در زندگی دنیاست که آن را به میدانی فراخ برای کسب مزد تبدیل می‌کند و آن را از بازی و سرگرمی دور می‌کند و مهر جدیت را در آن نقش می‌بندد. .. و آن را از مرتبه پایگاه حیوانی.. به مرتبه خلافت هدایت یافته متصل به جامعه اعلی می‌رساند.

در آن هنگام آنچه مؤمن متقی از نذورات زندگی دنیوی قربانی می‌کند، هدر نمی‌رود و قطع نمی‌شود.

از این بخشش و انفاق است که در ماندگارترین سرا، کامل‌ترین پاداش به دست می‌آید.

و خداوند سبحان از مردم نمی‌خواهد که تمام مال خود را خرج کنند و در واجبات و سنت‌های خود بر آنها سخت نمی‌گیرد و بر جانی بیش از توانش تکلیف نمی‌کند و اوست. نسبت به آنان مهربان‌تر از آن است که همه آن را انفاق کنند تا سینه‌هایشان تنگ شود و کینه‌هایشان نمایان شود

إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ ﴿٣٧﴾ هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلْ عَن نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ﴿٣٨﴾

اگر از مال شما خدا چیزی به اصرار هم بخواهد باز بخل می‌ورزید و کینه و خبث درونی شما را آشکار می‌سازد. ( 37 ) آری شما همان مردمید که برای انفاق در راه (تبلیغ دین) خدا دعوت می‌شوید باز بعضی از شما بخل می‌ورزند، و هر که بخل کند بر ضرر خود اوست و گرنه خدا (از خلق) بی‌نیاز است و شما فقیر و نیازمندید. و اگر شما روی بگردانید خدا قومی غیر شما که مانند شما (بخیل) نیستند (بلکه بسی از شما بهتر و فداکارترند) به جای شما پدید آرد. ( 38 ) [محمد 37 و 38]

خداوند تبارک و تعالی دنیا و آخرت را آفرید تا بندگان عظمت و عظمت او را بشناسند و احسان و احسان او را بشناسند.

انتخاب خداوند این امت برای ادای دعوتش عزت و عزت و از بخشش است، پس اگر شایسته این فضل نباشند و به هزینه این مقام برنمی‌خیزند و قدر آنچه را ندانند. آنها دادند، سپس خداوند آنچه را که داده پس می‌گیرد، و دیگران را برای این نعمت از میان کسانی که قدردان لطف و عظمت فضل او هستند، برمی‌گزیند.

هشدار بزرگ و وحشتناکی است برای کسی که شیرینی ایمان را چشیده است و عزت خود را در پیشگاه خداوند احساس می‌کند و جایگاه خود را در این جهان هستی... و حامل این راز بزرگ الهی است. و در زمین با حجت خدا در دل راه می‌رود... و نور ایمان در وجودش... و بر آن می‌رود و می‌آید نشانه مولایش:

{ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ } (۲۳)

در جهان از آن کس که (چون پیغمبران) خلق را به سوی خدا خواند و نیکوکار گردید

و گفت که من از تسلیم شونده‌گان خدایم کدام کس بهتر و نیکو‌گفتارتر است؟ {  
[فصلت: 33].

ایمان‌گرانه‌ترین چیز در زندگی انسان است و هدیه بزرگی از جانب خداوند به  
بندگان است که هیچ چیز در این دنیا با آن برابری نمی‌کند.

زندگی ارزان است و پول ارزان است، وقتی ایمان در یک طرف قرار گیرد و هر چیز  
دیگری در طرف دیگر قرار گیرد.

کسی که حقیقت ایمان را بشناسد و با آن زندگی کند، طاقت زندگی و آنچه را که  
از آن می‌خورند، ندارد، سپس آن را از او می‌گیرند، بیرون می‌کنند و بدون او درها  
بسته می‌شود.

بلکه زندگی برای کسی که با پروردگارش تماس می‌گیرد، که همه چیز در دست  
اوست، جهنمی غیرقابل تحمل می‌شود، سپس درها به روی او بسته می‌شود و  
بدون او حجاب می‌شود

و اگر اهل روی زمین از عبادت پروردگارشان تکبر کنند و تسلیم آن نباشند، هیچ  
ضرری به خدا نخواهند رساند و خداوند از آنها بی‌نیاز است و بندگان بزرگواری دارد  
که خدا را به دستور او نافرمانی نمی‌کنند. آنان را و آنچه را که دستور داده شده  
اند انجام دهند و از عبادت او خسته نمی‌شوند، به خاطر قوت دعوت کننده‌ای که  
در میان آنان است به این امر:



{ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾ }

پس اگر کافران (از پرستش خدا) تکبر و بزرگ منشی ورزند فرشتگان (و قوای بی‌نهایت عالم بالا) که نزد خداوند شب و روز بی‌هیچ خستگی و ملال به تسبیح و طاعت حضرت حق مشغولند { [فصلت: 38] .

چه بزرگ است نعمت های خداوند بر بندگانش وقتی آنها را در شکم مادرشان و در زندگی دنیا و آخرتشان به آنها عطا می کند:

{ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي حَنَاتِ النَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ }

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥٧﴾ در آن روز سلطنت و حکمفرمایی تنها مخصوص خداست، که میان آنان حکم می‌کند، پس آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند در بهشت پر نعمتند. (۵۶) و آنان که کافر شده و تکذیب آیات ما کردند آنها را عذابی خوار کننده و ذلت بار است. (۵۷) { [الحج: 56, 57] .

و خداوند برای مؤمنان در بهشت آنچه را نه چشمی دید و نه گوشی شنیده و نه قلب انسانی آستن شده، آماده کرده است، چنان که سبحان و سبحان فرمود: و اگر خداوند در قیامت بندگان را از هم جدا کند، اهل بهشت به سوی بهشت و دوزخیان به جهنم می روند. اهل بهشت در سعادت ابدی خواهند بود چنانکه حق تعالی فرمود: {و خداوند به مؤمنان و مؤمنان بهشت‌هایی را وعده داد که از زیر آن نهرها در آن و در آن جاودانه است و در باغ‌های بهشت نیکو است . «

و اهل جهنم در عذاب دائمی منزّه است: { و خداوند به منافقان و منافقان و کافران وعده داد که آتش جهنم جاودانه اهل آن است. خدایا دنیا را بزرگ ترین دغدغه ما قرار نده.. نه وسعت علم ما را.. و نه سرنوشت ما را جهنم.. و بهشت را خانه ما قرار ده. خدایا از تو بهشت و آنچه ما را از گفتار و کردار به آن نزدیک می‌کند و از جهنم و آنچه ما را در گفتار و کردار به آن نزدیک می‌کند به تو پناه می‌بریم. خدایا:

{ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

{ ۲۰۱ } و بعضی دیگر گویند: خدایا ما را از نعمت‌های دنیا و آخرت هر دو بهره‌مند

گردان و از عذاب آتش دوزخ نگاه دار. { [بقره: 201] .

## فصل سوم : خلقت فرشتگان

در قرآن کریم نام فرشته را ملائکه نامیدند و تعداد نام ملائکه در قرآن 68 بار آمده است

الملائکه 39 بار  
بالملائکه 1 بار  
للملائکه 9 بار  
ملائکه 6 بار  
والملائکه 13 بار

فرشتگان از چه چیزی و از چه زمانی خلق شدند؟

فرشتگان : بندگان بزرگوار خدا و سیر و سلوک میان او و حضرت عالی و رسولانش.

(1) از چه چیزی خلق شده اند؟

در صحیح مسلم ثابت شده است: عایشه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: (( فرشتگان از نور آفریده شدند، جنیان از نور از آتش آفریده شدند. و آدم از آنچه برای شما توصیف شد آفریده شد)) و این نوری که فرشتگان از آن آفریده شده اند ما نمی کاوشیم که از چه نوری است؟ کافی است بگوییم که او از نور آفریده

شده است، چنانکه در حدیث آمده است و این نور مخلوق است نه نور خداوند متعال.

(2) چه زمانی خلق شدند؟

فرشتگان قبل از انسان آفریده شده اند. چون خداوند متعال فرمود: «وَ أَنْ قَالَ رَبُّكَ لَلْيَكُومُ فِي الْأَرْضِ فِي الْأَرْضِ» (بقره: 30) بیانگر این است که فرشتگان قبل از خلقت آدم علیه السلام آفریده شده اند. بر او.

(3) صفات اخلاقی آنها:

(أ) عِظَمَ خَلْقِهِمْ: قَالَ تَعَالَى: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴾ [التحریم: 6].

وصف جبرئیل علیه السلام در قرآن و سنت و وصف یکی از فرشتگان حامل عرش آمده است.

و اما در وصف جبرئیل، خداوند در وصف او می فرماید: {همانا این قول رسول بزرگوار

\* قدرت با صاحب عرش است، ثابت شده} [التکویر: 19، 20]

و مراد از {قدرت داشتن} [التکویر: 20]; یعنی: شدید در آداب، سخت در ظلم و

عمل، {قوی} [التکویر: 20]; یعنی: نزد خدا مقام و منزلت بلندی دارد.

در حدیث می آید که ششصد سوئیت دارد.

و در صحیح مسلم: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وصف جبرئیل علیه السلام فرمود: ((او را دیدم که از آسمان نزول می کند، عظمت خلقتش بین آسمان و زمین حاکم است)).

در وصف یکی از حاملان عرش، ابوداود از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (به من اجازه داده شد که از یکی از حاملان عرش روایت کنم: فاصله لبه گوش تا کتفش هفتصد سال است))

ب) از خصوصیات خلقت آنها: بال داشتن; همچنین خداوند متعال می فرماید:  
الحمد لله و السموات و الارض .

و در مسند امام احمد از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه: که رسول الله صلی الله علیه و سلم جبرئیل را به شکل او دید و ششصد بال داشت. که هر بال آن افق را می بست و از بال او می افتاد و ترس از مروارید و یاقوت می افتاد.»

ج) آنها را مذکر یا مؤنث توصیف نمی کنند و خداوند اعتقاد مشرکان عرب را مبنی بر مؤنث بودن فرشتگان رد کرده است. و حق تعالی فرمود: {و ملائکه را که بندگان خدای رحمان هستند مؤنث قرار دادند که بر خلقتشان شاهد بودند شهادتشان نوشته می شود و مورد سؤال قرار می گیرند} [زخرف: 19].

د) فرشتگان نه می خورند و نه می نوشند. و چون به صورت انسان نزد ابراهیم میهمان آمدند و به آنان غذا داد; چون آنها را نشناخت - از او نخوردند; خداوند متعال

می فرماید: ﴿و چون دید دستشان به او نمی رسد، آنها را ناراضی کرد و از ترس آنها بیمناک شد .

(و یکی از خصوصیات آنها این است که توانایی شکل دادن به غیر از اشکال خود را دارند. چنین است:

• خداوند جبرئیل را به شکل انسان نزد مریم فرستاد. قال تعالی: ﴿ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا \* فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا \* قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا \* قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴾ [مریم: 16 - 19].

• جبرئیل به صورت مردی که از مسائل دین سؤال می کرد، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد. چنانکه در صحیح مسلم از عمر بن خطاب رضی الله عنه آمده است: در حالی که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که مردی لباسش بسیار سفید بود. که موهایش بسیار سیاه بود، آثار سفر بر او ندید و هیچ یک از ما او را نمی شناختیم... حدیث و در آن: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ایمان و اسلام سؤال کرد. ، صدقه و نشانه های قیامت، سپس صلوات الله علیه فرمود: ((این جبرئیل است که نزد تو آمد تا دینت را به تو بیاموزد)).

• ثابت شد که جبرئیل علیه السلام غالباً به صورت مردی از صحابه به نام « ضاحیه الکلبی » نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمد. صحابه او را به این شکل

دیدند

ممکن است فرشتگان با شنیدن قرآن به مثابه سایبانی که مانند زین در آن است نازل شوند . از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده است که ابوسعید بن حضیر شبی در سکوی خود مشغول خواندن بود که اسبش تاخت و او تلاوت کرد و سپس دیگری را خواند و سپس تاخت. سایبان بالای سرم، در آن مثل زین ها، بدون دیدن آن در هوا ایستادم. حدیثی که در آن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این باره گفته است و می فرماید: ((بخوان ای ابن حضیر آن فرشتگان به تو گوش می دادند و اگر می خواندی مردم آنها را می دیدند. بامدادان که از آنان پنهان نمی شدند)) و معنی زین: چراغ و المرید، جایی که خرما پژمرده می شود.

## انواع فرشتگان در اسلام

اسلام به ایمان اشاره کرده است فرشتگان- موجودات روحانی که خدا را دوست دارند و به انجام اراده او در زمین کمک می کنند - به عنوان یکی از ارکان اساسی ایمان آنها. را قرآن او می گوید که خداوند بیش از انسانها فرشتگان را آفریده است، زیرا گروه‌هایی از فرشتگان از هر فردی از بین میلیاردها انسان روی زمین محافظت می کنند: «برای هر شخصی، فرشتگانی پشت سر او و پیش روی او و پشت سر او هستند. آنها به فرمان خدا از آن محافظت می کنند»

خداوند در قرآن میفرماید

برای هر کس پاسبان‌ها از پیش رو و پشت سر برگماشته شده که به امر خدا او را نگهبانی کنند. خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند (و از نیکی به بدی شتابند)، و هر گاه خدا اراده کند که قومی را (به بدی اعمالشان) عقاب کند هیچ راه دفاعی نباشد و برای آنان هیچ کس را جز خدا یارای آن‌که آن بلا بگرداند نیست. (۱۱) اوست که برای بیم (از قهر) و امید (به رحمت) خود برق را به شما می‌نماید و ابرهای سنگین را پدید می‌آورد. (۱۲) و رعد (و برق و همه قوای عالم غیب و شهود) و جمیع فرشتگان همه از بیم (قهر) خدا به تسبیح و ستایش او مشغولند، و صاعقه‌ها را بر سر هر قومی بخواهد می‌فرستد، باز هم کافران در (قدرت) خدا جدل می‌کنند با آن‌که او سخت انتقام است. (۱۳) (الرعد 13 الی 11).

این تعداد زیادی فرشته است! درک اینکه چگونه خداوند فرشتگانی را که آفریده سازماندهی می‌کند، می‌تواند به شما کمک کند تا اهداف آنها را درک کنید. ادیان اصلی در یهودیت و مسیحیت و اسلام به یک سلسله مراتب فرشته ای رسیده است. در اینجا نگاهی می‌اندازیم به اینکه چه کسی در میان فرشتگان مسلمان است:

سلسله مراتب فرشتگان در اسلام به اندازه سلسله مراتب در یهودیت و مسیحیت مفصل نیست، و دانشمندان اسلامی می‌گویند که به این دلیل است که قرآن یک سلسله مراتب مفصل فرشتگان را مستقیماً توصیف نمی‌کند، بنابراین



دستورالعمل های کلی سازمانی تنها چیزی است که لازم است. قرار دادن علمای اسلامی فرشته های بزرگ که قرآن در بالا به آن اشاره کرده است، با فرشتگان دیگری که قرآن در ذیل آنها نام برده و بر اساس انواع مأموریت هایی که خداوند به آنها داده است، متمایز شده است.

## فرشته های بزرگ

فرشتگان بزرگ ترین فرشتگانی هستند که خداوند خلق کرده است. آنها عملکرد روزانه کیهان را کنترل می کنند، در حالی که گهگاه انسان ها را برای رساندن پیام های خدا به آنها ملاقات می کنند.

مسلمانان نگاه می کنند فرشته جبرئیل مهم ترین فرشتگان از زمان بنیانگذار اسلام، پیامبر(ص) بوده است محمدگفت جبرئیل بر او ظاهر شد تا تمام قرآن را املاء کند. قرآن در سوره بقره آیه 97 می فرماید: «دشمن جبرئیل کیست؟ زیرا [وحی] به خواست خدا در دل تو نازل می شود، تصدیق آنچه پیش از این بوده، هدایت و بشارت برای مؤمنان. در صحبت مجموعه ای از سخنان پیامبر اسلام محمد، جبرئیل بار دیگر بر محمد ظاهر شد و از او درباره تعالیم اسلام سؤال کرد. مسلمانان می گویند جبرئیل با پیامبران دیگر نیز ارتباط برقرار می کند - از جمله تمام پیامبرانی که مسلمانان آنها را به عنوان حقیقت می پذیرند. مسلمانان

معتقدند که جبرئیل سنگی به حضرت ابراهیم (ع) داد حجرالاسود کعبه؛ مسلمانانی که برای زیارت به مکه، عربستان سعودی سفر می کنند، این سنگ را می بوسند. دومین فرشته که را فرشته میکائیل یکی دیگر از فرشتگان عالی رتبه در سلسله مراتب فرشتگان اسلامی است.

مسلمانان میکائیل را فرشته رحمت می دانند و معتقدند که خداوند میکائیل را مأمور کرده است تا نیکوکاران را به خاطر کارهایی که در طول زندگی بر روی زمین انجام می دهند، پاداش دهد. همچنین خداوند میکائیل را متهم به فرستادن باران، رعد و برق به زمین می کند. قرآن از میکائیل یاد می کند که در سوره بقره، آیه 98 هشدار می دهد: دشمن خدا و فرشتگان او و فرستادگانش به جبرئیل و میکائیل کیست؟ خداوند دشمن کسانی است که ایمان را تکذیب می کنند.

یکی دیگر از فرشتگان والا مقام در اسلام فرشته رافائل است. در این حدیث از رافائل (به عربی «اسرافیل» یا «اسرافیل») به عنوان فرشته ای نام برده شده است که در شیپور می دمدم تا اعلام کند روز قیامت فرا می رسد. خداوند در قرآن می فرماید اولین ضربه بوق همه چیز را از بین می برد و در سوره 36 (یا سین) می فرماید انسان هایی که مرده اند با ضربه دوم زنده می شوند. سنت اسلامی می گوید که رافائل استاد موسیقی است آواز خواندن خداوند در بهشت به بیش از 1000 زبان مختلف ستایش شده است.

فرشتگان ناشناس که در اسلام از آنها به عنوان تاج و تخت یاد می شود و عرش خدا را حمل می کنند نیز در سلسله مراتب فرشتگان اسلامی جایگاه بالایی دارند. قرآن در سوره 40 (غافر) آیه 7 از آنها یاد می کند: « الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾ فرشتگانی که عرش (با عظمت الهی) را بر دوش گرفته و آنان که پیرامون عرشند به تسبیح و ستایش حق مشغولند، هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان از خدا آمرزش و مغفرت می طلبند که ای پروردگاری که علم و رحمت بی منتهایت همه اهل عالم را فرا گرفته است، گناه آنان که توبه کردند و راه (رضای) تو را پیمودند ببخش و آنان را از عذاب دوزخ محفوظ دار.

فرشته عزرائیل رافرشته مرگ که مسلمانان معتقدند روح هر انسانی را در لحظه مرگ از بدنش جدا می کند، فرشتگان بزرگ اسلام را کامل می کند. سنت اسلامی چنین می گوید فرشته عزرائیل او فرشته مرگ است، هر چند در قرآن از او با نقش (مالک الموت که در لغت به معنای فرشته مرگ است) یاد شده است و نه با نام او: کسی که مأمور قبض روح شماست، شما را خواهد گرفت. روح ها سپس به سوی پروردگارت باز خواهی گشت. (السجده 32:11).

## فرشته های درجه پایین تر

اسلام فرشتگان را در زیر این فرشتگان جمع می کند و آنها را برحسب کارکردهای مختلفی که به دستور خداوند انجام می دهند از هم جدا می کند. برخی از فرشتگان پایین تر عبارتند از:

فرشته رضوان او موظف به مراقبت از جنت (یا بهشت) است. در حدیث آمده است که رضوان فرشته نگهبان بهشت است. قرآن در سوره 13 (رعد) آیات 23 و 24 توضیح می دهد که چگونه فرشتگان به رهبری رضوان در بهشت از مؤمنان استقبال می کنند: در میان پدران و همسران و فرزندانشان: فرشتگان از هر دری به آنها وارد می شوند. درود بر تو که صبر و بردباری کردی! حالا خونه آخر چقدر خوبه!'

فرشته مالک او بر 19 فرشته دیگر نظارت می کند که از جهنم محافظت می کنند و مردم آنجا را مجازات می کنند. مالک در سوره 43 (زخرف) آیات 74 تا 77 به اهل جهنم می گوید که باید در آنجا بمانند: «بی گمان کافران در عذابهای جهنم خواهند بود تا همیشه در آنجا بمانند. [عذاب] از آنان کاسته نمی شود و با پشیمانی و اندوه و یأس عمیق به هلاکت می رسند. ما به آنها ستم نکردیم، بلکه آنها ستمگر بودند. فریاد می زنند: ای صاحب! بگذار پروردگارت ما را تمام کند! و می گوید: برای همیشه ثابت می کنی. ما حق را به شما دادیم، ولی بیشتر شما از حق بیزارید.

دو فرشته به نام کیرامان کتیبین (ضابطان شریف) به همه چیزهایی که افراد بعد از بلوغ فکر می کنند، می گویند و انجام می دهند علاقه مند هستند. شخصی که بر روی شانه های راست او نشسته است، انتخاب های خوب خود را ثبت می کند و فرشته ای که بر روی شانه های چپ او نشسته است، تصمیمات بد آنها را ثبت می کند، همانطور که قرآن در سوره 50 (ص)، آیات 17-18 می گوید.

فرشتگان نگهبان که دعا می کنند و به محافظت از هر انسانی کمک می کنند نیز از پایین ترین فرشتگان در سلسله مراتب فرشتگان اسلامی هستند.

## فرشتگان در اسلام

ایمان به خدا، ایمان به فرشتگان ایمان به کتب آسمانی ایمان به رسولان ایمان به روز قیامت ایمان به سرنوشت خوب و بد است

فرشتگان در اسلام مخلوقاتی هستند که خداوند از نور آفریده است و آنها برانگیخته و مقهور و بندگان شریف هستند و آنگونه که خدا به آنها دستور می دهد نافرمانی نمی کنند و آنچه را که به آنها امر شده است انجام می دهند و آنها را مذکر و مؤنث توصیف نمی کنند. بخورید یا بیاشامید یا با هم ازدواج کنید. ایمان به آنها یکی از ارکان ایمان است، پس هر که آنها را انکار کند و به آنها ایمان نیاورد، به آنچه در قرآن نازل شده کافر شده است. : **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ**

وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ  
وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

و وظایف و تکالیف خاصی دارند که خداوند آنها را به آنها محول کرده است، مانند ابلاغ آیات و دمیدن در بوق. و ارواح بندگان را بستانند.

## فرشتگان در دین اسلام

تدبیر جبرئیل علیه السلام.

همه مسلمانان بر این باورند که فرشتگان بندگان شریف خدا هستند و رسولان بین خدا و رسولان و پیامبران او هستند و مخلوقاتى هستند که خود را نگه می دارند و معتقدند که ایمان ایمان راسخ بدون شک است و شکی نیست. که آنها واجب هستند، بنابر آنچه از ابن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است، هنگامی که از او در مورد ایمان سؤال شد: « آن تؤمن بالله وملائکته وکتابه ورسوله »، هر کس به آنها ایمان نیاورد، یکی از شش رکن ایمان را ترک کرده و کافر شده است. به قول خدا وند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

بیهقی در کتابی از خود آورده است که ایمان به فرشتگان عبارت است از ایمان به وجود آنها و فرو فرستادن آنها به مکانهایشان و اثبات اینکه آنها بندگان خدا هستند و مخلوق او مانند انس و جن به امانت و موظفند. آنچه را خداوند به آنها اختیار داده است و توصیف آنها با آن موجب مشارکت آنها در خدا می شود. آنها را آنطور که اولی ها نامیده بودند خدا نمی نامند. و تصدیق به اینکه در میان آنها رسولانی هستند که خداوند آنها را برای هر کس از مردم بخواهد می فرستد و شاید برای او جایز باشد که برخی از آنها را برای برخی دیگر بفرستد و به دنبال آن اذعان دارد که در میان آنها حاملان عرش هستند. و از آنان پاکانند و در میان آنان حافظان بهشت و در میان آنان حافظان جهنم و در میان آنان کاتبان اعمال و از آنان کسانی هستند که ابرها را می رانند، زیرا قرآن ذکر کرده است. همه اینها یا بیشتر ایمان به ملائکه شامل چهار چیز است:

اول: اعتقاد به وجود آنها.

دوم: ایمان به کسانی که نامشان به نام او معروف است (مانند جبرئیل)، و کسانی که نامشان معلوم نیست، به طور کلی به آنها ایمان می آورد.

سوم: ایمان به آنچه از صفات آنها معلوم است.

چهارم: ایمان به آنچه از اعمالشان معلوم است که به امر خداوند متعال انجام می دهند. مانند ستایش او، و عبادت او در شبانه روز بدون کسالت و بی علاقه‌گی.

یک مسلمان باید نسبت به فرشتگان وظایف متعددی انجام دهد که اولین آنها این است که فرشتگان را چه با دشنام دادن و چه با افترا دادن به آنها آزار نرساند و از گناهان و معصیت‌ها دوری کند، زیرا آنها به مردم آسیب می‌رسانند. فرشتگان، پس به خانه‌ای که در آن سگ یا عکسی است وارد نمی‌شود و در نماز به سمت راست تف نکند. *اللَّهِ مَا دَامَ فِي مُصَلَاةٍ، وَلَا عَن يَمِينِهِ، فَإِنَّ عَن يَمِينِهِ مَلَكَ، وَلَكِنْ لِيَبْصُقَ عَن شِمَالِهِ*». و بیعت با همه فرشتگان، یعنی فرقی بین پادشاهی و پادشاهی نمی‌گذارد، پس با این یکی دوستی نمی‌کند و به دلیلی با آن یکی دشمنی نمی‌کند، مانند یهودیان که میکائیل را گرفتند و بازگشتند. جبرئیل.

مسلمانان بر این باورند که فرشتگان دارای صفات و توانایی‌هایی هستند که از جانب خداوند به آنها عطا شده است، دارای بال، قادر به شکل‌گیری، سرعت و سازماندهی و دارای ویژگی‌های اخلاقی فراوانی مانند خجالتی بودن هستند و قرآن آنها را شریف و صالح توصیف کرده است. بر اساس اعتقاد مسلمانان، آنان نزد خداوند از مقامی والا، بزرگ و والا برخوردارند. خداوند در جبرئیل فرموده است:

این قول رسولی است سخاوتمند و صاحب قدرت بر عرش، ساکن، مطیع، سپس امین و فرشتگان بر اساس اعتقاد مسلمانان، خدا را با عبادات مختلف مانند حمد و ستایش و صف آرای و حج و ترس از خدا عبادت می‌کنند.



و ملائکه نسبت به مؤمنان اعمال خاصی دارند، مانند تأمین دعایشان و محبتشان نسبت به کفار، و اعمال ویژه ای برای کفار دارند، مانند لعن و عذاب. علما در مقایسه فرشتگان و انسانها اختلاف نظر داشتند، بعضی از علما بر برتری افراد صالح از ملائکه اجماع داشتند و دلایل و قرائن زیادی ارائه کردند و بعضی دیگر بر بهتر بودن ملائکه اجماع کردند و دلیل و برهان خود را نیز اقامه کردند.

مسلمانان بر این باورند که تعداد فرشتگان فقط توسط خداوند شمارش می شود، بنابراین تعداد آنها بسیار زیاد است، زیرا هر روز هفتاد هزار نفر از آنها وارد خانه مسکونی می شوند و به آن باز نمی گردند و هر شخصی دو فرشته دارد که اعمال او را می نویسند. هر نطفه ای فرشته ای دارد که به آن سپرده شده است و این نشان دهنده فراوانی آنهاست. مسلمانان نیز بر این باورند که ملائکه دارای شخصیت بزرگی هستند، مثلاً ابوداود و احمد از حدیث جابر بن عبدالله از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود: « از یکی از فرشتگان خدا که حامل است، اجازه یافتم روایت کنم. تختی که فاصله لاله گوش تا شانه اش هفتصد سال است. »

## صفات آنها

### ویژگی های اخلاقی

خداوند در قرآن فرموده است که فرشتگان محترم و صالحند، چنانکه فرمود: «بَعَلَّ السَّيْرَةَ الْعَزِيمُ السَّرْفِ» یعنی قرآن در دست سفر است. و آنها فرشتگان هستند، زیرا فرشتگان بر اساس اعتقاد مسلمانان، سفیران خدا نزد رسولان او هستند. ایشان را شریف و صالح توصیف کرد یعنی اخلاق و عملشان پاک و کامل است. یکی از خصوصیات فرشتگان حیا است، مانند آنچه که رسول خدا از عثمان بن عفان فرمود: «آیا از مردی که فرشتگان از او شرم دارند، شرم نکنم؟»

جلد کتاب «الحبائک فی اخبار الملائک» اثر جلال الدین سیوطی که در آن از اخبار فرشتگان و صفات آنها از قرآن و سنت و آثار اسلامی صحبت کرده است.

مسلمانان معتقدند که ماده فرشتگان نور مشخص نشده است که از کدام نور آفریده شده اند. مدت زمان خلقت آنها مشخص نشده است، زیرا هیچ نص قانونی دال بر آن وجود ندارد، بلکه خلقت آنها مقدم بر انسان بوده است و شواهد علما بر آن است.:: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و آن زمان را یاد آر که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین جانشینی در زمین قرار می‌دهم. گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می‌دهی که در آن به فساد و تباهی برخیزد و به ناحق خون ریزی کند و حال آن که ما تو را همواره با ستایشت تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم. [پروردگار] فرمود: من [از این جانشین و قرار گرفتنش در زمین اسراری] می‌دانم که شما نمی‌دانید {30 بقره}

انسانها نمی‌توانند فرشتگان را به صورت مادرزادی ببینند، زیرا توانایی آن را ندارند، و هیچ کس فرشتگان را به شکل واقعی آنها ندید مگر رسول خدا، چنان که جبرئیل را دو بار به شکل مادرزادی خود دیده بود. بار اول زمانی بود که برای اولین بار در غار حیره بر او نازل شد و بار دوم در سفر اسراء و معراج است و این از قول خداوند ثابت می‌شود: و آن را نزول دیگری دید. اما انسانها می‌توانند فرشتگان را ببینند، در صورتی که به شکل انسان شکل گرفته باشند، همانطور که در برخی متون آمده است.

مسلمانان بر این باورند که فرشتگان از خلقت بزرگ هستند، عظمت خلقت آنها را هیچکس تصور نمی‌کند، اما در متون به چیزی در مورد ابعاد برخی از فرشتگان اشاره شده است. همچنین فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: « به من اجازه داده شد که از یکی از فرشتگان خدا، یکی از حاملان عرش، روایت کنم که بین لاله گوش تا شانه او هفتصد سال فاصله است». در مورد عظمت خلقت جبرئیل، عایشه در مورد آیه بیست و سوم سوره تکویر و آیات سیزدهم، چهاردهم و

پانزدهم سوره نجم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید و فرمود: جبرئیل است. او را دیدم که از آسمان فرود آمد و عظمت خلقت خود را بین آسمان و زمین حفظ کرد. « و از عظمت خلقتشان، کثرت بالهایشان. فرشتگان بال دارند، بعضی از آنها یک بال دارند و بعضی از آنها دو یا سه یا چهار یا حتی بیشتر از آن دارند. حمد و ستایش مخصوص خداست و آسمانهای آسمانها و زمین و خود جبرئیل ششصد بال دارد و از عبدالله بن مسعود می‌گوید: محمد صلی الله علیه و آله جبرئیل را ششصد بال دید. و فرشتگان در خلقت و اندازه متفاوتند، و در تعداد بالها متفاوتند، و جایگاههایشان متفاوت و نزد خدا شناخته شده است؛ و هیچ یک از ما مقام معلومی نداریم. و درباره جبرئیل فرمود: همانا این قول رسول بزرگواری است که نزد ذوالعرش قدرت دارد. یعنی نزد خداوند از مقام و منزلت بالایی برخوردار است. و بهترین فرشتگان کسانی هستند که شاهد جنگ بدر بودند که جبرئیل نزد پیامبر آمد و گفت: اهل بدر را در میان خود چه می‌دانید؟ فرمود: یکی از بهترین مسلمانان است، فرمود: فرشتگانی که شاهد بدر بودند نیز همین گونه است. مسلمانان معتقدند که فرشتگان توسط خداوند به شکلی زیبا و باوقار آفریده شده‌اند. خداوند در مورد جبرئیل فرمود: علم او روزی بسیار قوی بود، پس آن را راست کرد ابن عباس می‌گوید: «دوره» به معنای خوش بین است و قتاده می‌گوید: بلند قامت و نیکو دارد. زمانی در مورد هر قدرتمندی گفته می‌شد. هیچ تناقضی بین گفته‌ها وجود ندارد، زیرا او قوی و خوش قیافه است. در میان مردم جا افتاده است

که فرشتگان را زیبا توصیف کنند، همان گونه که تصمیم گرفته شده است که شیاطین را زشتی توصیف کنند و از این رو انسان های زیبا را به پادشاه تشبیه می کنند، مانند آنچه خداوند بر لبان آن حضرت فرمود. زنان درباره حضرت یوسف:

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ 31- . .

و هیچ نصی دال بر شباهت فرشتگان و انسانها در تصویر وجود ندارد، مگر آنچه که رسول خدا فرمود: «... و جبرئیل را دیدم درود بر او، پس اگر نزدیکترین کسی که در او دیدم شبیه دیحیه بن خلیفه بود». ، یا به او شباهت داشته باشید که جبرئیل در قالب انسان باشد. نظر دیگر، زمانی که گفته شد جبرئیل در قالب دیهی بسیار نماینده بوده است، محتمل تر است.

فرشتگان دارای سه ویژگی اساسی هستند که آنها را از انسان متمایز می کند: آنها را مذکر و مؤنث نمی دانند و نمی خورند، نمی نوشند و ازدواج نمی کنند و حوصله و خسته نمی شوند. آنها فاقد شهوت هستند، بنابراین هوس غذا، نوشیدنی و رابطه جنسی ندارند. مشرکان فرشتگان را دختران خدا می دانستند، از این رو آیات بسیاری این وصف را تقبیح می کند و خداوند بیانات آنها را شهادت می دهد تا آنها را در قبال آن بازخواست کند . . و اما هنگامی که نمی نوشند و نمی خورند، نیازی به غذا ندارند و نمی خواهند، و از آنچه نقل شده است که وقتی

به صورت انسان نزد حضرت ابراهیم آمدند و به آنها غذا داد، چنین نشد. در قرآن آمده است: آیا سخن مهمانان ارحمند ابراهیم به شما رسید؟ 24- إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ 25- فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ 26- قَالَ أَلَا 27- تَأْكُلُونَ فَأَوْحَسَ مِنْهُمْ خِيَفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ 28-

فخر رازی می‌گوید: علما اتفاق افتاده‌اند که فرشتگان نخورند و ننوشند و ازدواج نکنند. و سومین خصلت این است که خسته و ملول نمی‌شوند، چنان که خدا را عبادت می‌کنند و اطاعت می‌کنند و دستورات او را بدون حوصله و خستگی اجرا می‌کنند و از آنچه انسان از خستگی احساس می‌کند آگاه نیستند. و در آیه دیگر اگر تکبر کردند، کسانی که نزد پروردگارت هستند شب و روز او را تسبیح می‌گویند و خسته نمی‌شوند و جعل نمی‌کنند، یعنی نمی‌خوابند، و خسته نمی‌شوند، یعنی خسته نمی‌شوند.

مسلمانان بر این باورند که فرشتگان در آسمان ساکن هستند و آن را خانه می‌گیرند و گاهی برای انجام مأموریت‌هایی که به آنها محول شده است به زمین فرود می‌آیند، مانند جنگیدن با آنها در جنگ بدر، و گاهی نازل می‌شوند. مناسبت‌های خاص، مانند شب قدر. خداوند فرمود: شب قدر بهتر از هزار ماه است که در آن فرشتگان و روح برای هر کاری به اذن پروردگارش نازل می‌شوند

## تدبیر ملائکه علیهم السلام

شکل گیری : مسلمانان معتقدند که خداوند به فرشتگان این توانایی را داده است که به شکلی غیر از شکل و شمایل آنها شکل بگیرند. جبرئیل به صورت انسان نزد مریم بنت عمران آمد و فرشتگان به صورت انسان نزد حضرت ابراهیم آمدند و حضرت لوط به صورت مردان جوان به نزد او آمدند. چهره های زیبا جبرئیل به اشکال مختلف مانند تصویر ضحیه یا تصویر بادیه نشین نزد پیامبر آمد و صحابه نیز او را دیدند که پیامبر به شکل بادیه نشین آمد و از ایمان و صدقه و قیامت و آن سؤال کرد. نشانه هایی برای آموزش دین به مسلمانان و خداوند فرشته ای را به شکل انسان نزد فرشتگان مورد اختلاف در موضوع مردی که نود و نه جان را کشت، فرستاد، پس بین آنها داوری کرد. عایشه پیامبر صلی الله علیه و آله را در حالی دید که دستش را بر اسب آشنای دیحیه بن خلیفه گذاشته بود و با او صحبت می کرد .

سرعت : مسلمانان معتقدند که فرشتگان در سرعت بسیار عالی هستند و سرعت آنها بالاتر از هر سرعتی است و با معیارهای انسانی اندازه گیری نمی شود.

معرفت : مسلمانان بر این باورند که فرشتگان علم فراوانی دارند که خداوند به آنها آموخته است، اما توانایی تشخیص اشیاء را آنگونه که انسان می تواند ندارند، بنابراین هیچ چیز را تشخیص نمی دهند و نمی دانند مگر اینکه خداوند به آنها یاد دهد. خداوند فرمود: و نام همه آنها را به آدم آموخت، سپس آنها را به فرشتگان

عرضه کرد، پس فرمود: نام این افراد را به من بگوئید . اما آنچه خدا به آنها آموخت بیش از آن چیزی است که انسان بداند. و ملائکه به علم علاقه دارند و در مورد چیزهایی با یکدیگر گفتگو و گفتگو می کنند، رسول خدا (ص) فرمود: امشب پروردگارم نزد من آمد . تبارک و تعالی باده بهترین وجه گفت: ای محمد آیا می دانی مجلس اعظم در چه موردی اختلاف می کند؟ گفت: گفتم: نه، گفت: پس دستش را در میان تیغه هایم گذاشت تا خنکی آن را بین سینه هایم احساس کردم، یا در گردنم گفت، پس دانستم در آسمان ها و زمین چیست. . گفت ای محمد آیا می دانی سران عالیقدر با چه اختلافی دارند؟ در کفاره و درجات گفتم بله.. «.

سازمان : فرشتگان در همه امور و در عبادت خود سازمان یافته اند. و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مسلمانان خواست که در سازماندهی از آنان الگو بگیرند و فرمود: « آیا آن گونه که فرشتگان نزد پروردگارشان توصیف می کنند، توصیف نمی کنید؟» عرض شد: ای رسول خدا فرشتگان را در نزد پروردگارشان چگونه توصیف می کنی؟ فرمود: صفها را کامل می کنند و در ردیف به هم می بندند . فرشتگان در روز قیامت در صفوف منظم می آیند: پروردگارت و پادشاه در یک ردیف در یک ردیف آمدند و در آیه دیگر در روزی که روح و فرشتگان به صف قیام می کنند. با او صحبت نکن و حتی در اجرای دستور نیز دقیق هستند، پیامبر فرمود: « به در بهشت می آیم و باز می خواهم، می گوید: کیستی؟ نمونه دیگر دقت و



سازماندهی آنها در سفر اسراء و معراج است که جبرئیل به هر آسمانی نزدیک می شود و در هر آسمانی اجازه می گیرد و در بهشت بر او گشوده نمی شود مگر پس از پرس و جو.

عصمت : مسلمانان به عصمت فرشتگان همه بدون استثنا قائل هستند، زیرا توانایی نافرمانی خدا را ندارند، پس ملزم به اطاعت هستند از جمله آنچه که خداوند شاهد آن است: ای تو . کسانی که ایمان آورده اند، خود و خانواده تان را از آتشی که مردم بر آن می افزایند حفظ کنید و بر آن فرشتگان خشن و سخت گیر هستند، و آن گونه که خدا به آنها فرمان می دهد نافرمانی نمی کنند و آنچه را که به آنها امر شده است انجام می دهند و نمی کنند. در سخن گفتن از او سبقت می گیرند و آنها را امر می کنند

## تعداد فرشتگان

مسلمانان بر این باورند که فرشتگان موجودات زیادی هستند که فقط خداوند تعدادشان را می داند و بسیارند و نمونه هایی وجود دارد که بر فراوانی آنها دلالت می کند، هر روز هفتاد هزار زیارت خانه مسکونی می کنند و به آن باز نمی گردند. و 4.900.000.000 فرشته فقط برای کشیدن آتش در روز قیامت است، به فرموده حضرت محمد صلی الله علیه و آله: « جهنم در روز قیامت در آن روز آورده می شود و هفتاد هزار افسار دارد و با هر کدام. افسار هفتاد هزار فرشته آن را می کشند. »

و برای هر نطفه ای فرشته ای است و برای هر نطفه ای دو فرشته است که اعمال او را می نویسند و فرشتگانی که او را نگرهبانی می کنند و این بیانگر فراوانی آنهاست.

## کار فرشتگان

طرح کلی نام فرشته میکائیل به آیه 98 سوره بقره پیوست شده است.

اعمال فرشتگان به چهار دسته تقسیم می شود، اعمالشان با مردم به طور کلی، اعمالشان با مؤمنان و صالحان به طور خاص، اعمالشان با کفار، فاسقان و فاسقان به طور خاص، و اعمالشان با بقیه. از موجودات غیر انسانی

فرشتگان به طور کلی اعمال متعددی نسبت به مردم دارند. آنها در شکل گیری انسان نقش دارند، به روایت ابوذر غفاری که رسول خدا فرمودند: « اگر نطفه چهل و دو شب گذشت، خداوند فرشته ای را به سوی آن فرستاد و از آن عکس گرفت و شنوایی آن را آفرید. بینایی و پوست و گوشت و استخوانش، سپس گفت: کدام پروردگار، مرد یا زن؟ پس پروردگارت هر چه بخواهد حکم می کند و فرشته آن را می نویسد. » و فرشتگانی هستند که نگرهبانی پسر آدم را بر عهده دارند. قال الله: لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ

مفسران توضیح داده اند که موانع فرشتگان هستند. فرشتگان نیز به عنوان سفیر و فرستاده خداوند به پیامبران و پیامبران او گمارده شدند و جبرئیل نیز به این وظیفه اختصاص یافت. اما هر که فرشته داده شود پیامبر نیست، جبرئیل نزد مریم و مادر اسماعیل فرستاده شد که آب و غذا تمام شد. یکی از وظایف فرشتگان، حرکت دادن انگیزه های خیر در جان بندگان است، هر فردی بنا به اعتقاد مسلمانان، همراهی از ملائکه و یک جفت جن به او سپرده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «هیچ یک از شما نیست که رفیقش از جن و رفیقش از فرشتگان به او سپرده نشده باشد». یکی از وظایف ملائکه ثبت اعمال نیک و بد بنی آدم است. برای هر انسانی دو فرشته به او امانت داده می شود که حضور دارند و او را رها نمی کنند و اعمال و گفته های او را بر او می شمارند. خداوند متعال می فرماید: هنگامی که گیرندگان از سمت راست و از چپ نشسته دریافت کنند سخنی بر زبان نمی آورد، ولی ناظر قوی دارد. از جمله کارهای ملائکه، آزمایش فرزندان آدم از ابوهیره است که رسول خدا فرمود: «از بنی اسرائیل سه جذامی، کچل و نابینا هستند که بر خدا ظاهر شدند. خداوند متعال برای مصیبت آن ها فرشته ای را برایشان فرستاد، جذامی آمد و گفت: من چه چیزی را دوست دارم، گفت: رنگ خوب و پوست خوب، مردم مرا پلید دارند، یکی دیگر گاو است، پس یک شتر ماده گفت: در آن برکت بده و کچل نزد او آمد، چیزی نزد تو عزیزتر، گفت: خداوند بینایی مرا به من باز می گرداند، پس مردم آن را می بینند، گفت، پس آن را محو کرد و خداوند چشمانش را به او برگرداند، گفت کدام پول نزد

تو محبوب تر است، سپس فقیری گفت: در سفرم ریسمان بریده ام، پس امروز جز با خدا ارتباطی نیست، آنگاه می پرسم. تو از طریق کسی که به تو رنگ نیکو و پوست نیکو و پول شتر داد. در مسافرت به او گفت: «حق بسیار است.» به او گفت: «گویا تو را می شناسم، مگر تو جذامی نبودی که تو را فقیر تحقیر می کند، پس خدا به تو داد؟» گفت: آن را از مردی بزرگ از مردی بزرگ به ارث برد.» گفت: «اگر دروغ می گویی، خداوند تو را به آنچه بودی برمی گرداند.» و مرد کچل به شکل و قیافه اش آمد و به او گفت. همان گونه که به این یکی گفت پس او را مانند آنچه به او پاسخ داد پاسخ داد و گفت: اگر دروغگو هستی خداوند تو را به آنچه بودی تبدیل می کند و نابینا به شکل او آمد. پس فقیری و در سفر گفت و ریسمانها مرا در سفرها قطع کردند، پس امروز جز با خدا ارتباطی نیست، پس از تو می خواهم با آن که بینایی تو را به تو برگرداند، گوسفندی که با او ارتباط برقرار کردم. در سفرهایم، و بیچاره مرا غنی کرده است، پس هر چه می خواهی بردار، به خدا سوگند امروز تو را با چیزی که برای خدا گرفتم، خسته نمی کنم. دروغگو پس خداوند تو را به آنچه بودی تبدیل کرد و نابینا به شکل او آمد و فقیری و در راه راه گفت و ریسمانها مرا در سفر قطع کردند پس امروز ارتباطی جز با خدا نیست. سپس از تو می خواهم با کسی که بینایی تو را به عنوان گوسفندی به تو برگرداند که در سفرهای من آن را برسانی، به خدا سوگند امروز با چیزی که برای خدا گرفتی استرسی به تو نمی دهم. دروغگو پس خداوند تو را به آنچه بودی تبدیل کرد و نابینا به شکل او آمد و فقیری و در راه راه گفت و ریسمانها مرا در سفر قطع

کردند پس امروز ارتباطی جز با خدا نیست. سپس از تو می خواهم با کسی که  
 بنیایی تو را به عنوان گوسفندی به تو برگرداند که در سفرهای من آن را برسانی،  
 به خدا سوگند امروز با چیزی که برای خدا گرفتی استرسی به تو نمی دهم.»  
 یکی از کارهای ملائکه این است که ارواح بندگان را در زمان انقضای آنها بیرون  
 آورند، خداوند برخی از فرشتگان خود را برای رفع ارواح بندگان اختصاص داد، خداوند  
 متعال می فرماید: بگو فرشته 11- . مرگی که به تو سپرده شده است، تو را  
 می میراند ، سپس به سوی پروردگارت بازگردانده می شود و آنان بیش از  
 فرشته اند.» و جانهای کافران و تبهکاران به شدت گرفته می شود، در حالی که  
 ارواح مؤمنان به نرمی از جانشان گرفته می شود و به هنگام از بین رفتن آنها را  
 بشارت می دهی.

چندین نقش بر فرشتگان نسبت به مؤمنان واجب است و به آنها محول شده است  
 که اولین آنها محبت آنها به مؤمنانی است که خداوند آنها را دوست دارد، پس از  
 ابوهریره که رسول خدا ص فرمودند. « إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ تَعَالَى الْعَبْدَ، نَادَى جِبْرِيلَ: إِنَّ اللَّهَ  
 تَعَالَى يُحِبُّ فُلَانًا، فَأَحْبِبْهُ، فَيَحِبُّهُ جِبْرِيلُ، فَيُنَادِي فِي أَهْلِ السَّمَاءِ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
 فُلَانًا، فَأَحْبِبُوهُ، فَيَحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ، ثُمَّ يُوَضَّعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي الْأَرْضِ  
 . و از جمله وظایف آنها نسبت به مؤمنان، اجرت المؤمنین، و دعا برای مؤمنان  
 است، و چندین کار است که فرشتگان برای انجام دهنده آن دعا می کنند، مانند

معلم نیکوکاران، منتظران. برای نماز جماعت، آنهایی که در صف اول نماز می خوانند، آنهایی که بین صفوف را پر می کنند، سحری می خورند و نمازگزاران بر پیامبر که مریض برمی گردند. و از وظایف آنان تأمین دعای مؤمنان است از امّ سلمه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برای خود دعای جز خیر مکنید، زیرا فرشتگان به آنچه می گویند ایمان دارند. و از جمله کارهایشان استغفار برای مؤمنان است و شهادت آنها در مجالس علم و حلقه ذکر و مردمی که با بال در روز جمعه شرکت می کنند و ثبت نام آنها از شرکت کنندگان در روز جمعه. به ابوهریره رضی الله عنه می فرماید: « اگر روز جمعه باشد، فرشتگان بر در مسجد می ایستند و اول و اول را می نویسند و چون امام بیرون می آید روزنامه های خود را تا می کنند و ذکر را می شنوند. ». و از جمله کارهایشان این است که آنان را در میان مؤمنان عذاب کنند و هنگام خواندن قرآن آنان را نازل کنند و از جانب امتش به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خبر دهند و مؤمنان را موعظه کنند و بجنگند. آنها را با مؤمنان و تأیید آنها در جنگهایشان از ابن عباس از رسول محمد (ص) که فرمود: این جبرئیل است که سر اسب خود را به عنوان ابزار جنگ بر او گرفته است. از وظایف آنان حفاظت از رسول اکرم و حمایت آنان به نفع بندگان و رفع غم و اندوه آنان است. و شاهدانشان بر تشییع جنازه صالحان و سایه انداختن آنها بر شهید با بال. از جمله وظایف آنها محافظت از مدینه و مکه در برابر دجال است، چنانکه رسول خدا فرمود: بر دروازه های مدینه فرشتگان هستند، نه طاعون وارد آن می شود و نه دجال.

در مورد نقش فرشتگان نسبت به کفار و فسق چند کار است که فرشتگان نسبت به کفار انجام می دهند که برجسته ترین آنها فرود آمدن کفار است مانند هلاکت قوم لوط و لعن کافران، خداوند فرمود: کسانی که کافر شدند و دات هستند، و آنها کافر از کسانی هستند که فرشتگان ممکن است برخی از کسانی را که مرتکب گناهی شده اند، حتی اگر مسلمان باشند، لعنت کنند، مانند زنی که چنین نمی کند. جواب شوهرش را و کسی که با آهن به برادرش اشاره می کند و آن که به تعبیر علمای اهل سنت به اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله دشنام می دهد و مانع از اجرای قانون خدا می شود. و کسی که مبتکر را پناه می دهد .

فرشتگان هستند و تعداد آنها هشت نفر است که حمل عرش بر آنها موکل است و خداوند بر آن استوار است خداوند متعال فرمود: و پادشاه بر پهلوهاست و عرش پروردگارت در آن روز هشتم بر فراز آنان حمل می شود و کوهها فرشتهای دارند و باران و گیاهان فرشتهای دارند و گمان می رود که او میکائیل است . و ابرها فرشتهای دارند که بر آنها امانت است که رعد است، چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: « رعد فرشتهای است از فرشتگانی که بر ابرها موکل شده است، با سوراخهایی از آتش که با آن ابرها را به هر کجا که خدا بخواهد می راند.»

## عبادت فرشتگان

مسلمانان کاملاً بر این باورند که فرشتگان آفریده شده، فطری، شکل گرفته و بر اطاعت خدا و عبادت او نقش بسته اند، یعنی از نافرمانی خدا کاملاً ناتوان هستند، اما او آنها را به تلاش و کوشش مانند انسان موظف نمی کند، زیرا آنها تمایلی ندارند. و ترك گناه و اطاعت آنان از خدا زائده است.

عبادات متعددی وجود دارد که فرشتگان انجام می دهند، غیر از اطاعت آنها از خدا در اعدام. وظایفی که بر عهده آنها گذاشته شده است که اولین آنها تسبیح است، همانطور که فرشتگان خدا را تسبیح می گویند و او را یاد می کنند، صاحبان عرش او را ستایش می کنند. الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

و همواره بدون وقفه او را تسبیح می گویند، چه روز و چه شب، چنان که خداوند فرمود: شب و روز را تسبیح می گویند، نه سستی و به کثرت تسبیح خود می بالند، چنان که خداوند بر زبانشان فرمود: و ما ستایش کنندگانیم و دومین عبادتی که ملائکه انجام می دهند، عبادت همتراشی است، پس همراستایی فرشتگان با خدا عبادت است و افتخار می کنند که آنها پاکانند چنانکه خداوند بر زبانشان فرمود: همانا ما هستیم. پاکان در حالی که زانو می زنند و سجده می کنند و در کنار صف خود می ایستند به روایت حکیم بن حزام که حضرت محمد فرمود: « آیا آنچه را که



من می شنوم می شنوید؟ گفتند: ما چیزی نمی شنویم. فرمود: صدای ناله آسمان را می شنوم و بر ناله آن سرزنش نمی شود، جایی در آن نیست که فرشته ای در آن سجده نکند یا بر آن بایستد. و از عبادت ملائکه زیارت است، زیرا فرشتگان در آسمان کعبه ای دارند به نام البیت المعمور، خداوند در کتابش به آن سوگند یاد کرد که فرمود: و البیت المعمور هر روز 70 هزار فرشته وارد آن می شوند و در آن عبادت می کنند و دور آن طواف می کنند. و هرگز به آن باز نمی گردند، در روز هفتاد هزار، آخرین بدهی خود به آن باز نمی گردند.» آل بیت المعمور در آسمان هفتم، نزدیک خانه، یعنی بالای کعبه روی زمین قرار دارد. و ترس از خدا و ترسشان، از خدا با دلیل بر گفتار او می ترسند، او آنچه را که میان دستانشان است و آنچه را ترک کرده اند می داند و جز برای کسانی که آمده اند شفاعت نمی کنند. من و آنان از خدا می ترسند.

## مرگ فرشتگان

علما در مورد مرگ فرشتگان اختلاف نظر دارند، دو نظر وجود دارد: فرشتگان می میرند و این نظر عموم است و احادیث متعددی استنباط می کنند که مستحکم نیست، جز اینکه محکم ترین دلیل آنها این آیه کلی در کلام الله مجید است که می فرماید: با خدا به سوی خدای دیگر خوانده نشوید هیچ معبودی جز او نیست

آنها نمی میرند و این قول را ابن حزم و برخی از مفسران برگزیدند و به قول خود به استثناء در خداوند متعال استنباط کردند: و او در عکسها دمیده شد، پس از اهل آسمان مبهوت شد. و هر کس در زمین است، مگر آن که او را نابود کرد کتیبه ای که نام یکی از فرشتگان ( اسرافیل ) را بر اساس نامگذاری اسلامی نشان می دهد.

جبرئیل : ملک جبرئیل بیش از یک بار در قرآن به نام او به صراحت یا با نام روح ذکر شده است. رمضان برای مطالعه قرآن پیامبر اسلام . او را به نماز اقامه کرد تا نماز را به او بیاموزد و او را برانگیخت و در جنگ بدر و جنگ خندق با او جنگید.

میکائیل : نام او در قرآن به صراحت ذکر شده است و به گفته ابن کثیر ملکی است که باران و نبات به او سپرده شده است.

اسرافیل : فرشته ای است که در نزدیک شدن به قیامت بر عکسها می دمد ، طبق آنچه در حدیث آمده است و این سه (جبرئیل، میکائیل و اسرافیل) توسط حضرت محمد (ص) برای باز کردن نمازش در شب استفاده می شود. و در دعاهایش به آنها یادآوری کند.

مالک : حافظ آتش و نامش در قرآن به صراحت آمده است و ندا دادند: ای مالک، پروردگارت ما را قضاوت کن

رضوان : حافظ بهشت و نام او در برخی از احادیث به صراحت آمده است.

منکر و نکیر: آنها دو فرشته هستند که از کسی که در قبر می میرد از دین و خدا و پیامبرش سؤال می کنند و در برخی از روایات نام آنها به صراحت آمده است. هاروت و ماروت : دو پادشاه که نامشان در قرآن آمده و در سرزمین بابل ساکن شدند .

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ ۗ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۗ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۗ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ ۗ وَلَيُنسِ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ ۗ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ( 102 بقره)

فرشته مرگ : او پادشاهی است که از بین بردن جان مردم به او سپرده شده است و نام او در قرآن و سنت به صراحت ذکر نشده و نام فرشته مرگ در آنها ذکر شده است. بگو فرشته مرگی که بر تو سپرده شده است، تو را می میراند، سپس به سوی پروردگارت بازگردانده می شود

حاملان عرش : هشت فرشته هستند که حمل عرش به آنها سپرده شده است و در قرآن از آنها یاد شده است. و پادشاه بر پهلوهاست و در آن روز هشتم عرش پروردگارت را بر فراز آنها حمل می کند

رعد : فرشته‌ای است که بر ابرها موکل است و مخروط‌هایی از آتش دارد که هر جا خدا بخواهد می‌راند، چنانکه در برخی از روایات آمده است.

ملک الجبال : او پادشاهی است که بر کوهستان موکل شده است و داستان او با حضرت محمد در برخی از احادیث آمده است.

زبانیه : آنان خزانه داران جهنم هستند و از فرشتگانند. آنها در قرآن در سوره علق ذکر شده اند ، در سوره علق به آن زبانیه می‌گوییم .

## برتری انسان بر فرشتگان

عن عبدالله بن سنان گفت: از اباعبدالله جعفر بن محمد صادق علیه السلام پرسیدم: فرشتگان بهترین فرزندان فرزندان را گفتم و درود خدا بر او فرمودند: همانا خداوند عز و جل در فرشتگان تعقل را بدون شهوت و در حیوانات شهوت بی دلیل و در فرزندان آدم قرار داده است. هر دو، هر کس بر عقلش چیره شود از فرشتگان بدتر است و هر که بر عقلش چیره شود از وحوش بدتر است.

عبدالله بن سنان [از اصحاب امام صادق علیه السلام] نقل می‌کند: من از حضرت سؤال کردم که ملائکه افضل و بالاترند یا بنی آدم؟ پس حضرت علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند به راستی که خداوند

عزّوجلّ در وجود ملائکه عقل را آمیخت، بدون آن که شهوت برایشان قرار دهد و در وجود حیوانات شهوت را در آمیخت بدون آن که عقل برایشان قرار دهد. ولی در بنی-آدم هر دو آنها را درهم آمیخت. پس هر انسانی که عقل او بر شهوتش غلبه کند او بهتر از ملائکه است. و هر انسانی که شهوت او بر عقل او غلبه نماید او از حیوان پست-تر و شرّتر است.

در این روایت حضرت علی علیه السلام مقایسه ی زیبایی فرموده است: فرشته، سراسر وجودش عقل است و حیوان سراسر وجودش شهوت می باشد. انسان آمیخته-ای از عقل و شهوت است، اما انسانی که فقط در فکر خوراک، پوشاک، مسکن، ماشین و برآوردن خواهش-های نفسانی و... خود می-باشد در ردیف حیوان بلکه پست-تر و شرّتر از حیوان است. در مقابل انسانی که دنبال عبادت و اطاعت پروردگار است، یعنی از نیروی شهوت مال، مقام و... برای رسیدن به قرب و نزدیکی خداوند استفاده کرده و از هیچ کوششی فروگذار نمی کند و توان خود را در راه خداوند و خدمت به بندگان او صرف می نماید و تا بذل جان و خاندان خود جلو می-رود، چنین انسانی نه تنها از ملائکه بهتر، بالاتر و والاتر است، بلکه ملائکه خادم او هستند.

در روایتی در توصیف عقل آمده است: «العقلُ ما عُيدَ به الرَّحْمَنُ و اِكْتَسِبَ به الْجِنَانُ» عقل، چیزی است که به وسیله آن خداوند رحمان عبادت شده و بهشت

به دست می آید. پس زیبایی و زیبا سخن گفتن. پول، ریاست، پست و مقام و...  
دلیل عاقل بودن نمی باشد. پس قضاوت کنیم آیا ما عاقل هستیم یا نه؟

## تصور قیافه فرشتگان

ایمان به فرشتگان یکی از پایه‌های ایمان اسلامی است، چنان که قرآن مؤمنان را چنین توصیف می‌کند: «هر کس به خدا و فرشتگان و کتاب‌های او و رسولانش ایمان آورد». و فرشتگان موجود در میراث دینی موجوداتی هستند که از نور آفریده شده اند، نه با شهوت و نه انتخاب نافرمانی خدا، بلکه سربازان خدا و فرستادگان او و مجریان اوامر او در زندگی دنیا هستند. آخرت

فرشتگان در متون دینی اسلامی



آنان در دنیا ناقل پیام‌ها و آیات الهی به انبیا هستند و آنانند که دستورات عذاب را در برابر افرادی که از این انبیا و رسولان نافرمانی می‌کنند اجرا می‌کنند و در رأس این فرشتگان «جبرئیل» قرار دارد. و در میان آنها کسی است که رزق و باران و ابر به او سپرده شده است و او فرشته «میکائیل» است و در میان آنها «فرشته مرگ» است که برای گرفتن ارواح گماشته شده است. به عنوان "عزرائیل". مسلمانان نیز بر این باورند که بر هر کس دو فرشته سپرده شده است، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ، یکی در سمت راست حسنات را می‌نویسد و دیگری در سمت چپ اعمال بد را می‌نویسد، به طوری که همه اینها شامل می‌شود. در «کتاب اعمال» این شخص. مسلمانان نیز به فرشتگان «سیاحی» اعتقاد دارند که

فرشتگانی هستند که در دنیا پرسه می زنند و برای یاد خدا به مجالس می روند و سپس با اخبار آن به آسمان بالا می روند و در میان آنها حاملان عرش الهی هستند. در مورد آخرت، متن دینی در میان نام فرشتگان «مالک» که حافظ آتش «جهنم» است برای عذاب کافران و نافرمانان و زیر دست او ذکر شده است.

میکائیل، فرشته ای عظیم الجثه، با یک دست بر زمین و دست دیگر در آسمان، و ده ها فرشته به تصور مسلمانان

درباره تخیل بی نظیر اسلامی در به تصویر کشیدن فرشتگان، شکل و نقش آنها در سامان دادن به جهان های زمین و آسمان.

بدن فرشتگان، رنگ ها و اشکال

در مورد بدن فرشتگان، آیاتی در وصف آنها آمده است، برخی از آنها دو بال و سه و چهار بال دارند و از جمله آنها وصف جبرئیل به «بسیار قوی» و «یک بار» است.

حسن خلق، چنانکه در حدیث پیامبر آمده است که میان افق مسدود می کند و 600 بال دارد. این متون که به برخی از توصیفات، نام ها و وظایف فرشتگان پرداخته

اند، به نظر نمی رسد که کنجکاوای برخی راویان و مفسران داستان های دینی را برآورده کند، برخی از آنها فرشتگان را با قلم خود ترسیم کرده و شرح مفصلی از

آنها ذکر کرده اند. گویی با چشمان خود دیده می شوند. از جمله مشهورترین آنها، آنچه در کتاب عالم «عبدالله بن زکریای قزوینی» (1203 م - 1283 م.) «عجایب

المخلوقات و موجودات غریب» آمده و در کتاب مفسر و محدث آمده است. «ابو



اسحاق الثعلبی النسابوری» (تاریخ نامعلوم ولادت وفات 1035 م.) معروف «عروس مجلسی» ب «قصص الأنبياء».



کتاب محقق عبدالله بن زکریای قزوینی

ثعلبی در ذکر آفرینش زمین و آسمانها به هر آسمانی با فرشتگانش در عروسک می پردازد. هنگام نام بردن از آسمان اول یعنی پایین ترین آسمان، می فرماید:

ساکنان آن فرشتگانی هستند که از آتش و باد آفریده شده اند و فرشته ای بر آنهاست که سرپرستی ابرها و باران ها را بر عهده دارد و نامش رعد است. که این کار میکائیل طبق روایات اسلامی است.» می‌افزاید: «و آسمان دوم فرشتگانی به رنگ‌های مختلف دارد.» آنها با نظم و انضباط در صف می‌ایستند تا اگر مویی بین شانه یکی از آنها بیندازی و شانه ی کنارش نمی افتد چون مثل سنگ های ساختمانی به هم می چسبند، آتش برف را خاموش می کند و او تکرار می کند: ای که برف و آتش را یکی کردی، دل های بندگان را به هم پیوند دادی.

و در آسمان سوم چنانکه می فرماید فرشتگانی با بال و بدن های گوناگون هستند که با نظم و انضباط فرشتگان آسمان دوم صف کشیده اند تا یکی از ترس خدا شکل دیگری را نشاناسد. می گویند: منزه است زنده ای که هرگز نمی میرد. و آسمان چهارم چندین برابر فرشتگان آسمان سوم فرشتگانی دارد که هر روز بر تعدادشان افزوده می شود و تکرار می کنند: سبحان رب الرحمن الرحیم که معبودی جز او نیست. " و همینطور بهشت پنجم، چند برابر فرشتگان آسمان چهارم است و زیاد می شوند و در طاعت و تکریم مانند فرشتگان آن هستند و همیشه به زانو در حال سجده هستند و سر بر نمی دارند تا زمانی که ساعت فرا می رسد، می گویند: منزهی تو، ما تو را آن گونه که باید عبادت نکردیم.

در آسمان ششم فرشتگانی به نام کروبیان هستند که تعداد آنها هفتاد هزار فرشته است و زیر هر فرشته هفتاد هزار سرباز فرشته هستند و آنها کسانی

هستند که خداوند آنها را برای مردم می فرستد. جهان در مورد وظایف خاص (کلمه کروبیان ممکن است از اصطلاح کتاب مقدس "کروبیان" مشتق شده باشد.) عربی-یمنی باستان، به ویژه، اصطلاح "مکراپ" را به معنای "نزدیک" می دانسته است و اینها در میراث مذهبی به این صورت توصیف شده است. "نزدیک ها". و در آسمان هفتم سران لشکر خدا از فرشتگان هستند و فقط جبرئیل و صاحبان عرش از آنان پیشی می گیرند که هر کدام دارای چند صورت و بالهای بسیار است.



## فرشتگان دیگر در داستان های مذهبی

در داستان های روباه ها، فرشته هایی را می یابیم که در آن نقش آفرینی می کنند و بدن شان در همین زمینه توصیف شده است. از این رو، میکائیل، اسرافیل و جبرئیل را چنان زیبا توصیف کرده اند که گویی نقره درخشان هستند یا ذکر فرشته غول پیکری که خداوند او را برای حفظ تعادل زمین از آسمان نازل کرده است. یا چهار فرشته ذکر شده در داستان لوقا، یهودی در جستجوی حضرت محمد، که چهار فرشته را ملاقات کرد، یکی از آنها صورت انسان دارد، دومی صورت شیر، سومی صورت عقاب دارد. و چهارمی صورت گاو نر در بدن برخی از خدایان باستانی مصر و عراق دارد، اما از این چهار نفر در زمینه دیگری به عنوان حاملان عرش الهی یاد شده است.

قزوینی در کتاب «عجایب المخلوقات و الوجود الغریب» در توصیف اجساد فرشتگان مفصل تر است. قزوینی همین وصف ثعلبی را به حاملان تاج و تخت می رساند، ولی لباسش را زیاد می کند، شخص با بدن انسان جامه های سبز و سرخ و شلوار طلایی می پوشد و بال هایش به پای او می رسد و رنگ آنها به رنگ است. قرمز، سبز و آبی دو قیطان دارد که به بال هایش می رسد و پوستش سفید مایل به قرمز است. فردی که ظاهر گاو نر دارد آبی رنگ با دو شاخ سبز و پشتش سیاه است عقاب سیاه رنگ با منقار مایل به قرمز و نوک بال هایش طلایی است و شیر مایل به قرمز است. زرد است و صاف می ایستد. سپس فرشتگانی را که در روز

قیامت در صف می ایستند وصف می کند و می گوید: آنها قامتی بلند و سفید رنگ و بال هایی زیر کمر دارند و بر سرشان عمامه هایی است که با طلا میخکوب شده اند.

و به توصیف هر یک از اسرافیل و جبرئیل و میکائیل می پردازد و می گوید که اولی سفید است و صورت دراز دارد سبزی می پوشد و چهار بال دارد و عکس هایی (شیپور) در دست دارد که به دهان بلند می کند. حالت آماده و دومی نوک بالها و عمامه سفید بر سر و رنگ میکائیل مانند جبرئیل است و لباس آبی و قرمز به تن دارد و بالهایی به رنگهای سفید و سبز دارد. قرمز و صورتی. وی در پایان از فرشتگان بهشتی به فرشته مرگ یاد می کند که نام رایج او «عزرائیل» است. قزوینی از فرشتگان هفت آسمان و ثعلبی یاد می کند، اما به شکل آنها توجه می کند و فرشتگان آسمان های اول پایین را گاو مانند و رنگ هایشان سیاه و سفید و شاخ هایشان را توصیف می کند. آبی هستند

فرشتگان آسمان دوم عقاب هستند رنگشان سیاه و منقارشان آبی و نوک بالهایشان طلایی است و در آسمان سوم فرشتگانی به شکل عقاب در آن ساکن هستند. رنگ آنها صورتی و مشکی است و بال هایشان با طلایی و مشکی خال خالی است. در مورد بهشت چهارم، فرشتگانش سوار بر اسب های آبی هستند. و در آسمان پنجم فرشتگانی هستند به صورت الحورالعین (که بر خلاف آنچه در متون دینی معلوم است تصویری زنانه از فرشتگان است) و صورتهایشان سفید رنگ

قرمز و باله‌ایشان است. رنگ‌های قرمز، آبی و طلایی. هر کدام یک لباس قرمز و صورتی، یک عمامه سفید، و هر کدام یک بافته و بال سبز دارند. سرانجام، در آسمان هفتم، فرشتگان انسان نما در لباس های زرد و هر کدام با بال هایی قرمز و آبی هستند. قزوینی سخنان خود را در مورد خصوصیات فرشتگان با ذکر هاروت و ماروت به پایان می‌رساند و می‌گوید آن‌ها زرد رنگ، برهنه، آویزان به پا و بسته به آهن هستند.

عکاسی اسلامی یک تخیل و تلاش فکری بی نظیر است

تعبیر رایج اسلامی از این گونه نوشته ها، طبقه بندی آنها به عنوان «زنان اسرائیلی» است که به معنای نوشته های متأثر از کتب «اهل کتاب»، به ویژه تورات و تفاسیر و تفاسیر آن است. با این حال، کسی که در تصویر ثعلبی و قزوینی از فرشتگان و بدن آنها تأمل کند، دیدگاهی می یابد که ویژگی اسلامی و ویژگی منحصر به فرد خود را دارد و این در توصیف، تأثیرات چندین فرهنگ را نفی نمی کند. هر کس با نقاشی های خدایان و خدایان مردمان شرق باستان، به ویژه در مصر، عراق و فنیقیه آشنا باشد، به راحتی متوجه می شود که این دو نویسنده تا چه حد تحت تأثیر نقاشی ها و بدن خدایان آن مردم قرار گرفته اند. با توجه به آمیختگی فرهنگ عربی-اسلامی با فرهنگ مردم کشورهای که سرزمین های خلافت را ضمیمه کردند، جای تعجب نیست. تخیل اسلامی در توصیف فرشتگان در هنگام تصویر کردن با کلمات متوقف نمی شود، بلکه فراتر از آن به نقاشی هایی می رود

که برخی از کتاب‌های میراثی برای ما به ارث گذاشته‌اند. تعامل سنتی برخی از مسلمانان با ابهام در جزئیات شکل و بدن فرشتگان، از مواردی است که برای پی بردن به مکانیسم عمل آنها جای تأمل و تحلیل دارد.

منابع: عروس شورا، ابواسحاق ثعلبی النسابوری؛ عجایب و عجایب مخلوقات، اباعبدالله بن زکریای قزوینی؛ دایره المعارف افسانه‌های عرب، دکتر محمد اجینه؛ نماد و اسطوره، دایره المعارف تاریخ ادیان، قصص قرآنی و قرینه‌های انجیلی، فراس الصواه؛ وب‌سایت اسلام



## تحلیل خلقت فرشتگان و صفات آنها از کتاب البداية والنهاية

این بخش دقیقا از کتاب البداية و النهايه که تقریبا 30 صفحه است ترجمه کرمک و عینان مطالب را در مورد خلقت فرشتگان آوردم.

البدايه و النهايه یک کتاب تاریخی نوشته عماد الدین اسماعیل بن کثیر دمشقی (۷۰۱-۷۷۴ ه) از تاریخنامه‌های عمومی مشهور و رایج اسلامی همچون المنتظم و الکامل که در شام نگاشته شد

### باب ذکر خلقت فرشتگان و صفات آنها

خداوند فرمود: { وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ \* لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ \* يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ \* وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ } [الأنبياء: 26- 29].

خداوند متعال می فرماید: {نزدیک است که آسمان ها از جهت خود افطار کنند و فرشتگان، حمد و ثنای پروردگارشان را می ستایند، و از آن که اوست استغفار می کنند. یکی که یکی است که یکی است که یکی است که یکی از آن است. این است که یکی است که یکی است که یکی است که یکی از آن است. یکی که همان کسی است که هست

و خداوند فرمود: { الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ \* رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ } [ غافر: 7-8 ] .

و حق تعالی فرمود: «وَ إِنْ تَكْفُرُونَ فَالَّذِينَ عَلَىٰ رَبِّكُمْ تَسْبِيحُهُ وَلِيْلَهُ وَ لَهُمْ خَسَلُونَ» [فصلت: 38] .

و فرمود: «وَ الَّذِينَ عَلَيْهِ مَا تَبَّؤُهُ وَ مَا يُسْهَوْنَ اللَّيْلَ وَ الْوَمْرَ لَا سَهْلُونَ » [انبیاء: 19-20] .

و حق تعالی فرمود: { وَ لَا يَكُنَّا إِلَّا أَوْهً مَقْدَةً عَلَيْهِ \* وَ إِنَّا نَحْنُ الْمُطَهَّرُونَ \* وَ لَا أَنَا تَسْبِيحِينَ } [الصفات: 164-166] .

و حق تعالی فرمود: «وَ مَا هُنَزَلُونَ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ؛ آنچه پیش روی ما و پشت سر ماست و آنچه میان آن است از آن اوست و پروردگارت فراموشکار نبود» (مریم: 64).  
و حق تعالی فرمود: «وَ الَّذِينَ عَلَيْكُمْ الْمُحْسَنُونَ الْمُحْسَنُونَ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ» [انفطار: 12-10] .

و حق تعالی فرمود: «وَ لَعَلَّمْ لَسَدُونَ رَبِّكُمْ يَلَاهُو» (مدثر: 31).

و حق تعالی فرمود: {و ملائکه از هر دری بر آنان وارد می‌شوند\* سلام بر شما بر آنچه شکیبایی کردید .

خداوند متعال فرمود: «حمد و ستایش مخصوص خداست و آسمانها و زمین فرشتگان را رسول و اولین بالها و ثلث مردم قرار داد.

و حق تعالی فرمود: {و یوم السموات بالفرائک و نزول ملائکه \* ملک در آن روز مخصوص الرحمن است و روزی بر کافران بود} [فرقان: 5] .

وقال تعالی: { وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا \* يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا } [الفرقان: 21-22] .

و خداوند متعال فرمود: «هر کس دشمن خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد، خداوند دشمن کافران است.» (بقره: 98) .

خداوند متعال فرمود: « ای کسانی که ایمان آورده‌اید جان خود را حفظ کنید و اهل بیت شما آتشی است و مردمان و سنگ بر آن هستند» .

و آیات ذکر ملائکه بسیار زیاد است، خداوند متعال آنها را نیرو در عبادت و خلقت و حسن نظر و عظمت اشکال و استحکام صورت در تصاویر متعدد وصف می کند چنانکه خداوند متعال فرمود: { و هنگامی که فرستادگان ما آمدند برایشان بد

می‌شوند و با آنها گم شده‌اند و پیش از آن که کار بد می‌کردند { هود: 76-77 } آیات.

پس در تفسیر آنچه را بیش از یکی از علما ذکر کردند اشاره کردیم که فرشتگان به صورت جوانی حسن بر آنان ظاهر شدند تا اینکه حجت بر قوم لوط مستقر گردید و خداوند بر آن حضرت قرار گرفت. آنها با فرمانروای مقتدر و قدرتمند.

جبرئیل نیز با صفات مختلف نزد پیامبر اکرم (ص) می‌آمد. گاهی به صورت دیحیه بن خلیفه الکلبی می‌آید و گاهی به صورت بادیه نشین و گاهی به شکلی که بر او آفریده شده است.

او ششصد بال دارد، فاصله هر یک از دو بال به اندازه مشرق و مغرب است که او را دو بار در این مقام دید.

زمانی که از آسمان به زمین فرود می‌آید و گاهی در سدرۃ المنتهی، بهشت پناهگاه است.

و این قول اوست تعالی: {علم او در قوت است \* روزی روزگاری خود را راست کرد \* در حالی که در افق بالا بود \* سپس نزدیک شد و فرود آمد} [انجم: 5-8].

یعنی جبرئیل: چنانکه به نقل بیش از یکی از اصحاب از جمله ابن مسعود و ابوهریره و ابوذر و عایشه ذکر کردیم { پس در دو کمان یا نزدیکتر بود \* سپس آنچه

را به بنده خود وحی کرد. نازل شد} [النجم: 9-10] یعنی: به عبدالله محمد صلی الله علیه و آله .

سپس حق تعالی فرمود: {و آن را نزول دیگری دید \* آنگاه که طرفین آخر \* بهشت فنا دارد \* هنگامی که حاشیه فریب خورد .

و در احادیث سفر شب در سوره سبحان ذکر کردیم که سدرۃ المنتهی در آسمان هفتم است.

و در روایتی در ششم، یعنی اصل و فروع آن در هفتم است و وقتی به فرمان خدا پوشانده شد، چه چیزی آن را پوشانده است.

گفته شد: به نور پروردگار جل جلاله پوشیده است.

و گفته شد: او را با تختی از طلا پوشانده بود.

و گفته شد: از رنگهای بسیار بسیار نامحدود پوشیده شده است.

گفته شد: فرشتگان مانند کلاغ فریب می‌دادند.

و گفته شد: حجاب او از نور خداوند متعال است، پس کسی او را توصیف نمی‌کند. هر خوبی و شکوه او.

هیچ تناقضی بین این گفته‌ها وجود ندارد، زیرا همه می‌توانند در یک مورد اتفاق بیفتند.

و ذکر کردیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «سپس سدره المنتهی برای من برانگیخته شد و اگر آن را مانند کوزه بریدیم».

و در روایتی: «مثل گونی صحرا و هنگامی که برگهایش مانند گوش فیل باشد.» و چون دو نهر از ریشه آن بیرون آید، دو باطن و دو نهر. و اما باطن ها در بهشت هستند. در مورد دو پدیده نیل و فرات.

و سخنان فوق در این مورد در ذکر خلقت زمین و دریاها و نهرها در آن است.

و در آن: «سپس البیت المعمور برای من برانگیخته شد و اینک هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند و آنگاه به آن باز نمی گردانند، آخرین کاری که باید انجام دهند.»

وی ذکر کرد که ابراهیم خلیل علیه السلام را در حالی که پشت به خانه مسکونی داشت، یافت. و صورت مورد را در این ذکر کردیم که خانه مسکونی در آسمان هفتم در مقام کعبه در زمین است.

سفیان ثوری و شعبه و ابوالاحواس از سمک بن حرب از خالد بن عراره روایت کرده اند که ابن الکواء از علی بن ابی طالب درباره آل بیت المعمور سؤال کرد. ، و گفت: مسجدی است در آسمان به نام: الذره و در بالای آن کعبه است. حرمت آن در آسمان مانند حرمت خانه ای در زمین است هر روز هفتاد هزار فرشته در آن نماز می خوانند و هرگز به آن باز نمی گردند.

از ابن رو علی بن ربیعہ و ابوطفیل نیز از علی چنین روایت کرده اند.

طبرانی گفت: حسن بن علویة القطان به ما گفت، اسماعیل بن عیسی العطار به ما گفت، اسحاق بن بشر ابوحدیفه به ما گفت، ابن جریج به ما گفت، از صفوان بن سلیم به ما گفت. کرب از ابن عباس می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود :

خانه مسکون در آسمان را می گویند: الدهره و مانند بیت الحرام در اطراف آن است که اگر می افتاد بر آن می افتاد هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند و هرگز نمی بینند. زیرا در آسمان حرمتی به اندازه حرمت مکه دارد» یعنی در زمین. پس عوفی از ابن عباس و مجاهد و عکرمة و ربیع بن انس و سودی و بیش از یک نفر گفت و قتاده گفت: برای ما ذکر شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . و درود خدا بر او روزی به یارانش فرمود:

«آیا می دانید خانه مسکونی چیست؟ گفتند خدا و رسولش بهتر می دانند، فرمود: فرمود: مسجدی در آسمان نزدیک کعبه، اگر می افتاد بر آن می افتاد، هر روز هفتاد هزار فرشته در آن نماز می خوانند.

ضحاک مدعی بود که در او جمعی از فرشتگان ساکن بودند، به آنها می گویند: جن از قبیله ابلیس لعنت الله علیه، می گفت: اولیاء و بندگانش از آنها هستند و خدا داناتر است.

برخی دیگر گفتند: در هر بهشت خانه‌ای است که فرشتگانش با عبادت در آن ساکن می‌شوند و به نوبت و جابجایی به آن می‌آیند، همچنان که اهل زمین هر سال با انجام حج در خانه قدیم زندگی می‌کنند. عمره در همه حال و طواف و نماز در همه حال.

سعید بن یحیی بن سعید العماوی در ابتدای کتاب خود المغازی می‌گوید: ابوعبید در حدیث مجاهد به ما گفت که حرم بر او حرام است یعنی سرنوشت او از آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه. و اینکه چهارمین خانه از چهارده خانه است در هر آسمان خانه ای و در هر سرزمینی خانه ای اگر بیفتد بر یکدیگر افتادند. سپس مجاهد روایت کرد، گفت: منه به معنای مقابل آن است و آن حرف اختصاری است.

سپس گفت: ابو معاویه به ما گفت، الاعمش به ما گفت، از ابو سلیمان مؤذن حجاج شنیدم از عبدالله بن عمرو می‌گوید: حرام در هفت آسمان حرام است، میزان آن است. از زمین، و بیت المقدس در آسمانهای هفتگانه حرام است، میزان آن از زمین است. چنان که برخی از شاعران گفته اند:

آن که به ضخامت آسمان است برایش خانه ای ساخته است که ستون هایش محکم تر و بلندتر است.



و اسم خانه در آسمان: بیت العزه و نام فرشته ای که پیشوای ملائکه در آن است: اسماعیل. بر این اساس، هفتاد هزار فرشته ای که هر روز وارد خانه مسکونی می شوند و سپس به آن باز نمی گردند، آخرین آنها خواهند بود، یعنی تا آخر الزمان در آن جابجایی نخواهند داشت. آنها تنها ساکنان آسمان هفتم هستند.

از این روست که حق تعالی می فرماید: «وَلَعَلَّمُ الْجَسُودِ رَبِّكَ إِلَّا أَوْه» [مدثر: 31]

امام احمد فرمود: اسود بن عامر به ما گفت، اسرائیل به ما گفت، از ابراهیم بن مهاجر، از مجاهد، از ماورق، از ابوذر، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. صلوات الله علیه و آله فرمود:

«من چیزی را می بینم که شما نمی بینید و می شنوم آنچه را که شما نمی شنوید، آسمان لگدمال کرده است و حق دارد پایمال کند، چهار انگشت در آن جایی نیست جز اینکه فرشته ای بر آن سجده کند. می دانستم آنچه می دانم، اندکی می خندی و بسیار گریه می کنی، و از زنان روی تشک لذت نمی ببری، و به سوی پله ها بیرون می روی و به درگاه خداوند متعال التماس می کنی».

ابوذر گفت: به خدا سوگند کاش درختی بودم که پشتیان من بود. ترمذی و ابن ماجه آن را از حدیث بنی اسرائیل روایت کرده اند ترمذی گفت: حسن غریب. از ابوذر روایت شده است.

حافظ ابوالقاسم طبرانی می گوید: حسین بن عرفه المصری به ما گفت، عروة بن عمران الرقی به ما گفت، عبیدالله بن عمرو به ما گفت: عبد الکریم بن مالک، علی الاصول. عطا بن ابی رباح از جابر بن عبدالله که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در آسمانهای هفتگانه جایی نیست که پا و دهانه و دستی نباشد، ولی فرشته ای ایستاده یا فرشته ای باشد. سجده می کند یا فرشته ای که زانو می زند، پس اگر در قیامت همه بگویند: ما تو را آن گونه که باید نپرستیم جز این که چیزی را شریک تو قرار نمی دهیم.

این دو حدیث دلالت بر این دارد که در آسمانهای هفتگانه جایی نیست که فرشتگان آن را اشغال نکنند و در عبادات مختلف هستند.

از جمله: که همیشه ایستاده است.

از جمله: که همیشه زانو زده است.

از جمله: که همیشه در حال سجده است.

از جمله: کسانی که در دسته های دیگر هستند و خدا دانایان است.

و در عبادت و تسبیح و ذکر و اعمالشان که خداوند به آنها امر فرموده است ماندگارند و نزد پروردگارش جایگاهی دارند چنانکه خدای تعالی فرمود: ﴿وَلَا يَكُفُّمُ إِلَّا يَهُمُّ مَقَامَ مَعْلُومٍ \* وَ مَا پَاكَا ن \* وَ مَا تَسْبِيحِيْنِيْمُ﴾ [الصفات 1-6] 4:6 .

و حضرت فرمود: «آیا آن گونه که فرشتگان نزد پروردگارشان توصیف می کنند، توصیف نمی کنی؟»

گفتند: چگونه خود را نزد پروردگارشان توصیف می کنند؟

فرمود: ردیف اول را کامل می کنند و در صف به هم می بندند.

و فرمود: ما سه چیز بر مردم ترجیح داده ایم: زمین را برای ما عبادتگاه قرار دادی و خاک آن مایه پاکی ماست و صفوف ما را چونان قرار دادی. ردیف فرشتگان.»

همین طور در قیامت نزد پروردگار سبحان و بلند مرتبه در صف می آیند، چنانکه حق تعالی فرمود: {وَرَبَّكُمْ وَ الْمَلَكَ أَيَّمْتُكُمُ وَالْمَلَكَ أَرْجَاهِ} [الفجر: ۲۲].

و در برابر پروردگارشان در قیامت صف آرایی می کنند، چنانکه حق تعالی فرمود: {روزی که روح و فرشتگان پشت سر هم می ایستند جز با او سخن نمی گویند. که خدای رحمان به او اجازه داده و حق را گفته است} [النبأ: 38].

مراد از روح در اینجا: بنی آدم را ابن عباس و الحسن و قتاده گفته اند.

و گفته شد: مجموعه ای از فرشتگان که در شکل به بنی آدم شباهت دارند. ابن عباس و مجاهد و ابو صالح و العمش گفته اند.

و گفته شد: جبرئیل، الشعبی و سعید بن جبیر و الضحاک گفته اند.

و گفته شد: پادشاهی که به او گفته می شود: روح، به اندازه همه موجودات.

علی بن ابی طلحه از ابن عباس نقل می‌کند: «روزی که روح قیام می‌کند» فرمود: او از بزرگترین فرشتگان خلقت است.

ابن جریر گفت: محمد بن خلف عسقلانی به من گفت، داوود بن جراح به ما گفت، عن ابوحزمه، عن الشعبي، علقمه، ابن مسعود. فرمود: روح در آسمان چهارم است، بزرگ‌ترین آسمان‌ها و کوه‌هاست و در میان فرشتگان، هر روز دوازده هزار حمد تسبیح می‌شود از هر تسبیحی، خداوند از میان فرشتگان فرشته‌ای می‌آفریند که در روز قیامت یک ردیف را زنده می‌کند. و این خیلی عجیب است. طبرانی گفت: محمد بن عبدالله بن عبدالحکیم مصری به ما گفت، ابن وهب بن رزق ابوحبیره به ما گفت، بشر بن بکر به ما گفت، العوزعی به ما گفت، عطاء به من گفت: عبدالله بن عباس گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود:

«خداوند ملکی دارد، اگر به او گفته می‌شد که آسمان‌ها و زمین از یک لقمه پر می‌شود، او را تسبیح می‌گوید: هر کجا که باشی منزهی تو». این نیز حدیث بسیار عجیبی است و ممکن است تعلیق شود.

و در وصف حاملان عرش از جابر بن عبدالله ذکر کردیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«به من اجازه داد که از فرشتگان خدا، یکی از حاملان عرش، روایت کنم که فاصله لاله گوش تا کتفش هفتصد سال است». از ابو داود و ابن ابی حاتم روایت شده و جمله آن حضرت این است: «پرنده هفتصد سال می‌زند».

در وصف جبرئیل علیه السلام مطلب بزرگی ذکر شد، خداوند متعال فرمود: {علم او فوق العاده قدرتمند است}.

گفتند: از قوت او بود که شهرهای قوم لوط را برافراشت و آنها هفت امت در آنها بودند و نزدیک به چهارصد هزار بودند و آنچه از حیوانات و حیوانات و آنچه داشتند. آن شهرها دارای زمین ها، آبادی ها، ساختمان ها و غیره بودند.

همه آن را بر نوک بال خود بلند کرد تا با آنها به ابرهای آسمان رسید تا اینکه فرشتگان صدای پارس سگ ها و فریاد خروس هایشان را شنیدند، سپس آن را برگرداند و بالای آن را در ته بال قرار داد. زیرا این قدرتمندترین است.

و فرمود: {روزی روزگاری} یعنی: حسن خلق و زرق و برق و صنع.

چنانکه در آیه دیگر فرمود: {إِنَّهُ قَالَ الرَّسُولِ الرَّسُولِ} [التکویر: 19] ، یعنی: جبرئیل فرستاده ای از جانب خداوند سخاوتمند است، یعنی: خوش قیافه.

{دارای قوت} یعنی: دارای قوت و قوت زیاد است.

{در کنار صاحب عرش استوار ایستاده} یعنی نزد خدا جایگاه و مرتبه بلند و بلندی دارد.

{صاحب عرش جلیل} [البروج: 19] ، {پس اطاعت می شود} یعنی: در حق تعالی اطاعت می شود.

{ آمین } یعنی : از اعتماد بسیار .

به همین جهت سفیر خدا و پیامبرانش بود که بر آنان وحی حاوی اخبار صحیح و احکام عادلانه نازل می کرد و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آمد. بر او نازل شود و با صفات گوناگون، چنانکه عرض کردیم.

و او را به گونه ای دید که خدا او را دو بار با ششصد بال آفرید. بخاری روایت کرده است: از طلق بن غنم از زیدة شیبانی گفت: از زراء درباره گفتارش پرسیدم: {پس او در دو کمان یا نزدیکتر بود\* سپس به بنده خود وحی کرد که چه چیزی. نازل کرد} [النجم: 8-9] گفت: عبدالله، یعنی ابن مسعود، به ما گفت که محمد صلی الله علیه و آله جبرئیل را ششصد بال دید.

امام احمد فرمود: یحیی بن آدم به ما گفت، شریک به ما گفت از جامی بن راشد، از ابی وائل، از عبدالله گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. جبرئیل را به صورت خود دید و ششصد بال داشت که هر بال آن افق را بسته بود و از بال او مرواریدها و یاقوت های هولناکی می افتاد که خدا می داند.

احمد نیز گفت: حسن بن موسی به ما گفت، حماد بن سلمه به ما گفت، عاصم بن بهدله، عن زر بن حبیش، از ابن مسعود در این آیه {و او را سقوط دیگری دید \* در سدرۃ المنتهی} [النجم: 13-14] فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل را دیدم که ششصد بال داشت که از پرهایش ناله های مروارید و یاقوت می زد.

احمد گفت: زید بن الحباب به ما گفت، حسین به ما گفت، عاصم بن بهدله به من گفت، شقیق بن سلمه را شنیدم که گفت: از ابن مسعود شنیدم که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. گفت:

جبرئیل را بر نیلوفر نیلوفر دیدم و ششصد بال دارد.» پس از عاصم در مورد بالها سؤال کردم، ولی او از گفتن من خودداری کرد، گفت: پس برخی از یارانش به من گفتند که بال بین مشرق است و غرب. اینها سلسله راویان خوب و محکمی هستند که مختص احمد بود.

احمد گفت: زید بن الحباب به ما گفت، حسین به من گفت، شقیق به من گفت، از ابن مسعود شنیدم که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل در خضر نزد من آمد و مرواریدهایی به آن چسبانده بود. زنجیره انتقال او صحیح است.

ابن جریر گفت: ابن بازی بغدادی به ما گفت، گفت: اسحاق بن منصور به ما گفت، گفت: اسرائیل به ما گفت، عن ابی اسحاق، عبد الرحمن بن یزید، عن الله تعالی. از عبدالله (دل به آنچه دید دروغ نگفت) فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل را دید که جامه‌ای بالنده بر تن داشت و آنچه را که میان زمین و آسمان است پر می‌کرد. اسناد خوب قوی و در (الصحیحین) از حدیث عامر الشعبی از مسروق گفت: نزد عایشه بودم و گفتم: مگر خداوند نفرمود: {و آن را به روشنی دید. افق}، {و آن را نزول دیگری دید} گفت: من اول این امت هستم، رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن سؤال کرد و فرمود:

«اما آن جبرئیل است، او را به شکلی که بر آن آفریده شده بود جز دو بار ندید، او را در حال نزول از آسمان به زمین دید که عظمتش بین آسمان و زمین حاکم است.» بخاری گفت: ابونعیم به ما گفت، عمر بن ذر (ع) به ما گفت، و یحیی بن جعفر به ما گفت، وکیع به ما گفت: از عمر بن ذر، از پدرش، از سعید بن جبیر رضی الله عنه از ابن عباس می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به جبرئیل فرمود: آیا بیشتر از ما زیارت نمی‌کنی. فرمود: «و ما نازل نمی‌شویم مگر به فرمان پروردگارت، آنچه پیش روی ما و پشت سر ماست از آن اوست» آیه [مریم: 64].



بخاری از حدیث زهری از عبیدالله بن عبدالله از ابن عباس روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله سخاوتمندترین مردم بود . سخاوتمندترین در ماه رمضان هنگامی که جبرئیل او را ملاقات می کرد و هر شب ماه رمضان با او ملاقات می کرد، پس نزد او قرآن می خواند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از باد فرستاده تر است. .

بخاری گفت: قتیبه به ما گفت، لیث از ابن شهاب به ما گفت که عمر بن عبدالعزیز نماز عصر را به تأخیر انداخت، عروه به او گفت: جبرئیل نازل شد و در مقابل نماز خواند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پس عمر گفت: ای عروه می دانم چه می گویی.

گفت: از بشیر بن ابی مسعود شنیدم که می گفت: از ابو مسعود شنیدم که می گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

جبرئیل نازل شد و مرا پیش برد، پس با او نماز خواندم، سپس با او نماز خواندم، سپس با او نماز خواندم، سپس با او نماز خواندم و پنج نماز را با انگشتان او شمردم.

از خصوصیات اسرافیل علیه السلام - و او از حاملان عرش است - و اوست که به فرمان پروردگارش با سه ضربه در تصاویر می دمد:  
اولین آنها: زمزمه وحشت.

دوم: موج شوک.

و سوم: انفجار قیامت. همانطور که به خواست و قدرت و توفیق خداوند، بیان او در این کتاب ما جای خود را خواهد گرفت.

و تصاویر: یک قرن در آن دمیده شده است. هر مدار آن مانند بین آسمان و زمین است. و برای ارواح بندگان جایی است که خداوند او را به دمیدن برای قیامت امر می کند و چون می دمد ارواح درخشان بیرون می آیند.

خداوند متعال می فرماید:

«سوگند به عزت و جلالتم، هر نفسی به بدنی که در این دنیا ساکن بوده باز می گردد و در قبرهایشان داخل می شود و مانند زهر در نیش حرکت می کند، پس اجساد وارد می شوند. زنده شود و اجساد از آنها جدا شود و به سرعت از آن به محل اجتماع خارج شوند» زیرا جزئیات آن در جای خود می آید.

به همین دلیل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

چگونه می تواند سعادت مند شود در حالی که صاحب شاخ بوق را لیسیده و پیشانی خود را خم کرده و منتظر ندای او بوده است؟

گفتند: چگونه می گوئیم یا رسول الله؟

فرمود: بگو خدا ما را بس است و او بهترین پشتیبان است و بر خدا توکل می کنیم. روایت احمد و ترمذی از حدیث عطیه العوفی از ابوسعید خدری.

امام احمد فرمود: ابو معاویه به ما گفت، الاعمش به ما گفت، عن سعد الطائی، عطیه العوفی، از ابی سعید، فرمود: رسول الله خداوند رضی الله عنه صاحب تصاویر را ذکر کرد و فرمود:

در سمت راست او جبرئیل و در سمت چپ او میکائیل علیه السلام است.  
حافظ ابوالقاسم طبرانی می گوید: محمد بن عبدالله حضرمی به ما گفت، محمد بن عمر به ما گفت که ابن ابی لیله از ابی لیله از الحکم به من روایت کرده است.  
مقصم از ابن عباس فرمود:

در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و جبرئیل با او بودند، در نقطه ای که افق آسمان شکافته شد، اسرافیل به زمین نزدیک شد و تاب خورد و فرشته ای در آسمان ظاهر شد. به دست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای محمد، خداوند به تو دستور می دهد که بین پیامبر-عبد یا پادشاه- پیامبر یکی را انتخاب کنی؟

گفت: جبرئیل با دستش به من اشاره کرد که تواضع کنم، پس دانستم که او مربی من است، گفتم: عبد نبی.

پس آن پادشاه به آسمان عروج کرد.

گفتم: ای جبرئیل، خواستم در این باره از تو بپرسم، پس دیدم از حال تو چه چیزی مرا از این سؤال پرت کرد، پس این کیست ای جبرئیل؟».

گفت: این اسرافیل علیه السلام است، خداوند او را در روزی که او را در مقابل دستانش با پاهایش راست آفرید، بین او و پروردگار هفتاد نور بلند نمی کند و نوری نیست. که از آن نزدیک است جز اینکه بسوزد، آن تخته را بلند کرد و بر پیشانی خود زد و نگاه کرد و اگر از کار من بود به من امر کرد و اگر از کار میکائیل بود به او امر کرد. آن را انجام دهد و اگر از کار فرشته مرگ بود به او دستور داد.

گفتم: ای جبرئیل چه می کنی؟».

گفت: بر باد و جنود.

گفتم: «و چه میکائیل؟».

فرمود: بر گیاهان و باران.

گفتم: و بر هر چیزی مرگ از آن من است.

گفت: نفس گرفتن، و گمان نکردم که جز برای قیامت نازل شده است، و آنچه از من دیدی جز ترس از قیامت نبود. این یک گفتگوی عجیب از این چهره است.

و در (صحیح مسلم) از عایشه می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون شب به نماز برمی خاست می فرمود:

«خدایا پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، پدیدآورنده آسمانها و زمین، دانای غیب و گواه، تو بین بندگان در آنچه اختلاف دارند داوری می کنی.

و در حدیث تصاویر اسرافیل اولین نفری است که بعد از برق گرفتگی از طرف خداوند فرستاده می شود تا روی عکس ها باد کند.

و محمد بن الحسن النقاش ذکر کرده است که اسرافیل اولین سجده کننده از فرشتگان بوده است، پس به او ولایت اللوح المحفوظ داده شده است، در کتاب خود از ابوالقاسم السهیلی نقل کرده است. (التعارف و الاعلام از جمله برجسته ترین پرچم های قرآن).

و حق تعالی فرمود: و حق تعالی فرمود: {هر که دشمن خدا و فرشتگان او و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد، خداوند دشمن کافران است} [بقره: 98].  
همدردی آنها با فرشتگان برای عزتشان، از این رو جبرئیل: پادشاه بزرگ، در بالا ذکر شده است.

و اما میکائیل: باران و نباتات به او سپرده شده است و مقامی از جانب پروردگارش که عزتمند و بزرگووار است و از بزرگووارترین فرشتگان مقرب است.

امام احمد فرمود: ابوالیمان به ما گفت، ابن عباس از عماره بن غزنه انصاری به ما گفت که از حمید بن عبید مولای بنی المعل شنیدم که می گفت: ثابت ال را شنیدم. -بنانی از انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله که به جبرئیل فرمود: «چرا من هرگز میکائیل را ندیدم که بخندد؟».

گفت: میکائیل از زمان ایجاد آتش نخندیده است.

فرشتگانی که ذکر آنها در قرآن و کتب صحیح مجاز است، همان فرشتگانی هستند که در دعای نبوی آمده است: یا الله رب الجبرئیل و میکائیل و اسرافیل.

جبرئیل: برای پیامبران هدایت نازل می کند تا امت ها را آگاه کنند.

و میکائیل: باران و گیاهانی که از آنها در این خانه روزی می آفریند به او سپرده شده است و یاورانی دارد که به فرمان پروردگارش آنچه را که به آنها امر می کند انجام می دهند.

و روایت کرده ایم که قطره های از آسمان نمی افتد، مگر اینکه فرشته ای همراه آن است که آن را در جای خود در زمین قرار می دهد.

و اسرافیل: دمیدن تصاویر و برخاستن از قبور و حضور در روز قیامت و قیامت به او سپرده شده است تا شاکران پیروز شوند و کافران پاداش بگیرند.

جبرئیل علیه السلام به آنچه هدایت نازل می شود، می رسد.

و میکائیل چیزی را به دست می آورد که امرار معاش به او سپرده شده است.

و اسرافیل آنچه را که نصرت و عذاب به او سپرده شده است می رسد.

در مورد فرشته مرگ نیز نام او در قرآن و احادیث صحیح به صراحت ذکر نشده است و نام او در برخی از روایات به نام عزرائیل آمده است و خداوند اعلم.

و خدای سبحان فرمود: «بگو: فرشته مرگی که بر تو سپرده شده، تو را می میراند،

سپس به سوی پروردگارت بازگردانده می شود» [سجده: 11].

و یاورانی دارد که روح غلام را از جنازه اش بیرون می آورند تا به حلق برسد و فرشته مرگ با دست آن را بگیرد و اگر بگیرد یک چشم به هم زدن در دستش نمی گذارد. ، تا آن را از او می گیرند، سپس آن را در کفن های شایسته آن می اندازند، چنانکه فرمود: زندگی دنیا و آخرت { [ابراهیم: 27] .

سپس با آن بالا می روند و اگر صالح باشد درهای بهشت به رویش گشوده می شود و گرنه بدون آن بسته می شود و به زمین افکنده می شود. خداوند متعال می فرماید: { وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ } (۶۱) ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ } (۶۲) (انعام: 61-62) .

عن ابن عباس مجاهد و بیش از یک نفر که گفتند: زمین در دست فرشته مرگ است مانند طشتی که هر کجا که بخواهد از آن می گیرد.

گفتیم که فرشتگان مرگ بر حسب اعمال انسان به سراغ او می آیند، اگر مؤمن باشد فرشتگان با چهره های سفید و لباس های سفید و روحیات پاک نزد او می آیند. و اگر کافر باشد، برعکس، خدای متعال آن را نپذیرد.

ابن ابی حاتم گفت: پدرم به ما گفت، یحیی بن ابی یحیی مقری به ما گفت، عمرو بن شمر به ما گفت، گفت: از جعفر بن محمد شنیدم که می گفت: از پدرم شنیدم که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. و درود خدا بر او به فرشته مرگ در رأس مردی از انصار نگاه کرد و پیامبر به او فرمود :

ای فرشته مرگ با همنشین من همراه شو که او مؤمن است.

سپس فرشته مرگ گفت: ای محمد جانی را شفا بده و چشمی را آسایش بده که من با هر مؤمنی همنشینم و می‌دانم در زمین خانه‌ای نیست، خانه‌ای از گل و شعر، در خشکی یا شعر نیست. دریا جز اینکه هر روز پنج بار معاینه شان می‌کنم تا کوچک و بزرگشان را خودشان بشناسم و خدایا ای محمد اگر بخواهم روح پشه ای را بگیرم تا خدا نمی‌توانم. کسی است که دستور می‌دهد آن را بگیر.

جعفر بن محمد گفت: پدرم راستگو است، مرا از معاینه آنها در وقت نماز خبر داد و اگر هنگام مرگ می‌آمد و اگر از نمازگزاران بود، فرشته نزدیک می‌شد. و شیطان از او رانده شد و پادشاه به او آموخت که معبودی جز خدا نیست و محمد رسول خدا در آن موقعیت بزرگ است. این حدیث مرسل است و نظر دارد.

و ذکر کردیم در حدیث تصاویر بوسیله اسماعیل بن رافع المدنی القص عن محمد بن زیاد و عن محمد بن کعب القرظی عن ابوهیره . حجت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیث طولانی است.

و در آن «و خداوند به اسرافیل دستور می‌دهد که در حیرت افکند و او به حیرت می‌زند و اهل آسمان‌ها و زمین‌ها را می‌زند مگر به خواست خدا و چون فروکش می‌کنند فرشته. مرگ به مقتدر و توانا و والا می‌رسد.

می‌گوید: پروردگارا، اهل آسمان‌ها و زمین مردند، مگر هر که بخواهی.



سپس خداوند می فرماید - و او داناتر است چه کسی باقی ماند - چه کسی باقی ماند؟

می گوید: تو زنده ای که نمی میری و حاملان تخت تو ماندند و جبرئیل و میکائیل ماندند.

می گوید: جبرئیل و میکائیل بمیرند و خداوند با عرش صحبت می کند.

می گوید: پروردگارا، جبرئیل و میکائیل خواهند مرد!

می گوید: ساکت شو، زیرا من مرگ را بر هر کس که زیر تختم است، حکم کردم و هر دو خواهند مرد.

آنگاه فرشته مرگ نزد حق تعالی می آید.

می گوید: پروردگارا جبرئیل و میکائیل مردند.

سپس خداوند می فرماید - و او داناتر است چه کسی باقی ماند - چه کسی باقی ماند؟

می گوید: تو زنده ای که نمی میری و حاملان تخت تو ماندند و من ماندم.

و خداوند می فرماید: لشکر کشی عرش من تمام شود و شما بمیرید.

و خداوند به عرش فرمان می دهد که صورت ها را از اسرافیل بگیرد، سپس فرشته مرگ می آید.

می گوید: پروردگارا، حاملان عرش تو مردند.

سپس خداوند می فرماید و او بهتر می داند چه کسی باقی مانده است: چه کسی باقی مانده است؟

می گوید: تو زنده ماندی که نمی میرد و من ماندم.

و خداوند می فرماید: تو از خلقت من آفریده شدی، من تو را برای آنچه خواستم آفریدم، پس تو مردی، پس او می میرد، پس اگر جز خدای یگانه، رام و یگانه، ازلی که کرد، چیزی باقی نماند. نه زاده شد و نه به دنیا آمد و هیچ کس با او همتا نبود، پس همان گونه که اولین بود آخرین خواهد بود». و کل حدیث را قهرمانانه ذکر کرد. طبرانی و ابن جریر و بیهقی و حافظ ابوموسی مدینی آن را در کتاب (توالات) روایت کرده و اضافه عجیبی دارد که قول اوست: «خداوند به او می فرماید: تو یکی از مخلوقات من هستی.

از فرشتگانی که نام آنها در قرآن آمده است به گفته بسیاری از پیشینیان عبارتند از: هاروت و ماروت.

داستان آنها ذکر شده است و آثار زیادی از رابطه آنها وجود داشت که بیشتر آنها زنان اسرائیلی بودند.

امام احمد حدیثی منسوب به ابن عمر را نقل کرده و ابن حبان در تقاسیم آن را صحیح دانسته است. و در سلامتی او من نظر دارم.

به احتمال زیاد وقف عبدالله بن عمر است و از آن چیزی است که از کعب الاحبار دریافت کرده است، چنانکه بیانش خواهد آمد و خداوند اعلم. در آن، زهره آنها را به عنوان یک زن از بهترین مردم نشان داد.

از علی و ابن عباس و ابن عمر نیز نقل شده که الزهرا زن بود و چون از او پرسیدند چه ذکر شد، امتناع کرد جز اینکه اسم اعظم را به او بیاموزد، پس به او تعلیم دادند. این را گفت و به آسمان بلند شد و ستاره شد.

حکیم در (مستدرک) خود از ابن عباس روایت کرده است که گفت: و در آن زمان زنی که جمال او در میان زنان مانند جمال زهره در میان تمام کرات بود. این کلمه در موضوع گل بهترین کلمه است.

سپس گفته شد: فرمان آنها و داستان آنها در زمان ادريس بود.

و گفته شد: در زمان سلیمان بن داوود چنانکه آن را در تفسیر تصحیح کردیم.

در مجموع، نقل اخبار اسرائیلی به کعب الاحبار است، چنانکه عبدالرزاق در (تفسیر) خود، عن الثوری، عن موسی بن عُقبه، به روایت، نقل کرده است. سالم عن ابن عمر عن کعب الاحبار با القصة و این صحیح ترین سند و معتبرترین مردم است و خداوند اعلم.

سپس گفته شده است: مراد از گفتار او (و آنچه بر دو فرشته در بابل، هاروت و ماروت نازل شد) چیست (بقره: 102). دو قبیله از جن ها ابن حزم گفت و این عجیب و دور از تلفظ است.

و از مردم کسی است که {و آنچه را که بر آن دو فرشته نازل شده} را با شکستگی تلاوت می کند و آنها را از اهل فارس دو لقمه قرار می دهد. الدهاک گفت.

و بعضی می گویند: آنها دو فرشته از آسمانند، ولی خداوند در آنچه از امرشان ذکر کرده است، در صورتی که خبر صحیح باشد، بر آنها سبقت داد، و حکمشان مانند حکم ابلیس است، اگر گفته شود او از اهل بیت است. فرشتگان، اما صحیح است که او از جن است، زیرا گزارش او خواهد آمد.

از فرشتگانی که در حدیث نام برده شده است: منکر و نکر علیهم السلام.

در روایات در مسئله قبر ذکر کرده اند و ما آن را ذکر کردیم که خداوند متعال فرمود: {خداوند را ثابت می کنند که در زندگی دنیا و آخرت و گمراه کننده به قول ثابت معتقدند .

آنها دو نفر اهل قبر هستند که بر آنها موکل شده است که از مرده در قبرش درباره پروردگارش و دینش و پیامبرش سؤال کنند و نیکوکاران و فاسقان را بیازمایند.

بخاری گفت: عبدالله بن یوسف به ما گفت، ابن وهب به ما گفت، یونس به من گفت، از ابن شهاب، عروه به من گفت که عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت. که به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: آیا روزی بر تو آمد که سخت تر از روز احد بود؟

گفت: من از قوم تو با تو آشنا شدم و سخت ترین چیزی بود که در روز عقبه از آنان دیدم، هنگامی که خود را به ابن عبد یلیل بن عبدکلال تقدیم کردم و او آنچه را که می خواستم اجابت نکرد. پس رفتم در حالی که به صورت مضطرب بودم و جز در شاخ روباه بیدار نشدم پس سرم را بلند کردم و اگر بودم ابری بر من پوشیده بود پس نگاه کردم و جبرئیل در آن بود، پس مرا ندا داد و گفت: خداوند آنچه را که قوم تو به تو گفتند و آنچه به تو پاسخ دادند شنیده است، و فرشته کوه را به تو فرستاد تا به او دستور دهد که هر چه می خواهی با آنان انجام ده. .

ملک الجبال مرا صدا زد و سلام کرد و گفت: ای محمد!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: بلکه امیدوارم خداوند از صلب آنان کسانی را بیرون آورد که تنها خدا را می پرستند و چیزی را شریک او قرار نمی دهند.

مسلم از حدیث ابن وهب نقل کرده است.

پایان مطلب خلقت فرشتگان از کتاب البداية و النهاية

## خلقت فرشتگان از کتابهای مسیحی

تبارک و تعالی خداوند سبحان و قدوس که از ازل تا ابد مستحق هر سجده و تکریم و ستایش است... زیرا رحمتش بسیار است و محبتش فراتر از هر تصویری است...

فرشتگان پاک را برای عبادت خود آفرید، اما به آنها دستور داد که انسان را نیز خدمت کنند.

به خدای متعالی که در آسمان ها ساکن است تقدیم شد، اما به خاطر عشق شگفت انگیزش آن را به زمین فرود آورد تا به انسان کمک کند.

فرشتگان چه کسانی هستند، چه خدمتی دارند و چه نسبتی با آنها داریم و تعدادی از آنها چگونه سقوط کردند؟

این تحقیق حقیر در مورد فرشتگان خوب و بد صحبت می کند تا حقیقت آنها و ماهیت کار آنها را بدانیم ... تا بدانیم که فرشتگان خوب عزیزان و دوستان ما هستند.

در مورد شیاطین ، آنها دشمن ما هستند، زیرا همیشه با ما می جنگند و آرزوی سقوط و نابودی ما را دارند.

بنابراین ما فرشتگان را دوست داریم و از خدا می خواهیم که شیاطین را شرمنده کند.

ای پروردگار...

ما را با فرشتگان مقدست محاصره کن تا در لشکرگاه آنان محفوظ و هدایت شویم تا به ایمان واحد برسیم و شکوه نامحسوس و نامحدود تو را بشناسیم که همیشه مبارک باد، آمین .

## 2- منظور از کلمه فرشته چیست؟

معنای کلمه فرشته در انجیل در زبانهای عبری، یونانی و عربی ، پیام آور است، بنابراین در کتاب مقدس به این معنا به کار رفته است که عبارت است از اجرای دستورات خداوند، اعلام راه حل های او. ، اجرای مقاصد او و تجلی عظمت و قدرت عظیم او.

استفاده از کلمه "فرشته" در کتاب مقدس را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

1-پیام رسان معمولی:

در کتاب خروج، او در مورد فرشته صحبت می کند که او رسولی است که از طرف خدا فرستاده شده است، "اینک، من فرشته ای را پیش روی شما می فرستم تا شما را در راه نگه دارد" (خروج 23:20) .

2- یک پیامبر:

"اینک، من فرشته خود را می فرستم تا راه را پیش روی من آماده کند" (مالکی 3:1) همچنین (مرقس 1:2) و این نبوت پیشگویی در مورد آمدن یحیی تعمید دهنده بود.

### 3- اسقف یا کشیش:

در کتاب مکاشفه از فرشته در نامه های هفت گانه بسیار نام برده شده است و به اسقف های این کلیساها اشاره می کند، بنابراین می گوید: «به فرشته کلیسای افسس بنویس ...» او توضیح می دهد. این جمله: "راز هفت ستاره ای که در دست راست خود دیدم ، هفت چراغ

و خداوند در کتاب ملاکی می فرماید: «و در برابر فرشته مگو که این غفلت است» یعنی کاهن ، زیرا او فرشته یا فرستاده خداوند صباوت است.

### 4- ممکن است اشاره به خود خدا یا مسیح باشد :

و در کتاب ملاکی پیغمبر می گوید: «و ناگهان خداوندی را که می جوئید، فرشته عهد که از او شادی می کنید، ناگهان به معبد او می آید، اینک او می آید، می گوید خداوند صباوت» . (ملاکی 3:1) .

پولس رسول در نامه خود به عبرانیان می گوید: "پذیرایی از غریبه ها را فراموش نکنید، زیرا مردم به وسیله آن فرشتگان را بدون اینکه متوجه شوند اضافه کرده اند"



## دیگر کاربردهای کلمه فرشته

کاربردهای دیگری نیز از واژه فرشته در کتاب آمده است که به آنها با معانی مختلف اشاره می کنیم که عبارتند از:

الف- ستون ابر :

«و فرشته خدا که در برابر لشکر اسرائیل راه می رفت، حرکت کرد و به دنبال آنها رفت و ستون ابر از جلوی آنها حرکت کرد و پشت سر آنها ایستاد.» (خروج 14:19) .  
در اینجا به نظر می رسد که خداوند از فرشتگان در بسیاری از کارها از جمله کار ابرها استفاده می کند.

ب- باد:

کتاب مزامیر در مورد ماهیت فرشتگان می گوید: " فرشتگان خود را بادها و بندگان خود را آتشی فروزان می سازد" (مزمور 104:4) .

ج- ایپدمی هایی که در آنها از فرشتگان شیطانی نام برده می شود:

«شدت خشم و غضب و اندوه خود را بر آنها فرستاد، لشکری از فرشتگان شریک...  
جانشان را از مرگ بازداشت، بلکه جانشان را به طاعون داد» (مزمور 78: 49، 50).

د- بیماری هایی که پولس رسول آن را خار در بدن خود می نامد:

«و برای اینکه با اعلان های زیاد تعالی پیدا نکنم، خاری در بدن به من داده شد ،

فرشته ای از شیطان تا مرا بزند، مبادا سربلند شوم» (دوم قرنتیان 12: 7) .

استفاده رایج از کلمه "فرشته":

در مورد استفاده متداول از این کلمه در کتاب مقدس ، اشاره به نوع خاصی از ارواح آسمانی است که خداوند از آنها برای اجرای اراده و اهداف خود استفاده می کند. (اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع را در اینجا در St-Takla.org در بخش مقالات و سایر کتاب ها مشاهده کنید). به همین دلیل است که آنها با نام فرشتگان خدا متمایز شدند، همانطور که خداوند در آمدن دوم خود می فرماید: "وقتی پسر انسان در جلال خود بیاید و همه فرشتگان مقدس با او بیایند، آنگاه بر تخت خواهد نشست. از جلال او»

فطرت ملائکه | آیا فرشتگان بدن دارند؟

اولین چیزی که به ذهن ما می رسد شناخت ماهیت فرشتگان است... آیا آنها فقط ارواح هستند یا اجسام نورانی؟! اشکال و ماهیت شکل گیری آن چیست... زیرا ما آن را با چشم غیرمسلح نمی بینیم، بلکه ممکن است آن را در خواب ببینیم، یا ممکن است توصیفات آن را در کتاب های کلیسا بشنویم ، یا برخی از مقدسین آن را به اشکال مختلف ببینند. ... قوی است یا ضعیف... همه این سؤالات توجه ما را برمی انگیزد، ما را وادار می کند کتاب مقدس را برای ماهیت فرشتگان جستجو کنیم.

آیا فرشتگان بدن دارند؟

این موضوع حساس در طول اعصار و نسل ها توسط کلیسا مورد بحث قرار گرفته است و به عنوان یک واقعیت تاریخی، مایلیم در اینجا برخی از مباحثی را که در این زمینه صورت گرفته است، ارائه دهیم. بسیاری معتقد بودند که فرشتگان دارای بدن های معنوی نامرئی هستند که با آنها کار می کنند آنها را همانطور که شخص با بدن حیوانی متراکم (مادی) خود کار می کند، و پولس نامه خود به قرنتیاندر اشاره کرد که رسول به وجود بدن حیوانی و جسم روحانی اشاره کرد و در مورد تفاوت آنها صحبت کرد و گفت: "هر بدن یک بدن نیست، بلکه مردم یک بدن دارند، و حیوانات یک بدن، و ماهی ها، و پرندگان یک بدن دیگر، بدن های آسمانی و بدن های زمینی ... بدن حیوانی وجود دارد و وجود داشته است." ( اول قرنتیان 40:15-44) . او همچنین در نامه خود به عبرانیان گفت: "آیا همه آنها ارواح خدمتگزار فرستاده نشده اند تا به خاطر کسانی که نجات را به ارث می برند خدمت کنند" (عبرانیان 1:14) .

این عقیده توسط پدران اول مانند کیوستینوس شهید ، آتناگوراس ، ایرنائوس ، کلمنت اسکندریه ، ترتولیانوس و آگوستین تأیید شد.

در مورد کلیسای غربی نیز با این نظر قانع نشد، بلکه در شورای دوم نیقیه [که توسط کلیسای ارتدوکس قبطی به رسمیت شناخته نشده است ] در سال 787 پس از میلاد خواستار شد که فرشتگان دارای بدنهای زیبا از آتش یا هوا هستند. در مورد برخی از آیات کتاب مقدس زیر :

- 1- در کتاب دانیال : «و من، دانیال ، دیدم ... صورت او مانند رعد و برق بود و چشمانش مانند دو چراغ آتش بود ... (دان 10: 6، 7). این مرد فرشته جبرئیل بود.
- 2- در انجیل متی آمده است: «و اینک زلزله بزرگی رخ داد، زیرا فرشته خداوند از آسمان نازل شد و آمد و سنگ را از در غلتید و بر آن نشست و ظاهرش مانند رعد و برق بود. لباس مثل برف سفید بود» (متی 3:28) .
- 3- در انجیل مرقس فرشته‌ای را که بر مریم‌ها ظاهر شد چنین توصیف می‌کند: «و چون وارد قبر شدند، جوانی را دیدند که در سمت راست نشسته بود و جامه‌ای سفید بر تن داشت و در شگفت شدند» (مرقس 16). (5) .
- 4- انجیل لوقا او را دارای لباسهای درخشان توصیف می کند .
- 5- هنگامی که مسیح عروج کرد، دو فرشته در جامه سفید در برابر شاگردان ظاهر شدند (اعمال رسولان 1:10) .
- 6- در مورد ماجرای نجات پطرس از زندان، در کتاب اعمال رسولان آمده است: «و اینک فرشته خداوند آمد و نوری در خانه درخشید و بر پهلو پطرس زد و او را بیدار کرد و گفت: به سرعت برخیز.» و دو زنجیره از دست او افتاد.» (اعمال رسولان 12:7)
- 7- یوحنا رسول فرشته‌ای را که در رؤیا بر او ظاهر شد، توصیف می کند و می گوید: «آنگاه فرشته قدرتمند دیگری را دیدم که از آسمان نازل می شد، در حالی

که ابر پوشیده بود و بر سرش رنگین کمان بود و صورتش مانند خورشید و او بود. پاهای مانند ستون آتش...» (مکاشفه 10:1).

در سال 1215 شمسی، شورای چهارم شورای لاتران این حکم را لغو کرد و مخالف آن را خواست، یعنی بدون بدن هستند. و پیترو لومباردو و بسیاری از متکلمان در آن با او موافق بودند و گفتند که آنها اجسام واقعی ندارند و بدنهایی که در آنها ظاهر شده اند گاهی واقعی نیستند.

برخی در توصیف ماهیت فرشتگان افراط کرده اند، از این رو از آموزه کلی کلیسا منحرف شده و می گویند آنها نشأت های زودگذر الهیات هستند، و برخی دیگر که آموزه گنوسی ها هستند، می گویند آنها نشأت های عرفانی هستند. الهیات باقی مانده است، اما هر دو نظر دیگر توسط کلیسا به طور کلی پذیرفته نشده است. در مورد عقیده رایج در کلیسا مبنی بر اینکه بدنهای روحانی نامرئی دارند، این عقیده تقریباً با تمام آموزه های کلیسا قابل قبول و سازگار است.

## قدرت فرشتگان

"سپس یکی از سرافیم ها به سمت من پرواز کرد، در حالی که ذغال زنده ای در دست داشت که با انبر گرفته بود. از قربانگاه و آن را به دهان من زد و گفت: اینک این به لبهای تو رسیده است. گناه تو برداشته شد و گناهت پاک شد." (اشعیا

6:6، 7) و یکی از سرافیم ها در حالی که اخگری در دست داشت به سمت من پرواز کرد و آن را با انبر از قربانگاه گرفت و دهان مرا لمس کرد. با آن، و گفت: "این به لب های تو رسیده است، پس گناه خود را بزدا، و کفاره گناه خود را بپرداز" (اشعیا 6:6، 7).

"سپس یکی از سرافیم ها به سمت من پرواز کرد، در حالی که ذغال زنده ای در دست داشت که با انبر گرفته بود. از قربانگاه و آن را به دهان من زد و گفت: اینک این به لبهای تو رسیده است. گناه شما از بین می رود و گناه شما پاک می شود." (اشعیا 6:6، 7).

"یکی از سرافیم ها با ذغال زنده ای در دستش به سمت من پرواز کرد که او با انبر از مذبح گرفته بود و با آن دهان مرا لمس کرد و گفت: «اینها لبهای تو را لمس کرده اند، پس گناه خود را بردار و برای گناه خود کفاره بده» (اشعیا 6:6، 7).

فرشتگان از انسان ها تواناتر، قدرتمندتر، سریع تر و فعال ترند و همچنین از انسان ها آگاه ترند [به مقاله «فرشتگان» اثر اسقف گرگوری، اسقف تحقیقات علمی، در مجله مدارس یکشنبه - شماره 1 و 2 مراجعه کنید. (ژانویه و فوریه 1970) سال زیرا ماهیت فرشتگان روحانی و آتشین است و نور، پس می تواند چیزهایی را کشف کند که ما به دلیل تراکم بدن خود و به دلیل ضعف این جسم و جسم خود نمی توانیم آنها را کشف کنیم. بیماری ها و بیماری هایی که به آن مبتلا می شوند و چیزهای دیگری که مانع نفوذ روح در باطن چیزها می شود.

در مورد ملائکه، او بهتر از انسان به شناخت اشیاء، و سریعتر رسیدن به حقایق اشیاء، آگاه است و به همین دلیل، فرشتگان همواره در شناخت اشیاء و وقایع جاری و گذشته از انسان داناترند. ...

و فرشتگان بالاتر از آن مریض نمی شوند، ضعیف نمی شوند، نمی خوابند و نمی میرند، زیرا موجودات روحانی هستند و در بیداری و هوشیاری دائمی هستند و توانایی شگفت انگیزی دارند. در طبیعت چیزها نفوذ کند. مزمور می گوید: «ای همه بندگان او که اراده او را انجام می دهید، خداوند را برکت دهید» (مزمور 103: 20 و 21).

در این به فرشتگان نسبت داده می شود که نیرومند هستند... و قوی هستند و این درست است... برای یک فرشته در یک شب 185 هزار نفر از لشکر سناخریب پادشاه آشور کشته شدند. (دوم پادشاهان 19:35) و فرشته دیگر هر نخست زاده را در سرزمین مصر کشت (خروج 12:29).

آیا این دلیل بر توانایی فرشته و توانایی او در انجام آنچه می خواهد و خداوند به او امانت داده نیست؟

پس خداوند آنها را در فطرتی روحانی آفرید که بزرگتر از فطرت انسان است ، چنانکه در مزمور آمده است: «انسان کیست که او را یاد کنی، و پسر انسان را که او را زیارت کنی، او را کمتر ساخته ای. فرشتگان» (مزمور 8:4) .

آنها همچنین به زمان زیادی در نقل و انتقالات خود از یک مکان به مکان دیگر نیاز ندارند، زیرا آنها بدن فیزیکی ندارند که مانع انتقال آنها شود، بنابراین در یک لحظه می توانند هزاران مایل را طی کنند.

در عین حال، آنها می توانند از بدن های فیزیکی عبور کنند، زیرا ماهیت معنوی آنها این انتقال از طریق ماده را تسهیل می کند.

### - فرشتگان چه زمانی خلق شدند؟

در کتاب مقدس هیچ صحبت صریحی در مورد تاریخ خلقت فرشتگان وجود ندارد، زیرا این فقط از علم خداست و انسان به این معنا نیست که چیزی از این زمان می داند. با این حال، نشانه های روشنی در کتاب مقدس وجود دارد که قبل از خلقت انسان، فرشتگان در آسمان وجود داشته اند که می توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد:



## فرشتگان چه زمانی خلق شدند:

- 1- هنگامی که خداوند انسان را آفرید، موجودی شیطانی - که قبل از او وجود داشت - سعی کرد او را وسوسه کند، نابود کند و او را به زمین بیاندازد، و در آن موفق شد ( پیدایش 3: 1-7 ) . و کتاب مکاشفه درباره او می گوید: «و در بهشت جنگ شد، میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند و اژدها و فرشتگانش جنگیدند، اما به اندازه کافی قوی نبودند و پس از آن در بهشت جایشان پیدا نشد. بنابراین اژدهای بزرگ، مار پیر به نام شیطان و شیطان، که تمام جهان را فریب می‌دهد، به زمین افکنده شد و فرشتگان او نیز با او پرتاب شدند.» (مکاشفه 12: 7-9) .
- 2- هنگامی که انسان پس از سقوط از باغ عدن رانده شد ، خداوند فرشته ای را برپا کرد تا از باغ محافظت کند تا مرد افتاده به آنجا باز نگردد ( پیدایش 3:24) .
- 3- هنگامی که خداوند از طوفان پاسخ ایوب را داد، به او گفت: "وقتی زمین را بنا کردم تو کجا بودی... هنگامی که ستارگان صبح با هم آواز خواندند و همه فرزندان خدا فریاد شادی سر دادند؟ (ایوب 1: 38-7) . منظور او از ستارگان صبح و فرزندان خدا توسط فرشتگان است و این قول روشن است و برای ما ثابت می کند که فرشتگان قبل از خلقت انسان وجود داشته اند.

## شما آنها را در روز اول ایجاد کردید:

و نظری وجود دارد که اسقف گرگوری در مورد آفرینش فرشتگان فرموده است که آن را از آیاتی از کتاب آسمانی استنباط کرده است، می فرماید: رسول خدا در مورد خدا فرمود: «فرشتگانش را ارواح قرار می دهد و بندگان شعله های آتشند . آتش» ( عبرانیان 1: 7 ) و بدین وسیله نشان می دهد که خداوند فرشتگان را از نور آفرید که خلقت او اولین چیزی بود که او آفرید. پیدایش 1: 3 ) و از نور خدا فرشتگان را آفرید و از اینجا آنها موجودات پاک، پاک، پاک و سبک هستند.

این عقیده را عنبه ساویرس، اسقف معروف اشمونید، ابن مقفع ، تأیید می کند که می گوید: «در واقع، خداوند در روز یکشنبه آسمان بالا را که در آن فرشتگان هستند، آفرید و تمام درجات فرشتگان روحانی را بر آن آفرید. و آسمان و هر چه در آن است بر آن آفرید و نور را بر آن آفرید...»

## تعداد فرشتگان

در انجیل هیچ اشاره ای به تعداد دقیق آنها وجود ندارد و فقط خداوند تعداد آنها را می داند که آنها را آفرید و خود را وقف خدمت او کردند، اما سخنان زیادی در کتاب مقدس وجود دارد که تعداد آنها را نشان می دهد.

چند تا از آنها:

برخی از این سخنان را نقل می کنیم تا خواننده به تعداد زیاد آنها پی ببرد...

1- هنگامی که خداوند بر کوه سینا نازل شد تا شریعت را به موسی نبی بدهد، به او گفته شد: «او از اورشلیم ده هزار نفر (یعنی فرشتگان) آمد و در دست راست او آتش بود که برای آنها شریعت بود . تثییه 2:33) .

فرشتگان بسیار در اطراف تخت ... و تعداد آنها ده هزار برابر ده هزار و هزاران هزار بود" (مکاشفه 5:11) - جزئیات (14) از نماد حوادث آخرالزمان (کتاب مکاشفه)، نوشته پدر مکاریوس البراموسی، صومعه باراموس، دره ناترون، مصر - ، 21 اکتبر 2018 تعداد آنها هزاران هزار و هزاران هزار نفر بود. (مکاشفه 5: 11) - جزئیات (14) از نماد وقایع کتاب مکاشفه یحیی متکلم، نقاشی شده توسط راهب پدر مکاریوس البراموسی، صومعه باراموس، دره ناترون، مصر -

2- در باغ جتسیمانی ، خداوند عیسی مسیح به پطرس گفت: «آیا فکر می کنی اکنون نمی توانم از پدرم بخواهم که بیش از دوازده لشکر از فرشتگان را به من عرضه کند» (متی 26:53) .

3- دانیال نبی گفت: «هزاران هزار نفر او را خدمت می کنند و ده هزار و ده هزار نفر در برابر او ایستاده اند» (دانیال 7:10) .

4- در مورد بشارت شبانان گفته شد: «و ناگهان گروهی از لشکر آسمانی با فرشته ظاهر شدند» (لوقا 2:13) .

5- پولس رسول در رساله خود به عبرانیان می‌گوید: «به راستی که به کوه صهیون آمده‌اید ... و به تعداد بی‌شمار فرشتگان» (عبرانیان 12:22) .

6- و یحیی رسول در رؤیای معروف خود مشاهده آنها را توصیف می‌کند و می‌گوید: «و صدای فرشتگان بسیاری را در اطراف تخت و موجودات زنده و بزرگان دیدم و شنیدم و تعداد آنها هزاران هزار و هزاران بود». (مکاشفه 5:11) .

7- نمونه های زیادی وجود دارد که تعداد آنها قابل شمارش نیست و مسئله به تعداد آنها نیست بلکه در قدرت و توانایی آنهاست. می دانیم که یک فرشته توانست 185 هزار مرد از ارتش را بکشد. سناخریب ، پادشاه آشور ، در یک روز.

8- اگر بخواهیم تعداد تقریبی آنها را از قول خود پروردگار جل جلاله استنباط کنیم، می گوئیم تعداد تقریبی آنها بیشتر از:

و اگر پروردگار جلال ذکر نکرده است که این تعداد همه فرشتگان است، بلکه گفته است که «او می تواند از پدرش بیش از دوازده لشکر بخواهد.» در خاتمه می توان گفت که تعداد آنها بسیار زیاد است که قابل شمارش نیست. و اینکه یک فرشته می تواند بیش از هزار کار کند.

9- قدیس دیونیسیوس آرنوپاگیتی می‌گوید: «تعداد فرشتگان از مادیات و مادیات بیشتر است، زیرا خداوند متعال در شکل‌گیری جهان - کمال آن را اراده کرده و قدرت او محدودیتی ندارد - خواسته است. برای افزایش تعداد کامل ترین چیزها به همین دلیل است که ایوب عادل گفت: «آیا سربازان او اعداد دارند؟» ( ایوب 3:25 ).

10- در کلیسا نظری رایج است که می‌گوید خداوند برای هر مؤمنی فرشته نگهبانی قرار داد که مراقب او باشد و تا روز مرگ او را همراهی کند و او را به عنوان معلم و مدیر و راهنما برای هدایت او قرار داده است. به راه حق و فضیلت می‌رسد و او را از حيله های دشمنان آشکار و ناپیدا برحذر می‌دارد [مانند قول پروردگار جلال: «مواظب باش که یکی از این کوچک را تحقیر نکن، زیرا به تو می‌گویم که فرشتگان‌شان در آسمانها همیشه چهره پدرم را که در آسمان است ببینید» و کتاب مقدس مملو از نمونه هایی از فرشتگان است که به مردم در سفر کمک می‌کردند و همیشه به آنها خدمت می‌کردند. فرشته رافائل توبیاس را همراهی کرد. و در سفر به او خدمت کرد و تمام عنایت او را در راه تحقیر کرد و او را از نهنگی که می‌خواست او را بلعد محافظت کرد و سپس پولش را از مردم گرفت و او را به زنی صالح درآورد و به پدرش بازگرداند.

فرشته نزد الیاس نبی آمد و تکه ای کیک به او داد تا بخورد تا در راه با آن قوی شود. که دانیال نبی را در آن انداختند یا فیلیپ را از محلی که مرد حبشی تعمید داد به شهر اشدود برد.

11- توماس آکویناس می گوید: «تعداد فرشتگان از تعداد انسان ها و دیگر موجودات مادی بیشتر است، زیرا آنها کسانی هستند که عناصر مادی را اداره می کنند و از شهرها و پادشاهی ها محافظت می کنند، بنابراین کلیسا آنها را شفیع خود قرار داد. فرانسه و آلمان. فرشته میکائیل و همچنین بسیاری از کلیساهای شرق را به عنوان شفیع خود انتخاب کردند.

#### 8- سقوط چند فرشته

ماهیت فرشتگان - همانطور که قبلاً ذکر کردیم - ویژگی هایی دارد که خداوند آنها را برای زندگی آفریده است. خدا او را عاقل و آزاد آفرید... با عقلش می تواند فکر کند و با این آزادی هر کاری می خواهد بکند. و همانطور که انسانها طبق فطرتشان قانون دارند، فرشتگان نیز بر حسب فطرتشان قانون دارند... و اگر خداوند فرشتگان را با توانایی هایی فراتر از انسان آفرید، قانون آنها نیز از قانون انسان فراتر می رود. سقوط آنها از سقوط انسان خطرناکتر است ... زیرا بدن انسان مادی است و مانع پرتاب و حرکت بسیار او می شود و در مورد اجساد فرشتگان آنها غیر مادی هستند و می توانند با سرعت زیادی حرکت کنند.

بدین ترتیب به فرشتگان علم و حکمت بیشتر از مردم داده شد تا خدا را بشناسند، بیشتر از انسانها چون در برابر عرش الهی او ایستاده اند... آنها شب و روز خدا را ستایش می کنند و برای همیشه و همیشه در برابر عرش مقدس او سجده می کنند.

## چگونه برخی از فرشتگان سقوط کردند؟

و حالا این سوال مهم به ذهن ما خطور می کند... اگر خداوند توانایی های بسیار زیادی به فرشتگان داده بود پس چرا زمین خوردند؟! و اگر خدا شر را نیافریده پس از کجا آمده است؟!

این سوال مهم حوزه تحقیق ما نیست اما خیلی مختصر به آن پاسخ می دهیم...

اول می گوئیم گناه چگونه وارد دنیا شد... نه تنها به عالم زمین، بلکه به عالم آسمانی؟

### خطا و گناه:

گناه چیست؟ و چه اشکالی دارد؟

به عنوان آغاز پاسخ باید بدانیم چه مشکلی دارد؟

ضلالت آن چیزی است که از درستی منحرف می شود و از گناه عمومی تر است، گناه گناهی است بر خدا و اوامر او.

وقتی این تعریف ساده از خطا و گناه را درک کنیم، مسیر سقوط برخی از فرشتگان را می بینیم.

فرشتگان موجوداتی آزاد و عاقل هستند و حق دارند در مورد درست یا نادرست فکر کنند و در آنچه می خواهند و انجام می دهند آزادند .

اما برخی از فرشتگان در رأس آنها شیطان ( شیطان ) در افکار خود به باطل، یعنی به باطل، منحرف شدند و خواستند خود را با خالق یکی بدانند . (اطلاعات بیشتر در

مورد این موضوع را در اینجا در St-Takla.org در بخش مقالات و سایر کتاب ها مشاهده کنید). این محال، غیر معقول و خود خطای دقیق است.. آیا می توان گفت خالق با مخلوق برابر است؟... و اگر با او برابر است پس خالق چگونه است؟

از صفات آفریدگار معلوم است که هیچ کس با او همتا نیست و هیچ کس به او نزدیک نیست... بلکه او در قدرت خود یگانه و در عظمت بی نظیر است...

و اگر در این موضوع با تفاوت مثال بزنیم در می یابیم که مخلوق به هیچ وجه نمی تواند با خالق برابر باشد.

مثلاً اگر فرض کنیم که شخصی یک ماشین مکانیکی اختراع کند که وقتی آن را به جریان الکتریکی وصل می کند می تواند آن طور که می خواهد کار کند و اگر این جریان را از آن جدا کند آن را متوقف کند، آیا این خدا به تنهایی می تواند بدون این جریان کار کند. ?



بنابراین، فرد مخلوق بدون روح خدا که در اوست نمی تواند زندگی کند، حرکت کند و یا کار کند، اگر روح خارج شود، مرده می شود و حتی مانند ماشینی می شود که کار نمی کند.

پس فرشته مخلوقی است و بدون قدرتی که خداوند در خلقتش به او عطا کرده و در او به ودیعه گذاشته است نمی تواند کار کند.

اما شیطان از توانایی های ذات خود منحرف شد و خواست قابلیت های خدا را بر او بیفزاید و خواست شبیه خدا شود و از این رو گناه کرد و از درجه خود سقوط کرد...

او معتقد بود که جلال او عزت نفس است نه اکتسابی از خدا، پس جلال بیهوده وارد او شد و می خواست شبیه خدا شود. و حزقیال نبی در این باره با تمام جزئیات به ما می گوید: «خداوند خداوند چنین می گوید: تو مظهر کمال، پر از حکمت و زیبایی هستی، تو در عدن، باغ خدا بودی، هر سنگ گرانبها. پرده تو بود ... تو آن کروی گسترانی هستی که بر تو سایه افکنده است بر کوه مقدس خدا در میان سنگها بودی آتش پرسه می زد تو از روزی که خلق شدی تا زمانی که گناهی در تو یافت شد در راه خود کامل بودی. با تجارت بزرگ تو قلبت را پر از خشونت کردند و تو گناه کردی، پس تو را از کوه خدا پایین می اندازم و هلاک می کنم ای کروی که از میان سنگ های آتش سایه افکنده ، دلت برای شادی تو بلند شده است. حکمت تو به خاطر جلال تو فاسد شده است...» (حزقی 28: 12-17) .

و این گفتار را اشعیای پیامبر تأیید می کند که می گوید: ای گل صبح چگونه از آسمان افتادی؟ به آسمانها بالا برو. تخت خود را بر ستارگان خدا برافراشتم و بر کوه ملاقات در شمال دور خواهم نشست و بر بلندای ابرها صعود خواهم کرد.» من مانند حق تعالی خواهم شد. اما تو به ورطه، به ته گودال فرود آمدی...» (اشعیای 15:14-12).

پس شیطان به زمین افتاد و فرشتگانی را از درجات مختلف بهشتی که همراه او بودند اغوا کرد.

از این لحظه او را لجوج یا مقاومت کننده در برابر خدا می نامند، زیرا از سقوط خود برنگشت، اشتباه خود را احساس نکرد و تا این زمان به درگاه خداوند توبه نکرد. و کتاب مکاشفه می گوید: "و در بهشت جنگ شد. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند. و اژدها و فرشتگانش جنگیدند، اما پیروز نشدند و پس از آن در بهشت جایی برای آنها نبود. اژدهای بزرگ به زمین انداخته شد، مار باستانی به نام اهریمن و شیطان، که تمام جهان را فریب می دهد. او به زمین افکنده شد و فرشتگان او نیز با او به زیر انداختند" (مکاشفه 12: 7-9).

و پس از خلقت آدم، شیطان وسوسه گر برای براندازی او پیش رفت، همچنان که او نیز به همان گناهی که مرتکب شده بود، یعنی گناه عدم اطاعت از خدا و تمایل او به شبیه شدن به خدا افتاد. مار به زن گفت: «تو نمی میری، بلکه خدا می داند که

روزی که از آن بخوری، چشمانت باز می‌شود و مانند خدا خواهی بود و نیک و بد را می‌دانی.» (پیدایش 3: 4-5) .

و زن افتاد ، سپس مرد خود را اغوا کرد ، و او نیز سقوط کرد، سپس نسل بشر در نتیجه آن سقوط کرد، و گناه وارد جهان شد، همانطور که همه گناه کردند، همانطور که پولس رسول می گوید: "به همین دلیل، مانند یک نفر. انسان، گناه وارد جهان شد و مرگ از طریق گناه (رومیان 5:12) .

بنابراین، قول کتاب مکاشفه در مورد جنگ شیطان درست بود: «وای بر ساکنان زمین و دریا، زیرا شیطان در حالی که خشم زیادی دارد، بر شما نازل شده است، زیرا می‌داند که زمان کوتاهی دارد» (مکاشفه 12: . 12) .

و کتاب مقدس گواهی می دهد که این فرشته سقوط کرده همه را اغوا کرده و با نیات شیطانی خود و تجربیات مختلف لعنتی خود به طرق و روش های مختلف سعی در سرنگونی آنها داشته است. او حتی جرأت کرد که به جلو بیاید تا خود مسیح خداوند را وسوسه کند (متی 4: 1) که او را افشا کرد، شکست داد و قدرتش را شکست.

به همین دلیل است که پطرس قدیس می گوید: "خدا به فرشتگانی که گناه کرده بودند رحم نکرد" (دوم پطرس 2:4) . و این گفتار مقدس توسط یهودای رسول پشتیبانی می شود و می گوید: "فرشتگانی که رهبری خود را حفظ نکردند، بلکه

محل سکونت خود را ترک کردند، آنها را تا روز داوری روز بزرگ در زنجیرهای ابدی در زیر تاریکی نگاه داشتند " (یهودا 6).

خداوند جلال خود سرنوشت آنها و سرنوشت همه شیریان را که از آنها پیروی می کنند فاش کرد و به آنها گفت: "ای نفرین شده از من برو به آتش جاودانی که برای شیطان و فرشتگان او آماده شده است" (متی 25:41) .

### - فرشتگان خوب و بد

فرشتگان را پس از سقوط برخی از آنها به دو دسته اصلی تقسیم می کنیم:

الف- فرشتگان خوب:

آنها کسانی هستند که وفاداری خود را به خدا و حقیقت ثابت کردند، بنابراین آنها را برگزیدگان و مقدّس نامیدند (اول تیموتائوس 5:21، متی 25:31).

ب- فرشتگان شیطانی (منظور ابلیس است)

و آنها همان کسانی هستند که سقوط کردند، یعنی توکل خود را به خدا ثابت نکردند، و مغرور شدند و در مقابل خدا مقاومت کردند، بنابراین آنها را مقاومت یا شیاطین نامیدند (متی 4:10، لوقا 10:18) .

و نظری وجود دارد که می گوید خداوند انسان را آفریده است تا او را به جای فرشتگان سقوط کرده قرار دهد و این فقط در مورد اولیای الهی است زیرا هیچ کس نمی تواند پروردگار را ببیند مگر اولیاء و کسانی که از او پیروی می کنند. دستورات

## خدمت ملائکه

ملائکه مرتب شده اند و ترتیب و هوا و نظمی دارند و خداوند هر کدام را تخصص هایی قرار داده است. برخی از آنها مربوط به خدمت بهشت و برخی دیگر مربوط به خدمت در زمین است.

در زمین برخی مربوط به هوا و برخی دیگر مربوط به میوه ها و برخی مربوط به رودخانه ها و برخی دیگر در اقامه نذورات و دعاها تخصص دارند، بنابراین کشیش در پایان نماز الهی خطاب به فرشته دعا می کند و می گوید. " ای فرشته این قربانی پاکی که به آسمان عروج کردی، آن را در حضور خداوند بالا ببر تا گناهان ما را ببخشد. "

تخصص ها متنوع است و همه آنها جلال خدا را بر روی زمین برجسته و اعلام می کنند. به او گفت: از این پس بهشت را باز می بینی و فرشتگان خدا را در حال صعود و نزول می بینی.

## خدمت فرشتگان را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

ستایش خداوند در زندگی ملائکه

قدرت: "سپس نگاه کردم و صدای فرشتگان بسیاری را در اطراف عرش و موجودات زنده و بزرگان شنیدم و تعداد آنها ده هزار برابر ده هزار و هزاران نفر بود. هزاران نفر، با صدای بلند می‌گویند: "بره ای که کشته شد شایسته است که قدرت و ثروت و حکمت و قدرت و افتخار و جلال و برکت را دریافت کند!" (مکاشفه 5: 11-12) - جزئیات (23) از نماد رویدادهای آخرالزمان (کتاب مکاشفه)، توسط پدر مکاریوس البراموسی، صومعه باراموس، دره ناترون، مصر - عکس مایکل غالی «و صدای فرشتگان بسیاری را در اطراف تخت و حیوانات و بزرگان دیدم و شنیدم و تعداد آنها هزاران هزار و هزاران هزار بود که با صدای بلند می‌گفتند: "سزاوار است که گوسفند کشته شده قدرت، ثروت، حکمت، قدرت، افتخار، جلال و برکت داشته باشد!" (مکاشفه 5: 11-12) - جزئیات (23) از نماد وقایع کتاب مکاشفه یوحنا خدانشناس، نقاشی شده توسط پدر مکاریوس البراموسی، مهماندار صومعه باراموس، وادی النترون مصر -

قدرت: "سپس نگاه کردم و صدای فرشتگان بسیاری را در اطراف عرش و موجودات زنده و بزرگان شنیدم و تعداد آنها ده هزار برابر ده هزار و هزاران نفر بود. هزاران نفر، با صدای بلند می‌گویند: "بره ای که کشته شد شایسته است که قدرت و ثروت و حکمت و قدرت و افتخار و جلال و برکت را دریافت کند!" (مکاشفه 5: 11-12) -

جزئیات (23) از نماد رویدادهای آخرالزمان (کتاب مکاشفه)، توسط پدر مکاریوس البراموسی، صومعه باراموس، دره ناترون، مصر -

«و صدای فرشتگان بسیاری را در اطراف تخت و حیوانات و بزرگان دیدم و شنیدم و تعداد آنها هزاران هزار و هزاران هزار بود که با صدای بلند می گفتند: «شایسته است. بره ای است که برای دریافت قدرت و ثروت و حکمت و قدرت و افتخار و جلال و برکت کشته شد!» (مکاشفه 5: 11-12) - جزئیات (23) از نماد وقایع آخرالزمان یوحنا الهی دان ، نقاشی شده توسط راهب پدر مکاریوس البراموسی، صومعه باراموس، وادی النترون، مصر -

ستایش زبان فرشتگان است و کلیسا آیین ستایش را از خود فرشتگان گرفت.

اشعیا نبی این ستایش را بیان کرد و گفت:

" السَّرَافِيمُ وَاقِفُونَ فَوْقَهُ، لِكُلِّ وَاحِدٍ سِتَّةُ أَجْحَادٍ، بَاطْنِينَ يُغَطِّي وَجْهَهُ، وَبَاطْنِينَ يُغَطِّي رِجْلَيْهِ، وَبَاطْنِينَ يَطِيرُ. وَهَذَا نَادَى ذَاكَ وَقَالَ: «قُدُّوسٌ، قُدُّوسٌ، قُدُّوسٌ رَبُّ الْجُنُودِ. مَجْدُهُ مِلْءُ كُلِّ الْأَرْضِ». " (اش 6: 2-3) .

از این تسبیح، کلیسا تسبیح معروف سه تقدیس (مقدس، مقدس، مقدس) را گرفت.

و در انجیل با شکوه:

ناگهان انبوهی از لشکریان آسمانی با فرشته ظاهر شدند و خدا را ستایش کردند و گفتند:

جلال خدا را در اعلی‌السلام و بر روی زمین صلح و نیکی برای مردم» (لوقا 2: 13-14).

و یوحنا رسول در کتاب مکاشفه می گوید:

«و من صدای فرشتگان بسیاری را در اطراف تخت دیدم و شنیدم... تعداد آنها

هزاران هزار و هزاران هزار بود که با صدای بلند می گفتند:

سزاوار بره ای است که ذبح شد تا قدرت، ثروت، حکمت، قدرت، افتخار، جلال و

برکت را دریافت کند.» (مکاشفه 5: 11-12).

به همین دلیل است که داوود پیامبر ندا می دهد و می گوید:

"او را ستایش کنید، ای فرشتگان او ، او را ستایش کنید، همه سربازان او"



## ملائکه و سجده برای خدا

سجده بیان صادقانه احساس خضوع و خضوع است.

پس او بسیار شایسته خداست،

به آن سجده عبادت می گویند.

این فقط مختص خداست و نه چیز دیگری.

از این رو، هنگامی که یوحنا رسول در رؤیای خود می خواست برای فرشته سجده کند، از آنجایی که منظره الهی بسیار متاثر شده بود، فرشته از او جلوگیری کرد.

«و من در برابر پاهای او افتادم تا او را بپرستم، و او به من گفت: مواظب باش که اینکار را نکنی.

من با تو و برادرانت که شهادت عیسی را دارند برده هستم. من خدا را پرستش خواهم کرد» (مکاشفه 19:10).

و فرشته او را وادار کرد که سجده واقعی خدا را ببیند...

و همه فرشتگان در اطراف تخت ایستاده بودند و بزرگان و چهار موجود زنده در برابر تخت افتادند و خدا را عبادت کردند و گفتند:

آمین برکت، جلال، حکمت، شکرگزاری، عزت، قدرت و قدرت برای خدای ما تا ابدالابد، آمین « (مکاشفه 7: 11-12).

### - ملائکه در خدمت خدا و اجرای روزیات او هستند

خداوند فرشتگان را عمدتاً برای خدمت به او و اجرای دستورات او آفریده است و آنها از این امر خشنود هستند، زیرا آنها جلال الهی را خدمت می کنند و همیشه در برابر عرش الهی می ایستند.

و داوود پیامبر این سخنان را تأیید می کند و می گوید: "فرشتگان خود را ارواح و بندگان خود را آتشی فروزان می سازد" (مزمور 104: 4)، و همچنین (عبرانیان 1: 7) پولس رسول می گوید: "آیا همه آنها ارواح خدمتگزار برای خدمت فرستاده نشده اند..." (عبرانیان 1: 14).

نمونه های زیادی در کتاب مقدس وجود دارد که به ما نشان می دهد چگونه خدا فرشتگان خود را برای اجرای قضاوت های خود فرستاد...

الف- در کتاب سموئیل آمده است: «و فرشته دست خود را به سوی اورشلیم دراز کرد تا اورشلیم را ویران کند، اما خداوند از شر توبه کرد و به فرشته ای که مردم را هلاک کرد، گفت: بس است، اکنون خود را برگردان. دست» (دوم سام 24: 16).

ب- و در کتاب پادشاهان آمده است: «و در آن شب فرشته خداوند بیرون آمد و لشکر آشور را 185 هزار نفر زد و چون صبح زود برخاستند اینک. همه اجساد، بنابراین سناخریب ، پادشاه آشور، رفت و برگشت و در نینوا اقامت گزید» (دوم پادشاهان 19: 35، 36).

ج- در عهد جدید، فرشته خداوند به هیروودیس ضربه زد زیرا او خدا را جلال نداد .  
د- در کتاب مکاشفه یوحنا رسول می گوید: «و صدای بلندی از معبد شنیدم که به هفت فرشته می گفت: بروید و کاسه های خشم خدا را بر زمین بریزید» (مکاشفه 16:1) .

ه- و خداوند فرشتگان خود را برای خدمت به بشر می فرستد، همانطور که فرشته جبرئیل با دانیال نبی علیه السلام انجام داد تا رؤیا را درک کند . در بخش مقالات و سایر کتب ( .

### فرشتگان در خدمت مؤمنان هستند

فرشته در جمع خانواده مقدس بود که آنها برای فرار از پادشاه هرود به مصر آمدند .  
و او با آنها راه می رفت تا اینکه به سلامتی خدا رسیدند .

و پولس رسول را تشویق کرد که در برابر قیصر بایستد ... «زیرا در آن شب فرشته خدایی که من او را می پرستم ایستاده، گفت: «نترس، پولس ، زیرا باید در برابر

قیصر بایستی، و اینک، خدا به همه شما عطا کرده است. کسانی که با شما سفر می کنند

### فرشتگان نگهبان و نجات فرزندان خدا

الف- دانیال نبی که در گودال شیرها انداخته شد می گوید: «خدای من فرشته خود را فرستاد و دهان شیرها را بست و به من آسیبی نرساندند، زیرا در برابر او (خدا) بی گناه شناخته شدم. پیش تو نیز ای پادشاه، گناه نکردم» (د ۶: ۲۲).

ب- و الیشع پیامبر را لشکر فرشتگان نگهبانی می دادند که لشکریان او را محاصره کردند «پس بنده مرد خدا زود برخاست و برخاست و بیرون رفت و اینک سپاهی با اسب و ارابه شهر را محاصره کردند. غلامش به او گفت: ای سرورم، چه کار کنیم، گفت: نترس، زیرا کسانی که با ما بودند از کسانی که با آنها بودند بیشترند. سپس خداوند چشمان پسر را باز کرد و دید. و اینک کوه پر از اسبها و ارابه‌های آتشین در اطراف الیشع بود» (دوم پادشاهان 6: 15-17).

ج- به همین دلیل است که داوود پیامبر می‌فرماید: «فرشته خداوند در اطراف کسانی که از او می‌ترسند ساکن خواهد شد و آنها را نجات خواهد داد» (مزمور 34: 7).

او همچنین می‌گوید: «زیرا به فرشتگان خود درباره‌ی تو امر می‌کند که در تمام راه‌هایت از تو محافظت کنند» (مزمور 91:11) .

د- آنها پطرس را از زندان نجات دادند (اعمال رسولان 5:19) .

- فرشتگان دعای مؤمنان را به درگاه خداوند بلند می‌کنند

رافائل فرشته بزرگ (یکی از فرشتگان هفت گانه) به توبیاس می‌گوید: «وقتی با اشک دعا می‌کردی، مرده‌ها را دفن می‌کردی، غذای خود را می‌گذاشتی، روزها مردگان را در خانه خود پنهان می‌کردی و شب‌ها آنها را دفن می‌کردی، من خود را زنده می‌کردم. صدا به خداوند» (توبیت 12:12) .

و یوحنا رسول در کتاب مکاشفه می‌گوید: «و فرشته‌ای دیگر آمد و با مزه طلایی بر مذبح ایستاد ، و به او بخور بسیار داده شد تا آن را با دعای همه مقدسین بر مذبح طلا تقدیم کند، یعنی در برابر تاج و تخت» (مکاشفه 8:3) .

### فرشتگان برای مؤمنان شفاعت می‌کنند

فرشتگان نیز شفاعت کننده هستند، یعنی برای مؤمنان دعا می‌کنند و برای آنها آرامش می‌خواهند. در نبوت حضرت زکریا درباره فرشته ای که برای اورشلیم شفاعت می‌کند آمده است

سپس فرشته خداوند پاسخ داد و گفت:

«ای خداوند صباوت، تا کی بر اورشلیم و شهرهای یهودا که در این هفتاد سال بر آنها خشمگین بودی رحم نخواهی کرد؟»

و خداوند فرشته ای را که با من صحبت می کرد با کلمات مهربانانه و سخنان آرامش بخش پاسخ داد. و فرشته ای که با من صحبت می کرد به من گفت: "او فریاد زد و گفت: خداوند صباوت چنین می گوید: من به اورشلیم و صهیون بسیار حسادت می کردم. و من با خشم شدید بر ملت‌هایی که آسوده هستند خشمگین هستم. زیرا من اندکی عصبانی بودم در حالی که آنها به بدی کمک کردند. بنابراین خداوند چنین می گوید: با رحمت به اورشلیم بازگشتم." ( زکریا 1 : 12-16).

### **فرشتگان به اولیای الهی اطمینان می دهند و بشارت می دهند**

فرشتگان به اولیای الهی اطمینان می دهند و بشارت می دهند :

سپس فرشته خداوند بر آن زن (ام سامسون ) ظاهر شد و به او گفت:

اینک تو نازا هستی، زاییده ای، اما حامله می شوی و پسری به دنیا می آوری...

و او شروع به نجات اسرائیل از دست فلسطینیان خواهد کرد.» (داوران

## ملائکه آفریده شدند

، خداوند متعال فرمود: {الحمد لله و السموات و الارض .

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان از نور و جن ها از ابرهای آتش و آدم از آنچه برای شما توصیف شد آفریده شد. کارگردان

ما آن را می بینیم. از جسم و روح

دنیا و آخرت را آفرید، انس و جن را آفرید، فرشتگان و روح را آفرید و جسم و روان را آفرید.

و فرشتگان مخلوق بزرگ خدا هستند، خداوند آنها را از نور آفرید و آنها را برای اطاعت آفرید.

فرشتگان مخلوق بزرگی هستند که فقط خداوند می تواند آنها را بشمارد و مانند دیگران هستند و در خلقت و صفات و افعال متفاوتند.

و عالم شهادت را خداوند با دلایل ظاهری تسهیل می کند و عالم غیب را خداوند با ملائکه تسهیل می کند.

و ملائکه از نظر مرتبه، عباد محترم، پرستندگان خدا هستند و از خصوصیات الوهیت و الوهیت چیزی ندارند. از نظر کار، خدا را عبادت می کنند و

او را تسبیح می گویند :

و از جهت اطاعت هستند، خداوند متعال تسلیم کامل امر خود را به آنان عطا فرمود و توانایی اجرای آن را به آنان عطا فرمود. فرشتگان انبوهی از موجودات هستند که فقط خدا می تواند آنها را بشمارد.

در میان آنها حاملان عرش... خزانه داران بهشت... خزانه داران جهنم... نگهبانان و کاتبان... و فرشتگان در آسمان... و فرشتگان در زمین هستند.

از آن جمله کسانی هستند که خداوند آنها را به علمشان اختصاص داده است و از آنها کسانی هستند که خداوند ما را از اسماء و اعمالشان آگاه کرده است و از جمله:

1 - جبرئیل - رضی الله عنه - و بر او امانت گذاشته شده است. وحی بر انبیا و رسولان

2 - میکائیل - رضی الله عنه - که موکل باران و گیاه است.

3 - اسرافیل - رضی الله عنه - که دمیدن تصاویر به او سپرده شده است.

4 - مالک حافظ آتش و به او سپرده شده است.

5 - رضوان حافظ بهشت و بهشت به او سپرده شده است.

در میان آنها فرشته مرگ است که در هنگام مرگ، گرفتن روح به او سپرده شده است.



از جمله فرشتگانی هستند که وظیفه حفاظت از فرزندان آدم و نوشتن گفتار و کردار آنان را بر عهده دارند.

از آن جمله کسانی هستند که جنین در رحم به آنها سپرده شده است و به امر خدا رزق و روزی و کار و عمر و بدبختی و خوشبختی او را می نویسند.

در میان آنها فرشتگانی هستند که از مرده در قبر او درباره پروردگارش و دینش و رسولش سؤال می کنند.

و بسیاری دیگر که فقط خدا می تواند آنها را بشمارد که همه چیز را به تعداد شمرده است.

و خداوند فرشتگان ارجمند نویسندگان را به امانت سپرد و آنان را سرپرست ما قرار داد و گفتار و کردار ما را می نویسد، چنانکه سبحان الله می فرماید :

و نزد هر انسانی دو فرشته دیگر هستند که او را نگرهبانی می دهند، یکی در مقابل او و دیگری پشت سر او، چنان که خداوند متعال فرمود: {او در مقابل او موانعی دارد و پشت سر او که او را از فرمان خدا حفظ می کنند} [الرعد: 11].

و خداوند کوه ها را به فرشتگان سپرد و رحم ها را به فرشته ای سپرد که می گوید: پروردگارا نطفه ای؟ .. لرد زالو؟ .. لرد جویدن؟ .. پروردگارا، مرد یا زن؟ .. پس معیشت چیست؟ .. پس مهلتش چقدره؟ .. و بدبخت یا خوشحال؟

و خدای تعالی مرگ را به فرشتگان سپرده است.. درخواست مردگان را به فرشتگان سپرده است.. و فرشتگان را به رحمت سپرده است.. و فرشتگان را بر عذاب سپرده است.

ملائکه بر مؤمن امانت دارند، ثابت قدم و وزن او را به طاعت.. ملائکه به او سپرده شده است که آن را بسازند و آن را بسازند. و تخت ها و تخت هایش را بسازند.. ملحفه ها و حصیرهایش را.. و فرشتگان را با آتش به ساختن سپردند. آن را روشن کن و غل و زنجیرش را بساز و فرمانش را اجرا کن.

فرشتگانی را مأمور کنترل دریاها و جلوگیری از طغیان آنها بر روی زمین کرد، فرشتگان فرمان‌دهنده‌اند و فرستادگان خداوند در اجرای فرمان او در ملکوت او هستند.

و فرشتگان همان گونه که در کار با هم تفاوت دارند، در خلقت نیز تفاوت دارند. پس اسرافیل اولین ضربه را که همان دمیدن صاعقه است می‌زند و هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است جز هر که خدا بخواهد با یک ضربه می‌زند مگر هر که خدا بخواهد سپس دوباره در آن دمیده می‌شود. و بنگرند (68) { [الزمر: 68] . و جبرئیل در باطن و ظاهر نیرومند است و در انجام آنچه خداوند او را امر فرموده است قوی است، چنانکه سبحان الله فرمود: «همانا جز وحی نازل شده است (4) علم او شدید است. (5) روزی روزگاری برابر بود (6) { [النجم: 4-6] .

از ابن مسعود - رضی الله عنه - روایت شده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل را برای او ششصد بال دید

إِنَّ مَا بَيْنَ شَحْمَةِ أُذُنِهِ إِلَى عَاتِقِهِ مَسِيرَةُ سَبْعِ مِائَةِ عَامٍ» روایت ابوداود

و صاحبان عرش در میان فرشتگان به خدا ایمان آورده و تسبیح و ستایش پروردگارشان را می گویند و برای مؤمنان در زمین استغفار می کنند، چنانکه او سبحان می فرماید: {الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ} [غافر: 7].

و فرشتگان از حیث آغاز از صالحان انسان بهترند، زیرا ملائکه اکنون در همنشین برتر هستند، فارغ از آنچه بنی آدم می پوشند، غرق در عبادت پروردگار، شب و روز را تسبیح می گویند. بدون جعل، و آن گونه که خدا به آنها دستور می دهد، نافرمانی نمی کنند و آنچه را که به آنها امر شده است انجام می دهند، و شکی نیست که این شرایط اکنون کاملتر از شرایط انسانی است.

و صالحان از نظر کمال عاقبت بهترند، در قیامت پس از ورود به بهشت، حال صالحان از ملائکه کاملتر است.

مؤمنان در بهشت در سعادت و سعادت دائمی هستند: ﴿و ملائکه از هر دری بر آنان وارد می‌شوند (23) سلام بر شما بر آنچه بر آن شکیبایی کردید، پس خانه چه آخرت است (24)، {3} [الرعد: 2، 24].

و خداوند سبحان عالم بالا را به فرشتگان سپرده است و عالم سفلی را به فرمان او اداره می‌کنند پس باران و گیاه و درخت و آب و باد و دریا و جنین و حیوان و بهشت و ... را اداره می‌کنند. جهنم و چیزهای دیگر که قابل شمارش نیست و فقط خدا از آن خبر دارد.

و خداوند به فرشتگان بزرگوار و با اعمالشان که نشان از تسلیم کامل آنها در برابر فرمان خدا و شتابزدگی آنها در اجرای اوامر اوست سوگند یاد کرد: 1-5 . فرشتگان قوی هستند، ارواح را با قدرت از بین می‌برند و با قدرت جذب می‌کنند. بالا و پایین در هوا شناور است، برای اجرای فرمان خدا سبحان الله از دیگران سبحان پیشی می‌گیرد. و اهل عالم بالا و پایین به امر خدا مدیریت می‌کنند.

و ملائکه خدا را عبادت و اطاعت می‌کنند و اوامر او را بی وقفه اجرا می‌کنند: {شب و روز را ستایش می‌کنند نه سستی (20)} [انبیاء: 20].

و فرشتگان نه می‌خورند و نه می‌نوشند و در هنگام دمیدن عکس‌ها می‌میرند همانطور که انس و جن می‌میرند.

و فرشتگان توانایی شکل گرفتن دارند، چنانکه جبرئیل به صورت انسان نزد حضرت مریم آمد، چنانکه سبحان الله فرمود: {پس روح خود را به سوی او فرستادیم، پس او را به عنوان انسان مساوی جلوه داد. بودن (17)} [مریم: 17].

ملائکه به صورت انسان نزد حضرت ابراهیم - رضی الله عنه - آمدند و به صورت جوانانی با چهره های زیبا نزد لوط - رضی الله عنه - آمدند درباره اسلام، ایمان، صدقه و ساعت.

و فرشتگان در عبادت راست می‌کنند، صف‌ها را کامل می‌کنند، و در صف می‌بندند، و در قیامت در صف‌های منظم می‌آیند، چنانکه سبحان الله می‌فرماید: {و پروردگارت و ملائکه. آمد، مرتبه به مرتبه (22)} [الفجر: 22].

و در آنجا به صف در مقابل خدا می‌ایستند: {روزی که روح و ملائکه پشت سر هم می‌ایستند، سخن نمی‌گویند مگر با کسی که خدای رحمان اجازه داده باشد و او راست می‌گوید (38)} [النبأ: 38].

و آنان از گمراهی معصومند، پس به فرمان خدا عمل می‌کنند: {آنچنان که خدا به آنان فرمان می‌دهد نافرمانی نمی‌کنند و آنچه را که امر شده اند انجام می‌دهند (6)} [التحریم: 6].

آنها فقط آنچه را که به آنها امر شده است انجام می‌دهند، زیرا فرمان آنها را به حرکت در می‌آورد و فرمان آنها را متوقف می‌کند.

منزه است آن کس که این خلقت عظیم فرشتگان را آفرید و هفت آسمان را از آنها پر کرد و آنها هفت آسمان را از حمد و تقدیس و تکبیر و تهلیل و مغفرت پر کردند به احترام پروردگارشان. او

تلاش برای تعیین زمانی که خداوند فرشتگان را آفریده کمی دشوار است زیرا هر کاری که خدا "قبل از پایه گذاری جهان" انجام داده است، رویداد را جلوتر از زمان خود قرار می دهد. زمان و مکان از صفات جهان ما هستند نه خدا. او مانند ما محدود به ساعت ها، روزها یا سال ها نیست. در واقع، کتاب مقدس می گوید: "یک روز نزد خداوند مانند هزار سال است و هزار سال مانند یک روز" (دوم پطرس 3: 8).

می دانیم که خداوند فرشتگان را قبل از خلق جهان فیزیکی آفرید.

کتاب ایوب فرشتگان را در حال پرستش خدا در زمان خلقت جهان توصیف می کند: "أَبْنَ كُنْتَ حِينَ أَسَّسْتُ الْأَرْضَ؟ أَخْبِرْ إِنْ كَانَ عِنْدَكَ فَهْمٌ. مَنْ وَضَعَ قِيَاسَهَا؟ لَأَنَّكَ تَعْلَمُ! أَوْ مَنْ مَدَّ عَلَيْهَا مِطْمَارًا؟ عَلَى أَيِّ شَيْءٍ قَرَرْتَ قَوَاعِدَهَا أَوْ مَنْ وَضَعَ حَجَرَ زَاوِيَتِهَا عِنْدَمَا تَرْتَمَّتْ كَوَاكِبُ الصُّبْحِ صِرْخُوا مَعًا وَكُلُّ أَبْنَاءِ اللَّهِ؟" (ایوب 38):

اگر به نقش فرشتگان فکر کنیم، می توانیم نتیجه بگیریم که خداوند فرشتگان را درست قبل از خلقت انسان آفرید، زیرا یکی از وظایف آنها این است که «ارواح خدمت کنند که برای خدمت به کسانی که وارث نجات هستند، فرستاده می شوند!» (عبرانیان 1: 14). ما همچنین می دانیم که آنها قبل از باغ عدن وجود

داشتند، زیرا شیطان که قبلاً فرشته لوسیفر (زهرا بنت السبح) بود، در حالت سقوط کرده خود در بهشت حضور داشت. با این حال، از آنجا که یکی از نقش های فرشتگان پرستش خدا در اطراف تخت او است (مکاشفه 5: 11-14)، آنها ممکن است میلیون ها سال در حال پرستش و خدمت به خدا - به روشی که ما با زمان حساب می کنیم - قبل از اینکه خدا خلق کند وجود داشته اند. جهان.

بنابراین، اگرچه کتاب مقدس به طور خاص اشاره ای نمی کند که خداوند فرشتگان را خلق کرد، اما این دوره قبل از خلقت جهان بود. اما ما نمی توانیم مطمئن باشیم که آن دوره یک روز بوده است یا میلیاردها سال - با روشی که زمان را محاسبه می کنیم. انگلیسی

چرا فرشتگان برخی از امور عالم را انجام می دهند با اینکه خداوند متعال از آنها مستقل است؟

ستایش خدا.

یکی از پایه های ایمان، اعتقاد به فرشتگان بزرگوار است و اینکه خداوند متعال هر فرشته ای را مأموریتی که انجام می دهد و از آن جهت تدبیر امور این عالم است، محول کرده است، خداوند متعال می فرماید:

**پس زنانی که امری را اداره می کنند، اختلاف می کنند**

ابن کثیر رحمه الله گفت:

و بگو: علی و مجاهد و عطا و ابوصالح و الحسن و قتاده و ربیع بن انس و السدی.  
گفتند: اینها فرشتگانند. پایان نقل از تفسیر ابن کثیر. (313/8).

و شیخ عبدالرحمن سعدی رحمه الله می فرماید:

(برای کسانی که امری را اداره می کنند) فرشتگانی هستند که خداوند اداره بسیاری از امور عالم بالا و سفلی را بر عهده آنها گذاشته است، مانند باران، گیاهان، درختان، بادهای، دریاها، جنین ها، حیوانات، بهشت، آتش جهنم و... پایان نقل از تفسیر السعدی (ص 908).

ابن قیم رحمه الله می فرماید:

و هر حرکتی در آسمانها و زمین از حرکت کرات و ستارگان و خورشید و ماه و بادهای و ابرها و گیاهان و حیوانات از فرشتگانی که بر آسمانها و زمین به امانت سپرده شده اند برخاسته اند. حق تعالی فرمود: با اهل ایمان و پیروان رسولان علیهم السلام...

کتاب و سنت دلالت بر انواع فرشتگان دارد و اینکه آنها بر انواع مخلوقات امانت دارند و سبحان الله جل جلاله فرشتگان را بر کوه ها و فرشتگان را بر ابرها و باران ها سپرده است و فرشتگان را بر رحم سپرد تا امور منی را تا آفرینش اداره کنند، سپس فرشتگان را بر بنده سپرد تا او را حفظ کنند، و فرشتگان را بر حفظ کارهای او و شمارش و نوشتن آن، و مرگ را به فرشتگان سپرده است. سؤال کردن در قبر به



فرشتگان سپرده شده است، حرکت آنها به فرشتگان سپرده شده است، فرشتگان به خورشید و ماه سپرده شده اند، آتش و فروختن آن به فرشتگان سپرده شده است، و عذاب مردم آن به فرشتگان سپرده شده است. ساختن آن. (842 / 2).

دوما:

فرشتگان حتی اگر چیزی از ترتیبات پادشاه را خداوند متعال به آنها امانت داده باشد، تنها به اذن خداوند متعال و امر او اقدام می کنند و تنها به آنچه امر شده اند عمل می کنند.

ابن قیم رحمه الله می فرماید:

" فلفظ المَلَكِ يُشعر بأنه رسول منقذ لأمر غيره، فليس لهم من الأمر شيء، بل الأمر كله لله الواحد القهار، وهم ينفذون أمره ( لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ) (آنان از پروردگارشان از حجت خود می ترسند و آنچه را که به آنها امر شده است انجام می دهند) (از آنچه به آنها امر می کنند نافرمانی نمی کنند و آنچه را انجام نمی دهند انجام نمی شوند و نازل نمی شوند). نزد او نیای و نازل نشو، او جایگاه معروفی دارد که نمی تواند از آن چشم پوشی کند و بر کاری است که به آن امر شده است و کوتاهی نمی کند و تجاوز نمی کند. نقل از ایغات اللحفان (843/2).

سوم:

از آنچه در دین اسلام منقطع است؛ خداوند متعال جز به حکمت بزرگی عمل نمی کند، چه آن را دیده باشیم و چه در علم او تأثیر داشته باشیم، سبحان الله.

از شیخ بن عثیمین رحمه الله درباره حکمت خلقت جن و انس سؤال شد؟

خداوند رحمتش فرمود:

قبل از اینکه در مورد این سؤال صحبت کنم، می خواهم به یک قاعده کلی توجه کنم که خداوند متعال چه چیزی را می آفریند و چه چیزی را تشریح می کند.

این حکم از قول خداوند متعال گرفته شده است: (وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ). و گفت:

(همانا خداوند دانا و حکیم است). و آیات بسیار دیگری که حکمت خدای متعال را

در آنچه می آفریند و در آنچه که تشریح می کند، یعنی در احکام کیهانی و احکام

شرعی او اثبات می کند، زیرا چیزی نیست که خدای متعال خلق می کند جز اینکه

حکمت دارد، خواه در خلقت باشد. آن، یا در اجرای آن.

و هیچ چیزی نیست که خداوند متعال آن را تشریح می کند مگر دلیلی اعم از واجب

و حرام و مباح.

ولی این حکمی که در حکم جهانی و شرعی او آمده است ممکن است برای ما

معلوم باشد و یا مجهول باشد و بعضی از مردم بدانند و بعضی را نشناسند به آنچه

خدای سبحان جل جلاله و جل جلاله و سلم. به آنها علم و فهم می دهد. نسخه پایانی از مجمع فتاوی شیخ ابن عثیمین (87/1).

چهارم:

کمال حکمت خداوند متعال برای مسلمان امری ثابت است و تسلیم در برابر آن از پایه های ایمان است.

امام شافعی رحمه الله می فرماید: «اما خداوند او را عبادت کرد و آن گونه که خواست بر زبان پیامبرش آفرید، پس نه او و نه احدی حق دخول در چرایی و چگونگی و نظری نداشتند. بر اخبار رسول خدا.» پایان نقل از الام (16/10).

علم به این امر: مسلمان را بر آن می دارد که به توصیه او مشغول شود و او را به طرح مسائلی که به درد مسلمانی نمی خورد مشغول نسازد، بلکه زیاده خواهی در آنها باعث ایجاد شبهه و زمزمه می شود.

ابن ابی العز حنفی رحمه الله می فرماید:

بدانید که بندگی و ایمان به خدا و کتابها و رسولانش بر اساس تسلیم است و نه پرسش از جزئیات حکمت در امر و نهی و شریعت.

به همین دلیل است که خداوند سبحان از امت پیامبری که به پیامبرش ایمان آوردند و به آنچه او آوردند، روایتی نیاورد که از او درباره جزئیات حکمت در آنچه به آن امر فرموده است، از او نهی کردند. و از جانب پروردگارش به آن ابلاغ کرد.

و آنچه را که از حکمت می‌دانست، می‌دانست، و آنچه را از او پنهان می‌داشت، در تسلیم و تسلیم علم او کوتاهی نمی‌کرد، و آن را دغدغه خود قرار نمی‌داد، و رسولش بزرگ‌تر از آن بود که از او در این باره سؤال می‌کرد. ..

به همین دلیل او جد این ملت بود. کاملترین امت از نظر عقل و علم و دانش کدام است - از پیامبرش نپرسید: چرا خداوند چنین دستور داده است؟ و چرا این کار را منع کرد؟ و چرا این کار را کرد؟ چرا او این کار را کرد؟ زیرا می‌دانند که این نقطه مقابل ایمان و تسلیم است و رد پای اسلام را فقط در حد تسلیم می‌توان ثابت کرد...

خداوند سبحان از آنچه انجام می‌دهد به خاطر کمال حکمت و رحمت و عدلش سؤال نمی‌شود و نه فقط به خاطر قدرت و قدرتش. نسخه آخر شرح التحاویه (ص 261-262).

خدای سبحان فرمود: و پروردگارت هر چه را بخواهد می‌آفریند و برایشان نیکوتر برمی‌گزیند، منزّه است خدا و منزّه است از آنچه با داستان شریک می‌سازند/68.

پنجم:

وقتی مسلمانی اعمال فرشتگان را بررسی می‌کند، جنبه‌هایی از حکمت خداوند متعال برایش نمایان می‌شود.

پس خداوند متعال ملائکه و افعال آنها را آفرید: کمال ربوبیت و الوهیت خود را اثبات می کند، پس وقتی مسلمان عظمت خلقت این فرشتگان و فراوانی آنها و اعمالی که به آنها سپرده شده است را ببیند و با وجود آن، که هیچ یک از آنها به وزن ذره ای از فرمان او منحرف نمی شوند، بلکه برای اطاعت او سبحان و معرفت به کمال ربوبیت خدا و الوهیت او می کوشند.

و اگر کثرت سربازان و کارگران برای هر یک از پادشاهان جهان بیانگر کمال حکومت و قدرت مدیریت او و کمال اطاعت رعایا از او باشد، این معنا در حق خداوند متعال کاملتر است.

\* لَا يَسْئِفُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ \* يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَ هُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ \* وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجِيَّةٌ نَجِيَّةٌ 2-9 .

همین طور در حضور فرشتگان و اعمالی که بر آنها تکلیف شده است: برای هر که متون وحی را درباره آنها بخواند، کمال خوف و خوف از خداوند متعال و در عین حال کمال عشق و امید را به ارث می برد.

وقتی متون وحی را درباره فرشتگان عذاب، و در مورد کاتبان اعمال بندگان می خواند، ترس از بنده بیشتر می شود.

از سوی دیگر، اگر متون وحی را درباره فرشتگان رحمت و حافظ بخواند، محبت او به پروردگارش بیشتر می شود و به آمرزش او امیدوار می شود و همه اینها موجب تحقق ایمانی می شود که بندگان به آن سفارش شده اند.

قال الله تعالى: **إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ، تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ السجدة / 15 - 16.**

شیخ ابن عثیمین رحمه الله می فرماید:

ایمان به فرشتگان میوه های بزرگی به بار می آورد، از جمله:

اول: علم به عظمت و قدرت و حجت خداوند متعال، زیرا عظمت مخلوق جزء عظمت خالق است.

دوم: شکر خدای متعال به خاطر عنایت فرزندان آدم، زیرا یکی از این فرشتگان را به کسی سپرد تا آنها را حفظ کند و اعمالشان را بنویسد و کارهای دیگری را که برایشان سودمند است انجام دهد... پایان نقل از مجموع ال فتاوی (89/6).

و رحمه الله درباره حکمت آفرینش نویسندگان ارجمند با علم به این که خداوند متعال می داند و آنچه را پنهان می داریم و آنچه را آشکار می کنیم بر او پوشیده نیست می فرماید:

حکمت پشت آن این است که خداوند سبحان و تعالی اشیاء را سامان داده و مقرر کرده و کامل و کامل کرده است، تا آنجا که سبحان و تعالی افعال و گفتار را ساخته است. از بنی آدم بزرگوار، آنچه را انجام می‌دهند بنویس، هر چند خداوند جل جلاله بداند پیش از آن چه می‌کنند.

اما همه اینها برای نشان دادن کمال عنایت خداوند نسبت به انسان و کمال حفظ اوست و این که این عالم به بهترین ترتیب سامان یافته و بهترین داوران است. پایان نقل از فتاوی نورالادرب (185/1).

خدا می‌داند.

## تخت فرشتگان در سلسله مراتب فرشتگان مسیحی

فرشتگان تاج و تخت به خاطر ذهن درخشانشان معروف هستند. آنها مرتباً به اراده خدا می‌اندیشند و با عقل قدرتمند خود برای درک آن دانش و نحوه به کارگیری آن در راه‌های عملی تلاش می‌کنند. در این فرآیند، آنها خرد بزرگی به دست می‌آورند.

### فرشته سلسله مراتبی

در کتاب مقدس مسیحی، افسسیان 1:21 و کولسیان 1:16 طرحی از سه سلسله مراتب یا سه گانه فرشتگان را توصیف می‌کنند که هر سلسله مراتب شامل سه ردیف یا گروه‌گر است.

فرشتگان تاج و تخت که در جایگاه سوم قرار دارند رایج‌ترین سلسله مراتب فرشتگان، به فرشتگان دو ردیف اول می‌پیوندند و سرافیم، وکروبیان، در شورای فرشتگان خدادر بهشت. آنها برای گفتگو مستقیماً با خدا ملاقات می‌کنند اهداف خوب او برای همه و همه چیز در جهان، و چگونه فرشتگان می‌توانند به دستیابی به این اهداف کمک کنند.

### شورای فرشتگان

کتاب مقدس شورای آسمانی فرشتگان را در مزمور 89:7 ذکر می‌کند و توضیح می‌دهد که «در جماعت مقدسین، خدا بسیار ترسیده [احترام] است. او از همه



اطرافیان‌ش خونسردتر است. در دانیال 7: 9، کتاب مقدس به طور خاص فرشتگان تاج و تخت را در شورا توصیف می‌کند: «... تخت‌ها در جای خود قرار گرفتند و قدیم [خدا] نشست.»<sup>1</sup>

## فرشتگان خرد

از آنجا که فرشتگان تاج و تخت بسیار حکیم هستند، اغلب حکمت الهی را در پس مأموریت‌هایی که خداوند به فرشتگانی که در ردیف‌های پایین فرشته خدمت می‌کنند، تفسیر می‌کنند. این فرشتگان دیگر - که از حق حاکمیت‌درست پایین‌تر از رتبه تاج و تخت‌فرشتگان نگهبان‌همکاری نزدیک با انسان‌ها - از فرشتگان تاج و تخت درس‌هایی بیاموزید که چگونه می‌توانند مأموریت‌های خدادادی خود را به شیوه‌هایی انجام دهند که اراده خدا را در هر موقعیتی برآورده کنند. گاهی تخت‌فرشتگان با انسان‌ها تعامل می‌کنند. آنها به عنوان فرستادگان خدا عمل می‌کنند و اراده خدا را برای کسانی که آن را دارند توضیح می‌دهند و بر هدایت‌در مورد اینکه چه چیزی از نظر خدا برای آنها بهتر است در مورد تصمیمات مهمی که باید در زندگی خود بگیرند.

## فرشتگان رحمت و عدالت

خداوند در هر تصمیمی که می‌گیرد عشق و حقیقت را کاملاً متعادل می‌کند، بنابراین فرشتگان تاج و تخت نیز سعی می‌کنند همین کار را انجام دهند. اظهار

رحمت و عدالت می کنند. فرشتگان تاج و تخت می توانند با ایجاد تعادل بین حقیقت و عشق، همانطور که خداوند انجام می دهد، تصمیمات عاقلانه ای بگیرند.

فرشتگان تاج و تخت رحمت را در تصمیم گیری های خود گنجانده اند و باید ابعاد زمینی محل زندگی مردم را در نظر داشته باشند (از آنجایی که سقوط بشریت از باغ عدن) و جهنم، جایی که فرشتگان سقوط کرده زندگی می کنند، یعنی محیط هاگناه او را فاسد کرد.

فرشتگان در حالی که با گناه دست و پنجه نرم می کنند تخت های رحمت را به مردم نشان می دهند. تخت فرشتگان منعکس می شود عشق بی قید و شرط خدادر انتخاب هایشان که انسان را متاثر می کند تا مردم در نتیجه رحمت الهی را تجربه کنند.

این نشان می دهد که فرشتگان تاج و تخت به پیروز شدن عدالت خدا در دنیای سقوط کرده و کار آنها برای مبارزه با بی عدالتی اهمیت می دهند. آنها برای رفع خطاها، کمک به مردم و جلال خدا به مأموریت می روند. فرشتگان تاج و تخت همچنین قوانین خدا را برای جهان اجرا می کنند تا جهان با هماهنگی کار کند، همانطور که خدا آن را طوری طراحی کرده است که در تمام درگیری های پیچیده پیچیده خود عمل کند.

## ظهور تخت فرشتگان

تخت های فرشتگانپر از نور روشنکه نشان دهنده درخشش حکمت خداوند و آن استروشن می کندذهن آنها هر گاه آنها به شکل آسمانی خود به مردم ظاهر می شوند، مشخصه آنها نوری است که از درون درخشان می درخشد. همه فرشتگانی که مستقیماً به عرش خداوند در بهشت دسترسی دارند، یعنی فرشتگان تخت، کروبیان و سرافیم، نوری به قدری درخشان از خود تراوش می کنند که با آن مقایسه می شود. تیراندازی کردنیاسنگ های قیمتیکه نور جلال خدا را در خانه اش منعکس می کند.

## سلسله مراتب فرشتگان در یهودیت

در یهودیت ، فرشتگان ( عبری : מַלְאָךְ mal'akh ، جمع : mal'akhim ) موجودات ماوراء طبیعی هستند که در سراسر Tanakh ( کتاب مقدس عبری )، در ادبیات خاخم، آپوکریفا و شبه‌نویس‌ها ، و در مراسم مذهبی سنتی یهودی ظاهر می‌شوند. آنها در سلسله مراتب مختلف رتبه بندی می شوند و به عنوان فرستادگان خدا ، فرستادگان فرشتگان یا کارگزاران عمومی خدا خدمت می کنند.

## در تناخ (کتاب مقدس عبری)

تناخ بیان می کند که فرشتگان بر هر یک از پیامبران مانند موسی ، یوشع و بسیاری از شخصیت های دیگر ظاهر شدند. آنها همچنین به هاجر در پیدایش 16:9، لوط در پیدایش 19:1 و ابراهیم در پیدایش 22:11 ظاهر شدند، همانطور که از نردبان یعقوب در پیدایش 28:12 بالا رفتند و پایین آمدند، و دوباره در پیدایش 31:11 به یعقوب ظاهر شدند. 13. خداوند در خروج 33:2 وعده داده است که یکی را نزد موسی بفرستد و در اعداد 22:31 یکی را می فرستد تا در راه بلعام بایستد.

اشعیا در مورد «ملائک الوجود» («فِي كُلِّ ضَيْقِهِمْ لَمْ يَكُنْ رَسُوکٌ أَوْ مَلَکٌ لِيُخَلِّصَهُمْ، وَلَکِنَّهُ هُوَ نَفْسُهُ خَلَّصَهُمْ، وَبِمَحَبَّتِهِ وَرَحْمَتِهِ هُوَ فَدَاهَهُمْ، وَرَفَعَهُمْ وَحَمَلَهُمْ کُلَّ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ.» (اشعیا 63: 9).

مزمور می گوید : "زیرا او به فرشتگان خود درباره شما دستور می دهد که هر کجا که می روید از شما محافظت کنند." (مزمور 91:11).

## فرشته خدا و خاستگاه فرشتگان

نسل‌های زیادی از مفسران و مترجمان، شخصیت «فرشته خدا» را به دلیل هویت اسرارآمیز و گیج‌کننده‌اش از نظر الهیات نگران‌کننده می‌دانند.

این متن فرشته خدا را به گونه‌ای معرفی می‌کند که گویی او خدایی است با قدرت باروری (پیدایش 21:18)، نابود کردن یک لشکر کامل (مثلاً 2 پادشاهان 32:19-36)

یا به سادگی گفتاری را در جایی که خود را ارائه می‌کند ارائه می‌کند. به عنوان خدا (مثلاً خروج 3: 2-4) که صفاتی محدود به خدایان هستند.

طیف وسیعی از توضیحات وجود دارد که به دنبال رفع این سردرگمی است. در برخی از آنها، گرایش به معرفی مفاهیم اضافی بود؛ مثلاً ذن این است که فرشته مظهر زمینی خداست، نوعی تجسم خدا. برخی از آنها ادعا کردند که فرشتگان از دیدگاه اول شخص برای پرداختن به کلام خدا استفاده کردند. اما هر دو رویکرد به مفاهیم نظری اضافی که به خود متن اصلی بازمی‌گردد، متوسل می‌شوند.

### فرشتگان و شفا از ناپاکی

مواردی در کتاب مقدس وجود دارد که به نظر می‌رسد فرشتگان قدرت شفای فردی را از ناپاکی دارند. مثلاً در کتاب اشعیا، اشعیا فرشتگان را می‌بیند که خدا را تسبیح می‌کنند. صدای آنها چنان قدرتمند بود که تیرهای روی آستانه را به لرزه درآوردند و معبد را پر از دود کردند. (اشعیا 6: 3-4) این همه قدرت باعث شد که اشعیا نادرستی و ناپاکی را احساس کند تا اینکه فریاد زد: «گناه تو و گناه تو محو شد.» (اشعیا 6: 6-7)

### فرشتگان و دعا

در کتاب زکریا، زکریا از خدا شنید که بر اجدادش به خاطر اعمال بدشان خشمگین است. او به آنها وعده داد که اگر «به [به] بازگردند [به [آنها] باز خواهد گشت».

سپس فرشته خداوند به درگاه خداوند دعا کرد و گفت: «سپس فرشته خدا گفت: «ای خدای متعال، تا کی به شهر اورشلیم و شهرهای یهودا که بر آنها خشمگین بودی رحم نخواهی کرد. هفتاد سال گذشته؟» (زکریا 1:12)

### فرشتگان به عنوان جنگجو

در کتاب مقدس برخی از اشارات به فرشتگانی وجود دارد که به عنوان جنگجو، محافظان همه چیز خوب هستند. یکی از این مراجع کتاب دانیال است که شامل چهار رؤیای آخرالزمانی است. با این حال، در دانیال 10:13، به نوعی نبرد بین شاهزاده ایرانی و گوینده ای که ما معتقدیم جبرئیل است اشاره دارد. در اینجا جبرئیل به دانیال می‌گوید که میکائیل، رئیس شاهزادگان، در مخالفت‌هایی که از سوی شاهزاده ایران با آن روبرو بود، به او کمک کرد. بنابراین، هر دو فرشته به عنوان جنگجوی خیر در برابر مخالفت بد شاهزاده ایرانی عمل می‌کنند. علاوه بر این، در دانیال 1:12، جبرئیل گوینده می‌گوید که فرشته میکائیل محافظ قوم اسرائیل است و یک شاهزاده بزرگ است.

### فرشتگان به عنوان پیام رسان

در بسیاری از قسمت های تنخ، از فرشتگان به عنوان پیام رسان استفاده شده است. در واقع هیچ معادل عبری خاصی برای کلمه انگلیسی «فرشته» وجود ندارد. به نظر می‌رسد فرشتگان ظاهری شبیه به انسان های معمولی دارند. آنها

معمولاً مرد هستند و بر خلاف سرافیم ها بال ندارند. وجود رسول فرشته در مقابل رسول انسانی باید از متن متن مشخص شود.

با این حال، فرشتگان رسول بخش بسیار مهمی در حفظ و استحکام پیوند و در عین حال حفظ فاصله لازم بین خدا و انسان هستند. ماهیت علم حمل شده توسط رسولان فرشتگان همیشه آسمانی است. به این معنا که خدایی هستند و تنها از طریق عذاب الهی می توان آنها را به انسان منتقل کرد و آن هم به دلایل ضروری. وقتی فرشته ای دانش را از خدا منتقل می کند، هویت او با خدای خود از بین می رود. یعنی مستقیماً از خدا صحبت می کند.

نمونه هایی از این نقش را می توان در بسیاری از قسمت های معروف عهد عتیق مشاهده کرد، از جمله سه مرد مرموز در داستان ابراهیم و نابودی سدوم در پیدایش 18:1-19:23، و همچنین فرشته ای که به مادر سامسون اطلاع داد. ماهیت کودکی که او در داوران 13:3 به دنیا می آورد. -5. در این مثالها، فرشتگان مبدل شده اند و هویت آنها نسبت به مقدار علم ملکوتی آنها بی اهمیت است. آنها کاملاً با عملکرد آنها تعریف می شوند.

در ادبیات خاخامی

فرشتگان به عنوان زیرمجموعه ای از موجودات آسمانی در رتبه شانزدهم سلسله مراتب Maimonides سلسله مراتب فرشتگان یهودی قرار دارند.

## فرشتگان فرشتگان

تلمود از چهار فرشته نام می برد که بعداً به عنوان فرشتگان بزرگ شناخته می شوند و تاج و تخت خدا را احاطه کرده اند. آنها عبارتند از: مایکل، گابریل، اوریل و رافائل.

### سلسله مراتب فرشتگان

به روایت موسی بن میمون

میمونید در کتاب مشته تورات ده مرتبه از فرشتگان را در سلسله مراتب فرشتگان ذکر کرده که از بالاترین آن شروع می شود: ]

رتبه کلاس فرشته یادداشت

1 چایوت ها کدش حزقیال 1 ، حزقیال 10 را ببینید

2 آروانیم حزقیال 1 ، حزقیال 10 را ببینید

3 ایریلیم اشعیا 33:7 را ببینید

4 هاشمالیم حزقیال 1:4 را ببینید

5 سرافیم اشعیا 6 را ببینید

6 بوکسورها رسولان، فرشتگان

7 الوهیم " موجودات زشت "



8 بنی الوهیم " فرزندان موجودات الهی "

9 کروبیان رجوع کنید به Hagiba 13b

10 او هست "انسان"، پیدایش 18:2 دانیال 10:5 را ببینید

در زوهر

کتاب زالزهار ، در خروج a43، ده مرتبه از فرشتگان را فهرست می‌کند که از بالاترین

آنها شروع می‌شود:

رتبه کلاس فرشته

1 بوکسورها

2 ایریلیم

3 سرافیم

4 چایوت

5 اوفانیم

6 هاشمالیم

7 الیم

8 الوهیم

9 بن الوهيم

10 ايشيم

كهور آتزيلوت

همچنين يعقوب ناز در كتاب Mesquite Atzilot ده مرتبه از فرشتگان را ذكر کرده

است كه از بالا شروع مي شود:

رتبه كلاس فرشته

1 سرافيم

2 اوفانيم

3 فرشتگان

4 شينانيم

5 توشنيم

6 او هست

7 هاشماليم

8 بوكسورها

9 بنی الوهيم

10 ایرلم

برت منوچه

ابراهیم بن اسحاق غرناطی نیز در روایت خود از مینوشه ده مرتبه از فرشتگان را ذکر کرده است که از بالاترین آنها شروع می شود:

رتبه کلاس فرشته

1 سرافیم

2 اوفانیم

3 فرشتگان

4 شینانین

5 تراشیشم

6 هاشمالیم

7 بوکسورها

8 بن ابراهیم

9 ایشیم

10 ایرلیم

در کتاب Rochit Chokmah خود نیز ده مرتبه از فرشتگان را ذکر

کرده است که از بالاترین آنها شروع می شود:

رتبه کلاس فرشته

1 کدش هشیوت

2 اوفانیم

3 سرافیم

4 فرشتگان

5 ایریلیم

6 تازشیشم

7 هاشمالیم

8 الیم

9 بوکسورها

10 او هست

در مورد مامایی

کابالا فرشتگان را به طور مفصل توصیف می کند. فرشتگان در ادبیات کابالیستی به عنوان نیروهایی توصیف می شوند که اطلاعات و احساسات را بین بشریت و خدای اسرائیل ارسال می کنند. آنها مشابه اتم‌ها، طول‌موج‌ها یا کانال‌هایی هستند که به خدا کمک می‌کنند تا آنها را خلق کند، و بنابراین توصیه می‌کند که آنها را نپرستید، دعا نکنید یا نخوانید. آنها در طبیعت طبیعی نیستند، بلکه موجودات روحانی هستند، مانند اتم‌های روحانی. بنابراین، کابالا توضیح می‌دهد که وقتی در کتاب مقدس عبری از آنها نام برده می‌شود، از دیدگاه شخصی که رؤیا، خبر یا رویداد را دریافت کرده و آن را مجسم کرده است، توصیف می‌شوند. با این حال، آنها موجودات فیزیکی نیستند، بلکه شبیه به یک احساس، احساس یا جوهری هستند که خداوند برای هدف خود از خلقت کنترل می‌کند.

## سلسله مراتب فرشتگان در اسلام

آیا فرشتگان فرق می کنند و آیا این درست است که در بین فرشتگان سلسله مراتبی وجود دارد؟

ستایش خدا.

أولاً : ملائکه بندگان ارحمند خدا هستند و اوصافی را دارند که خداوند در کتابش آورده است، حق تعالی فرمود: الحمد لله آفریدگار آسمانها و زمین. فرشتگان را رسولانی قرار می دهد که دو بال و سه و ربع دارند و هر چه بخواهد بر خلق می افزاید، همانا خداوند بر هر چیزی تواناست. فاطر/1. وقال : تقریباً آسمانها بر فراز آنها فرو می ریزد و فرشتگان تسبیح پروردگارشان را می گویند و برای اهل زمین طلب آمرزش می کنند، همانا خداوند آمرزنده و آمرزنده آمرزنده است.

دوما:

تمایز ملائکه در بین خود: امری است ثابت و ثابت که نصوص صحیح شرعی بر آن دلالت دارد.

مقصود این است که برخی از فرشتگان از برخی بهتر و از برخی به پروردگار جهانیان نزدیکترند و همه مقرب هستند و از عیب و نقص پاک شده و یا از فرمان پروردگار عالم تخطی می کنند. خداوند سبحان فرمود: نه مسیح از بنده خدا خواری نمی کند و نه فرشتگان مقرب زنان / 172.

رازی می‌گوید: «لَمَّا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ» نشان می‌دهد که طبقات فرشتگان از نظر درجه و فضیلت متفاوت است، بزرگ‌ترین آنها مانند جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، عزرائیل و صاحبان عرش است. التفسیر (119/11).

و ابن کثیر گفت و انواع فرشتگان را ذکر کرد: «از جمله کرویبان هستند که در اطراف عرش هستند و آنها ارجمندترین فرشتگان نزد حاملان عرش هستند» (49 / 1).  
و بهترین مقربین آن سه فرشته است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دعای خود از آنها یاد می‌کرد و هنگام برخاستن از شب نماز خود را با آن باز می‌کرد و می‌گفت: خدایا پروردگارا. جبرئیل و میکائیل و اسرافیل خالق السموات و الارض.. روایت مسلم (770).

ابن قیم در این حدیث می‌گوید: «پس این سه فرشته را به سبب کمال تخصص و برگزیدگی و تقریبشان به خدا و چه بسیار فرشتگان غیر آنها در آسمانها ذکر کرد، پس فقط نام برد. این سه

پس جبرئیل: صاحب وحی است که دلها و جانها را زنده می‌کند و میکائیل صاحب بارانی است که زمین و حیوانات و گیاهان را زنده می‌کند و اسرافیل صاحب تصاویر است که چون در آن دمیده شود. ضربه او ان شاء الله مردگان را زنده کرد و از قبر بیرون آورد.

و خداوند جبرئیل و میکائیل را در کتاب خود برای ذکر نام برد و ذکر آنها را با ذکر فرشتگان به احترام آنها همدردی کرد (بگو: هر که با جبرئیل دشمنی کند به اذن خدا آن را بر قلب تو نازل کرده است). تصدیق آنچه را که پیش از او بود، هدایت و بشارت برای مؤمنان (بقره/9).

پس خداوند سبحان او را به یاد او گرامی داشت و دشمنانش را در میان یهود و نسبت به آنان خوار کرد و خداوند متعال را دلیل بر فضل و کرامت او ذکر کرد که این کار شریف و شریف اوست: رساندن وحی به رسولان از جانب خدا، زیرا او، واسطه بین خدا و رسولش است.

و خداوند او را در کتاب خود نامهای گرامی قرار داد و او را با اوصافی نیکو توصیف کرد، سبحان گفت: بگو روح القدس آن را به حق از جانب پروردگارتان نازل کرده است تا مؤمنان را ثابت کند و هدایت کند. و بشارت بر مسلمانان / 102 پس آن را روح القدس / 102 نامید.

و گفت: روح الامین با او الشعراء / 193 نازل کرد، پس او را الروح الامین نامید. سبحان: قول رسول بزرگوار \* صاحب قدرت در نزد عرش مستقر \* مطیع سپس امین است: ال تکویر / 19-21.



یعنی قرآن توسط جبرئیل علیه السلام نازل شده است و خداوند متعال جبرئیل را با صفات والایی توصیف کرده است که همه اینها، ترجیح او را بر همه فرشتگان ایجاب می کند.

و رضی الله عنه می فرماید: اگر خدای تبارک و تعالی بنده ای را دوست دارد جبرئیل را ندا می دهد: خداوند فلانی را دوست داشته پس او را دوست دارد و جبرئیل او را دوست دارد.

در این حدیث چیزی است که بر بیان فضیلت جبرئیل علیه السلام پوشیده نیست و اینکه او نه تنها ابلاغ کننده کلام خدا به رسولان، بلکه برای فرشتگان نیز هست. و از بهترین فرشتگان: اهل بدر در میان آنان، مانند حدیثی که جبرئیل از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: اهل بدر را در میان خود چه می دانید؟ فرمود: یکی از بهترین مسلمانان - یا کلمه ای شبیه به آن - فرمود: در مورد کسانی که از فرشتگان بدر را دیده اند نیز همین طور است، به روایت بخاری (3992).

ر.ک: «تحقیقات فرق فی الاعتقاد» محمد بن عبدالرحمن الشافعی: (350)،  
«الموسوعه العقیده»: (310/3).

سوم :

و در برخی از فرشتگان رؤسای هستند که خداوند درباره آنها به ما گفته است، مانند خزانه داران دوزخ - ما را از آنها حفظ کند - و آنها زبانیه هستند و رؤسای آنها نوزده نفرند و پیشروی آنها مالك عليه السلام است. بر آنها

خداوند فرمود: **وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا الزمر/71.** و همچنین خداوند فرمود: **وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ \* قَالُوا أَوْلَمَ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ غافر/49-50** ، وقال تعالى: **فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ \* سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ العلق/ 17 18** و حق تعالى فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ التحريم/ 6**، وقال تعالى: **وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ \* لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ \* لَوَاحٍ لِّلْبَشْرِ \* عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ \* وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا الْمَدثر/ 27 - 31**، وقال تعالى: **وَتَادُوا يَا مَلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ مِنَ الْغَافِرِينَ الزخرف / 77.**

و در صحیح مسلم: جهنم در روز قیامت با هفتاد هزار افسار آورده می شود و هر افسار در دست هفتاد هزار فرشته است که آن را می کشند .

ر.ک: «معارج القبال بی شرح سلام الاصلیل اصول علم الاصول»، تألیف حافظ بن احمد الحکمی: (819/2).

چهارم:

در اسلام هیچ مبنایی برای تعبیر «سلسله مراتب» نه در میان فرشتگان و نه در میان پیامبران مبعوث وجود ندارد.

و ترتیب سلسله مراتبی فرشتگان: در برخی از کتب نصارا آمده است، در گفتارشان درباره فرشتگان بزرگوار خداوند آمده است.

تا آنجا که از دین خدا اطلاع داریم، این مفهوم نیز مبنایی ندارد؛ اگرچه فرشتگان متفاوت هستند و برخی از آنها بهتر از دیگران هستند، همانطور که اشاره کردیم، نمی دانیم که آرایش سلسله مراتبی فرشتگان نه در کارکرد و نه در فضایل آنها وجود دارد. به تعداد، و به همین ترتیب تا زمانی که برای همه آنها یک رئیس داشته باشند، خواه جبرئیل باشد یا فرشتگان دیگر. ما در دین خدای متعال مبنایی برای این کار نمی دانیم، اما آنچه می دانیم همان چیزی است که از «تفاوت» فرشتگان در میان خود ارائه کرده ایم. این امر مستلزم این آرایش سلسله مراتبی ذکر شده نیست و همچنین مستلزم این نیست که کارکردهای آنها با یکدیگر مرتبط باشند.

و قول در آن بدون دلیل شرعی، و هیچ حجتی از کتاب خدا و سنت او نیست، گفتن به خدا بدون علم است، و نزد خدا و رسولش با آنچه حجتی نازل نکرده است، آمده است.

## فصل چهارم : موجودات قبل از جن

در بسیاری از مفاهیم دینی و متون مقدس، اشاره شده است که خداوند قبل از خلقت انسان، موجودات دیگری را خلق کرده است که به عنوان موجودات شیطانی شناخته می‌شوند. اما در دین اسلام، به دلیل عدم وجود آیات صریح و مستقیم در این خصوص، بسیاری از جزئیات در مورد موجودات شیطانی قبل از خلقت جن نامعلوم هستند و تأکید بر تفکر در مورد این مسئله به عهده علمای دین و محققان است.

اما در برخی از متون مقدس، مانند کتاب مقدس عهد قدیم، اشاره شده است که خداوند قبل از خلقت انسان، موجوداتی را خلق کرده است که به عنوان شیاطین شناخته می‌شوند. این موجودات شیطانی، مربوط به فرشتگانی هستند که به شمشیر اراده خداوند شکست خورده و در نتیجه از آسمان بیرون رانده شده‌اند. آنها پس از این اتفاق به زمین آمده و برخی از آنها در قبیله‌ها و جوامع انسانی نفوذ کرده‌اند و سعی در فریب و تأثیرگذاری بر انسان دارند.

در اسلام، به موجودات شیطانی قبل از خلقت جن نیز اشاره شده است. بر اساس برخی از روایات، این موجودات قبل از خلقت انسان، در دوره‌ای با نام "دوران برزخ" وجود داشتند. در این دوره، خداوند به ملائکه خود اجازه داد تا از خلقت انسان آگاه شوند و در عین حال، موجودات شیطانی را به وجود آورد. برخی از این موجودات، در دوران برزخ به مرحله بالقوه رسیدند و در دوره بعدی خلقت جن شدند.

در کتاب مقدس عهد جدید نیز به موجودات شیطانی قبل از خلقت انسان اشاره شده است. بر اساس این کتاب، خداوند به عنوان پادشاه جهان روحانی، موجوداتی را خلق کرده است که به عنوان شیاطین و دیوان شناخته می‌شوند. این موجودات قبل از خلقت انسان خلق شده‌اند و به دلیل سرکوب نکردن خودشان و مخالفت با خداوند، از آسمان بیرون رانده شده‌اند و اکنون در جهان فعلی در حال فریب و تحریک انسان‌ها به گناه و شرارت هستند.

از طرفی، در اسطوره‌های مختلف و تاریخ‌های باستانی نیز به موجودات شیطانی قبل از خلقت جن اشاره شده است. این موجودات در برخی از داستان‌ها به عنوان فرشتگانی در نظر گرفته شده‌اند که از خداوند عصیان کرده و به شیاطین تبدیل شده‌اند.

در کل، بسیاری از مفاهیم مربوط به موجودات شیطانی قبل از خلقت جن نامعلوم هستند و ممکن است در مفاهیم و تصورات مختلف مذهبی و فرهنگی، به

شکل‌های مختلفی تفسیر شوند. اما در هر صورت، معتقد به وجود این موجودات شیطانی و تأثیرات آنها بر روی انسان‌ها در بسیاری از دین‌ها و فرهنگ‌های جهان وجود دارد.

## موجودات الین و البن - آیا آنها اولین کسانی بودند که قبل از هبوط استاد ما آدم روی زمین ساکن شدند؟

همه ما از ابتدای تحقیق و تاریخ بر این باوریم که اولین کسی که پا بر زمین گذاشت سرورمان حضرت آدم علیه السلام است، اما آیا الین و البن پیش از آن‌ها آمده است؟ برخی از مورخان و محققین نیز اشاره کرده اند که **جن** قبل از

انسان در زمین ساکن بوده است.



موجودات الین و البن چگونه روی زمین سکونت داشتند

### موجودات الین، البن، خیانت و مانا

الین و البن و خن کیست؟ آیا می دانید مخلوقاتی از مخلوقات خداوند متعال هستند که قبل از نزول انس و جن در زمین ساکن بوده اند، حتی این که انسان و جن نیستند؟ موجودات الین و البن .داستان آنها چیست!

الین و البن به گفته اکثر مورخان و مفسران عبارتند از ؛موجودات نه از انسان و نه از جن .آنها قبل از این دو جنس در زمین ساکن بودند.

اغلب مفسران به اشکال هان و پسر و حتی جزئیات زندگی آنها اشاره ای نکرده اند .بلکه به ذکر نافرمانی خدا بسنده کردند، پس به فرمان خدا نابود شدند.



## الین و البن ابن کثیر

بیشتر مراجعی که در این مورد صحبت کرده اند، از جمله کتاب «**البدایه و النهایه**» مفسر و مورخ برجسته ابن کثیر است. در رمان فقط به هانا و البن اشاره شده بود.

اما برخی از مورخان مانند مسعودی در کتاب تاریخ الامم و شهاب الدین الالبشیحی در کتاب ((افراط در هر هنری اسراف است.))

که در آن از کتاب مسعودی نقل کرده است، خداوند بیست و هشت امت را قبل از حضرت آدم آفرید.

در این دو کتاب به برخی از صورت های آن ملل اشاره کردم که البته این توصیف مورد تأیید قرار نگرفت .

این امر صرفاً به دلیل نبود وسیله مناسب است، بنابراین ما برخی از موارد ذکر شده در مورد این موجودات را برای شما بیان می کنیم.

## چه شکلی بود موجودات الین و البن

به گفته برخی از مفسران - که ذکر کرده اند بال دارند و گفتارشان ترقه می زند، بدنی چون شیر، سر مانند پرنده، و مو و دم دارند و گفتارشان طنین انداز است.

برخی از آنها دو صورت دارند، یکی از جلو و دیگری از پشت و پاهای زیادی دارند.

بعضی از آنها با یک دست و یک پا به نیمی از انسان شباهت داشتند و گفتارشان مانند فریاد پرندگان آوازخوان بود و برخی شبیه به انسانی بود که پشتش مانند **لاک پشت** و شاخ بر سر است.

گفتار او مانند زوزه سگ است و برخی از آنها موهای سفید و دمی مانند گاو دارند .  
برخی از آنها دارای نیش های برجسته مانند خنجر و گوش های بلند هستند.  
برخی معتقدند که احادیثی از موجودات به نام:

### **شوق و مانا و عدن و اسنان**

#### **حقیقت در مورد موجودات دختر چیست**

دختران **اولین موجودات روی زمین** هستند و به جهش یافته های بدوی نزدیک تر هستند و خلقت آنها به شکل یک کرم بزرگ آغاز می شود.

رشد شتاب می گیرد و به شکل یک جسم نیمه ایستاده در می آید . سپس تبدیل به چیزی شبیه میمون می شود تا پیر شود و بمیرد و بقایای آن در زمین حل شود.

### **آنچه ایجاد می شود - جین، البن، زهر و مانا**

موجود شاخ موجودی چوبی بود و از مواد معدنی زمین تغذیه می کرد، بنابراین از البن **قوی تر** شد ، بنابراین آنها را فروخت.

و او شکل خود را با شکل البن ترکیب کرد تا موجودی جدید به نام گوسفند را تشکیل دهد. این گوسفند از خاک رس و پوست ساخته شده است . و از موجودات دریایی تغذیه می کند.

پس قویتر از البن و الین شد، پس آن اقوام حتی بر **موجودات الین به** کلی با آنها وارد شدند.

اطلاعاتی وجود دارد که می گوید دایناسورها کسانی بودند که موجودات گوسفند را از بین بردند.

در مورد مانا؛ آنها موجوداتی هستند که از البن تشکیل شده اند که از بیش الخان ناپدید شده اند . این موجودات **بزرگ بودند** .

چشم هایی با شاخک های متحرک روی صورتش دارد که به او کمک می کند در غارهای تاریک سازگار شود . سپس آنها به مخلوقات دین تبدیل شدند.

آنها موجودات انتقالی هستند که از شته ها به وجود آمده اند و طوری تکامل یافته اند که **چهار دست و پا راه** می روند.

برای چندین موجود در دریا، هوا و خشکی تکامل یافته است. ما با یک موجود سن یا یک زن نتیجه می گیریم.

طبق آنچه که گزارش شده است که زیست شناسان قدیم گفته اند که این موجودات اولین اجداد انسان هستند و در زمان خلقت دندان خداوند جن را آفریده است.

### حق مانند هانس و فرزندان ابن کثیر است

همانطور که قبلاً اشاره کردیم، تعدادی از مفسران و مورخان به وجود هین و البن اشاره کردند. آیا در قرآن از قوم هان و آل و بن یاد کرده است؟

برجسته ترین آنها ابن کثیر در کتاب البدایه و النهایه و دیگران است. اکثر مفسران به آیه ای از سوره بقره تمسک کرده اند. چنانکه خداوند متعال می فرماید:

به نام خداوند بخشنده و مهربان.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (30)

مفسران بر جمله ( من جانشینی در زمین می سازم ) توقف می کنند.

خلیفه به معنای کسی است که جانشین دیگران می شود. اگر حضرت آدم علیه السلام او را پذیرفت و در همه ادیان شناخته شده است، او اولین انسان است. و اولین کسی که در زمین ساکن شد.

## مردم قبل از هبوط مولای ما آدم در زمین ساکن بودند، اما آنها چه کسانی هستند؟

برخی از مفسران گفتند که جن هستند.

اما آیه را با گفتن این جمله کامل کنید: «آیا کسی را در آن قرار می دهید که آن را خراب کند و خون بریزد؟» متفق القول است که جن ها خون ندارند، آنها مخلوقات آتش هستند.

پس قبل از حضرت آدم علیه السلام چه کسی روی زمین بود؟ و چه کسانی خون ریختند و چه کسانی بر زمین ویران کردند .

از اینجا تعبیر وجود موجودات قبل از جن و آدم پدید آمد، هم مفسران و هم مورخان این عقیده را رد کردند.

این به دلیل نبود نص صریح در قرآن کریم و یا روایات شریفه برای دلالت بر موجودات الین و البن است.

اما ابن عاشور در کتاب خود آورده است: که داستان این موجودات ممکن است از اساطیر ایرانیان یا یونانیان باشد. جایی که آنها را ایرانی و رومی نامید.

در مورد یونانیان آنها را **موجودات یتیم** می نامیدند.

### شواهد علمی از موجودات الین و البن

از نظر علمی در هیچ یک از مراجع علمی هیچ اشاره ای به هین و البن نشده است. می دانیم که دانشمندان برای هر اکتشاف باستان شناسی نام علمی صرف می کنند.

اما آنچه بحث برانگیز است آنچه در گزارش **بی بی سی نیوز** در مورد کشف استخوان فک توسط یک تیم تحقیقاتی به 2.8 میلیون سال پیش اشاره شده است.

در منطقه آفار در اتیوپی در سال 1994. پیش از آن، فسیلی شبیه انسان در همان منطقه در سال 1974 کشف شد که قدمت آن به 3.2 میلیون سال قبل می رسد.

### تاریخچه پیدایش انسان بر روی زمین

از نظر علمی مشخص است که دوره ای که احتمال **ظهور** دانشمندان وجود دارد بین 400-500 هزار سال است.

در مورد جنبه مذهبی؛ تفاسیر در بین مفسران به آنچه کمتر از این دوره است متفاوت است.

ما بستگی به محاسبه سن انبیا و تفاوت آنها داریم، از پیامبر خدا آدم شروع می شود و به **حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم الانبیاء** ختم می شود.

در مورد دیگر این مطلب را از علم غیب می دانم. البته با بررسی ها، مطالعات و تفاسیر مختلف نمی توان سن دقیق را تعیین کرد.

### موجود الین و البن کجا ناپدید شد؟

اما اگر علم سن انسان روی زمین را حدود پانصد هزار سال و دین را کمتر از آن تعیین کرده باشد.

پس فسیل های کشف شده چطور؟ شما به چه جنسیتی تعلق دارید؟ آیا ممکن است که **(ملودی و شیر) باشد**، کسی نمی داند!

اما ببینیم با توجه به آنچه که نقل شد، پایان این موجودات چگونه بوده است؟ اگر وجود این موجودات را روی زمین فرض کنیم، کجا رفته اند؟ یا کجا ناپدید شدند؟

در این زمینه دو نسخه وجود دارد:

- یکی مستند یکی را که مفسر اسلامی ابن کثیر در کتاب خود ذکر کرده است که خداوند متعال به جنیان بر آنها قدرت داده است. پس از سرپیچی از آنها و بزرگداشت شما از پدر.
- جایی که جنگ بزرگی بین «جن از یک سو و آهنگ و البن از سوی دیگر» درگرفت. جنیان یک بار برای همیشه آنها را شکست دادند.
- و اما روایت دوم مستند نیست، روایت می گوید: جن و بن همان قوم یاجوج و ماجوج هستند.
- و پس از شکست از جن به کوههای قفقاز گریختند. سپس پس از فرود آمدن انسانها دوباره ظاهر شدند. قبایل بشری را کامل کرد تا اینکه ذوالقرنین آمد و آنها را تا آخرالزمان پشت سدی زندانی کرد.

### اطلاعات عجیب با الین و البن، اما چرا کمی فکر نکنیم

آیا خداوند در کتاب مقدس خود به ما نگفته است: او سبحان همه جفتها را از نباتات زمین و از خود ما انسانها و از آنچه نمی دانیم آفرید.

پس در مقابل این تعداد روایات و اطلاعات مستند و غیرمستند. که در هر دو مورد تکان دهنده و به تصور نزدیکتر است.

سوال اصلی باقی می ماند. آیا واقعاً قبل از انسان موجوداتی وجود داشته اند که

ما از آنها اطلاعی نداریم؟



یا چه کسی می داند، آیا ممکن است هنوز در بین ما در این سیاره، یا شاید در سیاره دیگری وجود داشته باشد؟ و شما چه فکر می کنید؟ آیا به نظر شما الهین و البن واقعاً اهل یاجوج و ماجوج هستند، فقط خدا می داند؟

الین و البن.. موجودات ناشناخته ای که قبل از انسان روی زمین زندگی می کردند (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَتْ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) .. (30 البقرة،)

گرچه چیزی در کتاب و سنت نیامده است که نشان دهد قومی قبل از آدم علیه السلام در زمین ساکن بوده اند، بلکه بر اساس آنچه در سخنان برخی از مفسران آمده، از موجوداتی که پیش از انسان در زمین زندگی می کرده اند نام برده شده است. در میان صحابه و تابعین، از جمله: اینکه زمین را جن ساکن کردند (در ورزش لغوی) و آنها کسانی هستند که خداوند متعال آنها را از آتش آفریده است و این قول از اکثر اهل تأویل نقل شده است و دیگران. بر این باورند که قبل از حضرت آدم علیه السلام هیچ کس در روی زمین نبوده است، نه از جن و نه از جنیان، در حالی که برخی از مفسران یا مورخان ذکر می کنند که قومی به نام الهین (در ح) در زمین ساکن بوده اند. جن (در لغت نامه الجیم) آمدند و آنها را کشتند و در جایشان ساکن شدند، پس گویا از جمله داستانهای است که مستند به سند صحیحی نیست.

ابن کثیر در کتاب البدایه و النهایه (55/1) می گوید: جنیان قبل از حضرت آدم علیه السلام آفریده شدند و قبل از آنها در زمین هین و لبین بود، پس خداوند به جنیان بر آنها قدرت داد. پس آنان را کشتند و از آن بیرون راندند و از آن منقرض کردند و پس از خود در آن ساکن شدند.

قبیله ابن جوزی در کتاب «آینه الزمان فی تاریخ العیان و دم آن (ذی الآینه الزمان) 1-22 جزء اول» آورده است: مجاهد از ابن عباس روایت کرده که در آنجا گفته است. قبل از حضرت آدم نیز اقوام روی زمین بودند، انسان و جن. جنگی از عکرمه از ابن عباس روایت کرده که گفت: اولین مردمی که روی زمین ساکن شدند قومی به نام الهین و البین بودند سپس ساکنان آن جن بودند، پس خداوند متعال را عبادت کردند. پس مدتی طولانی به آنان رسید، پس آنان را به فساد کشاندند، پس خداوند پیامبری از میان آنان به نام یوسف بر آنان مبعوث کرد، اما آنان از او اطاعت نکردند و با او جنگیدند، پس خداوند فرشتگان را برانگیخت، پس آنان را به آنجا بردند. دریاها مدت سکونت آنها در زمین هزار سال بود و ابن جوزی گفت: ضعف علما حساب جنگنده است.

آل طاهر بن عاشور در «التحریر و التنویر» (228/1) می گوید: «اگر درست باشد که زمین قبلاً در سکونت گروهی از موجودات بوده است، آنها را (الهین و البین) می نامند. ( با غفلت، شکسته و «نون» در اولی، و با «متحد» و «نون» در دوم، و گفته

شد: نام آنها (التم و الرم) با گشودن اولی آنهاست. و من آن را از ادعاها می دانم و این که خارج کردن این دو اسم (حیان بن بیان) اشاره به عدم یا مجهول است و شاید این امر برای اهل قصص انجام شده است. اسطوره‌های ایرانیان یا یونانیان، زیرا ایرانیان ادعا می‌کردند که او قبل از انسان در زمین نژادی به نام التام و الروم است و یونانیان معتقد بودند که روی زمین موجوداتی به نام (تیتان) زندگی می‌کنند و (ژئوس) که (مشتری) است، رئیس اربابان، به اعتقاد آنها، آنها را به خاطر فسادشان از زمین بیرون کرد.

موجودات ین و بن به موجودات خیالی و اسطوره‌ای اشاره دارند و در ادبیات و اسطوره‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

موجودات ین و بن در برخی اساطیر و داستان‌های خاص، به عنوان موجوداتی نیرومند و ترسناک تصویر می‌شوند. به طور کلی، ین به معنی موجوداتی شیطانی با نیروی بسیار بالا و بن به معنی موجوداتی جنبیده‌ی مارپیچ و ترسناک است. به دلیل عدم واقعیت این موجودات و صرفاً وجود آنها در اساطیر و افسانه‌ها آمده است

اینها کسانی هستند که قبل از مولای ما آدم در زمین ساکن بودند! بسیاری از مردم بر این باورند که اولین کسی که پا بر روی زمین گذاشت آدم علیه السلام است، اما این دیدگاه بسیار اشتباه است زیرا قبل از استاد ما آدم، زندگی

دیگری روی زمین وجود داشته است و آنها اصلاً انسان نیستند. آفریده خداوند متعال هستند، آنها «الحن و البن» هستند.

## الحن و البن

ابن کثیر در برخی از کتابهایی که در طول زمان به او رسیده است از جمله «البدایه و النهایه» نقل کرده است که جن سالها قبل از خلقت مولای ما آدم خلق شده است. ابتدا قبل از جن در زمین ساکن شدند و قبل از اینکه انسانها «الحن و البن» باشند، و اینکه خداوند متعال جنیان را بر «الحن و البن» اختیار کرد تا آنها را از زمین بیرون کند، پس جنگ بزرگی بین آنها رخ داد. بین جن و الحن و البن، جنیان آنها را از زمین بیرون کردند و به جای خود در آن ساکن شدند، اما ابن کثیر در کتاب خود شکل و اطلاعاتی که درباره آنها حکایت می کند ذکر نکرده است.

اقوام ساکن زمین قبل از حضرت آدم در کتاب خود از «شهاب الدین ابشیحی» یاد کرده اند که با نام «افراط در هر فن اسراف» منتشر شده است. که توسط برخی از دانشمندان نقل و بیان و نوشته شده است که خداوند متعال 28 امت را قبل از خلقت مولای ما آدم علیه السلام بوجود آورد و مسعودی بسیاری از اشکال آنها را ذکر کرده است. ، اما این مورد تایید نشد.

1- بال دارند و گفتارشان کف زدن است.

2- آنچه بدن‌ها مانند شیر و سرها مانند پرندگان است و مو و دم دارند و سخنانشان بلند است.

3- آنچه دو صورت دارد یکی از جلو و دیگری از پشت و پاهای بسیار.

4- آنچه با یک دست و یک پا به نیمی از انسان شباهت دارد و سخنانشان مانند فریاد جرثقیل است.

5- صورتش مانند انسان و پشتش مانند لاک پشت و سرش شاخ دارد و گفتارشان مانند زوزه سگ است.

6- آن که مانند گاو مو و دم سفید دارد.

7- آنچه نیش‌های برجسته مانند خنجر و گوش‌های بلند دارد.

تعداد اقوام از طریق تولید مثل در جنیان قبل از مولای ما آدم:

مسعودی در کتاب‌های خود افزوده است که امت‌هایی که قبل از مولای ما آدم زندگی می‌کردند «120 امت» بودند، اما تعداد آنها 120 امت نبود، بلکه تکثیر و تکثیر شدند تا به این تعداد رسیدند، اما خداوند متعال زیباتر از انسان نیافرید. در روی زمین همانطور که در کتابش فرموده است که خداوند متعال مولای ما اسرافیل علیه السلام را آفرید و او نزدیکترین صورت به انسان است و اسرافیل از نزدیکترین آنها به شمار می‌رود. فرشتگان به خدای متعال.







رمز و راز موجوداتی که قبل از انسان روی زمین زندگی می کردند





### دین و علم در مورد این موضوع خاردار چه می گویند؟

موجوداتی که تا به حال نام آنها را نشنیده اید قبل از انسان روی زمین زندگی می کردند و خصوصیات آنها وحشتناک است و از جن نیستند.. در این تایپیک به داستان این موجودات و اتفاقاتی که از پیش اسرارآمیز بر آنها افتاده است می پردازیم. - رازهای وجود

### ملل و موجودات قبل از انسان

از ابتدای تحقیق و علم معتقدیم اولین کسی که پا بر روی زمین گذاشت مولای ما آدم علیه السلام بود. بعضی از مورخان ذکر کرده اند که جنیان قبل از انسان در زمین ساکن بوده اند، اما آیا می دانید که مخلوقاتی از مخلوق خداوند متعال هستند که قبل از جن و انس در زمین ساکن بوده اند و جن و انس نیستند.. با هم این موجودات را به نام «شکر و قهوه» می شناسیم.

برخی از مورخان می گویند که این موجودات از جن و انس نیستند و هیچ یک از علما و مورخان به شکل این موجودات و یا حتی جزئیات زندگی آنها اشاره ای نکرده اند، بلکه فقط ذکر کرده اند که این موجودات از خداوند متعال نافرمانی کردند و خون ریختند، پس خداوند متعال آنها را نابود کرد.



### خون ریختند پس خدای متعال آنها را نابود کرد

بیشترین اشاراتی که از این موجودات یاد کرده است که برجسته ترین آنها کتاب البدایه و النهایه مفسر و متفکر ابن کثیر، مسعودی در کتاب تاریخ الامم و شهاب الدین است. الابشیحی در کتاب «آذُرُ لِلْقَنَسِيَةِ» که از کتاب مسعودی نقل شده است. بر اساس این منابع، خداوند متعال قبل از حضرت آدم علیه السلام 28 امت را آفرید، توجه داشته باشید که مسعودی و ابشیحی بر خلاف ابن کثیر، اشکال برخی از این امت ها را ذکر کرده اند و می فرمایند:

بعضی از آنها بال دارند و کلماتشان ترقه می زند، بدنشان مثل شیر و سرشان مثل پرندگان است.

در این میان کسانی هستند که احساس و گناه دارند و حرف هایشان طنین انداز است.

بعضی از آنها دو طرف دارند، یکی از جلو و دیگری از پشت و پاهای زیادی دارند. و در میان آنها کسانی هستند که با دست و پا به نیمی از انسان شباهت دارند و سخنانشان مانند فریاد جرتقیل است.

برخی از آنها چهره ای مانند انسان دارند و پشتشان مانند لاک پشت است و در سرشان شاخ است و سخنانشان مانند زوزه سگ است.

برخی از آنها موهای سفید دارند و مانند حیوان گناه می کنند.

برخی از آنها دارای نیش های برجسته مانند خنجر و گوش خفاش هستند.



### مانند یک کرم بزرگ رشد خود را سرعت می بخشد

نکته قابل توجه این است که نامی از این موجودات نبرده اند که باب تفسیر را کاملا باز گذاشته است.

و مقاله ای وجود دارد که علاوه بر موجوداتی به نام «سوسک، شته، عدن، ماده یا دندان» از موجودات «هوس و قهوه» نام برده است، اما منبع آن ذکر نشده است. اطلاعات و بر اساس این مقاله قهوه اولین موجودات است و به جهش یافته های اولیه نزدیک ترند و شکل آنها شبیه کرم بزرگی است که رشد را تسریع می کند تا به شکل یک ارگانیسم نیمه ایستاده تبدیل شود. میمون برافراشت و پیر می شود و

می میرد و بقایای آن در زمین حل می شود زمین از قهوه قوی تر شد پس آن را گرفت و موجودات گوسفند ظاهر شدند گوسفند از گل و پوست آفریده شد و شروع به وجود آمدن کرد. از موجودات دریایی تغذیه می کند که منجر به تشکیل پوشش حیوانی می شود و بنابراین از قهوه قوی تر می شود. «عجیب» این است که دایناسورها کسانی بودند که موجودات را «از بین بردند» در مورد موجودات شته‌ای که از قهوه‌ای که از تشنگی گوسفندان ناپدید شده‌اند به وجود آمده‌اند، این موجودات بدون چشم و با شاخک‌های متحرک روی صورت خود بودند. این شاخک‌ها به آنها کمک می‌کرد تا در غارهای تاریک سازگار شوند.

شته‌ها تکامل یافتند و به موجودات عدن تبدیل شدند که به نوبه خود از شته‌ها به وجود آمدند و تکامل یافتند تا اینکه چهار دست و پا راه رفتند و به موجودات متعددی در دریا، زمین و هوا تکامل یافتند.

سرانجام موجوداتی به نام "مردم" یا "دندان" به وجود آمدند. در این کتاب ذکر شد که دانشمندان علوم طبیعی باستان گفته اند که این موجودات اجداد انسان هستند. در هنگام خلقت دندان، خداوند متعال جن را آفرید.

حال که تمامی اطلاعات موجود در مورد این موجودات را که در این کتاب ذکر شده و هیچ منبع علمی معتبری ندارد، ارائه کرده ایم، نظر منابع معتبر را در مورد این نظریه ارائه شده توسط این کتاب نشان خواهیم داد. من سورة البقرة اذ قال الله تعالى :

(وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ .)

معنی: و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خون‌ها بریزند و حال آن‌که ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید. (آیه ۳۰ بقره)

مفسران بر این فرموده خداوند متعال توقف کرده و می‌گویند که خلیفه به معنای جانشین دیگری است و بر این اساس نتیجه گرفته شد که قبل از حضرت آدم علیه السلام و او در همه زمانها شناخته شده است. در مذاهب آسمانی که او اولین انسان و اولین کسی بود که روی زمین سکنی گزید، مردمانی بودند که در زمین ساکن شدند، اما این مردم چه کسانی هستند؟ برخی از مفسران گفته اند که آنها جن هستند، اما این آیه تکمیل می‌شود: (آیا در آن کسی قرار می‌دهید که آن را تباه کند و خون بریزد) و توافق بر این است که جن‌ها خون ندارند، چنان که آنها می‌گویند. آیا موجودات از آتش آفریده شده اند فساد زمین؟



### در میان این ملت ها جنگ و کشتار رخ داد

از این رو این تصور به وجود آمد که قبل از جن و قبل از آدم موجوداتی وجود داشته اند که دارای خون بوده اند، اما برخی از مفسران و مورخان به دلیل عدم وجود نص صریح در قرآن کریم یا روایات شریفه وجود این موجودات را رد کرده اند. و اعتبار این روایات.

مفسر ابن عاشور نظر دیگری داشت و در کتاب خود گفت که این موجودات ممکن است از افسانه های یونانیان یا ایرانیان باشند، چنانکه ایرانیان آنها را «تن و رام» می نامیدند، در حالی که یونانیان آنها را «مخلوقات اهل بیت» می نامیدند. تیتان ها.»

این دیدگاه دین و در این روایات است، اما نگاه به علم چگونه؟

الحان و البان در هیچ یک از مراجع علمی ذکر نشده است، ما می دانیم که دانشمندان نام علمی صرفاً برای هر یک از اکتشافات علمی می گذارند، اما چیزی

بحث برانگیز است. گزارش‌هایی وجود دارد، از جمله گزارش مستندی از BBC News. ، که در مورد کشف استخوان فک انسان توسط یک تیم علمی صحبت می‌کند، یا به عبارت بهتر، چیزی که دانشمندان آن را هومینین می‌نامند، که قدمت آن به 2.8 میلیون سال پیش در منطقه آفار در اتیوپی در سال 1994 باز می‌گردد و قبل از آن فسیلی در همان منطقه کشف شده بود. منطقه ای که شبیه انسان در سال 1974 است و قدمت آن به 3.2 میلیون سال می‌رسد و این با آنچه از نظر علمی در دوره ای که دانشمندان در آن زمان ظهور انسان مدرن را بین 400 تا 500 هزار سال پیش‌نهاد می‌کنند مغایرت دارد، به این معنی که حتی علم نیز موافق است که قبل از پیدایش انسان موجودات یا موجوداتی بودند که بر زمین مسلط بودند، پس دلیل وجود این ملل باستانی که در این کتاب به آن اشاره کردیم چیست؟





یک استخوان فک توسط دانشمندان در اتیوپی از یک هومینین با قدمت 3 میلیون سال پیش پیدا شد.

اما از منظر دینی، تخمین‌ها در میان مفسران به کمتر از دوره‌ای که علما در مورد ظهور انسان‌ها صحبت می‌کنند، با تکیه بر این‌که به قیمت روزگار انبیا و اختلاف بین آن‌ها تمام می‌شود، متفاوت بوده است. حضرت آدم علیه السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

در حالی که برخی از مفسران این مطلب را از علم غیب دانسته اند، اما به دلیل تفاوت بین تحقیق، بررسی و تفسیر، نمی توان سن دقیق آن را تعیین کرد. اما اگر علم و دین در مورد تاریخچه پیدایش انسان اختلاف دارند، فسیل‌های کشف شده که در بالا ذکر کردیم چه می گویند؟ و به چه جنسیتی تعلق دارد؟ آیا ممکن است این کاوش‌ها متعلق به ملودی و ماننا باشد؟

در نهایت ممکن است تعجب کنیم که این موجودات چگونه به پایان رسیدند و چرا ناپدید و منقرض شدند!!

دو روایت نقل می کند که چگونه این اولین مخلوقات غایب شدند و این روایت مستندی است که ابن کثیر در کتاب خود آورده که گفته است: خداوند متعال جنیان را پس از نافرمانی خدا بر آنها قدرت داد، پس جنگ بزرگی بین آنها درگرفت الجن والحن والبن و با پیروزی الجن به پایان رسید، پس آنها را برای همیشه حذف کردند. و اما روایت دوم که مستند نیست، ولی در بیش از یک مقاله ذکر شده، روایت می گوید که موجودات الحن و البن همان قوم یاجوج و ماجوج هستند و به کوه‌های

قفقاز گریختند. پس از شکست آنها از جنیان، پس از نزول انسانها دوباره ظهور کردند و بسیاری از قبایل بشری را کشتند تا اینکه به سراغ آنها آمد ذوالقرنین سد را ساخت و آنها را تا آخرالزمان پشت سر گذاشت.

پس خواننده عزیز، پس از این همه روایت مستند و غیرمستند، نظر شما در این مورد چیست و آیا واقعاً موجوداتی قبل از انسان روی زمین زندگی می کردند؟!

در تصاویر.. 6 موجودی که قبل از انسان و جن روی زمین زندگی می کردند آیا تا به حال پیش از اینکه خداوند انسان را خلق کند و او را مأمور بازسازی زمین کند، به زندگی فکر کرده اید و میل به دانستن منشأ چیزها دارید؟

بر اساس زیست شناسی باستانی، زمین 5 میلیارد سال پیش ایجاد شده است و عصر تک یاخته ها اولین دوره ای است که شاهد ظهور سلول های زنده ای مانند توپ های فلزی است که از آفریقای جنوبی به دست آمده و قدمت آنها 2 میلیارد سال تخمین زده می شود.

بر اساس تفسیر ابن کثیر از آیات قرآن کریم و آنچه از زبان امتهای در متون کتب اول ذکر شده، موجوداتی هستند که قبل از وجود انسانها به شکلی نزدیکتر به انسان روی زمین می زیسته اند. و حتی جن ها

این 6 موجودی که در زیر نام آنها را ذکر میکنم که روی زمین زندگی می کردند و توسط کتاب ها و تفسیرها منتشر می شدند.

## 1- البن:

آنها موجوداتی هستند که به جهش یافته های بدوی نزدیک تر از گل هستند که از نظر جنسی تولید مثل نمی کنند، یا با بریدن قسمت هایی از آن یا با مرگ از طریق سقوط سلول هایش روی زمین و تشکیل موجودات جدید به همان شکل، البن، تکثیر می شدند. این موجودات پس از شکل گیری جلبک ها ناپدید شدند، سپس بندپایان و ماهی ها، و لکه های آب روی زمین افزایش یافت و با انواع جدیدی که به نرمی معروف هستند، شروع به شکل گیری کردند.

## 2- الین:

تشکیل خود را بین گل و لای و پوست درختان ترکیب می کرد و از ته آب می روید و به محض اینکه پاهای خود را روی زمین می گذاشت با سرعت وحشتناکی تکثیر می شد و زمانی که با دست زدن به آب، ریشه هایش به موجوداتی مانند آن قوی تر از آن تبدیل شد تا اینکه در اثر جذب مواد معدنی از زمین برای تقویت تنه چوبی اش و ظلم موجودات البن به باری تبدیل شد تا اینکه تقریباً ناپدید شدند.

## 3- الخین:

از گل و پوست و پروتئین به وجود آمد زیرا از موجودات دریایی تغذیه می کرد و از البن و الخین قویتر می شد و با الهین وارد مبارزه می شد تا آن را از بین می برد.

موجودات را اولین موجوداتی می‌دانند که حاوی خون هستند و مانند پستانداران قادر به تولید مثل هستند و بدنشان متغیر بود و برخی از آنها شبیه خزندگان عظیم الجثه بودند تا اینکه 240 میلیون سال پیش دایناسورها ظاهر شدند و نتوانستند با آنها همزیستی کنند. دایناسورها آنها را از بین بردند.

4- ماننا:

از البن ای که از ترس ظلم در غارها پنهان شده بود به وجود آمد اما با وجود بزرگی موجودی ضعیف است و می‌تواند در مکان‌های تاریک حرکت کند.

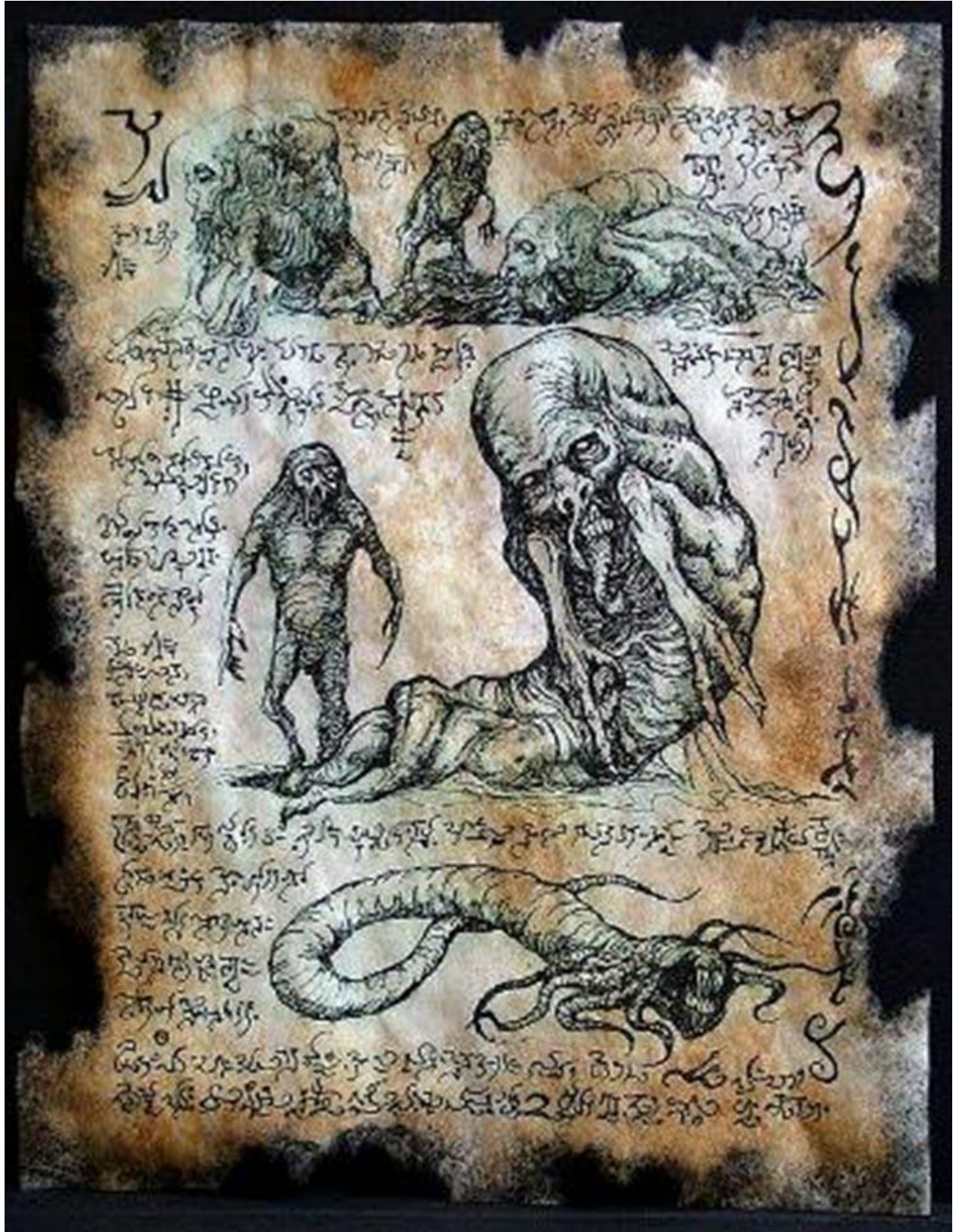
قادر به تولید مثل از طریق تقسیم میتوزی مانند البن یا جفت‌گیری با موجودات دیگر از طریق گرده افشانی خارجی بود، اما ناپدید شد و به گونه‌های دیگر تکامل یافت.

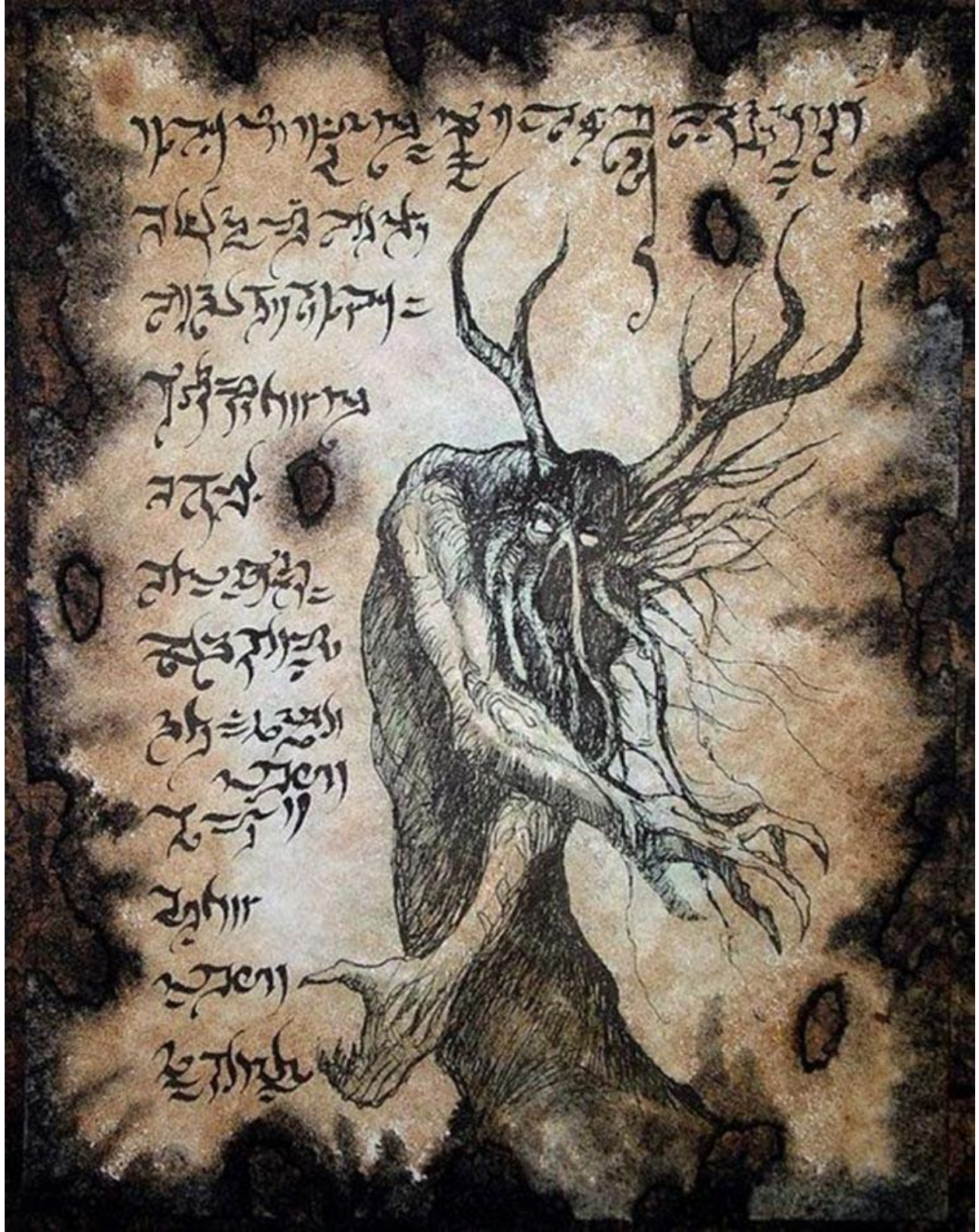
5- آلدن:

از مانا آمده و برای چهار دست و پا راه رفتن تکامل یافته است، اولین موجود معنوی است که دارای ذهن است، اما ارزان است و برای بسیاری از موجودات دیگر در دریا، هوا و خشکی تکامل یافته است.

6- انس:

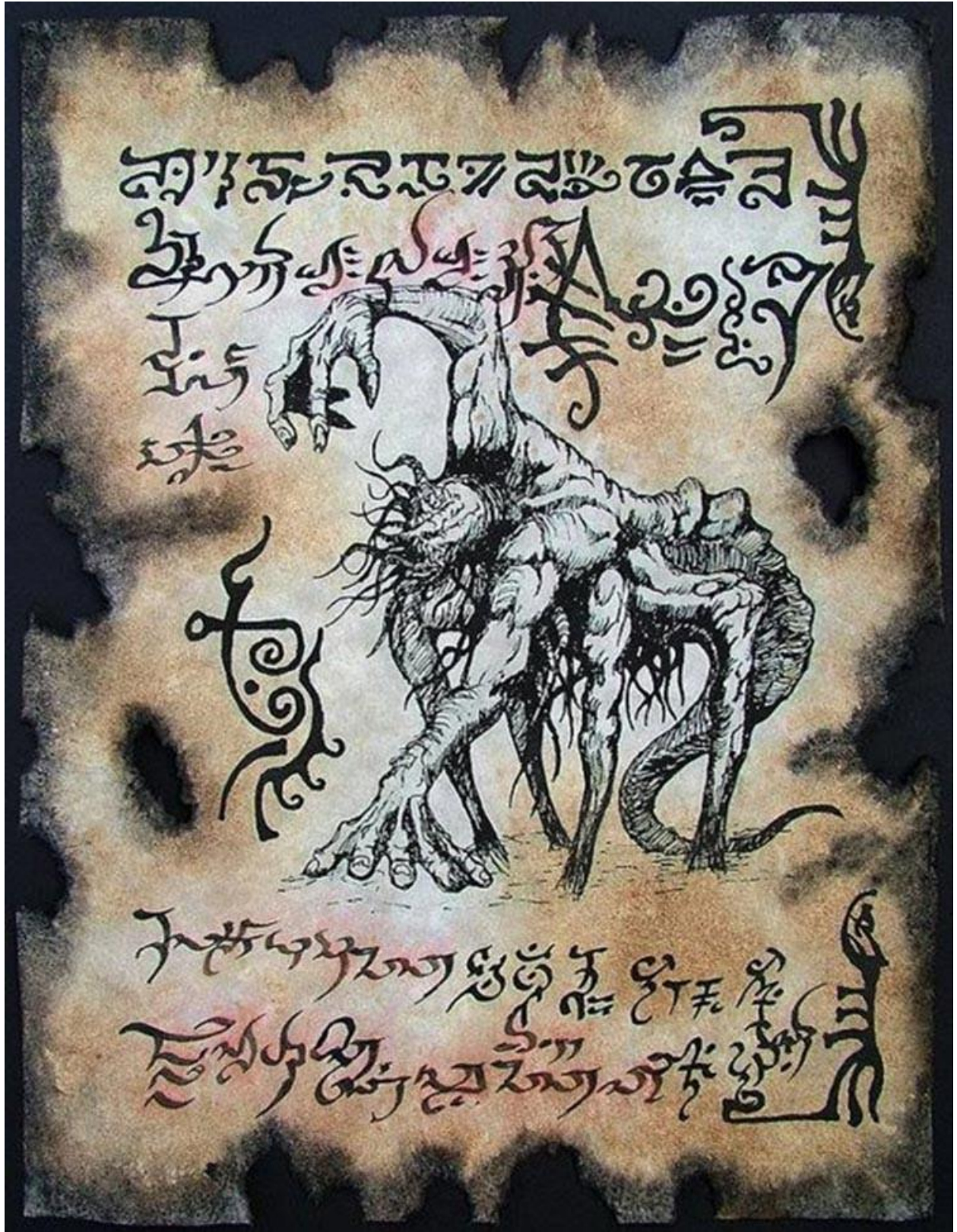
موجوداتی که زیست شناسان قدیم درباره آنها به عنوان اجداد اولیه انسان نوشته اند، جایی که او جدا از پیشینیان خود آفریده شده است که اولین تکامل انسان است، در زمان خلقت انسان، خداوند جن را آفرید.













## فصل پنجم : موجودات جن

کلمه جن در قرآن کریم 24 بار تکرار شده

الجن 20 بار

والجن 2 بار

الجان 1 بار

والجان 1 بار

### خداوند جن را چگونه آفرید؟

ماده ای که جن از آن آفریده شده است ماده ای که خداوند سبحان جن را از آن آفرید آتش است و این را چند دلیل شرعی اعم از قرآن کریم و یا سنت مطهر پیامبر بیان کرده است و در ذیل آمده است:

شواهد از قرآن (و جن را از نهر آتش آفرید). (و جن را قبلاً از آتش سموم آفریدیم). شواهد از سال (فرشتگان از نور آفریده شده اند و جن ها از شعله های آتش و آدم از آنچه برای شما توصیف شده , خاک آفریده شده است) .

### خداوند جن را چه زمانی خلق کرد؟

قرآن کریم دقیقاً زمان و روزی را که خداوند متعال جن را آفریده است، مشخص نکرده است، بلکه نشان می دهد که خلقت آنها قبل از خلقت انسان بوده است و این به صراحت در قرآن آمده است که خداوند متعال می فرماید : و جن را قبلاً از آتش سموم آفریدیم) و بر این اساس وجود جن بر وجود انسان مقدم بود. خصوصیات جن: جن از غیب است که ما نمی توانیم آن را بفهمیم یا ببینیم مگر با آنچه از خداوند متعال در قرآن حکیم آمده است یا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نبوی مطهرش درباره آن گفته است. سنت. بر این اساس شناخت خصوصیات جن جز به گواهی نصوص شرع ممکن نیست که در ذیل به برخی از این خصوصیات اشاره می شود:

می خورند و می نوشند رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود که جن می خورند و می نوشند و این در تعدادی از احادیث شریف پیامبر آمده است آن حضرت می فرماید. : (هیچ یک از شما با دست چپ خود غذا نخورد و با آن آب ننوشید، زیرا شیطان با دست چپ می خورد و با آن می نوشد) . و پیامبر اکرم صلی الله علیه و

آله فرمود: ((خود را با سرگین و استخوان پاک نکنید که برادران شما را از جنیان زیاد می کند) . که آنها را تکثیر می کنند

خداوند متعال در قرآن کریم به ما فرموده است که جن تکثیر و تولید مثل می کند ، این در قول او - تعالی - آمده است :- (و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، و آنها جز ابلیس که از جن بود سجده کردند. و شیطان از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد، آیا او و فرزندانش را سرپرست می گیرید؟ بدون من و آنها دشمن شما هستند، بدبختی برای ستمکاران . قادر به تشکیل هستند از جمله صفات ایشان که خداوند متعال به آنها فرمود این است که می توانند به صورت انسان یا حیوان درآیند و این در کلام خداوند متعال آمده است : آن دو جناح دیدند که او بر روی خود می چرخید. پاشنه پا می زند و می گوید: "من از شما بی گناهم. من چیزی را می بینم که شما نمی بینید. من از خدا می ترسم .

### حکمت خلقت جن

خداوند تبارک و تعالی جن را بیهوده نیافرید، بلکه آنها را برای حکمت بزرگی آفرید که نشان از عبادت او به تنهایی بدون شریک و انجام آنچه او دستور داده و از همه حرامات خود دوری می کند، است و خداوند متعال در کتاب جلیل خود فرموده است. حکمت خلقت جن، آنجا که حق تعالی فرمود: (و جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه بپرستند) . پس خداوند سبحان در اینجا فرمود که حکمت خلقت جن و انس این است که خدا را پرستند .

## جن ها قبل از خلقت آدم در زمین چه می کردند؟

بعد از اینکه در مبحث قبلی خود داستان موجوداتی را که قبل از خلقت آدم روی زمین می زیسته اند ارائه کردیم که خداوند جنیان را بر آنها مسلط کرد و آنها را کشتند و از آن بیرون کردند. و آنها را از آن معدوم کرد و بعد از آنها در آن ساکن شد.» پس جنیان در زمین چه کردند و داستان آنها قبل از خلقت آدم چگونه بود؟ ابن جوزی در المنتظم فی تاریخ الامام می گوید که جن بر سه قسم است و عبارتند از: ین و بن و جن و شیاطین و اختلافی نیست که همه قبل از آدم آفریده شده اند .

## آنها روی زمین چه کردند؟

ابن الاثیر در «الکامل فی تاریخ» از ابن عباس روایت می کند که اولین مردمی که در زمین زندگی کردند جن بودند، پس بر سر آن جنگیدند و خون ریختند و یکدیگر را کشتند، پس خداوند متعال فرستاد. لشکری از فرشتگان خداوند از فرشتگان به سربازان خود دستور داد تا به زمین حمله کنند تا شری را که در آن فرا گرفته بود ریشه کن کنند و جنیان را به دلیل فساد در آن مجازات کنند و فرشتگان به زمین هجوم آوردند و کشته شدگان را کشتند و آوارگان را آواره کردند. جن ها و چند نفر از جن ها فرار کردند و در جزایر و ارتفاعات کوه ها پنهان شدند.

## شیطان

در برخی از روایات آمده است که ابلیس یکی از بندگان جن بود، پس فرشتگان او را نکشتند و با خود به بهشت بردند، این همان چیزی است که ابن الاثیر از سعید بن مسعود نقل کرده است که ابلیس یکی از جنیان که در زمین سکونت داشتند و فرشتگان آنها را بیرون کردند و برخی از فرشتگان او را اسیر کردند و به بهشت برد. اما روایت دیگری از انس بن مالک نیز ذکر کرده است که می گوید شیطان با فرشتگان بود و با جن جنگید «تا اینکه آنها را به جزایر دریاها و کناره های کوه ها گرفت. هیچ یک از فرشتگان که با او بودند او را دیدند.

## پادشاه جهان

و اما ابن کثیر در «البدایه و النهایه» به نقل از تفسیر السودی از ابن عباس و ابن مسعود ذکر کرده است که وقتی خداوند از خلقت آنچه دوست داشت پایان یافت، بر عرش مستقر شد. ابلیس را پادشاه جهان کرد و او از طایفه ای از فرشتگان بود که جن نامیده می شد، اما آنها را جن می نامیدند، زیرا آنها حافظان بهشت هستند و ابلیس با پادشاهی خود نگهبان بود، پس در سینه او افتاد. خدا این را فقط به این دلیل به من داد که بر فرشتگان برتری دارم.

همچنین از محمد بن اسحاق از ابن عباس روایت شده است که نام شیطان پیش از این که گناه کند عزازیل بود و او از اهل زمین و از کوشاترین فرشتگان بود. و

داناترین آنها، و او از محله ای بود به نام جن، و در روایتی از ابن جبیر آمده است: «نام او عزازیل بود و از ارجمندترین فرشتگان، از اولین بال های چهارگانه بود. .

## بین زمین و آسمان

ابن کثیر نیز از ابن عباس روایت کرده است که شیطان بین آسمان و زمین حکومت می کرد، اما به نظر حسن بصری استناد کرد که او از فرشتگان نبوده و از اصل جن بوده است. همانطور که آدم منشأ انسان است.

## خلقت آدم

حال شیطان هر چه بود، ماجرای معروف بین او و آدم به دلیل امتناع از سجده بر او رخ داد و در نتیجه همه به زمین فرود آمدند تا دوران حکومت فرزندان آدم بر زمین با دشمنانشان آغاز شود. جنیان اما این دشمنی بدتر شد تا اینکه نبردی بین بنی آدم و بنی شیطان با لشکریان در گرفت که در صفحات بعدی ارائه خواهیم داد

## جنیان کدامند؟

آیا مدرکی دال بر صحت نام آنها وجود دارد؟ در کتاب و سنت ثابت شده است که عالم جن وجود دارد، پس قبایل جن چیست؟ و انواع آنها چیست؟ و نام آنها چیست؟ آنها کجا زندگی می کنند؟ و تعداد آنها چقدر است؟ در این قسمت به این سوالات پاسخ داده شده است. حکمت خداوند - سبحان - مستلزم تقسیم



مخلوقش از جن به قبیله و قوم بود و خداوند متعال در کتاب خود آن را ذکر کرده و فرمود: (و هنگامی که از جن به شما دفعی دادیم، گوش فرا دادند. قرآن، سپس فرمودند: زیرا با هم ازدواج می کنند و مانند انسان تولید مثل می کنند و ابن مسعود می گوید: (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شبانه به من اقتدا کرد و فرمود: یک گروه پانزده نفری از جن و برادرزاده و پسر عمو، امشب نزد من بیایند). النعمان، بنی قآن و دیگران، اما این نام ها دلیلی برای اثبات صحت ندارند. سکونتگاه ها و خانه های جن ها در جاهای مختلف زندگی می کنند و به آنها منسوب می شوند، از این رو برخی از آنها جن های جزیره و از جمله جن های نینوا و از جمله جن های نصیبین و از جمله جن های حران و برخی دیگر هستند. ممالک و جاهایی که جن در آن زندگی می کنند و بر این دلالت دارد آنچه در روایت ابن مسعود در اخبار جن آمده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کردند. ، و اینکه از مردم نصیبین بودند و نصیبین گفته شد: شهری است در شام و بهشت آن سرور جنیان است و گفته شد: روستایی است در یمن غیر از یکی در عراق، و گفته شد: آنها اهل نینوا هستند، و قرطبی ذکر کرده است که جنی که نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمدند، در حالی که در مکه بود، هفت نفر بودند: سه نفر از مردم حران چهار نفر از اهل نصیبین و کسانی که نخل جن نینوا را برای او آوردند. جن ها در مکان های متروک مانند غارها، حمام ها، زباله ها، گورستان ها و کوه ها زندگی می کنند و در خانه هایی با مردم نیز زندگی می کنند و به آنها خانه های جن یا العمار می گویند و ممکن است به شکل مار باشند.

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - قبل از انداز خود، از کشتن مار در خانه ها نهی کرد: (لا قتل السماوات); مارهای کوچک یا سفیدی که در خانه‌ها ساکنند و به آنها عوامیر می‌گویند و همان‌هایی هستند که جن در خانه‌ها ساکن هستند و در عکس‌های مارها و در دیگران نشان داده شده است و هر چه بدخیم است از جن را شیطان می‌نامند و اگر شرارت آن زیاد شود و قوی شود به آن جن می‌گویند.

### تعداد قبایل جن و کار آنها :

جن موجودات زیادی هستند که با هم ازدواج می‌کنند و تولید مثل می‌کنند و نسلی دارند و قبایل و قوم‌هایی دارند که به آنها تعلق دارند و هر قوم و قبیله ای پادشاهی دارد که به امور آنها رسیدگی می‌کند و گفته می‌شود که تعداد قبایل جن شیاطین نزدیک به سی و پنج قبیله رسیده اند، ولی در اخبار صحیح ثابت نشده است، امام قرطبی - رحمه الله - در تفسیر خود می‌فرماید: بنی الشیسیبان از همه بیشتر است. جن و قوی ترین آنها خار است و عموماً سربازان ابلیس هستند. از جمله اعمال آنان، نجوا کردن با مردم، برانگیختن عداوت و دشمنی میان آنان و تصور شکل انسان و برخی از حیوانات است. مانند مار، سگ و غیره و ایجاد ضرر به متجاوز.

### انواع جن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انواع جن را بیان کرد و فرمود: جن بر سه قسم است: دسته ای از سگ‌ها و مارها و دسته ای که در هوا پرواز می‌کنند و

دسته ای که در هوا پرواز می کنند. اشغال می کند و ساکن می شود ، اما به آتش جهنم باز می گردند و نیز مبدأ خود (وَ الْجِنَّا خَلَقْنَا الْجِنَّهُ مِنَ النَّارِ زَمْرِينَ).

معرفی جن :

جن جمع جان و مفرد آن جن و مؤنث جن است و فعل جن به معنای پوشاندن و پنهان است و به این دلیل نامیده می شود که از دید پنهان می شود و دیده نمی شود پس دانشمندان آن را چنین تعریف کرده اند: مخلوقات پنهانی که با حواس دیده نمی شوند، آفریده شده از آتش، با قابلیت شکل گیری، تبدیل و حرکت سریع، خوردن، نوشیدن و تولید مثل، و باید او را منصوب کرد، و در درجات و عبادت پروردگارشان با هم اختلاف دارند. پس برخی از آنها صالح و برخی از آنها کمتر از آن هستند و در روز قیامت به حساب اعمال خود خواهند رسید.

## ذکر خلقت جن و داستان شیطان

خداوند متعال فرمود: انسان از گل مانند سفال آفریده شده است و جنیان از آمیزه ای از آتش آفریده شده اند، پس کدام یک از نعمت های پروردگارت را می خواهی. انکار؟ [الرحمن: 14-16] و خداوند متعال فرمود: و ما انسان را از گل از لجن کهنه آفریدیم، و جن را پیش از این از آتش زهرآلود آفریدیم (حجر: 26-27). ابن عباس و

عکرمه و مجاهد و حسن و بیش از یک نفر گفتند: از آتش آتش . گفتند: از کنار شعله و در روایتی: از پاک و نیک او. و از طریق الزهری عروة عایشه ذکر کردیم که گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرشتگان از نور و جن ها از شعله های آتش آفریده شده اند و آدم نیز از آنچه برای شما توصیف شده است . به روایت مسلم . بسیاری از علمای تفسیر می گویند: جن ها قبل از حضرت آدم علیه السلام آفریده شده اند و قبل از آنها هین ها و قهوه ای در زمین وجود داشته است، پس خداوند جنیان را بر آنها قدرت داد، پس آنها را کشتند و از آن بیرون راندند و نابود کردند. از آن، و پس از آنان به خاطر آنچه آفریدند، در آن ساکن شدند.

السدی در تفسیر خود از ابوملک از [ ص . \_ \_ \_ \_ \_ ] هنگامی که خداوند خلقت آنچه را دوست داشت به پایان رساند، بر عرش مستقر شد و ابلیس را پادشاه آسمان های جهان قرار داد. زیرا آنان خزانه داران بهشت هستند و ابلیس با پادشاهی خود خزانه دار بود، پس در سینه او افتاد: خداوند این را به من عطا کرد که بر فرشتگان برتری داشته باشم . ضحاک از ابن عباس نقل کرده است :

هنگامی که جنیان در زمین فساد کردند و خون ریختند، خداوند ابلیس و لشکری از فرشتگان را به سوی آنها فرستاد، پس آنان را کشتند و از زمین به جزایر دریاها بیرون کردند. .

و محمد بن اسحاق به خلد عطاء عن طاووس از ابن عباس گفت: نام شیطان پیش از آنکه گناه کند عزازیل بود و از اهالی بود . زمین و یکی از کوشاترین و

داناترین فرشتگان و از محله ای به نام جن بود. روایت کردابن ابی حاتم ، عن سعید بن جبیر : نامش عزازیل بود و از ارجمندترین فرشتگان، از اولین بالهای چهارگانه بود. سنید از حجاج از ابن جریر روایت کرده است که ابن عباس گفت : ابلیس یکی از ارجمندترین و ارجمندترین فرشتگان قبیله بود و خزانه دار آسمانها و صاحب الزمان بود. اقتدار آسمانهای جهان و او صاحب اختیار زمین بود. و صالح مولا التوامه از ابن عباس گفت: بین آسمان و زمین هدایت می کرد، به روایت ابن جریر ( ص 130 ) .  
قتاده گفت: به قول سعید بن المسیب ، ابلیس رئیس فرشتگان آسمانهای جهان بود. الحسن البصری گفت

او از فرشتگان یک چشم بر هم زدن نبود و همان گونه که آدم خاستگاه انسانهاست، منشأ جنیان است. شهر بن حوشب و دیگران گفتند : ابلیس از جنیان بود که فرشتگان او را بیرون کردند و برخی او را گرفتند و به بهشت بردند. از ابن جریر روایت شده که فرمودند: هنگامی که خداوند خواست آدم را پس از او با فرزندانش در زمین بیافریند و جنازه او را از آن بسازد، ابلیس را که راس جن هاست و پرستیده ترین آنها را در زمان خود قرار داد. آن زمان و نام او عزازل بود، او را طواف کردند. وقتی آن را توخالی دید، دانست که به طور غیرقابل کنترلی آفریده شده است . و گفت: اگر بر تو مسلط شوم تو را هلاک می کنم و اگر بر من فرمانروایی کنی نافرمانی تو می کنم، آن گاه که خداوند از جان آدم چنان که می آید در دمید و

به فرشتگان فرمان داد که بر او سجده کنند شیطان. با حسد فراوان از او وارد شد و از سجده بر او خودداری کرد. و گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی. پس فرمان را سرپیچی کرد و به پروردگار متعال اعتراض کرد و در گفتار خود خطا کرد و از رحمت پروردگارش روی گردانید و از مرتبه ای که با عبادت او به دست آورده بود تنزل یافت و از فرشتگان تقلید کرد. و او از جنس آنها نبود. چون او از آتش آفریده شد و آنها از نورد، پس فطرتش در شدیدترین نیازش به او خیانت کرد و به مبدأ آتشین خود بازگشت، پس همه فرشتگان سجده کردند جز ابلیس که متکبر و از کافران بود. ص: 73-74]. و حق تعالی فرمود: و چون به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، جز ابلیس سجده کردند، او از جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد.

[ ص 131] پس ابلیس از بالاترین ملا فرود آمد و سرنوشتی بر او حرام شد که سکونتش در او باشد، پس حقیر و ذلیل و مذموم و شکست خورده و با تهدید آتش به زمین فرود آمد، او و پیروان او از جن و انس. جز این که او در گمراه کردن بنی آدم از هر راه و هر رصدخانه ای کوشید، چنانکه فرمود: آیا این را دیده ای که مرا گرامی داشتی، اگر مرا تا روز قیامت به تأخیر بیندازی، نسل او را جز اندک الاسراء: و ما هنگام ذکر آفرینش آدم علیه السلام ماجرا را به تفصیل ذکر می کنیم و مراد این است که جن از آتش آفریده شده اند و مانند فرزندان آدم هستند و می خورند و

می نوشند و تولید مثل می کنند. در میان آنان مؤمنان و در میان آنان کافراند، چنانکه خدای تعالی در سوره جن و در فرموده خداوند متعال درباره آنان فرمود:

و هنگامی که گروهی از جن را که قرآن می شنوند به سوی تو روی آوردیم، و چون در آن حاضر شدند، گفتند: گوش فرا دهید، و چون تمام شد، به سوی قوم خود روی آوردند که بیم دهند، گفتند: ای قوم ما. ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده است که تصدیق کننده آنچه پیش از آن بوده و به سوی حق و راه مستقیم هدایت می کند، از عذابی دردناک، و هر کس دعوت کننده خدا را اجابت نکند، در زمین ناتوان نیست. او جز او سرپرستی ندارد، اینان در گمراهی آشکارند (احقاف: 29-32). [ ص 132 ] و حق تعالی فرمود: بگو: به من وحی شد که گروهی از جن شنیدند و گفتند: ما قرآن شگفت انگیزی را شنیدیم که به سوی نیکی هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و هیچ کس را شریک پروردگار خود قرار نمی دهیم.

حق تعالی جد پروردگار ماست، مردانی از انس به مردانی از جن پناه می برند، ولی بر بار آنها می افزایند، و می پنداشتند که خدا کسی را نمی فرستد و ما آسمان را لمس کردیم و آن را مملو از نگهبانان و شهاب های قوی دیدیم و ما در صندلی های آن می نشستیم تا بشنویم، پس هر که گوش می دهد اکنون شهابی را در کمین او می یابد، و نمی دانم که آیا او با کسانی که روی زمین هستند شر می خواست یا آنها را می خواست. پروردگارشان هدایت است و ما از شایستگان و در میان ما کمتر از آن هستیم، ما راه قدر هستیم و گمان کردیم که خدا را در زمین کوتاه نخواهیم

کرد و او را در گریز ناکام نخواهیم کرد. ما هدایت را شنیدیم، به آن ایمان آوردیم،  
 خوب، و اگر در راه راست می‌گشتند، آب فراوان به آنها می‌نوشاندیم تا با آن  
 وسوسه‌شان کنیم، و هر که از یاد پروردگارش روی گردان شود. او را به عذابی  
 صعودی خواهد برد. [الجن: 1-17].

تفسیر این سوره و کامل بودن داستان را در آخر سوره احقاف ذکر کردیم و احادیث  
 مربوط به آن را در آنجا ذکر کردیم و اینکه این افراد از جنیان نصیبین بودند و در برخی  
 آثار از جنیان بصره و اینکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله گذشتند در حالی که  
 ایستاده بود و با اصحاب خود در نخل نخل نماز می‌خواند، سرزمین مکه، پس  
 ایستادند و گوش فرا دادند. به تلاوت او، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم  
 یک شب کامل با آنان ملاقات کرد و از آنچه امر و نهی فرمود از او پرسیدند و از او  
 طعام خواستند و حضرت فرمودند. فرمود: برای شما هر استخوانی که نام خدا بر آن  
 برده شود، آن را فراوان خواهید یافت [ ص ] و پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده از  
 آنها را برای نظافت نهی فرمود. و گفت: آنها جمع برادران جن هستند. بول کردن در  
 گله را نهی کرد؛ زیرا آنها خانه های جنیان هستند و رسول خدا صلی الله علیه و  
 آله و سلم سوره الرحمن را بر آنها تلاوت کرد، پس او را با آیه ای از آن عبور نداد.  
 آیا نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ مگر اینکه گفتند: پروردگارا ما هیچ یک  
 از نعمت های تو را انکار نمی کنیم، پس حمد و ستایش مخصوص توست. و پیامبر



صلی الله علیه و آله و سلم وقتی این سوره را برای مردم خواند، آنها را به همین دلیل ستایش کرد، ولی سکوت کردند و فرمودند: جنیان در جواب آنچه برایشان خواندم از شما بهتر بودند. کدام یک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ مگر اینکه گفتند: پروردگارا ما هیچ یک از نعمت های تو را انکار نمی کنیم، پس حمد و ستایش مخصوص توست . ترمذی از جابر و ابن جریر و بذر از ابن عمر روایت کرده است . علما در مورد مؤمنان جن اختلاف کردند که آیا آنها وارد بهشت می شوند یا ثواب اطاعت از آنها فقط مجازات آتش نیست؟ در دو قول؛ دیدگاه صحیح این است که به سبب عموم قرآن و عموم فرموده حق تعالی: و هر که از ایستادن در مقام پروردگار خوف دارد دو باغ است کدام یک از نعمتهای شما وارد بهشت می شوند. پروردگارا آیا انکار می کنی؟ (الرحمن: 46-47) [ ص: 134 ] پس حق تعالی از آنها سپاسگزار است، و اگر به آن نمی رسیدند، آن را ذکر نمی کرد و به آنان وعده برکت داد، و این به تنهایی دلیل مستقلی در این مورد است. خدا بهتر می داند. بخاری گفت : به ما بگو

قتیبه عن مالک عبد الرحمن بن عبدالله بن عبدالرحمن بن ابی صعصعه از پدرش : که ابوسعید خدری به او گفت: می بینم. شما گوسفندان و بیابان را دوست دارید، هیچ انسانی و شیئی نیست مگر اینکه در قیامت به آن شهادت دهد. گفت: ابوسعید : از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم . بخاری به تنهایی بدون

مسلم . و اما کافران جن؛ در میان آنها شیاطین هستند و بزرگترین آنها شیطان دشمن آدم و پدر انسان است و او و فرزندانش بر آدم و فرزندانش قدرت داده اند. [الاسراء: 65]. و خدای تعالی فرمود: همانا شیطان گمان خود را بر آنان تأیید کرد، پس جز گروهی از مؤمنان از او پیروی کردند، و او بر آنان تسلطی نداشت جز تا بدانیم چه کسانی به آخرت ایمان دارند از کسانی که در شک هستند. و پروردگارت بر هر چیزی نگهبان است [سبأ: 20-21]. و حق تعالی فرمود: ای فرزندان آدم، شیطان شما را اغوا نکند همانطور که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون آورد و لباسشان را از تنشان درآورد تا برهنگی آنها را نشان دهد، همانا او و قبیله اش شما را از جایی می بینند که شما نمی بینید. آنها را ببین . [ ص 135 ] و فرمود: و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من انسانی را از گل از لجن کهنه می آفرینم، پس اگر او را قالب زدم و از روح خود در او دمیدم، سقوط کنید. برای او سجده کن. « سپس همه فرشتگان با هم سجده کردند، مگر ابلیس که از همراهی با سجده کنندگان امتناع کرد. گفت: برای انسانی که او را از گل از لجن کهنه آفریدی سجده نمی کنم ، گفت: از آن خارج شو که ملعون هستی و لعنت بر تو تا روز قیامت است. گفت: پروردگارا، به من بنگر تا روزی که برانگیخته شوی ، گفت: تو از منتظران روز عالم هستی ، گفت: پروردگارا به آنچه داری. مرا اغوا کرد، قطعاً آنها را در زمین جذاب خواهم کرد و همه آنها را فریستم ، مگر بندگان مؤمن در میانشان. کسانی که از گمراهان از تو پیروی می کنند ، و جهنم وعده آنها به همه

آنهاست ، هفت در دارد که برای هر یک سهمی تقسیم شده است (حجر: 28-44). خداوند متعال این داستان را در سوره بقره و در اعراف و در اینجا و در سوره سبحان و در سوره طه و در سوره ص ذکر کرده است و ما همه اینها را در جای خود در کتاب تفسیر خود مطرح کرده ایم. ستایش خدا. انشاءاللهدر داستان آدم ذکر می کنیم.

مقصود این است که ابلیس را خداوند دید و تا قیامت به تأخیر انداخت. آزمایشی برای بندگانش و امتحانی از سوی او برای آنان، چنانکه خداوند متعال فرمود: و او بر آنان تسلط نداشت مگر برای اینکه بدانیم چه کسانی به آخرت ایمان دارند از کسانی که در آن شک دارند و پروردگار تو نگهبان است. از هر چیزی [سبأ: 21]. [ ص: 136 ] و حق تعالی فرمود: و شیطان گفت: چون کار قطعی شد، خداوند به شما وعده حق داد، و من به شما وعده دادم، پس شما را ناکام کردم، عذابی دردناک ، و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند. در باغهایی وارد می شوند که از زیر درختانش نهرها جاری است و به اذن پروردگارشان در آن جاودانه اند و سلامشان در آنجا سلام است (ابراهیم: 22-23).

ابلیس ملعون خدا اکنون زنده است و تا قیامت در متن قرآن قابل مشاهده است و تختی بر روی دریا دارد و بر آن می نشیند و دسته های خود را برای انداختن می فرستد. شر و وسوسه در میان مردم. و خداوند متعال فرمود: مکر شیطان ضعیف بود [نساء: 76]. قبل از نافرمانی کبیره او عزازل نام داشت، نقاش گفت : کنیه او

ابوکردوس بود . به همین دلیل است که پیامبر صلی الله علیه و آله به ابن صیاد فرمود: چه می بینی؟ گفت: بر آب تختی می بینم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: زیان کن که از تقدیرت تجاوز نخواهی کرد. پس دانست که مضمون ظهورش که شیطان را با آن نازل کرد، از شیطانی است که در دریا ناظر تخت اوست، و به همین دلیل به او گفت: رها کن که از سرنوشتت تجاوز نخواهی کرد. ” یعنی: من از ارزش حقیر و حقیر شما تجاوز نمی کنم.

و شاهد [ ص 137 ] این است که تخت ابلیس بر دریا استحدیثی که از امام احمد نقل شده است ، ابوالمغیره به ما گفت، صفوان به ما گفت، معاذ التمیمی به من گفت ، از جابر بن عبدالله گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود: تخت شیطان در دریا است. امام احمد فرمود : روح به ما گفت، ابن جریج به ما گفت ، ابوالزبیر به من گفت : از جابر بن عبدالله شنید که می گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: عرش شیطان است. روی دریا . منحصر به فرد بودن این چهره و او گفت

امام احمد : مامل به ما گفت، حماد به ما گفت، علی بن زید به ما گفت ، از ابی نضره ، از جابر بن عبدالله، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند. به ابن ساعد : چه می بینی؟ گفت: بر آب تختی می بینم. یا فرمود: اطراف دریا مارها هستند. رضی الله عنه فرمود: آن تخت ابلیس است. در مسند جابر این گونه نقل شده است. و در مسند ابی سعید گفت عفان به ما گفت حماد بن سلمه به ما

گفت علی بن زید عن ابی نضره عن ابی سعید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم . بر او گفت ابن سید : چه می بینی؟ گفت: تختی را در دریا می بینم که مارهایی در اطراف آن هستند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن تخت ابلیس است.

و امام احمد از طریق معاذ التمیمی و ابوالزبیر از جابر روایت کرده است [ ص . و امام مسلم از حدیث اعمش از ابوسفیان طلحه بن نافع و جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: شیطان تخت خود را بر روی آب می گذارد، سپس دسته های خود را در میان مردم می فرستد و نزدیک ترین آنها کسی است که در وسوسه او از همه بزرگتر است. ابلیس می گوید: نه، به خدا قسم، کاری نکردم. و یکی از آنها می آید و می گوید: من او را ترک نکردم تا اینکه او را از خانواده اش جدا کردم. فرمود: پس به او نزدیک می شود و او را نزدیک می کند و به او می چسبد و می گوید: آری تو هستی . فتح النون روایت می کند یعنی: آری، تو سزاوار عزت هستی. و با شکستن آن یعنی: آری از شما. برخی از نحویان جواز ضمیر بلی بودن موضوع را استنباط کرده اند که اندک است و شیخ ما الحافظ ابوالحجاج الاول آن را برگزید و بر اساس آنچه ذکر کردیم راهنمایی کرد و الله اعلم.

و این حدیث را ذکر کردیم که حق تعالی فرمود: آنچه میان مرد و زنش فرق می گذارند [بقره: 102]. یعنی: جادوی دریافتی از شیاطین انس و جن به واسطه آن حاصل می شود تا دو نفری که با هم هماهنگ هستند، بسیار نزدیک هستند،

یکدیگر را دوست دارند، از هم جدا می شود و به همین دلیل ابلیس شکر می کند. کوشش هر که موجب آن شد، مؤذاتین از انواع بدی ها و اسباب و غایات آن دفع می کنند، مخصوصاً سوره: بگو پناه می برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، خدای مردم، از شر نجواهای مردمی که در سینه اهل بهشت و مردم نجوا می کنند . « و ثابت شد [ ص 139 ] در دو صحیح از انس و در صحیح بخاری از صفیه بنت حوی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: : شیطان مانند خون از بنی آدم جاری می شود . الحافظ ابوعلی الموسیلی گفت

محمد بن بحر به ما گفت، عدی بن ابی عماره به ما گفت، زیاد النمیری به ما گفت از انس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شیطان پوزه خود را بر سر می گذارد. قلب پسر آدم، پس اگر یاد خدا کرد پاک می شود و اگر فراموش کرد دلش را ببلعد، این وسواس مردم است. و چون یاد

خدا شیطان را از دل بیرون می کند، در آن تذکری برای فراموشکاران است، چنان که حق تعالی فرمود: و اذا ربکم فی انذا الذکر [کهف: 24]. و پسر موسی گفت: و چیزی جز شیطان او را فراموش نکرد که به او یادآوری کنم (کهف: 63). و حق تعالی فرمود: پس شیطان او را یاد پروردگارش فراموش کرد [یوسف: 42]. منظور ساقی است که یوسف به او گفت : مرا نزد پروردگارت یاد کن . ساقی فراموش کرد آن را به پروردگارش، یعنی پروردگارش، پادشاه، ذکر کند. و همین بود [ ص: 140 ] فراموشی از شیطان است، پس یوسف چند سال در زندان ماند و به همین جهت

پس از او گفت: و کسی که از آن دو فرار کرد و پس از امتی گفت [یوسف: 45] از او یاد شد. یعنی: یاد کن که یوسف به او گفت: مرا نزد پروردگارت یاد کن. پس از مدتی می‌خواند: «بعد از مادرش» یعنی فراموشی، آنچه در مورد فراموش‌کننده گفتیم آن است که سیراب کند، درست‌تر از آن دو نظر است، چنان که در تفسیر بیان کردیم و خدا می‌داند. بهترین. امام احمد

فرمود: محمد بن جعفر به ما گفت، شعبه به ما گفت، عاصم از ابوممه شنیدم. از ردیف، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله به الاغ خود برخورد کرد و گفت: وای بر شیطان. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لعنت الشیطان» نگوید، زیرا اگر بگوید: «شیطان غمگین باد»، خود را بلند کرد و گفت: «به قوت من! من او را شکست داده‌ام.» و اگر بگویم: بسم الله. تساجر تا مثل مگس شود. احمد به آن اشاره کرد و زنجیره انتقال خوبی است. احمد گفت: ابوبکر حنفی به ما گفت، ضحاک بن عثمان به ما گفت، از سعید مقبری، از ابوهریره، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. او گفت: اگر یکی از شما در مسجد باشد، شیطان می‌آید و او را فلج می‌کند، همانطور که مردی حیوان سوار خود را کبود می‌کند. ابوهریره گفت: و می‌بینی که؛ و اما المزنوک را می‌بینی که اینگونه تکیه داده و خدا را ذکر نمی‌کند. امام احمد فرمود: ابن نمیر برای ما روایت کرد [ص 141] ثور یعنی ابن یزید به ماخول از ابوهریره گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود: چشم بد حق است و

شیطان و حسد بن آدم در آن حضور دارد. امام احمد فرمود: وکی به ما گفت: عن سفیان ، منصور ، ذر بن عبدالله همدانی، عبد الله بن شداد ، ابن عباس . گفت: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله من چیزی به خود می گویم. زیرا شخص دیگری از بهشت برای من عزیزتر از صحبت با اوست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند بزرگ است، الحمدلله که مکر خود را به نجوا برگرداند . ابوداود و نسائی از حدیث منصور روایت کرده اند . \_ \_ بخاری گفت: یحیی بن بوکیر به ما گفت ، لیث به ما گفت: از عقیل ، از ابن شهاب ، گفت: عروة به من گفت ، گفت: ابوهریره گفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. صلوات الله علیه و آله فرمود:

شیطان نزد یکی از شما می آید و می گوید: چه کسی فلان را آفریده است؟ چه کسی این را ایجاد کرد؟ تا اینکه می گوید: پروردگارت را چه کسی آفرید؟ اگر به آن رسید، به خدا پناه برد و دست بردارد . پس مسلم از حدیث لیث و از حدیث زهری و هشام بن عروة هر دو بر عروة روایت کرده است. و خدای سبحان فرمود: همانا کسانی که از خدا می ترسند، چون گروهی از شیطان به آنها دست می زند، یاد می کنند و می بینند [الاعراف: 201]. و خدای تعالی فرمود: و بگو: پروردگارا، از تلقینات شیاطین به تو پناه می برم و به تو پناه می برم ای پروردگار من، باشد که بیابند (مؤمنون: 97-98). . [ ص: 142 ] و حق تعالی فرمود: و اگر شیطان شما را به خشم آورد، به خدا پناه ببرید که او شنوا و داناست [اعراف: 200]. و حق تعالی



فرمود: پس اگر قرآن می خوانی از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببر که او بر کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل کرده اند تسلط ندارد و حجت او فقط بر مراقبان و شرک آوران است. با او [نحل: 98-100]. امام احمد و اهل سنن از حدیث

ابی متوکل از ابی سعید روایت کرده اند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: به خدا پناه می برم. شنوا و دانا از شیطان ملعون از وسوسه و دمیدن و دمیدن او. همین طور از روایت جبیر بن معتم و عبدالله بن مسعود و ابی اسامه باهیلی و تفسیر آن در حدیث آمده است: . و در دو صحیح از انس ثابت شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی وارد غسلخانه می شد می فرمود: از فسق و فجور به خدا پناه می برم. بسیاری از علما گفتند: از شیاطین زن و مرد پناه برد.

و امام احمد از سوریج از عیسی بن یونس و از ثور [ ص 143 ] از حسین از ابوسعید الخیر روایت کرده است. یکی از اصحاب عمر رضی الله عنه از ابوهریره می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر که مدفوع کرد، اگر چیزی جز جمع آوری تپه شنی نیافت، بیوشاند. سپس آن را برگرداند، زیرا شیطان با کرسی های بنی آدم بازی می کند. از ابوداود روایت شده است. و ابن ماجه از حدیث ثور بن یزید. بخاری می گوید: عثمان بن ابی شیبه به ما گفت، جریر به ما گفت، از العمش، از عدی بن ثابت، گفت: گفت: سلیمان بن سرد، دو نفر به پیامبر دشنام

دادند. صلوات الله عليه و آله و سلم با او نشسته بودیم و گفت: من سخنی می دانم که اگر می گفت هر چه یافته بود گم می کرد اگر می گفت: به خدا پناه می برم. از شیطان ملعون.» به آن مرد گفتند: آیا نمی شنوی پیامبر صلی الله علیه و آله چه می گوید؟ گفت: من دیوانه نیستم. مسلم و ابوداود و نسائی نیز به سندهای مختلف از اعمش روایت کرده اند. و او گفت

امام احمد: محمد بن عبید به ما گفت، عبیدالله بن عمر از نافع از ابن عمر به ما گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ یک از شما با آن غذا نمی خورد. دست چپش یا با دست چپ می نوشد، زیرا شیطان با دست چپ می خورد و با دست چپ می نوشد. این طبق شرایط دو صحیح با این سند است و در صحیح بدون این [ص 144] وجه است.

و امام احمد از حدیث اسماعیل بن ابی حکیم عروة عایشه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود: هر که با آن غذا بخورد. با دست چپش شیطان با او غذا می خورد و هر که با دست چپ بیاشامد شیطان با او می نوشد. و او گفت

امام احمد: محمد بن جعفر به ما گفت شعبه به ما خبر داد از ابوزیاد طحان شنیدم که ابوهیریه می گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که دید. مردی ایستاده آب می خورد و به او گفت: غازها. گفت: چرا؟ گفت: دوست داری گربه ای با تو بنوشد؟ او گفت نه. فرمود: هر که از شیطان بدتر است با تو مشروب خورده است

. احمد از این جهت برای او منحصر به فرد است. همچنین گفت: عبدالرزاق به ما گفت، معمر به ما گفت: عن الزهري ، از مردی، از ابوهریره که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود: اگر کسی که ایستاده می نوشد بداند در شکمش چیست، استفراغ می کرد. گفت: عبدالرزاق از معمر به ما گفت. الاعمش عن ابوصالح عن ابوهریره عن رسول الله صلی الله علیه وسلم با همین حدیث زهري . امام احمد فرمود : موسی به ما گفت، ابن لحيه به ما گفت از ابی الزبير از جابر پرسید : از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: اگر مردی وارد خانه اش شد، او هنگام ورود و هنگام اطعام نام خدا را ذکر می . کند و اگر وارد می شد و در هنگام ورود نام خدا را نمی گفت، می گفت: آمده ای شب را بمانی. و اگر در غذای خود نام خدا را نمی آورد، می گفت: برای خواب و شام آمده اید. گفت: بله . بخاری گفت : محمد به ما گفت

عبدالله به ما گفت، محمد به ما گفت ، از هشام بن عروة ، از پدرش، از ابن عمر ، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر چشمه خورشید طلوع کند، پس از نماز دست بردار تا ظاهر شود، و چون چشمه خورشید غروب کند، نماز را متوقف کن تا غروب کند، و با نماز منتظر نماز تا طلوع خورشید غروب نکند، زیرا در میان روز طلوع می کند. شاخ شیطان یا شیاطین . هشام گفت: نمی دانم این چیست . مسلم و نسائی از حدیث هشام روایت کرده اند . بخاری گفت : عبدالله بن مسلمه از مالک و عبد الله بن دینار از ابن عمر به ما خبر داد . گفت: رسول خدا

صلی الله علیه و آله را دیدم که به مشرق اشاره می کند و می فرماید: اینجا فتنه است، فتنه اینجاست که شاخ شیطان از آنجا بیرون می آید. بخاری آن را تنها با آن از این صورت این گونه نقل کرده است. و در سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله از نشستن بین خورشید و سایه نهی کرده است. گفت شورای شیطان است. در این معانی ذکر کرده اند؛ یکی از بهترین آنها این است که نشستن در چنین وضعیتی باعث تحریف اخلاق در آنچه می بیند، می شود، [ص: 146] شیطان او را دوست دارد؛ زیرا خلقت او در خود مخدوش است و این در اذهان مستقر است و از این جهت حق تعالی فرمود: چنان جوانه زد که گویا سرهای شیاطین است. [الصافات: 65]. نظر صحیح این است که آنها شیاطین هستند نه مار که برخی از مفسرین ادعا می کنند و خدا دانایتر است. زشتی شیاطین و خوش اخلاقی فرشتگان در جان ها کاشته می شود، هر چند که آنها را نبینند، و به همین دلیل است که خداوند متعال می فرماید: آنها را چنان جوانه زد که گویی رؤسای شیاطین و زنان است. چون جمال یوسف را دیدند گفتند: خدای ناکرده این انسان نیست، این پادشاهی سخاوتمند است (یوسف: 45). بخاری گفت: یحیی بن جعفر به ما گفت، محمد بن عبدالله انصاری به ما گفت، ابن جریج به ما گفت، عطا به من گفت: از جابر، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، او گفت: اگر التماس کرد یا شب شد، فرزندان خود را مهار کنید، زیرا شیاطین در آن وقت گسترده شده اند، اگر ساعتی از شام گذشته است، آنها را رها کنید و در خود را ببندید و نام خدا

را ببرید و خاموش کنید. چراغت را و نام خدا را ببر و پوست آب خود را ببند و نام خدا را ببر و ظرف خود را دم کن و نام خدا را بر زبان جاری کن، هر چند به او تقدیم شود . آن را احمد از یحیی از ابن جریر

روایت کرده است . و دارد: شیطان در بسته را باز نمی کند . امام احمد می فرماید : وکی از فطر از [ ص ] برای ما روایت کرده است . درهای خود را ببندید و ظروف خود را بپوشانید و آبخوری های خود را ببندید و چراغ های خود را خاموش کنید زیرا شیطان در بسته را نمی گشاید و پوششی را آشکار نمی کند و دستگیره را باز نمی کند و فصیقه خانه را به آتش می کشد. برای مردمش . به معنی موش بخاری می گوید : آدم به ما گفت شعبه به ما گفت: از منصور ، از سالم بن ابی الجاد ، از کریب ، از ابن عباس ، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله. خداوند رضی الله عنه می فرماید: اگر یکی از شما می خواست نزد خانواده اش برود، می گفت: خدایا ما را از شیطان دور کن و از شیطان نجات بده، چه کردی؟ به من بدهید؟ اگر بین آنها فرزندی باشد، شیطان به او آسیبی نمی رساند و او را بر او مسلط نمی کند . عمش به ما گفت علی سالم و عن کریب عن ابن عباس . مثل او .

و نیز از موسی بن اسماعیل و همام و منصور و سالم و از کریب و از ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است. صلوات الله علیه و آله و سلم که فرمود: اگر یکی از شما وقتی نزد خانواده اش آمد، بگوید: به نام خدا، خدایا ما را

از شیطان و از جانب شیطان، آنچه داده ای نجات بده. ما . آنها پسری به دنیا آوردند که شیطان به او آسیبی نرساند . بخاری

گفت : اسماعیل به ما گفت، برادرم به ما گفت: از سلیمان ، از یحیی بن سعید ، از سعید بن مسیب ، از ابوهریره ، رسول خدا صلوات الله علیه و آله فرمود: شیطان در هنگام خواب سه گره پشت سر یکی از شما می بندد. هر گرهی سر جای خودش می زند، شب طولانی داری پس بخواب. اگر بیدار شود و به یاد خدا باشد گرهی باز می شود و اگر وضو بگیرد گره باز می شود و اگر نماز بخواند همه گره هایش باز می شود فعال و خوش روح می شود وگرنه از روح شیطانی می شود. و تنبلی . این گونه است که خود [ ص 148 ] از این سند نقل کرده است. بخاری گوید :

ابراهیم بن حمزه به ما گفت، ابن ابی حازم به من گفت: علی یزید ، یعنی ابن الهادی ، از محمد بن ابراهیم ، از عیسی بن طلحه ، از ابوی . هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: اگر یکی از شما از خواب بیدار شد و وضو گرفت باید سه مرتبه آن را بپاشد و شیطان بر روی بینی او می خوابد. . مسلم از هومان بن الحکم از الدراوردی و النسائی از محمد بن زنبور از عبدالعزیز بن ابی حازم هر دو روایت کرده است . از یزید بن الهادی . بخاری می گوید : عثمان بن ابی شیبه به ما گفت، جریر به ما گفت ، از منصور ، از ابی وائل ، از عبدالله، گفت: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شد. سلام بر او که تمام شب را تا صبح خوابید. فرمود: آن مردی است که ادرار شیطان در گوش دارد، یا گفت: در

گوشش . مسلم از عثمان و اسحاق روایت کرده است ، هر دو بر جریر آن. بخاری و نسائی و ابن ماجه نیز از حدیث منصور بن معتمر وارد کرده اند . بخاری می گوید :

محمد بن یوسف به ما گفت، اوزائی به ما خبر داد از یحیی بن ابی کثیر ، از ابوسلمه ، از ابوهریره که گفت: رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر نماز خوانده شود شیطان روی برمی گرداند و گوز می زند و اگر تمام شود جلو می آید و اگر به آن ملبس شود روی برمی گرداند، چون تمام شد. ، ادامه می دهد تا بین انسان و قلب او واقع شود و می گوید: فلان را یاد کن. [ ص: 149 ]

طوری که نداند سه نماز خوانده یا چهار؟ اگر نداند سه یا چهار نماز بخواند، دو سجده فراموشی را بجا آورد. پس آن را تنها با آن از این صورت روایت کرد. امام احمد فرمود : اسود بن عامر به ما گفت، جعفر یعنی الاحمر به ما گفت ، عطا بن الصائب از انس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. فرمود: درجات را ببندید، زیرا شیاطین در عدم تعادل پدید می آیند . احمد گفت : عفان به ما گفت، ابان به ما گفت ، قتاده از انس بن مالک به ما گفت که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: صفهای خود را به هم نزدیک و گردنهایتان را ببندید، زیرا سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، شیطان را می بینم که از شکافهای ردیف وارد می شود، گویی صلیب است. بخاری گفت: ابومعمر به ما گفت، عبدالورث به ما گفت ، یونس به ما گفت ، از حمید بن هلال ، از ابی صالح ، از ابی سعید ، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله. صلوات الله علیه می فرماید: اگر چیزی از مقابل

یکی از شما گذشت، جلوی آن را بگیرد و اگر امتناع کرد، جلوی آن را بگیرد و اگر امتناع کرد با او بجنگد که شیطان است . همچنین مسلم و ابوداود از حدیث سلیمان بن مغیره از حمید بن هلال روایت کرده اند . امام احمد فرمودند ابواحمد به ما گفت، مسرّه بن معبد به ما گفت ، ابوعبید صاحب سلیمان گفت: عطاء بن یزید لیثی را دیدم که ایستاده نماز می خواند ، پس رفتم [ ص . ] او برای خواندن نماز صبح برخاست. پشت سر او بود و او تلاوت می کرد، پس قرائت برایش آشفته شد، چون نمازش تمام شد، گفت: اگر من و ابلیس را دیدی، با دست به زمین افتادم و همچنان او را خفه می کردم تا اینکه آب دهانش را بین اینها سرد یافتم. دو انگشت: شست و کنار آن مدینه ، پس هر کس از شما می تواند بین او و قبله قرار نگیرد، این کار را انجام دهد . روایت ابوداود از او: «کسی که می تواند». و غیره، از احمد بن ابی سراج ، از ابی احمد محمد بن عبدالله بن الزبیر الزبیری . بخاری گفت : محمود به ما گفت، شبابه به ما گفت ، شعبه به ما گفت: از محمد بن زیاد ، از ابوهریره ، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. که نماز خواند و گفت: شیطان نزد من آمد و سعی کرد نماز را بر من قطع کند، پس خداوند به من قدرت داد . او این حدیث را ذکر کرد و مسلم و نسایی از حدیث مفصل شعبه نقل کرده اند. قول بخاری در تفسیر قول خود حضرت علی خبر از سلیمان علیه السلام است که فرمود:



پروردگارا، مرا ببخش و سلطنتی عطا کن که پس از من هیچ کس نداشته باشد، تو بخشنده هستی [ص 35]. از حدیث روح و غندر عن شعبه عن محمد بن زیاد و ابوهریره عن رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرمود: یک افريت. از جن [ص 151] [دیروز بر من گریخت . یا کلمه ای شبیه آن که نمازم را قطع کند، پس خداوند مرا به او توان بخشید، خواستم او را به تیری از ستون های مسجد بیندم تا صبح همگی به او نگاه کنید، پس به یاد آوردم که برادرم سلیمان چیست. گفت :

پروردگارا، مرا ببخش و سلطنتی عطا کن که پس از من هیچ کس نداشته باشد، تو بخشنده ای . فرمود: نفس فرد او زیانکار است. و مسلم از ابو ادريس از ابودردا روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به نماز برخاست و شنیدیم که می گفت: پناه می برم. خدا از تو . سپس فرمود: تو را به لعنت خدا لعنت می کنم . سه بار دستش را دراز کرد چنانکه چیزی به دست گرفته بود، چون از نماز فارغ شد، گفتیم: یا رسول الله، شنیدیم که در نماز چیزی گفتی که قبلاً نشنیده بودی و دیدیم که دراز شدی. دست تو. گفت: دشمن خدا ابلیس با شهابی از آتش آمد تا به صورتم بزند، گفتم: سه بار از تو به خدا پناه می برم. سپس گفتم: شما را به لعنت کامل خدا لعنت می کنم و او درنگ نکرد. سپس خواستم او را ببرم، به خدا سوگند اگر دعوت برادرمان سلیمان نبود، دو پسر اهل مدینه او را بسته و بازی می کردند . و حق تعالی فرمود: پس فریب زندگی دنیا را نخورید و فریب خدا را نخورید. [لقمان: 33]. یعنی شیطان. و خداوند متعال فرمود: شیطان با شما دشمن است، پس او را دشمن بگیرید. شیطان در تمام حالات و حرکات و منازل انسان را از

تباهی همت و نیروی او دریغ نمی‌کند، چنانکه حافظ ابوبکر بن ابی‌الدنیا رحمه‌الله در این باره کتابی نوشت که آن را نامید. «تله های شیطان» و فواید زیادی دارد.

[ص: 152] و در روایات ابی داوود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در دعای خود می فرمود: به تو پناه می برم که شیطان مرا بمیراند. و در بعضی از روایات روایت کردیم که فرمود: پروردگارا، به عزت و عظمت تو، تا زمانی که روحشان در بدنشان است، به اغوای آنها ادامه می دهم. و خداوند متعال فرمود: سوگند به عزت و جلالتم، تا زمانی که از من استغفار کنند، به عفو آنان ادامه خواهم داد. خداوند متعال فرمود: شیطان به شما وعده فقر می دهد و به فحشا فرمان می دهد و خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و فضل می دهد و خداوند گشایشگر و داناست [بقره: 268]. پس وعده خدا حق و حق است و وعده شیطان باطل است و ترمذی و نسایی و ابن حبان در صحیح خود و ابن ابی حاتم در تفسیر حدیث نقل کرده اند. عطاء بن الصائب رضی الله عنه مره همدانی از ابن مسعود که می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شیطان با پسر پیوند دارد. آدم و پادشاه پیوند دارند. لعن شیطان تهدید به بدی و انکار حق است و لعن پادشاه وعده خیر و تأیید حق است پس هر که آن را بیابد بگذار. بدان که از جانب خداست، خدا را ستایش کند، و هر که دیگری را یافت، از شیطان پناه ببرد، سپس خواند: شیطان به شما وعده فقر می دهد و به فحشا فرمان می دهد و خداوند به شما وعده آمرزش و فضل می دهد و خداوند گشایشگر و داناست.

و در فضیلت سوره بقره ذکر کردیم که شیطان از خانه ای که در آن خوانده می شود می گریزد [ ص . بخاری گفت : عبدالله بن یوسف به ما گفت ، مالک به ما گفت : صومی ، ابو صالح ، ابوهریره ، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : هر کس بگوید: معبودی جز خدا نیست، او شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست و ستایش از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست. در یک روز صد مرتبه برابر با ده غلام بود و صد حسنه برای او نوشته شد و صد بدی از او زدوده شد و از شیطان آن روز تا شام محفوظ بود و هیچ مردی نبود. با چیزی بهتر از آنچه آورده بود آمد مگر کسی که بیشتر از آن را انجام داد . و مسلم و ترمذی و ابن ماجه آن را از حدیث مالک آورده اند. ترمذی گفت : حسن صحیح. بخاری می گوید : ابوالیمان به ما گفت، شعیب به ما گفت ، از ابوالزیناد ، از العرج ، از ابوهریره ، گفت: او صلوات الله علیه. بر او باد، فرمود:

هر بنی آدم هنگام تولد با انگشت خود به پهلوی شیطان خنجر می زند مگر عیسی بن مریم . منحصر به فرد بودن این چهره بخاری گوید : عاصم بن علی به ما گفت: ابن ابی ذیب از سعید مقبری از پدرش و از ابوهریره از پیامبر برای ما روایت کرده است . صلوات الله علیه و آله فرمود: خمیازه از جانب شیطان است، پس اگر یکی از شما خمیازه بکشد [ ص : ها. شیطان خندید . احمد و ابوداود و ترمذی آن را روایت کرده اند و نسائی آن را از حدیث ابن ابی ذیب صحیح دانسته است. و در

یک کلام اگر یکی از شما خمیازه می کشد، تا جایی که می تواند خمیازه می کشد، زیرا شیطان وارد می شود . امام احمد

فرمود : عبدالرزاق به ما گفت ، سفیان به ما گفت از محمد بن عجلان ، از سعید مقبری ، از پدرش، از ابوهریره ، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند عطسه را دوست دارد و از خمیازه بیزار یا بیزار است، پس اگر بگوید: یکی از شما ها ها. فقط شیطان از درونش می خندد . ترمذی و نسایی آن را از حدیث محمد بن عجلان روایت کرده اند . بخاری گفت : حسن بن الربیع به ما گفت، ابوالاحواس به ما گفت.

از اشعث از پدرش از مسروق می گوید: عایشه گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره مردی که در نماز روی برگرداند سؤال کردم. فرمود: این اختلاس است که شیطان از نماز یکی از شما اختلاس کند . و به این ترتیب ابوداود و نسائی از اشعث بن ابی الشعثه سلیم بن اسود محاربی از پدرش از مسروق به آن روایت کرده اند. . بخاری از حدیث اوزاعی از یحیی بن ابی کثیر روایت کرده که عبدالله بن ابی قتاده به من گفت از پدرش گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم. درود خدا بر او فرمود: رؤیت [ ص 155 ]

حسنات از جانب خداست و خوابها از شیطان، اگر یکی از شما خوابی ببیند که از آن می ترسد، تف به سمت چپ خود بیندازد و از شر آن به خدا پناه ببرد که ضرری به او نمی رساند . امام احمد فرمود : عبدالرزاق به ما گفت، معمر به ما گفت ، از

همام ، از ابوهیره ، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ یک از شما نیست. با اسلحه به سوی برادرش برود، زیرا هیچ یک از شما نمی دانید که شاید شیطان دست او را بگیرد و در گودالی از آتش بیفتد . آن را از حدیث عبدالرزاق خارج کنید. و خداوند متعال فرمود: به یقین آسمان پایین را به چراغها آراستیم و سنگسار شیاطین قرار دادیم و عذاب شعله سوزان را برایشان آماده کردیم [الملک: 5]. و او گفت : ما آسمانهای پایین را به زینت ستارگان آراسته ایم و از هر شیطان سرکشی محافظت می کنیم و به مجلس برتر گوش نمی دهند و از هر سو به عقب پرتاب می شوند و برایشان عذابی سخت است مگر یک نفر. که قاپ را ربود، سپس شهابی نافذ به دنبال او رفت [صافات: 6-10]. و خداوند متعال فرمود: و ما برجهایی در آسمان قرار دادیم و آنها را برای بینندگان زینت دادیم و آنها را از هر شیطان ملعون نگاه داشتیم، مگر کسانی که شنیده‌ها را استراق سمع می‌کنند، سپس ستاره‌ای روشن به دنبال او می‌آید (حجر). [16-18]. و حق تعالی فرمود: و آنچه را که شیاطین نازل کرده اند و آنچه را که باید و بر آن توانایی دارند، از شنیدن منزوی می شوند ( شعراء: 210-212). و خدای تعالی خبری درباره جن می‌فرماید: و آسمان را لمس کردیم و آن را پر از نگهبانان و شهاب‌های قوی یافتیم، و در آن کرسی‌ها می‌نشستیم تا بشنویم، پس هر که بشنود اکنون شهاب‌ها را در کمین او می‌بیند. : [8-9].

[ ص: 156 ] بخاری گفت . لیث گفت خالد بن یزید از سعید بن ابی هلال به من گفت که ابا الاسود از عروة و عایشه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او گفت. فرمود: فرشتگان با افسار گسیخته‌ها سخن می‌گویند و ابرها را رها می‌کنند در مورد آنچه در زمین است، پس شیاطین کلام را می‌شنوند و در گوش فال‌گیر می‌ریزند، چنانکه بطری آرام می‌گیرد، با صد دروغ . این گونه در شرح ابلیس در تفسیر لیث نقل کرده است. و آن را در وصف ملائکه از سعید بن ابی مریم و علی لیث و از عبید الله بن ابی جعفر و از محمد بن عبدالرحمن ابی الاسود روایت کرده است. ، عروة ، عایشه همین طور. این دو راه را بدون مسلمان . بخاری در جای دیگر

روایت کرده و مسلم از حدیث زهری از یحیی بن عروة بن الزبیر از پدرش روایت کرده گفت: عایشه گفت قوم پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات الله علیه از فالگیران پرسید و فرمود: آنها چیزی نیستند. گفتند: ای رسول خدا گاهی به ما چیزی می‌گویند و درست است. صلوات الله علیه می‌فرماید: آن حرف حق را جن می‌رباید و مانند غرغر مرغ در گوش ولی او غرغر می‌کند و صد دروغ را با آن مخلوط می‌کنند . این عبارت بخاری است. [ ص 157 ] بخاری گفت : الحمیدی به ما گفت، سفیان به ما گفت، عمرو به ما گفت، گفت: عکرمه شنید.

می‌گوید: از ابوهریره شنیدم که می‌گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هنگامی که خداوند در بهشت تصمیم می‌گیرد، فرشتگان بال‌های خود را

در تسلیم گفتار او می کوبند، چنان که گویی زنجیری بر آن است. صفوان. به آن که گفت: حق است و او بلندمرتبه و بزرگ است. پس شنونده آن را می شنود و استراق سمع کننده این گونه است، یکی روی دیگری . سفیان آن را با کف دست خود توصیف کرد، پس آن را تاب داد و بین انگشتان خود پراکنده کرد، پس این کلمه را می شنود و به زیرین خود می اندازد، سپس آن را به زیرین خود می اندازد تا آن را بر زبان جادوگر می اندازد. یا فالگیر، تا ستاره تیرانداز را پیش از آن که پرتاب کند، بگیرد، یا پیش از آنکه بگیرد، آن را بیفکند، و با آن صد دروغ بگوید، و گفته شود: مگر نه این که به ما چنین گفته است؟ و چنان، فلان و چنان. پس به آن کلمه ای که از بهشت شنیدم ایمان آورد . بخاری به تنهایی . مسلم از حدیث زهری روایت کرده است عن علی بن الحسین زین العابدین ، عن ابن عباس ، عن رجال انصار، عن رسول الله صلی الله علیه وسلم، چیزی شبیه این. و حق تعالی فرمود: و هر که از یاد خدای رحمان روی برگرداند ما او را با شیطان مخالفت می کنیم پس او همنشین اوست و آنان را از راه باز می دارند و گمان می کنند هدایت یافته اند تا زمانی که نزد ما می آید، می گوید: «ای کاش بین من و تو در دو مشرق فاصله بود ! و حق تعالی فرمود: و برای آنان اصحابی قرار دادیم، پس آنچه را که پیش از آنان بود و آنچه را که پشت سرشان بود برای آنان زینت بخشیدند [فصلت: 25]. آیه. و حق تعالی فرمود: رفیقش گفت پروردگارا من از او تجاوز نکردم، ولی او در گمراهی بسیار بود، گفت: با من نزاع نکنید و من شما را تهدید کردم که گفتارم را تغییر نمی دهد. و من بر بندگان ستم نمی کنم [س: 27-29]. [ ص 158 ] و حق تعالی فرمود:

و این گونه برای هر پیامبری دشمنی قرار دادیم شیاطین انس و جن و زینت گفتار و فریب به یکدیگر الهام می کنند و اگر پروردگارت می خواست این کار را نمی کردند .

و آنچه را که احمد و مسلم به واسطه منصور از سالم بن ابی الجاد از پدرش که رافع نام داشت از ابن مسعود که رفیع نام داشت درگفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ کس در میان شما نیست مگر این که همراهش از جنیان او را به او امانت داده است. و همسرش از فرشتگان. گفتند: و تو ای رسول خدا. فرمود: و من، ولی خداوند مرا در برابر او یاری کرد، پس مرا به نیکوکاری امر فرمود . امام احمد فرمود : به ما بگو

عثمان بن ابی شیبیه جریر از قابوس از پدرش و نامش حسین بن جندوب و ابوظبیان جنابی است از ابن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: هیچ کس در میان شما نیست که از شیاطین رفیقش به او سپرده نشده باشد. گفتند: و تو ای رسول خدا. فرمود: آری، ولی خداوند مرا در برابر او یاری کرد، پس مسلمان شد . احمد منحصر به آن است و به شرط صحیح است. امام احمد فرمود : هارون به ما گفت، عبدالله بن وهب به ما گفت ، ابو صخر از یزید بن قاسط به من گفت که عروة بن الزبیر به او گفت که عایشه علیها السلام : 159 [ شوهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله او را شب رها کرد. گفت: عایشه تو را چه شده است ، گفت، گفتم: چرا امثال من به امثال تو حسادت نکند؟ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آیا شیاطنات



تو را گرفته است؟» گفت: یا رسول الله یا با من دیو هست؟ فرمود: «آری.» گفتم: و با هر شخصی؟ گفت: «آری.» گفتم: و با تو ای رسول خدا؟ گفت: آری، ولی پروردگارم مرا بر ضد او یاری کرد تا مسلمان شوم، از این رو مسلم از هارون که ابن سعید الاثلی است به همین سلسله نقل کرده است. راویان امام احمد

فرمودند: از ابوهریره رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمن شیطان خود را سیر می کند چنانکه یکی از شما شتر خود را در سفر سیر می کند. احمد از این جهت برای او منحصر به فرد است. و معنی طغیان شیطان: تا پیشانی او را بگیرد و بر او چیره و مسخرش کند، چنانکه با شتر اگر گمراه شد و سپس بر آن چیره شد، و فرموده خدای تعالی درباره ابلیس: فرمود: «پس چون اغوا کردی. من حتماً بر راه راست تو برای آنها می نشینم، سپس از پیش روی و پشت سرشان و از راست و چپشان به سویشان می آیم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.» : 16 - 17]. امام احمد فرمود: هاشم بن القاسم به ما گفت، ابوعقیل به ما گفت، او عبدالله بن عقیل ثقفی است، موسی بن مسیب از سالم برای ما روایت کرد [ ص 160 ] ابن ابی الجاد.

صبرا بن ابی فکه می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: شیطان با زدن پسر آدم بر او نشست. پس بر راه اسلام نشست و گفت: آیا اسلام را می پذیری و دین خود و پدرانت را رها می کنی؟ فرمود: او را نافرمانی کرد و اسلام آورد. بلکه شباهت مهاجر از نظر طول مانند مادیان است. پس از او

سرپیچی کرد و هجرت کرد. سپس برای او در راه جهاد که همت و پول است، نشست و گفت: آیا می جنگی، پس می کشی، سپس با آن زن ازدواج می کنی، و مال تقسیم می شود؟ فرمود: «پس او را نافرمانی کرد و جهاد کرد». بر حق خدا بود که او را وارد بهشت کند و اگر غرق شد، بر حق خدا بود که او را وارد بهشت کند. او به ما گفت عبادۀ بن مسلم الفزاری، جبیر بن ابی سلیمان بن جبیر بن معتم به من گفت، از عبدالله بن عمر شنیدم که می گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صبح و شام این نداها را ترک نکرد. خدایا از تو سلامتی دنیا و آخرت را می خواهم، خدایا از تو طلب آمرزش و سلامتی در دین و امور دنیا و خانواده و مال خود دارم. و کی گفت: یعنی کسوف، ابوداود، نسائی، ابن ماجه، ابن حبان و حکیم از حدیث عبادۀ بن مسلم روایت کرده اند. و او گفت حکیم: صحیح است.

ماده ای که جن از آن آفریده شده است ماده ای که خداوند سبحان جن را از آن آفرید آتش است و این را چند دلیل شرعی اعم از قرآن کریم و یا سنت مطهر پیامبر بیان کرده است و در ذیل آمده است: شواهدی از قرآن (و جن را از نهر آتش آفرید). (و جن را قبلاً از آتش سموم آفریدیم). شواهد از سال (فرشتگان از نور آفریده شده اند و جن ها از شعله های آتش و آدم از آنچه برای شما توصیف شده آفریده شده است) خداوند جن را چه زمانی خلق کرد؟ قرآن کریم دقیقاً زمان و روزی را که

خداوند متعال جن را آفریده است، مشخص نکرده است، بلکه نشان می دهد که خلقت آنها قبل از خلقت انسان بوده است و این به صراحت در قرآن آمده است که خداوند متعال می فرماید : و جن را قبلاً از آتش سموم آفریدیم) و بر این اساس وجود جن بر وجود انسان مقدم بود.

## خصوصیات جن

جن از غیب است که ما نمی توانیم آن را بفهمیم جز آنچه از خداوند متعال در قرآن حکیم آمده است یا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نبوی مطهرش درباره آن فرموده است. سنت. بر این اساس شناخت خصوصیات جن جز به گواهی متون شرع ممکن نیست که در زیر به برخی از این خصوصیات اشاره می شود: می خوردند و می نوشند رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود که جن می خوردند و می نوشند و این در تعدادی از احادیث شریف پیامبر آمده است آن حضرت می فرماید: (هیچ یک از شما با دست چپ خود غذا نخورد و با آن آب ننوشید، زیرا شیطان با دست چپ می خورد و با آن می نوشد). و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ((خود را با سرگین و استخوان پاک نکنید که برادران شما را از جنیان زیاد می کند). که آنها را تکثیر می کنند لقد أخبر الله - عزَّ وجلَّ - في القرآن الكريم، أنَّ الجنَّ يتكاثرون ويتناسلون، وقد جاء ذلك في قوله - تعالى -: (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ ۖ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَأَنْهَا دُشْمَنَ شَمَا هَسْتَنَدَ، بَدْبَخْتِي بَرَاي سَتَمَكَارَان . قَادِر بَه

تشکیل هستند از جمله صفات ایشان که خداوند متعال به آنها فرمود این است که می توانند به صورت انسان یا حیوان درآیند و این در کلام خداوند متعال آمده است :

آن دو جناح دیدند که او بر روی خود می چرخید. پاشنه پا می زند و می گوید:

"من از شما بی گناهم. من چیزی را می بینم که شما نمی بینید. من از خدا می ترسم . " حکمت خلقت جن خداوند تبارک و تعالی جن را بیهوده نیافرید، بلکه آنها را برای حکمت بزرگی آفرید که نشان از عبادت او به تنهایی بدون شریک و انجام آنچه او دستور داده و از همه حرامات خود دوری می کند، است و خداوند متعال در کتاب جلیل خود فرموده است. حکمت خلقت جن، آنجا که حق تعالی فرمود: (وَ لَا خَلْقُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ). پس خداوند سبحان در اینجا فرمود که حکمت خلقت جن و انس این است که خدا را پرستند .

### مخلوق جن

گفت، خداوند متعال فرمود: {وَ لَا خَلْقَتَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَا} (56) آنچه از روزی آنها را می خواهم و آنچه را می خواهم اطعام کنم ( 57 ) . و خداوند متعال فرمود: {انسان از گل مانند سفال (14) و جن از آب جوشان از آتش آفریده شده است (15) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید (16)} [رحمن: 14 - 16] . خداوند تبارک و تعالی ملائکه را از نور و جن را از آتش و انسانها را از خاک آفرید چنانکه سبحان الله می فرماید :

[حجر: 26، 27] .

و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان از نور و جن ها از شعله های آتش و آدم نیز از آنچه برای شما توصیف شد آفریده شده است

و ابلیس: او پدر شیاطین است و فرزندی دارد که جز با او نمی میرند و او از جنیان است ولی شیطان پاک است.

و آدم : او پدر مردم است و در میان آنها مؤمن و کافر است.

و ملائکه: خداوند آنها را از نور آفرید، و ملزم به اطاعت هستند.

ملائکه به خیر گرایش دارند و شیاطین به بدی گرایش دارند. جن و انس مستعد ایمان و کفر آماده هدایت و گمراهی هستند.

برای شناخت ملائکه و جن راهی جز وحی نیست.

و ابلیس هو الشیطان، وهو من الجن، وله ذریة كما قال سبحانه: {وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (50) } [الكهف: 50] .

جن از مخلوق خداوند است و این نوع خلقت دارای ویژگی هایی است

که از جمله آنها را از آتش آفریده است.

از جمله این است که مردم را می بینند و مردم آنها را نمی بینند، چنانکه خداوند در مورد شیطان فرمود: {همانا او و قبيله او شما را از جایی می بینند که شما آنها را نمی بینید} [اعراف: 27] .

و جنیان دارای اجتماعات خاصی هستند که شبیه اجتماعات انسان در قبایل و نژادهاست.

و این توانایی را دارند که در این زمین با انسان زندگی کنند، چنانکه خداوند در مورد آدم و ابلیس فرموده است: {فرمود: یکی از شما دشمنان فرود آید، تا مدتی در زمین استراحت و خوشی خواهید داشت.} (24) [الاعراف: 24] .

ولهم قدرة كذلك على الحياة خارج الأرض، والصعود إلى السماء كما قال سبحانه: {وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مَلِيئَةً حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا (8) وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا (9) } [الجن: 8، 9] .

و جنیان صدای انسان را می شنوند و زبان او را می فهمند و تحت تأثیر آن قرار می گیرند چنانکه خداوند در مورد آنها فرمود: {و چون از جن به تو ضربت دادیم قرآن را گوش می دهند و چون آمدند، گفتند :

شیطان و فرزندانش قدرت نفوذ و اغوای انسانها را دارند، مگر بندگان مخلص خدا که بر آنها تسلط ندارند، چنانکه خدای سبحان فرمود: «به عزت سوگند، حتماً خواهم کرد. همه آنها را اغوا کن (82) مگر بندگان که صادق هستند (83) { [ص 82، 83]

جن ها مانند انسان ها هستند که حق را از باطل و حق را از باطل و خوبی را از بدی می شناسند.

و خداوند عز و جل اراده کرد که جنیان را خبر آخرین رسالت بداند و به گروهی از آنان ایمان بیاورد چون قرآن را شنیدند، سپس قوم خود را به سوی خود دعوت کردند: {گفتند: ما کتابی شنیدیم. پس از موسی نازل شد که صدقه ای برای حق است.} « خدا را بخوانید و به او ایمان بیاورید تا گناهان شما را بیامرزد و از عذاب دردناک نجات دهد (31) و هر کس دعای خدا را اجابت نکند، در زمین نمی تواند بگریزد و جز او سرپرستی ندارد، آنان در گمراهی آشکارند (32) } [الاحقاف: 30-32]

و چون هدایت پروردگارشان را شنیدند، بی درنگ اسلام آوردند، چنان که خداوند سبحان درباره آنان فرمود: { و چون هدایت را شنیدیم به آن ایمان آوردیم . و آن جنیانی که قرآن را از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - شنیدند وظیفه داشتند که به آنان هشدار دهند که باید انجام دهند و هبوط این کتاب به زمین را دعوتی از سوی آنان دانستند. خداوند به همه آنها، اعم از انس و جن رسید، پس قوم خود را ندا دادند: « ای قوم ما، گناهانتان را می آمرزد و شما را از عذاب دردناکی نجات می دهد (31) } [احقاف: 31] .

والله تبارك وتعالى خلق الجن والإنس ليعبده كما قال سبحانه: {وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (56) مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا (57) إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (58) } [الذاريات: 56 - 58] . و جنیان

در آماده شدن برای هدایت و ضلالت مانند فطرت انسان دارای طبیعتی دوگانه هستند چنانکه خداوند در مورد آنها فرمود: این تصدیق جن، حاکی از دوگانه بودن جن، و آمادگی آنها برای خیر و شر است، مانند بنی آدم، مگر کسانی که در میان آنها مستعد بدی هستند که ابلیس و قبیله او هستند. همه جنیان معرف شیطان نیستند، اما در میان آنها مؤمن و کافر، مطیع و نافرمان هستند.

{و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس سجده کردند، مگر ابلیس که امتناع ورزید و تکبر کرد و از کافران بود (34)} [بقره: 34].

و مؤمنان جن عظمت و قدرت خداوند را می دانند و می دانند که نه از قدرت او می گریزند و نه از چنگ او فرار می کنند، چنانکه خداوند در مورد آنان فرمود که فرمودند: {و ما پنداشتیم که ناتوان نیستیم. خدا در زمین است و ما با فرار ناتوان نمی شویم (12)} [جن: 12]

و مانند انسانها تحت تأثیر شنیدن هدایت قرار می گیرند، پس ایمان می آورند و به عدل و قدرت خداوند اطمینان می یابند و معتقدند که خداوند حق مؤمن را کوچک نمی کند، و او را بیش از توانش تکلیف نمی کند.

و جن در هدایت و گمراهی مانند انسان هستند و پاداش هدایت یا ضلالت چنان است که سبحان الله می فرماید: {و از ما مسلمین و از ما فاسقان. (14) و اما رهگذران هیزم جهنم هستند (15)} [الجن: 14، 15].



جن ها مانند انسان ها هستند، به عذاب آتش می رسند و بهشت بر حسب ایمان و عملشان نصیبشان می شود و هر کمک کننده ای همان کاری را انجام می دهد که برای آن آفریده شده است.

و خداوند سبحان انس و جن را به عبادت خود امر فرمود و به آنان توان عمل به دستورات و عمل شرعی داد و به هر جنسی از انرژیها و توانائیها و توانائیها و احوالش را داد.

اگر فردی بتواند یک جن را مسخره کند، در این صورت شانس بیشتری نسبت به اعضای هم نوع خود دارد، زیرا می تواند کاری را انجام دهد که دیگران نمی توانند انجام دهند.

اگر این شخص مورد ظلم هوی و هوس و خودخواهی قرار گیرد و از این مزیت به جای خیر برای بدی استفاده کند، خداوند چیزی را به او می دهد که او را در زندگی طاقت فرسا می کند.

بنابراین، افرادی مانند اینها را می یابیم که زندگی فلاکت بار و فلاکت باری دارند و در نهایت به خودکشی، جنون یا بدبختی می پردازند.

برای کسی که از فرصتی بالاتر از دیگران استفاده کند، ممکن است او را بدبخت کند و خوشحال نکند و کسی که خداوند به او فرصت قوی تری بدهد، اگر از آن استفاده خیر نکند، خداوند او را بدبخت می کند.

کسی که از قدرتی غیر از قوای انسانی استفاده می کند، مثلاً جن، ظاهرش را منفور می دانیم و اگرچه ممکن است ذهن برخی افراد را دست کم بگیرد و از آنها پول بگیرد، اما همیشه او را ورشکسته، ورشکسته، مضطرب می یابیم. ، و او اغلب در بدترین حالت می میرد. فرصت نابرابر، جز بدبختی برای او به ارمغان نمی آورد، چنانکه سبحان الله می فرماید: «وَأَنَّ أَعْمَ الْأَنْسِ الْأَنْسَابِيَهُمْ أَسْتَجْلُمُ بِالْجِنِّ إِلَّا يَفْزَعُهُمْ» (6) [جن: 6] .

و خداوند سبحان او را هنگامی که جنیان را مسخر سلیمان - رضي الله عنه - قرار داد، آنان را به سود مردم و بنای زمین مسخ کرد و آنان را به زیان نرساند. خداوند متعال درباره سلیمان - رضي الله عنه - فرمود: ما او را از عذاب آتش فروزان می چشمیم. (12) آنچه را که او از محارم و هویت پلکها می خواهد، مانند قربانی ها و قبور صالحان انجام می دهند.

چه بسیاری فریبکارانی که شیطان آنها را در میان جن و انس گمراه کرد. خداوند به آنها دل و شنوایی و بینایی عطا کرد. اما آنها از این نعمتها در آنچه آفریده شدند استفاده نکردند... شناخت خدا و ایمان به آن. او و اطاعت از او.

فَهَوْلَاءِ جَدِيْرُونَ بَأْنَ يَكُوْنُوْا مِّنْ أَهْلِ النَّارِ كَمَا قَالَ سُبْحٰنُهُ: {وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنَ الْجِيْنِ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُوْنَ بِهَا وَلَهُمْ أَذَانٌ لَّا يَسْمَعُوْنَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَٰفِلُوْنَ (179)} [الأعراف: 179]

زمین از جن و میمون و شیر و حیوانات دیگر پر شد و جنیان غرق شدند و از فرمان پروردگار خود سرپیچی کردند و تغییر و تحول یافتند و روایات نشان می دهد که خداوند «سمیه» را آفرید. پدر جن به او گفت ای صومیه: آرزو کن و گفت: امیدوارم ببینیم و نبینیم و در زمین محو شویم و پیر ما جوان شود و خدا خدای تعالی آرزوی او را برآورده کرد و او را در زمین ساکن کرد و جنیان اولین کسانی بودند که در روی زمین خدا را پرستش کردند. و امتی از جن بعد از زمان صومیه آمدند، پس زمین را با ریختن خون در میان خود فساد کردند، پس خداوند لشکریان خود را از ملائکه امر کرد که به زمین هجوم آورند تا بدی را از خود دور کنند و آنان را به سبب فساد در آن مجازات کنند. جنیان آواره شدند و گفته می شود: جنیان دو هزار سال پیش از حضرت آدم بودند، پس خون ریختند، پس خداوند لشکری از فرشتگان را برای آنها فرستاد و آنها را به جزایر دریاها بیرون کرد. می گویند: فرشتگان «ابلیس» را که در آن زمان جوان بود، گرفتند و با خود به بهشت بردند و در میان آنان بزرگ شد و از آنان الگو گرفت. و در کتاب و سنت چیزی نیامده است که نشان دهد قومی قبل از آدم علیه السلام در زمین ساکن بوده اند، اما آنچه وارد شده از قول برخی از مفسران صحابه و تابعین است. سخنان فرشتگان خداوند خواسته است که حضرت آدم علیه السلام پدر انسان و اولین مخلوق خدا از میان مردم باشد آیا کسانی را در آنجا قرار می دهی که در آن فساد کنند و خون بریزند در حالی که ما تسبیح و تقدیس تو را می گوئیم. تو پس فرشتگان دانستند که انسان در زمین فساد می کند و خونریزی می کند و از آن چیزی که قبل از آفرینش انسان از فساد جنیان

گذشته است خارج می شود. سبحان الله به فرشتگان گفت که این انسانی که آفرید او را در زمین خلیفه قرار می دهد و بر آن مسلط است و فرزندانی در آن جانشین یکدیگر خواهند داشت، پس فرشتگان از پروردگارشان خواستند. و متعال فرمودند: آیا در آنجا کسی را قرار می دهی که در آن فساد کند و خون بریزد و ما تو را با حمد و تقدیس تو تسبیح می گوئیم و گفت: من چیزی می دانم که تو نمی دانی. آیه 30. و در حدیث مسلم و دیگران از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بهترین روزی که طلوع آفتاب روز جمعه است و روح در او آفریده شد پس برای او سجده کردند و فرشتگان را امر کرد که بر او سجده کنند و همه سجده کردند ولی شیطان نپذیرفت. و وقایع در قرآن کریم ادامه می یابد: «و گفتیم ای آدم، تو و همسرت را در بهشت ساکن کن و هر چه می خواهی از آن فراوان بخور و به این درخت نزدیک مکن که از ستمکاران شوی. پس آدم از پروردگارش سخنی دریافت کرد و توبه او را پذیرفت، همانا او آمرزنده و مهربان است.» بقره 35-37. و شیطان از حيله گری خود استفاده کرد تا به آدم و همسرش آنچه را از عورتشان پنهان کرده بود نشان دهد، و به آنها گفت: «دروغگو» که خدای متعال آنها را از خوردن درخت نهی کرد تا پادشاه نشوند و در میان باشند. جاودانه هایی که نمی میرند پس با فریب دادن آنها از سوگند، آنها را از درجه طاعت به درجه معصیت نازل کرد و آدم از پروردگارش آمرزش خواست و توبه او را پذیرفت و او را برای رسالت برگزید. و خداوند متعال داستان آفرینش آدم را در نه سوره از قرآن کریم ارائه کرد و اشاره کرد که او نخستین انسانی است که

خداوند این نسل از انسان ها را بر روی زمین از او منتشر کرد و سبحان الله تعیین کرد که چگونه آدم را آفرید. صراحتاً تأویل ندارد، پس جای حدس و گمان و فرضیه نیست، و ابن عباس می‌گوید خداوند می‌گوید: ای آدم، نزد عرش حرمی دارم، پس برو در آن خانه‌ای برای من بساز و آن را طواف کن. همانطور که فرشتگان من بر تخت من طواف می‌کنند و خداوند فرشته‌ای را برای او فرستاد که جایگاه او را می‌دانست و آداب را به او می‌آموخت. و بنی آدم امتی بودند که مستلزم رسالت الهی بودند، پس او رسول خدا به سوی آنها و اولین پیامبران به امت اول بشری بود و اکثر علمای مسلمان بر نبوت و رسالت او اجماع کردند و آمد. در حدیث ابوذر عرض کردم ای رسول خدا کدام یک از پیامبران اولوالعزم بوده است؟ گفت: آدم گفتم یا رسول الله این پیامبر بود؟ گفت: بلی، پیامبری سخنگو، گفتم: یا رسول الله چند رسول؟ فرمود: سیصد و پانزده جمعیت زیاد. فرمود: یکصد و بیست و چهار هزار نفر که پیامبران سیصد و پانزده نفرند. محققان می‌گویند که فرزندان زیادی از آدم به دنیا آمدند، از جمله تولید مثل انسان. ابن کثیر در البدایه و النهایه می‌گوید که آدم نمرود تا اینکه چهارصد هزار نفر را در میان فرزندان و فرزندان فرزندانش دید. و مولای ما آدم علیه السلام هزار سال عمر کرد و گویند صد و سی سال در بهشت و بقیه در زمین بود. «آدم گفتم یا رسول الله آیا پیامبر من بود؟ گفت: بلی، پیامبری سخنگو، گفتم: یا رسول الله چند رسول؟ فرمود: سیصد و پانزده جمعیت زیاد. فرمود: یکصد و بیست و چهار هزار نفر که پیامبران سیصد و پانزده نفرند. محققان می‌گویند که فرزندان زیادی از آدم به دنیا آمدند، از جمله تولید مثل انسان. ابن

کثیر در البدایه و النهایه می‌گوید که آدم نمرد تا اینکه چهارصد هزار نفر را در میان فرزندان و فرزندان فرزندان دید. و مولای ما آدم علیه السلام هزار سال عمر کرد و گویند صد و سی سال در بهشت و بقیه در زمین بود. «آدم گفتم یا رسول الله آیا پیامبر من بود؟ گفت: بلی، پیامبری سخنگو، گفتم: یا رسول الله چند رسول؟ فرمود: سیصد و پانزده جمعیت زیاد. فرمود: یکصد و بیست و چهار هزار نفر که پیامبران سیصد و پانزده نفرند. محققان می‌گویند که فرزندان زیادی از آدم به دنیا آمدند، از جمله تولید مثل انسان. ابن کثیر در البدایه و النهایه می‌گوید که آدم نمرد تا اینکه چهارصد هزار نفر را در میان فرزندان و فرزندان فرزندان دید. و مولای ما آدم علیه السلام هزار سال عمر کرد و گویند صد و سی سال در بهشت و بقیه در زمین بود. محققان می‌گویند که فرزندان زیادی از آدم به دنیا آمدند، از جمله تولید مثل انسان. ابن کثیر در البدایه و النهایه می‌گوید که آدم نمرد تا اینکه چهارصد هزار نفر را در میان فرزندان و فرزندان فرزندان دید. و مولای ما آدم علیه السلام هزار سال عمر کرد و گویند صد و سی سال در بهشت و بقیه در زمین بود. محققان می‌گویند که فرزندان زیادی از آدم به دنیا آمدند، از جمله تولید مثل انسان. ابن کثیر در البدایه و النهایه می‌گوید که آدم نمرد تا اینکه چهارصد هزار نفر را در میان فرزندان و فرزندان فرزندان دید. و مولای ما آدم علیه السلام هزار سال عمر کرد و گویند صد و سی سال در بهشت و بقیه در زمین بود.

افراد معمولاً جن را از طریق ورود آن به بدن انسان مطالعه می کنند و این موضوع از طریق مطالعه ها و جزوه ها و کتاب های بسیاری از تحقیقات اشباع شده است و به همین دلیل ذکر آن را در جلسه خود می بخشیم اما صحبت خواهیم کرد. درباره انس و جن از طریق موارد زیر:

اول: آغاز خلقت آنها.

خداوند متعال در سوره حجر می فرماید: «وَإِنَّا لَا خَلْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَ الْحَيْنِ مِنْ كَلِ الْحِنَةِ وَالْحِنِ الْحِنَةُ او را پیش از این از آتش سموم آفریدیم»

اما آیا زمین را آباد کردند یا نه..؟ این یک سؤال شناور است که ما نمی توانیم به آن پاسخ دهیم، اما شواهد و قرائنی وجود دارد که بیان نمی شود، اما در این است که جن در زمین آباد شده است، از جمله: کلام خداوند متعال در سوره مبارکه بقره بر لبان فرشتگانش هنگامی که به آنها گفت: سبحان الله که انسانها را می آفریند، خون و ما تسبیح و تسبیح شما را می گوئیم و شما را تقدیس می کنیم . این قول فرشتگان از آن نتیجه می شود

جنیان قبل از خلقت آدم علیه السلام در زمین فساد می کردند و خون می ریختند

ثانیا: ماده ای که جن و انس از آن آفریده شده اند..؟

با توجه به اینکه جن و انس هر دو از آن آفریده شده اند، معلوم می شود که جن به فرموده خداوند متعال آنها را از آتش آفریدند و انسانها آنها را از گل آفریدند، زیرا به پدرشان آدم علیه السلام باز می گردند.

خداوند در سوره اعراف بر زبان شیطان فرمود " قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ " و در آیه ای دیگر در سوره اسراء «وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ لَا أَجَأُ.

سوم: انس و جن هر دو به چه صورت آفریده شده اند؟ و اما ظاهری که خداوند متعال انسان را در آن آفریده است زیباست، خداوند متعال در سوره تین می فرماید: «ما خلقنا الناس في أحسن القالب»، انسان در خلقت خود شرافتمند است و او را شامل می شود. عمومیت فرموده خداوند در سوره اسراء: «و ما بنی آدم را گرامی داشتیم».

به همین دلیل است که برخی از علما، مثلاً شفائیه، می گویند که اگر مردی نسبت به همسرش بسیار زشت بود، به او می گفت: طلاق گرفته ای اگر مثل ماه نیستی، زن نباید. با این قول طلاق بگیری زیرا خداوند متعال می فرماید ما انسان را در بهترین قامت آفریدیم این از نظر انسان است ما قطعاً آنها را ندیدیم همانطور که خداوند متعال در سوره مبارکه الف فرموده است. راف: همانا او و قبیله اش تو را از جایی می بینند که تو آنها را نمی بینی. اما جن در ذهن همه انسانها ثابت شده است که او دارای شخصیت زشت است و معنای ظاهری نیز مؤید آن است. از قرآن



سرهای شیاطین این یکی از روشهای اعراب در گفتارشان است، اعراب شیاطین را نمی دیدند تا اینکه درخت زقوم به آنها تشبیه شد که جوانه هایش شبیه سر شیاطین بود و قرآن کریم در آن نازل شد. عربی، پس جنیان ظاهراً شخصیت خوبی ندارند و ممکن است گفته شود که این فقط برای شیاطین آنهاست و این قول خوبی است، اما ما نمی توانیم به آن اطمینان داشته باشیم.

چهارم: توانایی به آنها داده شد..!

خداوند سبحان به جن قوت شکل گیری داد و خداوند آن را به بنی آدم علیه السلام نداد.

این زاویه حدیث ما را به یادآوری صحبت در مورد فرشتگان می اندازد، زیرا فرشتگان در موردی با جن موافقت و آن این است که ما آنها را نبینیم، در حالی که جن و انس در موردی اتفاق نظر دارند و آن این است که هر دو. به همین ترتیب تصویری که از فرشتگان در ذهن مردم گرفته شده این است که آنها انسانهای خوبی هستند و به همین دلیل است که مردم می گویند فلانی فرشته است و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلی الله علیه و آله و سلم از یکی از اصحابش که جریر بن عبدالله بجعلی رضی الله عنه می باشد، در مورد او می گوید: او مسح ملك است. خدا نکند بگو این انسان نیست این جز یک پادشاه سخاوتمند نیست.» بنابراین در اذهان جا افتاد که فرشتگان نماد زیبایی هستند همچنان که جن نماد زشتی است. به همین دلیل آنچه در این زمینه افراط شد این است که

الجاحظ، نویسنده معروف عباسی، در حالی که در بازار بود، نزد او آمد و گفت: تو را می خواهم. "من در دستان تو هستم." گفت: «به دنبال من بیا.» پس او به دنبال او رفت تا به جواهرفروشی رسیدند که طلا می فروخت، در مقابل جواهر فروش ایستادند و زن در حالی که به الجاحظ اشاره کرد به جواهرفروش گفت:

مثل این ؟

سپس او رفت و الجاحظ گیج ایستاده بود و نمی دانست قضیه چیست!!  
جواهرفروش پرسید قضیه چیست؟ گفت: این زن پیش از تو نزد من آمد و از من خواست که برای او انگشتری با لوبی به شکل دیو بسازم.

اینها همه از میراث است و قرآن و سنت شاهدانی هستند که به ما کمک می کنند تا تصویری زشت از شیاطین ترسیم کنیم، با فرض اینکه خالق آن دو یکی است، سبحان الله.

پنجم: کدام قویتر و تواناتر است... جن یا انس...؟ با توجه به توانایی کار و پیشه وری جن ها از انسان ها قوی ترند و از این نظر انسان ها را ترجیح می دهند و به همین دلیل در می یابیم که قرآن کریم به سبک خود اگر از جن و انس صحبت کند فرق می کند. در هر حدیثی که از آنها صحبت می کند.

خداوند متعال در سوره اسراء می فرماید " قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً " وبقول جل وعلا في سورة الرحمن " يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَتَفَدُّوا مِنْ أَفْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُدُوا لَا تَتَفَدُّونَ

پس می بینیم که خداوند متعال در سوره اسراء به انسان ها تقدم داد و در آیه الرحمن الرحمن الرحيم را به جن تقدم داد و دليل آن اين است:

آیه الاسراء از توانایی بلاغی و بلاغت سخن می گوید که چنین قرآنی آورده شده است، لذا بشر را به خاطر فصیحتر بودن آنها از جن به خدای متعال عرضه کرد، در حالی که آیه رحمان از جنیان سخن می گوید. توانایی جسمانی قوی که نفوذ قدرت آسمانها و زمین است، لذا جنیان بر انسانها برتری یافتند، زیرا از آنها تواناترند. در سوره نمل از حضرت سلیمان (علیه السلام) یاد کرد و فرمود: «و لشکریان او از جن و انس و پرندگان برای سلیمان گرد آمدند و بین خودشان تقسیم شدند.» پس جنیان بر انس برتری یافتند. این آیه از آن جهت که توان رزمی آنها از انسانها قویتر بود و به همین دلیل است که عربها قبل از اسلام در آن سکنی گزیدند که جنیان نیرومند بودند و از آنها می ترسیدند و از جمله آنها قول خداوند متعال است. سوره جن در لسان جنیان می فرماید: «وَأَنْ أَنْ أَعْمَ الْأَنْسِ الْأَنْسَابِ الْأَجْنَ الْجِنَّ»؛ و از بین مردم مردانی بودند که به مردانی از جن پناه می بردند. پس بر آنان بیفزایند.» و هر که به سوی خدای سبحان و بلند مرتبه توبه کند، خداوند او را به او می سپارد،

پس ترس و زیان و پراکندگی او را مبتلا نمی کند، از محرومیت و مهجوریت به خدا پناه می بریم. .

ما به جن باز می گردیم، پس حتی در میراث عرب می بینید که الفرزدق در حالی که به جریر افتخار می کند می گوید:

روپاهای ما کوهها را با متانت وزن می کند \*\*\* و تو ما را جن می پنداری که اگر نادان

باشیم سر هر قومی را می زنیم \*\*\* و پدرت پشت الاغش چمباتمه زده است الفرزدق وقتی می جنگند و ستم می کنند به جریر می بالند، زیرا از نظر قدرت و سختی و بی رحمی مانند جن می شوند.

ششم: نام بردن از آنها: ابن عبدالبر رحمه الله می گوید: اعراب جن را به این صورت می گویند: اول: جن پاک، او را جن می گویند. ثانیاً: اگر از آنچه خانه می سازند باشد، آن را عمار جمع عامر می گویند. ثالثاً: اگر چیزی است که کودکان در معرض آن قرار می گیرند، آن را ارواح می نامند. چهارم: اگر بدخواه و متعرض باشد به او شیطان می گویند. خامساً: اگر زیاده روی کند و ظالم شود، آن را دیو گویند. فرق بین اجنه و شیطان چیست؟

بیشتر قرآن به این دلیل اشاره کرده است که شیطان نامیده نمی شود، مگر اینکه بدخواه صوتی باشد، و ممکن است انسان را حتی اگر شیطان باشد، و از آن کلام

خداوند متعال در سوره مبارکه انعام است. آنچه انجام دادند، رها کن و آنچه را جعل می‌کنند.»

همانطور که برای خانه جوانی از ما انصار بود و با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سنگر بودیم و آن جوان تازه ازدواج کرده بود، پس جوان از پیامبر پرسید: صلی الله علیه و آله و سلم اذن نصف روز به خانواده اش بیاید.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به او اجازه می‌داد، روزی به او فرمود:

«اسلحات را با خودت ببر که می‌ترسم قوم یهود تو را فریب دهند.» پس سلاح

خود را برداشت. و به خانه او آمد و عروسش را بر در خانه یافت، پس حسادت او را

گرفت و با نیزه او را زدند، پس زن به او گفت: نیزه تو را بر تو می‌گیرم و وارد خانه

شد. و چون وارد خانه شد، مار بزرگی را دید که بر بالینش حلقه زده بود، آن را زد و

او را آزار داد، پس آن دو مردند، مار و پسر، ابوسعید گفت: بدانید کدام یک از آنها

اول مرده اند، اگر چنین شخصی را دیدید، سه بار به او هشدار دهید و اگر به

نظرتان رسید که او را بکشید، او را بکشید، زیرا او شیطان است.

از این داستان معلوم می‌شود که این مار نمی‌تواند یکی از سه باشد:

اول: یا مار واقعی است و کشتن آن بعد از سه جایز است.

ثانیاً: یا دیو است، و به خاطر دیو بودن کشته می‌شود.

سوم: یا جن است و بعد از سه روز بیرون می آید. اگر بیرون بیاید، نعمت است و اگر در این صورت بیرون نیامد، بر شما مقرر شده است که او را بکشید، و قضیه محدود به دو مورد می شود:

یا واقعاً زنده است، و جایز است. او را بکشند زیرا از فاسقان و مضرات یا شیطان است و کشتن او نیز جایز است.

اینجا دنیای جن است، در مورد دنیای انسانها هم نیازی به توضیح نیست، چون ما انسانها خودمان را بیشتر از دیگران می شناسیم، ولی خدای متعال به جنها قدرت دیدن ما را داده و به ما نداده است. توانایی دیدن آنها

هشتم: تکلیف به همه ...

انس و جن هر دو متهم هستند، مانند سوره ذاریات " وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ \* مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطِيعُونِ \* إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ " با این تکلیف، جن از عالم ملائکه جدا می شود، زیرا عالم ملائکه تکلیف نمی شود، چنانکه در سوره التحريم آمده است: «آنها در آنچه به آنها امر کرده است سرپیچی نمی کنند و آنچه را که به آنها امر شده است انجام می دهند.» و اما انس و جن هر دو مورد تکلیف هستند، پس هر که از آنها ایمان آورد و هدایت یافت به بهشت مقدر شد. و هر که از آنان متکبر و نافرمانی و تجاوز کرد و سخنان

خدا را اجابت کرد، مقدر جهنم شد و به همین دلیل است که خداوند متعال در سوره الرحمن در مورد حورالعین می فرماید: «پیش از این نه انس و نه جن آنها را حیض نکرده بودند». این نشان می دهد که انسان ها و جن ها در صورت اطاعت خدا وارد بهشت خواهند شد.

نهم: مؤمنان جن...

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد کرامت خداوند متعال قرار گرفت که خداوند پیام ها را با او ماهر کرد و نبوت ها را با او تمام کرد و آخرین کتاب آسمانی را بر او نازل کرد که همان قرآن کریم است. که باطل نه از پیش و نه از پشت آن به دست نمی آید، برخی از آنها ایمان است، رزق تأثیرپذیری از قرآن، و از اینجا همگان باید بدانند که نباید دلها را خاشع کرد که گرفتار خشوع است. هنگامی که کلام خدا را می شنوند، منزّه و بلند مرتبه باد. و چون پیامبر ما صلی الله علیه و آله و سلم به الطائف رفت و آنان را به اسلام دعوت کرد، اهل آن او را برگرداندند، پس اندوهگین و داغدار بازگشتند.

آخر کار این است که مؤمن باید تحت تأثیر بیشترین تأثیر در قرآن قرار گیرد.

و خداوند سبحان و جل جلاله اهل علم را ستود و گفت: چون قرآن و اختلاف مردم را در آن ذکر کرد، در سوره اسراء فرمود: سبحان و تعالی. " قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا \* وَيَقُولُونَ

سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا \* و با گریه به چانه می افتند و این حرمتشان را بیشتر می کند «خدا و تو به آن خانه ها برسی».

دهم: حمد خداوند برای جن...

خداوند تبارک و تعالی جنیان را ستوده است زیرا آنها با کلام خداوند متعال رفتار می کردند و این را قرآن کریم در دو جا نشان می دهد:

اول: ترمذی به سند حسنه از حدیث جابر روایت کرده است. که پیامبر صلی الله علیه و آله بر مؤمنان جن سوره الرحمن را تلاوت کرد و در آن کلام الله جل جلاله تکرار شده است کدام یک از نعمت های پروردگارت. آیا انکار می کنید؟» هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را برای اصحاب خواند، به آنها گفت: آیا شما هم چنان که برادران جن شما به من پاسخ دادند، مرا اجابت نمی کنید؟ گفتند یا رسول الله چه جوابی دادند؟ گفت: می گفتند: ما هیچ یک از نعمت های پروردگاران را انکار نمی کنیم

خداوند متعال در سوره جن می فرماید: «و ما نمی دانیم که آیا برای اهل زمین بدی در نظر گرفته شده است [پس در اینجا بدی را به شخص مجهولی نسبت دادند، یا پروردگارشان قصد هدایت آنها را داشته است.» پس هنگامی که هدایت را ذکر کردند. آن را به خداوند متعال نسبت دادند، گواه بر گفتار و گفتار نیک آنان و



مؤمن عاقل با هر که گفت و گو می کند ادب کند و واجب ترین ادب نزد پروردگار جل جلاله و پیامبر است. صلوات الله علیه و آله و سلم مودب ترین خلقت نزد خداوند متعال از انس رضی الله عنه بود که فرمود: مردم مدینه در حالت خشکسالی بودند، پس در حالی که در روز جمعه خطاب به ما بود که مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا گله ها هلاک شدند، گله ها از بین رفتند، پس از خدا بخواهید که ما را سیراب کند. : و آسمان مانند بطری است، پس باد برخاست، سپس ابری پدید آورد، سپس گرد آمد، سپس آسمان فرمانروایان خود را فرستاد، پس ما در آب رفتیم تا به خانه هایمان رسیدیم، و باران قطع نشد تا اینکه روز جمعه بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعا کرد و فرمود: خدایا در اطراف ما نه بر ما، و نگفت صلی الله علیه و آله خدایا ما را رحمت کن و این از آداب عالی او نزد خداوند متعال است.»

روایت ابوداود] مؤمن باید با پیامبر ما صلی الله علیه و آله و سلم با یارانش با او ادب کند. والدین و با همه مردمپس به ابرهایی که در اطراف شهر می شکافتند، چنان نگاه کردم که گویا تاج گلی است [روایت ابوداود] مؤمن باید با پیامبر ما صلی الله علیه و آله و سلم و یارانش و با پدر و مادرش رفتار کند. بقیه مردمپس به ابرهایی که در اطراف شهر می شکافتند، چنان نگاه کردم که گویا تاج گلی است [روایت ابوداود] مؤمن باید با پیامبر ما صلی الله علیه و آله و سلم و یارانش و با پدر و مادرش رفتار کند. بقیه مردم

یازدهم: جن و داستان گرگ... اعراب در تاریخ خود ادعا می کنند که جن از گرگ می ترسد، لذا گرگ را می ستایند:

با یکی از چشم هایش می خوابد و سختی های مرگ را استفراغ می کند، زیرا به خواب می رود.

منظورشان این بود که گرگ همیشه می پرد و ادعا می کنند که جن ها از گرگ می ترسند و به همین دلیل است که می شنویم برخی از قاریان در زمان ما سر گرگ یا پوست آن را در خانه خود می گذارند. این توهم را می دهند وقتی به دست خورده می گویند که جن با دیدن پوست یا سر گرگ فرار می کند، این امر خطرناک و خطر آن از نظر اعتقادی است و شرعا جایز نیست. زیرا باید باور داشت که خداوند زنده کننده و مُرد و منفعت و ضرر و رقیه شرعی باید سیر قانونی خود را طی کند و جبرئیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را چنین کرد از چنین چیزهایی کمک نگرفت.

## نام جن ها و وظایف آنها

ممکن است کنجکاو باشید که نام جن ها و کارکرد آنها را بدانید.. آنها جزو موجودات پنهانی هستند که خداوند انجام برخی کارها را به عهده آنها گذاشته است و بهتر است از ورود به دنیای آنها خودداری کنید. آسیب دیده است.

ممکن است بخواهید برجسته ترین نام های جن و عملکرد آنها را مشاهده کنید.. اطلاعاتی که به شرح زیر دریافت شده است:

نام	وظایف
هفاف	صدمه زدن به مردم و ظاهر شدن به شکلی ترسناک
زلنبور	سوگند دروغ و دروغگویی را تشویق میکند
مطش	تشویق به گسترش نزاع و اخبار نادرست
ولها	زمزمه در گوش مسلمان هنگام نماز
أبيض	توهین به پیامبران خدا
ثبر	کمک به سیلی زدن به صورت
أعور	برانگیختن شهوت و اصرار به زنا
داسم	ایجاد اختلاف بین همسران
دهار	آزار دادن مردم در خواب

اقبض	گرفتن و تخم گذاری برای تولید بسیاری از شیاطین
مقلاص	گسترش نفرت و دشمنی در بین مردم
تمریح	گسترش تنبلی و پرهیز از اتمام کار و وظایف
لاقیس	یکی از دختران شیطان .. و زنان را به لزبینیسم ترغیب می کند
المذهب	خدمتکار شاه روقائیل
مره	خدمتکار شاه جبرائیل
الأحمر	خدمتکار شاه سمسمائیل
برقان	خدمتکار شاه میکائیل
شمهورش	خدمتکار شاه صرفیائیل
زوبعة	خدمتکار پادشاه عنیائیل
میمون أبانوخ	خدمتکار پادشاه کسفیائیل

### نام جن علیا

در چارچوب شناخت اسامی جن و کارکرد آنها ، لازم بود به نام جن های علوی اشاره شود که به شرح زیر است:

روقائیل صاحب روز یک شنبه، و رئیس فلك شمس

کسفیائیل	صاحب روز شنبه، و رئیس کوکب زحل
عنیائیل	صاحب روز جمعه، و او رئیس کوکب زهره
جبرائیل	صاحب روز دوشنبه، و رئیس فلك قمر
سمسمائیل	صاحب روز سه شنبه، و او رئیس فلك کوکب مریخ
میکائیل	صاحب روز چهار شنبه، و او رئیس فلك کوکب عطارد
صرفیائیل	صاحب روز پنج شنبه، و رئیس فلك کوکب مشتری

## مشاغل جن

هنوز در مورد نام جن و کارکرد آنها صحبت می شود و در اینجا نام ها و توابع بیشتری به شرح زیر است:

### 1- شیطعونه بنت برقوش

او ملکه الف های عالم اموات است.  
به صورت یک گربه سیاه ظاهر می شود.  
چشمان این گربه آبی است.

او به عنوان یک زن زیبا ظاهر می شود.

او تمام خواسته های شیطانی کسانی را که او را تلقین می کنند برآورده می کند.  
از طرفی باید برای خداوند متعال شریک قرار دهد.

## 2- الجنیة السوداء (پری سیاه)

او در قالب یک زن سیاه پوست ظاهر می شود.  
معمولاً توده ای از آتش آن زن را احاطه می کند.  
ابتدا شیاطین برای شخص مورد نظر فرستاده می شوند.  
دیو او با منتخب موافقت می کند تا با او ائتلاف کند.  
از طرفی باید برای خدا شریک قرار دهد.  
اساساً متعلق به عالم اموات است.

## 3- بنات إبلیس (دختران شیطان)

درباره زیتونه و النجمیه شرح و چشم.  
آنها بدترین پری های عالم اموات هستند.

آنها توسط یک کتاب طلسم خاص احضار می شوند.  
 برای نوشتن آن طلسم از خون استفاده می شود.  
 این طلسم لازم است در یک مکان کثیف خوانده شود.  
 به نظر می رسد که ژن ها به شخص کمک می کنند.  
 از طرفی سزاوار است که به خدای تعالی کافر شویم.

#### **4- رقیه بنت شمهروش**

در خواب از کسی می آید که آن را تداعی می کند.  
 یک آینه اختصاصی باید زیر بالش قرار گیرد.  
 آنچه را که می خواهد در مورد غیب بداند در اختیار شخص قرار می دهد.

#### **5- بنت زحالف**

در ابتدا به صورت یک کبوتر سفید ظاهر می شود.  
 این کبوتر دارای دو خط قرمز است.  
 دفعه بعد او به شکل یک زن ظاهر می شود.

یک ملکه دریایی که با خشم شدید مشخص می شود.

اساسا متعلق به عالم اموات است.

او به شخص دستور می دهد که با او متحد شود.

کسانی که با آن متحد هستند باید از خوردن غذاهای دریایی به طور کلی خودداری کنند.

### **6- غندور بنت الجن (قندور دختر جن)**

آنها در شب در نزدیکی ماه ظاهر می شوند.

هر کس او را احضار کند باید لباس سفید بپوشد.

برای دیدن آن باید سر برهنه بود.

### **7- أم النور (مادر نور)**

او یک پری بسیار جذاب است.

در حالی که در صحرا نشسته است برای شخص ظاهر می شود.

فرد باید 3 روز آنجا باشد.



در روز چهارم به شکل یک پرنده سفید ظاهر می شود.  
اولین بار به شکل طبیعی خود برای کسی که آن را احضار کرده ظاهر می شود.

## 8- هند بنت الأحمر

به صورت کبوتر نشان داده شده است.  
او می تواند فرد را به دنیای جن ها میزبانی کند.  
یک نفر دو روز وارد قبیله او می شود.  
در ابتدا ممکن است مدت زمان میزبانی افراد در دنیای اموات را افزایش دهد.  
او در قالب یک زن بسیار زیبا ظاهر می شود.

## انواع جن

جنیان بسیار دیگری هستند که در صورت تمایل می توان آنها را شناخت که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

## 1- الجن الضوئي (جنّ نور)

از جن های مسلمان.  
در ایام رسول - صلی الله علیه و آله - حضور داشتند.

تعداد آنها در مقایسه با گونه های دیگر بسیار کم است.

خداوند به آنها ایمان قوی داد.

آنها شاهزادگان و پادشاهان هستند.

سرعت حرکت بالایی دارند.

آنها بسیار قدرتمند هستند.

آنها بسیار شبیه انسان هستند.

## 2- الجن القمری

اکثر این نوع جن ها مسلمان هستند.

آنها جن بزرگ جادوگران هستند.

آنها می توانند با جن های سبک ازدواج کنند.

## 3- الجن الناری (جن آتشین)

منشا آن به آتش برمی گردد.

از جمله آنها شیطان است.

از جمله خاکی و آبی.

این نوع شامل قبایل جن سرخ و آبی است.

آنها از همه کافرترند.

#### 4- الجن المائي (جن آبی)

آنها در آب زندگی می کنند.

در قرآن کریم به آنها اشاره شده است.

در میان آنها جن های کوتاه قد و بلند هستند.

او می تواند بدن انسان را لمس کند.

دست زدن به هنگام شنا یا نوشیدن آب.

آنها هم سازنده و هم غواص هستند.

#### 5- الجن الترابي (جن خاکی)

این گونه در خشکی زندگی می کند.

او توانایی حرکت بسیار سریع را دارد.

آنها می توانند در زمین تونل بسازند.

آنها کوتاه ترین نوع جین هستند.

آنها کوتوله هستند

آنها می توانند در خانه زندگی کنند.

آنها ترجیح می دهند در خانه های متروکه باشند.

جادوگران برای آسیب رساندن به انسان ها به آنها تکیه می کنند.

آنها بیشترین ارتباط را با انسان دارند.

آنها استقامت زیادی دارند.

## 6- الجن الهوائی (جن هوایی)

یکی از بامزه ترین تیپ های تاریخ.

آنها در مقایسه با انواع دیگر کمترین شدت را دارند.

آنها فوق العاده سریع هستند.

آنها توانایی پرواز را دارند.

آنها می توانند انسان را به صورت جزئی لمس کنند. آنها کمترین تحمل را دارند.

## معروف ترین قبایل جن

پس از بررسی مهمترین نامهای جن و کارکرد آنها ، باید به نامهای قبایل جن اشاره کرد که به شرح زیر است:

### 1- قبیله عامر

یکی از مشهورترین قبایل جن.

این قبیله در خانه ها و توالت ها زندگی می کنند.

اکثر آنها مسلمان هستند.

آنها به ندرت به انسان آسیب می رسانند.

ساکنان مستراح آنها به شیاطین تعلق دارند.

### 2- قبیله القرین

نوعی دیو است که از بدو تولد با شخص همراه است.

انسان در صورتی که خداوند متعال او را بمیراند رها می شود.

یعنی وسواس در انجام کارهای مذموم.

هر شخصی یک جفت فرشته دارد.

### 3- قبيلة المارد والمردة (قبيلة مارد و مراده)

از جن های قد بلند.

اندازه های بزرگی دارند.

آنها به انسان کمک می کنند تا خیال پردازی کند.

### 4- قبيلة العفریت

یکی از قبایل جن.

او در میان سایر قبایل قوی ترین است.

### 5- القرينة أم الصبيان

برای انداختن جنین در رحم عمل می کند.

کودکان زیر 7 سال را می کشد.

کودکان را مبتلا به استفراغ و ضعف مداوم کنید.

برای خراب کردن روابط زناشویی کار می کند.

### حقایق در مورد جن

اطلاعات زیادی وجود دارد که ممکن است بخواهید در مورد این موجودات بدانید.. و آن انواع مختلف جن است که به شرح زیر است:

جن نمی تواند در هنگام تعویض لباس به کسی نگاه کند که او نام خدا را بگذارد. مخصوصا جن عاشق.

**الجاتوم** یکی از اقسام جن است که پشت سر انسان می ایستد و منتظر او می ماند تا بخوابد. در آن مدت بر سینه می نشیند؛ بنابراین، دعای دفع جن باید خوانده شود تا از آن محافظت شود.

یاد خدای متعال مانع از رسیدن آنها به شما یک روز کامل می شود.

هنگام بازی با عروسک ها مراقب باشید، زیرا ممکن است برخی از آنها تسخیر شده باشند.

پین ها (سنجاق قفل) نباید به عروسک ها چسبانده شوند. برای اینکه آسیبی نبیند.

گاهی ممکن است جن با صدایی شنیدنی به شما پاسخ دهد؛ با این حال، به عنوان یک پژواک ظاهر می شود ... پس به آن توجه نکنید.

جن‌ها ترجیح می‌دهند در نیمه‌های شب در جاهای خالی پرسه بزنند.. پس از سرگردانی در آن مواقع خودداری کنید.

**القرین** (همزات) از بدو تولد با آدمی همراهی می‌کند و او را در سختی‌ها در آغوش می‌گیرد. که افزایش قابل توجه دمای بدن را توضیح می‌دهد.

جن‌ها معمولاً در خواب هستند، بنابراین قبل از ذکر نام خدا نباید از بلندی پرید، سر و صدا کرد و آب بریزید. برای اینکه آسیبی نبیند.

سعی کنید سمت راست را بگیرید تا در کنار جن نخوابید. و سپس مخفیانه به رویاهای خود بروید.

بوی بی‌دلیل آتش.. چیزی نیست جز حضور یکی از این موجودات در کنار شما؛ زیرا از آتش ساخته شده‌اند.

آن مخلوقات نمی‌توانند به کسانی که بر یاد خدای متعال استقامت کنند آسیبی برسانند.

گوش دادن به آهنگ : جن و شیاطین را به وجد می‌آورد.

روی چشم انسان پرده‌ای است که او را از دیدن جن و فرشتگان باز می‌دارد.



## {پایان جلد دوم}